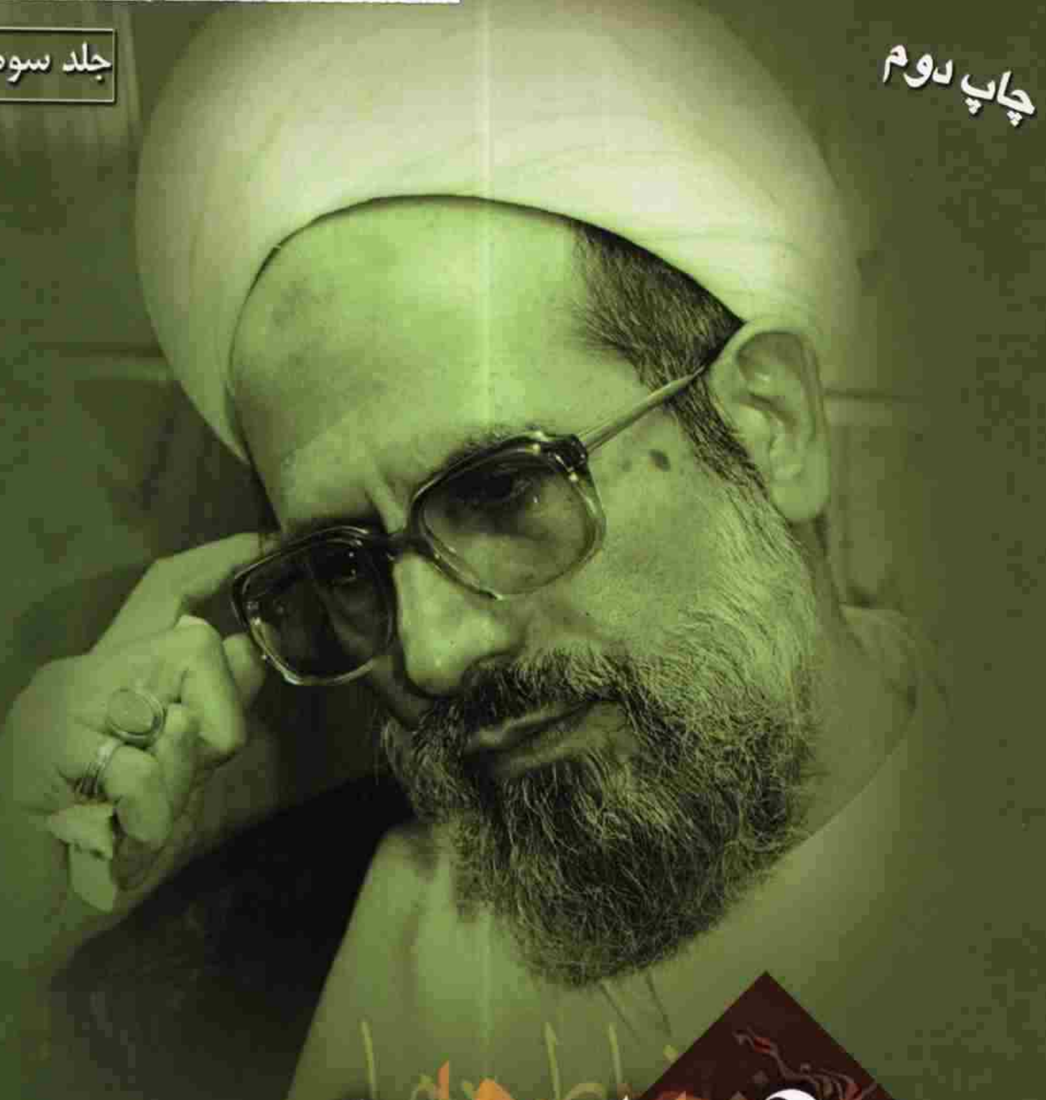
جلد سوم

چاپ دوم



خاطره‌ها

محمدی ری شهری

تأسیس وزارت اطلاعات
مقابله با شبکه های جاسوسی و تروریستی
تأسیس دادسرای ویژه ی روحانیت

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه: محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۳۲۵

عنوان و پدیدآور: خاطره‌ها (ج۳)/ محمد محمدی ری‌شهری.

مشخصات نشر: تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳

مشخصات ظاهری: ج. مصور

فروست: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۲۹۱، ۳۹۹، ۴۳۹ خاطرات: ۴۴، ۵۸، ۶۴

شابک: (دوره) ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۴-۸۶-۵ ۴۰۰۰۰ریال (ج.۱): ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۴-۸۵-۸
۲۹۰۰۰ ریال: (ج. ۲) ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۱۲۱-۳
۳۲۰۰۰ ریال: (ج.۳) ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۱۶۲-۶
۳۸۰۰۰ ریال: (۱. ج) چاپ سوم
۳۳۰۰۰ ریال: (ج.۲) (چاپ دوم): ۲۵۰۰۰ ریال: (ج.۳) (چاپ دوم)

یادداشت: ج. ۱ (چاپ سوم: ۱۳۸۶) (فیپا)

یادداشت: ج. ۳،۲ (چاپ دوم: ۱۳۸۶) (فیپا)

یادداشت: کتابنامه

مندرجات: ج.۱. ـ ج. ۲.نفوذهای حزب‌توده در نیروهای مسلح. ـ ج. ۳. تاسیس وزارت اطلاعات، مقابله با شبکه‌های جاسوسی و تروریستی تاسیس دادسرای ویژه‌ی روحانیت.

موضوع: محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۲۵ ـ خاطرات

موضوع: حزب توده ایران

موضوع: جاسوسی، ایران

موضوع: ایران ـ تاریخ ـ انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷

موضوع: ایران ـ تاریخ ـ جمهوری اسلامی ـ ۱۳۵۸

موضوع: ایران ـ نیروهای مسلح

شناسه افزوده: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

رده‌بندی کنگره: DSR /۱۶۷۰م۳آ۳ ۱۳۸۳

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۰۹۲

شماره کتابخانه ملی: م۸۳-۳۵۵۴

خاطره‌ها

«جلد سوم»

(تأسیس وزارت اطلاعات، مقابله با شبکه‌های جاسوسی و تروریستی و تأسیس دادسرای ویژه‌ی روحانیت)

انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: خاطره‌ها (جلد سوم) «تأسیس وزارت اطلاعات، مقابله با شبکه‌های جاسوسی و تروریستی و تأسیس دادسرای ویژه‌ی روحانیت»

تألیف: محمد محمدی ری‌شهری

نوبت چاپ: دوم، پاییز ۱۳۸۶ **شمارگان:** ۲۰۰۰

قیمت جلد شومیز: ۲۵۰۰ تومان **قیمت جلد گالینگور:** ۳۳۰۰ تومان

حروف‌چینی و لیتوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک (ج۳): ۶-۱۶۲-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-419-162-6

شابک دوره: ۵-۸۶-۸۱۳۴-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-8134-86-5

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پمپ‌بنزین اسدی، پلاک ۲۰۹۴،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

فهرست مطالب

فصل بیست و پنجم

فصل بیست و هفتم

فصل بیست و هشتم

فصل بیست و نهم

مقدمه

بی‌شک تشکیلات اطلاعات امنیتی یکی از مهمترین ارکان هر نظام حکومتی را تشکیل می‌دهند که حتی از دوران‌های قدیم نیز برای شناسایی عوامل نفوذی داخلی و پاییدن حرکات دشمن خارجی فعالیت می‌کردند. در یک کلام این تشکیلات را می‌توان چشم و گوش حکومت‌ها خواند، زیرا هشیاری و فراست چنین تشکل‌هایی می‌توانست از بروز وقایع سهمناک و بنیادبرافکن جلوگیری کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دشمنان داخلی و عوامل مزدور با خط‌گیری از ابرقدرت‌های شرق و غرب و رژیم متجاوز بعثی عراق، درصدد برآمدند تا با انجام عملیات‌های تروریستی و ایجاد شبکه‌های جاسوسی ملت بزرگ ایران را از حمایت جمهوری اسلامی مأیوس کنند و اطلاعات سری و حیاتی جنگ تحمیلی را به دشمن منتقل سازند. در این زمان جای سازمان اطلاعاتی در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران خالی بود که به همت مسئولان دلسوز نظام و رهبری و هدایت امام خمینی (ره) این سازمان نیز تشکیل شد. علی رغم صورت مرسوم آن در کل دنیا این تشکیلات به صورت وزارتخانه‌ای طراحی شد که آقای ری‌شهری یکی از کوشندگان این راه بود.

این کتاب که سومین جلد از مجموعه‌ی خاطره‌ها می‌باشد، در پنج فصل ساماندهی شده است که چگونگی تأسیس وزارت اطلاعات و مقابله با شبکه‌های جاسوسی و تروریستی را تشریح می‌کند. نویسنده قبل از هر چیز بر لزوم تشکیل چنین وزارتخانه‌ای اصرار کرده و همواره از مشورت با امام خمینی (ره) برای تأسیس و اداره‌ی وزارتخانه سخن می‌گوید. او

علاوه بر تشریح وقایع مربوط به عوامل بمب‌گذاری و ترور، مقابله با سازمان فداییان اکثریت مقابله و مبارزه با سازمان منافقین در داخل و خارج کشور، فعالیت زیر نظر رهبری را به وزارت اطلاعات توصیه می‌کند؛ امری که در همه‌جای دنیا نیز مرسوم بوده و هست.

فصل پایانی کتاب به تأسیس یکی از حساس‌ترین تشکل‌های انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کند. دادگاه ویژه‌ی روحانیت که برای نظارت بر اعمال و رفتار روحانیون خاطی تأسیس شد به جهت حساسیت کار این قشر در نظام جمهوری اسلامی اهمیتی مضاعف داشت که در این فصل به چگونگی رسیدگی به مسئله‌ی آقای منتظری پرداخته شده است.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی ضمن تقدیر و تشکر از آقای ری‌شهری به خاطر تدوین خاطرات خود، از تمامی همکاران پرتلاش معاونت محترم انتشارات قدردانی می‌کند. چاپ این اثر می‌تواند قدمی برای شناساندن مسئولان دلسوز نظام باشد. ان شاءالله.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیش‌گفتار

خاطره‌های مربوط به دوران تصدی وزارت اطلاعات، مهم‌ترین بخش خاطرات سیاسی این جانب است، از این رو جلد سوم و چهارم کتاب «خاطره‌ها» برای آگاهی همگان، به‌ویژه نسل جوان و تاریخ‌نگاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری هنگامی که بولتن مورخ ۱۳٦۷/۸/۲ وزارت اطلاعات که در ارتباط با «روانشناسی فراریان ضد انقلاب در بلوک شرق» بود را ملاحظه کردند، خطاب به اینجانب پی نوشت نمودند:

«جناب آقای ری‌شهری

تهیه‌ی کتاب خاطرات بسیار مفید و مهم است، مخصوصا اگر مشتمل بر تحلیل کمتر و خاطره‌ی بیشتر باشد، خوب است دستور فرمایید آن طرح عملی شود ٦۷/۸/۹»[۱]

اینجانب در تاریخ ۱۳٦۷/۸/۱۲ به معاونت بررسی دستور اقدام دادم ولی طولی نکشید که مسئولیت اینجانب در وزارت اطلاعات پایان یافت نمی‌دانم کاری در این رابطه انجام شد یا نه، بی‌تردید اگر در همان ایام کتاب خاطرات تهیه می‌شد کامل‌تر و مفیدتر بود اما کتاب حاضر که با مساعدت همکاران سابق و کارشناسان ذی‌ربط تهیه شده نیز برای پژوهش‌گران بسیار مفید و کارساز است.

محمدی ری‌شهری

۱۳۸۵/۵/۲۰

---

۱. ر. ک. به: پیوست شماره ۱

فصل بیست و چهارم

تأسیس وزارت اطلاعات

۱/۲٤

شش سال و نیم حکومت بدون نظام اطلاعاتی!

تشکیلات اطلاعات امنیتی یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای هر نظام سیاسی است. سیستم اطلاعاتی در واقع شبکه‌ی اعصاب و چشم و گوش نظام است که بدون آن تأمین امنیت جامعه و تداوم حکومت امکان‌پذیر نیست. در نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران که با انقلاب اسلامی و با اتکا بر اراده‌ی مردم ـ با وجود مخالفت رژیم‌های مستکبر شرق و غرب و حمایت آنها از رژیم گذشته ـ به پیروزی رسیده بود، ضرورت تأسیس تشکیلات اطلاعاتی قوی مضاعف می‌شد؛ به ویژه آنکه این انقلاب در منطقه‌ی جغرافیایی حساسی مانند ایران به وقوع پیوسته بود و به دلایل مختلف، سازمان‌های اطلاعاتی ابرقدرت‌ها و به خصوص آمریکا برای نفوذ در ارگان‌های آن سرمایه‌گذاری سنگینی کرده بودند.

اما تازه‌کار بودن مسئولان سیاسی انقلاب اسلامی و خاطره‌های تلخ جنایات ساواک مانع ایجاد تشکیلات اطلاعاتی بود؛ به گونه‌ای که در طراحی ارگان‌های جمهوری اسلامی جایگاهی برای ایجاد این تشکیلات مهم و فوق‌العاده ضروری در نظر گرفته نشد. این بود که بیش از شش سال ونیم جمهوری اسلامی ایران فاقد نظام اطلاعاتی متمرکز بود و در این مدت هر چه از عمر انقلاب اسلامی می‌گذشت توطئه‌ها جدید کشف می‌شد. و اگر عنایت خداوند متعال و رهبری هوشمندانه‌ی امام خمینی و حمایت مردم نبود بسیاری از این توطئه‌ها انقلاب را از پا درمی‌آورد.

بدین ترتیب احساس نیاز به تشکیلات اطلاعاتی برای ارگان‌های نظامی و امنیتی جدی شد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واحد اطلاعات تشکیل داد، کمیته انقلاب اسلامی که امنیت درون شهری را تأمین می‌کرد واحد اطلاعات بنیاد نهاد، نخست‌وزیری معاونت اطلاعات و تحقیقات درست کرد[1] و در ارتش نیز در کنار رکن دوم، کمیته‌ی اطلاعات ـ امنیتی تشکیل شد.

اما هیچ یک از این ارگان‌ها پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی کشور نبودند. علاوه بر این، موازی کار کردن آنها نیز مشکل‌آفرین بود. از این رو در جریان کشف کودتای نوژه برای هماهنگ کردن فعالیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی ستاد خنثی‌سازی کودتا در اداره‌ی دوم ارتش تشکیل شد.[2]

به تدریج ارگان‌های اطلاعاتی احساس کردند که تمرکز فعالیت‌های اطلاعاتی ضروری است، لیکن هنوز زمینه‌ی لازم برای ایجاد تشکیلات رسمی به این نام وجود نداشت.

روزی آقای سرگرد محسنی که در آن وقت ریاست واحد اطلاعات و ارشاد نیروی هوایی را به عهده داشت، به یکی از اعضای شورای انقلاب - اطال الله عمره - پیشنهاد کرده بود که اطلاعات امنیتی کشور متمرکز شود و آن بزرگوار متصدی آن گردد. آن بزرگوار از این پیشنهاد خیلی ناراحت شده بود، به گونه‌ای که در ملاقاتی که با او داشتم وقتی سخن از این پیشنهاد شد،[3] ایشان گفت: « این مردیکه ـ سرگرد محسنی ـ به من پیشنهاد می‌کند که تو مسئول اطلاعات بشو، خیلی از او بدم آمد»!

این سخن نشان می‌دهد که ایجاد پایگاه اطلاعاتی متمرکز در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب تا چه حد با مشکل مواجه بود.

باری، فقدان سیستم اطلاعاتی متمرکز، پاسخگو نبودن ارگان‌های اطلاعاتی موجود و اختلاف سلیقه‌ی مسئولان قضایی و اطلاعاتی، سبب شد که در جریان برخورد با منافقین دادسرای انقلاب اسلامی تهران نیز وارد فعالیت‌های اطلاعاتی شود. همچنین پس از جریان

---

۱. گفتنی است که اطلاعات نخست‌وزیری در زمینه‌ی اطلاعات خارجی و ضدجاسوسی فعالیت داشت.
۲. ر. ک به: جلد اول خاطره‌ها، ص ۱۴۹
۳. سرگرد محسنی نیز به من گفته بود که چنین پیشنهادی را به ایشان داده است.

انفجار نخست‌وزیری[۱] و دادستانی کل و شهادت آیت الله قدوسی،[۲] اینجانب نیز به تأسیس واحد اطلاعات و تحقیقات در کنار دادگاه انقلاب ارتش اقدام کردم و همین امر سبب آشنایی من با مسائل مربوط به اطلاعات امنیتی گردید.

در همین ایام بود که سلسله درس‌هایی برای کارگزاران اطلاعات تحت عنوان « جرایم امنیتی در اسلام» و نیز «اخلاق اطلاعاتی» ارائه کردم که به صورت نوار ویدئویی ضبط شد و مکرر مورد استفاده‌ی واحدهای مختلف اطلاعات قرار گرفت.

---

۱. ر.ک به: جلد اول *خاطره‌ها*، ص ۱۸۳

۲. ر. ک به: جلد اول *خاطره‌ها*، ص ۱۸۷

۲ /۲٤
قانون تأسیس وزارت اطلاعات

کشف توطئه‌های گوناگون مانند کودتای نافرجام نوژه، واقعه‌ی طبس، فعالیت‌های پیچیده‌ی حزب توده و بالاخره اوج فعالیت‌های تروریستی منافقین در سال ۱۳٦۰، سبب شد که مسئولان سیاسی جمهوری اسلامی به تدریج تصمیم به ایجاد تشکیلات متمرکز اطلاعاتی بگیرند که اگر این تصمیم زودتر گرفته می‌شد، می‌توانستند از بسیاری خسارت‌ها و به ویژه از دست دادن شخصیت‌های بزرگی چون شهید مطهری و شهید بهشتی پیشگیری کنند.

انفجاری عظیم در میدان امام و تسریع در تهیه‌ی قانون وزارت اطلاعات

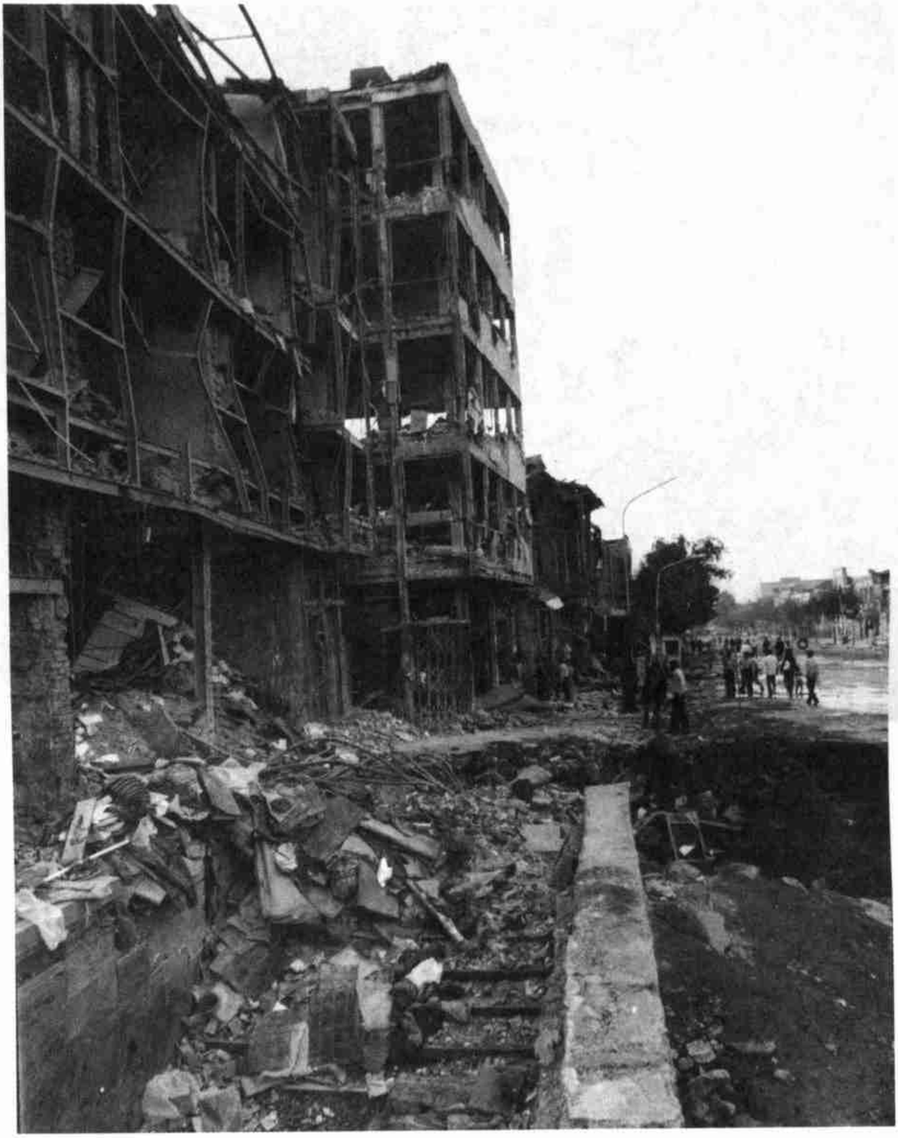
به دنبال عملیات موفقیت‌آمیز سپاه اسلام در غرب کشور که با نام «مسلم بن عقیل»[1] اجرا شد، در تاریخ ۱۳٦۱/۷/۹ روز جمعه، ساعت ۸:۳۵ بعدازظهر، در کنار مسافرخانه‌ی «زیبا پارک» در میدان [2] امام خمینی و در نزدیکی ساختمان مخابرات بمبی منفجر شد. قدرت انفجار این بمب را که در کامیونی کار گذاشته شده بود، حدود قدرت ۱۵۰کیلو تی.

---

۱. این عملیات با هدف آزادسازی چندین ارتفاع مرزی و تصرف ارتفاعات مشرف به شهر مندلی در منطقه‌ی عملیاتی غرب سومار به مدت هفت روز طی دو مرحله انجام گرفت. در این عملیات علاوه بر آزادسازی و پاکسازی ۱۵۰کیلومتر از خاک ایران پاسگاههای مرزی به اسامی سلمان گشته، سان بابا، قلعه جوق، سومار، جبان تنگ و کانی شیخ از دست دشمن آزاد شدند (*پس از بحران، کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی*، سال ٦۱، ص ۲٦۵)

۲. گفتنی است که بمب دیگری در تاریخ ٦۱/۵/۷ در همین میدان در یک اتومبیل رنجرورد کار گذاشته شده بود که قبل از انفجار توسط مأموران آگاهی شهربانی کشف شد و عاملان آن دستگیر و در تاریخ ۱۳٦۱/۸/۱ توسط اینجانب محاکمه شدند. (ر. ک به: پیوست شماره‌ی ۲)

ان. تی. برآورد کردند. شدت انفجار به حدی بود که در محل انفجار، طبق گزارش روزنامه‌ی کیهان گودالی به طول شش متر و عمق سه متر ایجاد شد. براساس آخرین گزارش خبرنگار کیهان از مرکز پزشکی، در ساعت ۱۱:۱۵ صبح روز ۱۳۶۱/۷/۱۰ ٦٤ تن، از شهدای این حادثه به پزشکی قانونی منتقل گردیدند. همچنین ۲۱۷ نفر از مجروحین در بیمارستان‌ها بستری و ۱۱۷ نفر سرپایی معالجه شدند. برخی از گزارش‌ها شمار مجروحین را ٦٥۰ نفر ذکر کرده‌اند.





در یک راهپیمائی گسترده

امت حزب‌الله حادثه انفجار بمب توسط مزدوران امریکا را محکوم کردند

۱۰ /۷/ ۱۳۶۱



*** یک شاهد عینی چگونگی لحظات پس از انفجار بمب را برای خبرنگار کیهان تشریح کرد**

بدنبال انفجار بمب بوسیله عوامل داخلی مزدور آمریکا درخیابان ناصر خسرو عده‌ای ازافراد حزب‌الله تازی‌آباد بعداز راهپیمائی عظیمی در خیابانهای اطراف محل حادثه، مقارن ظهردیروز مقابل‌روزنامه کیهان اجتماع کردند و این عمل جنایتکارانه را محکوم نمودند.

براساس گزارش خبرنگار کیهان گروهی از امت حزب‌الله ومیتیه در منطقه از اهالی تازی‌آباد دیروز در حالی که عکسهائی از امام و آیت‌الله منتظری را حمل می‌کردند طی تظاهرات گسترده‌ای از میدان امام‌خمینی بسوی دادگستری حرکت کردند و باشعار هائی این اعمال جنایتکارانه را محکوم کردند. تظاهر کنندگان از کاخ دادگستری به مقابل پزشکی قانونی ووزارت کشور رفتند وبعداز سخنرانی و نوحه‌خوانی وسینه زنی ودادن شعارهائی از قبیل بمب، تیرور، شکنجه دیگر اثر نداری تا انقلاب مهدی‌نهضت ادامه دارد به مقابل روزنامه اطلاعات رفته ومقارن ظهر دیروز جلوی روزنامه کیهان اجتماع نمودند.

حاضرین در تظاهرات ابتدا طی شعارهائی ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه خواستار قاطعیت بیشترنهادهای قانونی در مقابل منافقین و عاملین این گونه جنایتهاشدند سپس یکی از برادران که خود در حادثه انفجار حاضر بوده شروع بسخنرانی کرد وخطاب بعاملین این فاجعه گفت: شما عزیزان ما را قتل‌عام کردید وکشتید، شما بدانید که نمی‌توانید با برادران پاسدار و انتظامی ما دست وپنجه نرم کنید. این امت را بخاک وخون می‌کشید ولی ما اعلام می‌کنیم این امت حزب‌الله برای حفظ انقلاب اسلامی تاآخرین نفس خواهد ایستاد.

وی اضافه کرد:

ما هزاران‌شهیدبدیگر خواهیم داد تا انقلابمان رابه امام‌زمان برسانیم وشما مردم بیاید به صحنه بیائیدکه دشمن ازحضور شما در صحنه وحشت دارد، و بهمین جهت شما مردم و شما کارگران وبچه‌ها‌مانرا بخاک وخون می‌کشندولی دشمن‌بداند که ما تاآخرین نفس در صحنه هستیم واز انقلاب‌اسلامی دفاع خواهیم کرد.

خبرنگار کیهان می‌افزاید: جمعیت حاضر بعداز سخنرانی به دادن شعارهایی از قبیل:

مرگ برآمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر منافق، پرداخته و آنگاه به نوحه خوانی و سینه زنی و در حالیکه شدیداً تحت‌تاثیر قرار گرفته بودند با دعابرای سلامتی امام امت و پیروزی رزمندگان اسلام و نابودی منافقین مراسم را به پایان رساندند.

در پایان راهپیمائی برادر تقی حدادزاده مشاهدات عینی خود را از فاجعه انفجار بمب برای خبرنگار کیهان توضیح داد.

او گفت: دیشب حدود پنج دقیقه بعداز انفجار بود که به محل حادثه آمدم. بعداز انفجار تنها چیزی که درمحل حادثه مشاهده میشد تاریکی و دود مطلق بود. از هرطرف صدای ناله بلند بود. من خودم حدود ۲۰ تا ۳۰شهید ومجروح را به بیمارستان حمل کردم از جمله ۳ کودک را که متاسفانه در آمبولانس حین انتقال بـه بیمارستان به شهادت رسیدند. همچنین یک دختر خانم ۱۷ــ ۱۸ ساله را که نیمه‌جان بود به آمبولانس انتقال دادیم که او نیز در بیمارستان بـه شهادت رسید.

در محل حادثه تعدادزیادی از مردم بودند که تکه گوشتی از اعضاء بدن انسان را بدست گرفته و حیران‌وپریشان دنبال این بودند که این‌ها را کجا ببرند و چه کار بکنند. بعداز انفجار ما حضور یکپارچــه مردم را در صحنه مشاهـده کردیم و خودم وقتی کــه می‌خواستم به محل حادثــه بیایم مردم زیادی را دیدم که از جنوب‌شهر پیاده یا با موتور و یا مرجور که می‌توانستند عازم محل حادثه بودنــد. فداکاری و فعالیت مردم واقعا عجیب بود. همچنین حضور و فعالیت خستگی‌ناپذیر برادران پاسدار، ماموران انتظامی و امدادگر روحیه خاصی به‌مردم میداد. بعداز حمل مجروحین به محل انفجار بمب رفتم و دیدم گودالی به طول و عرض و ارتفاع ۵ متر بوجود آمده است.

وی سپس در مورد روحیه مجروحین حادثه گفت:

بعد یک‌خانمی را که‌مجروح بود در آمبولانس گذاشتیم‌او با آن حـــال ضعف ناشی از جراحات وارده گفت: ما از جنوب کشور آمدیم اینجا در مسافرخانه که صبح بـرای دیدن یکی ازاقوام مجروحمان به بیمارستان برویم و حالا که من مجروح شده‌ام بچه‌هایم نیز شهید شده‌اند.

در بیمارستان بازرگـانان جهت کمک در امر شناسائی

اجساد شهدا به مرده‌خانه رفتیم و من در آنجا کارگری را دیدم که فقط دو سه تومان پول توی جیبش بـــود و دالان خستگی و کوفتگی ناشی از کار روزانه با وضع فجیعی به شهادت رسیده بود. مسئله قابل توجه اینکه اکثر قریب باتفاق مجروحین و شهدا از طبقات مستضعف و محـروم جامعه بودند.

این شاهد عینی چنین اضافه کرد:

در یکی از بیمارستانها یکی از افرادی که شدیدا مجروح شده بود از من خواست به خانواده‌اش تماس بگیرم و بـه آنها بگویم بیایند تا او را به محل حادثه ببرند وقتی از او علت این امر را سئوال کـردم گفت: میخواهم آن‌جنایتکاران ببینند که من هنوز زنده‌ام و هنوز مقاومت می‌کنم و آنهـا نتوانستند با این عمل بـه آرزوی خود برسند.

همچنین دریکی از بیمارستانها بچه ۱۱ساله‌ای که مجروح بود اصرار داشت که بگذارند برود بیرون و می‌گفت کـه تازه از اهواز آمده‌ایم و مـن می‌خواهم بروم‌مادرم وخانواده‌ام را پیدا کنم.

همچنین خانمی را دیدم که با روحیه‌ای بسیار عالـی و خونسردی خاص می‌گفت:

نمیدانم بچه‌ام‌شهیدشده است یا نه. او می‌گفت که خودش دیده است که بچه‌اش را سوار آمبولانس کرده‌اند.



پیام امام خمینی

امام خمینی رضوان الله تعالی به مناسبت این فاجعه‌ی جانخراش پیامی بدین شرح صادر کردند:

«بسم الله الرحمن الرحیم

اناالله و انا الیه راجعون

انفجار جنایت بار عظیمی که شب گذشته (پریشب) صدای مهیب آن را شنیدیم و حجم عظیم آن را در وسائل ارتباط جمعی خواهید دید و شنید، در جنوب شهر تهران در بین جماعت مظلومین که از طبقه‌ی مستضعف و مستمند تشکیل می‌شود اتفاق افتاد و صدها بی‌گناه و مظلوم را شهید و مجروح کرد و کودکان نورس را در آغوش مادران به هلاکت رساند و شرافت و انسانیت را به سوگ نشاند و چهره‌ی قبیح آمریکائیان منافق و منحرف را بیشتر ظاهر کرد.

اینان انتقام شکست مفتضحانه‌ی خود را از مظلومان متعهد به اسلام جنوب شهری می‌گیرند و شکست خود را از چشم آنان می‌بینند. جنوب شهری‌های محروم و طبقه‌ی مظلوم در طول تاریخ با تعهد به ارزش‌های انسانی و اسلامی بیشتر و مصمم‌تر در مقابل قدرت‌ها و وابستگان و دلباختگان به آنها به‌پاخاسته و برمی‌خیزند. اینان هستند که با مشت گره‌کرده‌ی خود و حضور دائم در صحنه‌ی اسلام قدرت‌ها را درهم کوبیده و طمع‌کاران را که به دنبال قدرت‌ها بودند، مأیوس نمودند. سربازان و سپاهیان و بسیجیان و سایر قوای مسلح امروز ما نیز در همین طایفه و طبقه هستند و ملت عزیز ما می‌بینند که هر وقت پیروزی نصیبشان می‌شود و رزمندگان دلیر و مجاهد ایران دشمنان اسلام و ملت‌ها را شکست داده، به عقب می‌رانند. به انگیزه‌ی انتقام از آنان یک عده مظلوم را به خاک می‌کشند و عقده‌های خود را می‌گشایند و به گمان باطل خود می‌خواهند تزلزل و سستی در رزمندگان شجاع به وجود آورند.

اینان قدرت اسلام و ایمان را نشناخته و با انگیزه‌های حیوانی و غربی خود ملت اسلام را می‌سنجند. اینان از فهم حقایق محروم و از انگیزه‌های الهی بی‌خبرند.

« صم بکم عمی فهم لایعقلون»

و شاید یکی از انگیزه‌های باطل آنان آن است که اذهان ملت ایران و ملت‌های مظلوم جهان را از شکست مفتضحانه‌ی آمریکا در جنگ صدام عفلقی و رانده شدن او از ایران منحرف و به این فاجعه‌ی بزرگ متوجه کنند و بهانه به دست رسانه‌های گروهی خارجی دهند تا با تبلیغات دامنه دار خود بر این شکست بزرگ آمریکا و نوکر بی‌اراده‌اش صدام پرده‌پوشی کنند یا از حجم بزرگ پیروزی رزمندگان شجاع بکاهند. غافل از آنکه ملت انقلابی ایران دفاع از اسلام و قطع دست شیطان بزرگ از منطقه را در رأس برنامه‌های خود می‌داند و در عین حال که هر انسانی که از فطرت الهی خود خارج نشده برای این جنایت بزرگ و برای به شهادت رسیدن یک عده کودک و بزرگ بی‌گناه در سوگ است و از مصدوم و مجروح شدن برادران خود متأثر و متأسف است. پیروزی غرورآفرین و کفرشکن سلحشوران جبهه‌ها را از یاد نمی‌برد و ملت بیدار ایران حیله‌های شیطانی این تبهکاران را شناخته و مرتکبین آنان را نیز می‌شناسند و افکار آنان را چون افکار اسرائیل در جنایت حیوانی خود به بیروت می‌داند.

اینجانب پیروزی بزرگ سلحشوران ایران را به اسلام و ولی الله الاعظم ارواحنا له الفدا و ملت شریف ایران تبریک و این فاجعه‌ی دردناک را به همگان، به‌ویژه به بازماندگان و مادران و پدران این مظلومان تسلیت عرض می‌کنم».

نخست‌وزیر خواستار تصویب طرح سازمان اطلاعات

مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر به عیادت مجروحان و مصدومان حادثه رفت و پس از احوال‌پرسی و گفتگوی با آنان، ضمن مصاحبه‌ای درباره‌ی علت این حادثه و برنامه‌های دولت برای پیشگیری از بروز این گونه حوادث چنین گفت:

«برای فهم علت این انفجار ما باید به فتح و پیروزی رزمندگان در جبهه‌ها و واکنش سیاسی آن در جهان و همچنین روحیه‌ی مقاوم مردم بعد از انفجار توجه کنیم. ضدانقلاب با این حرکت می‌خواست روحیه‌ی ایثارگرانه‌ی امت مقاوم ما را از بین ببرد تا اثرات این پیروزی‌ها و شعارهای الله اکبر خنثی شود. نخست وزیر افزود: هجومی که بر علیه ما انجام می‌شود به خاطر همین شعارها بر منافقین است.

ما و ملت‌مان گناهی نداریم به جز اینکه می‌خواهیم بمانیم و در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستیم و آزاد زندگی کنیم و پیام آزادی بخش جهان اسلام را به سراسر جهان برسانیم. وی افزود: آنچه من تصور می‌کنم و باید به آن توجه داشت این است که جبهه‌ی ما فقط در مرزهای غربی و جنوبی محدود نمی‌شود، بلکه سراسر کشورمان جبهه است و اگر رزمندگان ما در جبهه‌ی ما توانسته‌اند پیروزی‌هایی به دست آورند، به خاطر انسجام مردم و همین شعارها است. این شهدا و مجروحین جدا از شهدا و مجروحین مرزها نیستند؛ چرا که همه به خاطر یک ایده و یک هدف دچار تهاجم‌های دشمن می‌شوند. اما دشمن همان‌طور که در جبهه‌ها با شهید گرفتن و مجروح گرفتن نتوانسته است مانع پیروزی‌های ما بشود در داخل هم نخواهد توانست و بر اثر همین تهاجمات است که روحیه‌ی مردم ما منسجم‌تر می‌شود. نخست‌وزیر در مورد برنامه‌های دولت برای جلوگیری از بروز این‌گونه حوادث گفت: ما به طور گسترده در این زمینه عمل می‌کنیم و ضربه‌هایی که بر منافقین و گروهک‌ها زده شده، علی‌رغم تمام مشغولیات ما در جبهه‌ها، بسیار عظیم بوده است. وی گفت: ضدانقلاب در داخل از نظر سیاسی و اجتماعی پایگاهی ندارد و در حال حاضر دچار وضعیت وخیمی است. ما ضربات سختی به گروهک‌ها وارد آورده‌ایم و در آینده هم ضربات مهلک‌تری خواهیم زد و تا وقتی که این انقلاب ادامه داشته باشند باید منتظر چنین حرکت‌هایی باشیم و ملت ما حاضر است به ایثارگری های خود ادامه دهد تا نخاله‌های آمریکا را از بین ببرد. مهندس موسوی در ادامه‌ی سخنانش گفت: مطلب مهم این است که در کنار فعالیت‌های منسجم دولت در تصویب لایحه‌ی طرح سازمان اطلاعاتی در کشور می‌بایست تسریع شود و برادران نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی باید این مسئله را مورد توجه قرار دهند تا طرح مزبور هر چه سریع‌تر به مرحله‌ی اجرا درآید.

من انتظار دارم برادران نماینده به مسئولیتی که دولت در قبال این مسائل دارد توجه داشته باشند و هر چه زودتر تکلیف این طرح را روشن کنند؛ زیرا که طرح مزبور

می‌تواند در مقابله با این حرکات مؤثر باشد. اما آنچه که می‌تواند مهم باشد همان حضور مردم در صحنه است».[۱]

بدین‌سان موضوع تهیه و تصویب طرح سازمان اطلاعاتی کشور به طور جدی در دستور کار دولت و مجلس شورای اسلامی قرار گرفت.[۲]

سازمان یا وزارت؟

هرچند ضرورت ایجاد تشکیلات متمرکز اطلاعاتی مورد اتفاق بود، اما در اینکه این تشکیلات به صورت سازمان باشد یا وزارتخانه و به کدام نهاد مرتبط باشد، اختلاف نظر وجود داشت. ظاهراً در این باره چهار نظر وجود داشت: عقیده‌ی گروهی این بود که اطلاعات کشور باید زیر نظر سپاه پاسداران باشد؛ زیرا در آن تاریخ بیشترین فعالیت منسجم اطلاعاتی در واحد اطلاعات سپاه انجام می‌شد. عده‌ای معتقد بودند تشکیلات اطلاعاتی باید زیر مجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه قرار گیرد. جمعی می‌گفتند اطلاعات باید در تشکیلات ریاست جمهوری طراحی گردد. و عده‌ای هم بر این باور بودند که اطلاعات در جمهوری اسلامی مانند همه‌ی کشورها باید در مجموعه‌ی بالاترین مقام کشور یعنی رهبری تعریف شود.

سرانجام توافق شد لایحه‌ی قانون تأسیس وزارت اطلاعات تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه شود. گفتنی است که در تهیه‌ی این قانون تجربه‌ی سایر کشورها مورد استفاده قرار نگرفت، بلکه از ترس قدرتمند شدن این تشکیلات و اینکه مبادا تجربه‌ی تلخ ساواک رژیم گذشته تکرار شود، جایگاه تشکیلاتی اطلاعات به صورت وزارتخانه طراحی شد تا از یک سو رئیس‌جمهور و نخست وزیر ـ بر اساس قانون اساسی قبل از بازنگری ـ و از سوی دیگر مجلس شورای اسلامی بر آن نظارت و اشراف داشته باشند.

---

۱. روزنامه *کیهان* ۱۳۶۱/۷/۱۱

۲. گفتنی است که تقریباً دو سال پس از این حادثه و تصمیم جدی در مورد تأسیس تشکیلات اطلاعاتی برای کشور، وزارت اطلاعات تشکیل شد و پس از تأسیس وزارت اطلاعات در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۱۹ یعنی کمتر از دو ماه ازآغاز کار وزارت اطلاعات عاملان این بمب گذاری و چند بمب گذاری دیگر دستگیر گردید. ر. ک به: ص۱۰۳ «۲/۲۵»

علاوه بر این، پیش از تصویب قانون وزارت اطلاعات در تاریخ ۱۳٦۲/۲/۲۹ قانون تعیین ضوابط و شرایط وزیر اطلاعات با حضور شورای نگهبان تصویب شد.[۱] طبق این قانون وزیر اطلاعات باید واجد شرایط زیر باشد:

۱ـ از نظر تحصیلات در حد اجتهاد؛

۲ـ اشتهار به عدالت و تقوا؛

۳ـ داشتن سابقه‌ای روشن از نظر سیاسی و مدیریت؛

٤ ـ عدم عضویت در احزاب – سازمان و گروه های سیاسی.

بدین سان عدالت و اجتهاد که طبق قانون اساسی شرط تصدی ریاست قوه‌ی قضائیه، ریاست دیوانعالی کشور و دادستانی کل کشور است، برای تصدی مسئولیت وزارت اطلاعات نیز طبق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی شرط گردید. افزون بر این، وزیر اطلاعات شرط دیگری هم باید داشته باشد و آن اینکه عضو هیچ حزبی نباشد؛ در صورتی که برای تصدی ریاست قوه‌ی قضائیه چنین شرطی نیست!

از سوی دیگر در ماده‌ی ۱۲ قانون تأسیس وزارت اطلاعات نیز شرط اخیر در مورد همه‌ی کارگزاران نظام اطلاعاتی کشور تکرار شد که:

«هیچ یک از کارکنان این وزارتخانه و سازمان‌های حفاظت اطلاعات و واحدهای اطلاعاتی نباید عضو هیچ حزب یا سازمان و گروه سیاسی باشند».[۲]

این شرایط در مورد وزیر و کارکنان وزارت اطلاعات نشان‌دهنده‌ی عمق نگرانی و حساسیت دولت و مجلس نسبت فعالیت‌های این وزارتخانه است.

به هر حال قانون تأسیس وزارت اطلاعات در تاریخ ۱۳٦۲/٥/۲۷ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳٦۳/٦/۱۰ پس از تأیید شورای نگهبان به دولت ابلاغ شد.[۳]

نکته‌ی قابل توجه اینکه نگرانی دولت و مجلس از آینده‌ی وزارت اطلاعات سبب شد که قانون تأسیس وزارت اطلاعات سراسر تکلیف و مسئولیت باشد، اما اینکه این وزارتخانه وظایف خود را با کدام ابزار و امکانات قانونی باید انجام دهد؟ مشخص نبود!

---

۱. ر. ک به: ***اطلاعات و قانون***، ج ۳، ص ١٤

۲. ر.ک به: پیوست شماره‌ی ۳

۳. ر. ک به: پیوست شماره‌ی ۳

در ایام تصدی وزارت اطلاعات مکرر می‌گفتم اگر کسی در قانون تأسیس این وزارتخانه، برای انجام آن همه وظایفی که در این قانون به عهده‌ی وزارت گذاشته شده، تنها یک ابزار قانونی پیدا کند من به او جایزه می‌دهم!

باری، این قانون نواقصی دارد که درآینده به آن اشاره خواهم کرد[1].

۱. ر. ک. به: ص ٦۳

۳/۲٤

عدم رأی اعتماد مجلس به نخستین وزیر اطلاعات پیشنهادی دولت

پس از تصویب قانون تأسیس وزارت اطلاعات، آقای میرحسین موسوی نخست وزیر در تاریخ ۱۳٦۲/۱۲/۱ ـ اواخر کار دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی ـ آقای اسماعیل فردوسی‌پور را برای تصدی این وزارتخانه به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد.

سخنان نخست‌وزیر درباره‌ی معرفی نخستین وزیر اطلاعات پیشنهادی دولت به مجلس، نشان‌دهنده‌ی عدم توجه جدی مسئولان سیاسی کشور در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی به نیاز اداره‌ی کشور به نظام اطلاعاتی، نابسامانی‌های ناشی از آن و مشکلات پراکنده‌کاری در فعالیت‌های اطلاعاتی در آن مقطع است. به دلیل اهمیت تاریخی موضوع، متن سخنان آقای موسوی را در اینجا می‌آوریم:

معرفی نخستین نامزد وزارت اطلاعات

آقای مهندس میرحسین موسوی در تبیین نقش وزارت اطلاعات و معرفی آقای فردوسی پور چنین گفت:

«یکی از وزرایی که معرفی می‌شود برادر عزیزمان آقای فردوسی پور هست برای وزارت اطلاعات. ما نقش اطلاعات را امروز بیش از سابق برای خودمان احساس می‌کنیم. در اوان پیروزی انقلاب اسلامی اهمیت اطلاعات برای نظام جمهوری اسلامی حداقل برای خط حاکم اسلامی آن چنان‌که امروز اهمیتش مشهود هست

روشن نبود، ولی با این وصف یک عده‌ای دلسوز در اینجا و آنجا پیدا شدند، اهمیت قضیه را درک کردند، شروع کردند حرکت کردن. با اینکه ما در این زمینه هیچ نوع سابقه‌ای نداشتیم و برادرهایی که به این کار وارد شدند تقریباً از صفر شروع کردند (تقریباً نه یعنی به تحقیق) ولی به خاطر عشق انقلابی، شور انقلابی، اعتقاد به اسلام، اعتقاد به انقلاب اسلامی احساس خطر از سوی قدرت‌های بزرگ خودشان را در کوره‌ی حوادث و رویدادهای مهمی که برای انقلاب افتاد ساختند و خودشان را پیش کشیدند. البته ما در این زمینه قربانی‌های بسیار دادیم. یقیناً اگر از اول ما به اهمیت این مسئله واقف بودیم و انقلاب اسلامی از همان اول به صورت سازمان‌یافته‌ای برخورد می‌کرد، چه بسا ما این قربانی‌های بزرگ را نمی‌دادیم. ولی انقلاب ما به یک شکل خاص به پیروزی رسید و طبیعی بود که در درون آن چنین سازمان‌های از پیش اندیشیده شده‌ای وجود نداشته باشند. ولی عشق فرزندان این ملت این خلأها را پر کرد و ما به طور معجزه‌آسایی نیروهایی را در این زمینه دیدیم رشد کردند و بالیدند که واقعاً معجزه آفریدند در برخورد با نیروهای وابسته به شرق و غرب. و اینها خط مستقیم انقلاب را نگه داشتند و به حق همان طور که امام امت به آنها لقب سرباز گمنام دادند سربازان گمنام این انقلاب بودند که با گذشت خودشان، ایثار خودشان، کارهای شبانه روزی خودشان توان بخشیدند به این انقلاب و کمک کردند برای مقاومت انقلاب و پیشرفت انقلاب اسلامی. ما امروز می‌توانیم ادعا بکنیم که درست است الان یک سازمان منسجم در رابطه با اطلاعات نداریم و کارها پراکنده هست، ولی نیروهای کارآمدی داریم که از تمام توطئه‌ها از سوی همه‌ی دستگاه‌های اطلاعاتی جهنمی خارجی را دارند و می‌توانند برای امنیت انقلاب اسلامی بسیار کارآمد باشند. و امروز وزارت اطلاعات به هنگامی مطرح می‌شود و وزیرش پیشنهاد می‌شود که ما برخلاف سال ۵۷ در این زمینه نیروهای کارآزموده‌ی زیاد داریم و خودمان قدرت آنها را در برخورد با این احزاب و گروهک‌ها و مسائل برون مرزی و مسائل داخلی امتحان کرده‌ایم و دیده‌ایم که نمونه‌های آخری آن را باز هم می‌بینیم. البته مسئله [این است که] یک نوع پراکندگی در مسائل اطلاعات وجود دارد، در بخش‌های مختلف در ارگان‌های مختلف و نهادهای مختلف که یکی از وظایف وزیر جدید جمع‌آوری این

پراکندگی خواهد بود. یک نکته‌ای که بسیار مهم است و در مورد آن نیروهایی که در اطلاعات جمهوری اسلامی الان کار می‌کنند و باید به آن توجه بشود، این هست که تمام برادرانی که در این زمینه کار می‌کنند به خاطر اعتقاد و عشق عمیق‌شان به انقلاب اسلامی است که به دنبال این کار رفته‌اند. نیروهایی که در اطلاعات کار می‌کنند کاملاً شبیه همان نیروهایی هستند که در نهادهای انقلاب کار می‌کنند. در سیستم اطلاعاتی ما نظام اطلاعاتی که فعلاً وجود دارد، دستگاه‌های اطلاعاتی که وجود دارد، علی‌رغم اینکه ممکن است اختلاف سلیقه‌هایی هم باشد آن چیزی که حاکمیت دارد، همان طوری که اشاره کردم، عشق به امام است و عشق به اسلام و عشق به قرآن [و] عشق به حفظ انقلاب اسلامی است. همین هم هست که قدرت می‌بخشد به همین نیروهای ما، علی‌رغم این که هیچ کدام از این نیروها مثل سازمان‌های اطلاعاتی خارجی که ما می‌شناسیم دوره‌هایی را ندیده‌اند، دانشکده‌هایی را ندیده‌اند، هیچ‌کس تجربیاتی در اختیار آنها نگذاشته و افرادی واقعاً خودساخته هستند، یا به یک تعبیری انقلاب هست که آنها را ساخته است. طبیعی است که در رابطه با این نیروها وزیری که پیشنهاد می‌شود وزیری باید باشد که خودش مؤمن و معتقد به این ارزش‌ها باشد و بتواند با این روحیه‌ی نهادی برخورد بکند. و برادرانی که در اطلاعات کار می‌کنند در وجود او، در کنار او احساس بکنند که آن فرد مبشر ارزش‌های الهی و انقلاب اسلامی است و فردی است مکتبی دارای سابقه‌ی روشن، نزدیک به رهبری و تمام این خصوصیاتی است که ما از یک وزیر اطلاعات برای جمهوری اسلامی می‌خواهیم. وقتی برمی‌گردیم به گذشته و فعالیت‌های برادرمان آقای فردوسی‌پور، ما این مشخصات را به وضوح می‌بینیم. من در مورد مراتب فضل ایشان صحبت نمی‌کنم چرا که در این رابطه سایر برادرهایی که صلاحیت دارند صحبت خواهند کرد و طبیعتاً من نمی‌توانم در این زمینه خیلی به داوری بنشینم. فقط می‌توانم با شهامت برادرانی که به آنها اطمینان هست و نظام اطمینان دارد به این اطمینان برسم که این برادر همان ویژگی هایی را که نمایندگان محترم وضع کرده‌اند دارا است. ولی از نظر گذشته‌ی مبارزاتی ایشان، از نظر اینکه ایشان به طور قوی در یک خط مستقیم حرکت کرده، خوب چیزی است که می‌شود راحت به داوری نشست. ما در وزارت اطلاعات با اخباری که می‌رسد با اطلاعاتی که

می‌رسد، مسائل سیاسی عمیقی که مطرح هست، و فرازونشیب‌های اجتماعی چه آنهایی که ظاهر هست، چه آنهایی که در باطن جامعه جریان دارد به این وزارتخانه منعکس می‌شود، فردی را می‌خواهیم که بتواند آن خط مستقیم را حفظ بکند و اسیر این موج‌ها نشود، خودش را در مقابل این موج‌ها نبازد و بر اساس آن خط مکتبی که به آن اعتقاد دارد بتواند پیش برود. وقتی که به گذشته‌ی برادر دانشمندمان آقای فردوسی‌پور برمی‌گردیم می‌بینیم که این خط در زندگی ایشان نه در این پنج سال بعد از انقلاب بلکه از همان اول زندگی ایشان وجود داشته است. یک خط سیاسی روشن و یک خط مکتبی روشن، بدون تزلزل ما در فعالیت‌های ایشان، زندگی ایشان می‌بینیم که در آن شرح حالی که خدمت برادران داده شده وجود دارد (یعنی خوب نشان داده شده است) یک نکته‌ای که من فکر می‌کنم یک امتیاز بسیار بزرگی به شمار می‌آید برای برادرمان برای اینکه در این پست بسیار حساس است برای نظام ما خدمت بکند این نزدیکی ایشان و بودن ایشان در محضر امام برای سال‌های متمادی است. ما الان در نظام جمهوری اسلامی خودمان به وضوح می‌بینیم که در گوشه و کنار آن ستون‌های محکم و استواری که نظام را برپا نگه داشته‌اند کسانی هستند که از محضر امام امت فیض گرفته‌اند و افرادی هستند که در آن مکتب تربیت شده‌اند و نقش این عزیزان را ما در نگهداری این انقلاب احساس می‌کنیم. اتفاقاً دشمنان ما هم دشمنان این انقلاب اسلامی از اول هدف‌شان در جهت از بین بردن این نیروها که بسیار حساس هستند، برای نگهداری انقلاب اسلامی بوده است. ایشان جزو افرادی هستند که در این رابطه‌ی سابقه‌ی طولانی دارند و ما یقین داریم که این بودن متمادی دو معنا می‌تواند داشته باشد: هم تأثیر گرفتن ایشان از آن محضر پرخیر و برکت، مسأله‌ی دوم نشان دهنده‌ی ایستادگی ایشان روی خط اصیل انقلاب اسلامی از همان بدو پیدایش این خط هست که این هم برای ما اهمیت زیادی دارد. مسأله‌ی دیگری که در وزارت اطلاعات مطرح هست به اعتقاد من با قدرتی که وزارت اطلاعات دارد، مسائلی که در داخل وزارت اطلاعات هست، از نظر اسلامی شاید کسانی که در داخل مکاتب دیگر باشند این بحث برای‌شان مطرح نباشد، ولی برای ما مطرح است و مهم هم هست برای سرنوشت انقلاب اسلامی ما که واقعاً جایی است که افراد باتقوا در آنجا باید حضور داشته باشند. وزارت

اطلاعات با وزیر اطلاعات، با اطلاعاتی که به دست می‌آورد، امکاناتی که در دسترسش قرار می‌گیرد طبیعتاً نیروی زیادی در دستش متمرکز است و نقطه نقطه‌ای است که محل لغزش هست و تنها خداترسی، تقوا و عمیقاً در دامن مکتب پرورش پیدا کردن هست که می‌تواند کمک کار انسان باشد برای اینکه خدای نکرده به آن خواسته‌های ناشی از هوی و هوس‌ها نغلتد. این یک نکته بسیار بسیار مهم در وزارت اطلاعات است و من یقین دارم در قانونی که مجلس محترم آن را تصویب کرد وقتی که صحبت از مشخصات وزیر اطلاعات می‌شود یکی از جنبه‌هایش (نمی‌خواهم بگویم همه جنبه‌هایش) یکی از جنبه‌های به اصطلاح در حد اجتهاد بودن خوب، مسائل شرعی زیادی در وزارت اطلاعات مطرح است، این بوده، یک نکته دیگرش احتمالاً این مسئله بوده فردی که می‌رود عمیقاً با اسلام به صورت عمیقی آشنا باشد و تحت‌تأثیر آن ارزش‌ها باشد، فرد باتقوایی باشد و مجلس خودش حساسیت داشته به مسائل این وزارتخانه، طبیعی است که ما در وجود برادر عزیزمان همان طوری که در مجلس به خوبی این مسئله روشن هست و برادران آشنا هستند تقوا را در ایشان می‌شناسیم، همه در این زمینه اتفاق قول دارند، من از هر کس شنیده‌ام و خودم از دور و نزدیک شاهد بوده‌ام این خصوصیات را در ایشان به صورت قوی می‌شناسیم و خود این مسئله به صورت یک نیروی بازدارنده و یک نیرویی[است] که می‌تواند وزارت اطلاعات ما را سالم رشد بدهد و به پیش ببرد، می‌تواند در وزارت اطلاعات مطرح باشد. مسأله‌ی دیگر این است که ما طبیعتاً در این زمینه ان شاءالله موفق خواهیم بود، اگر مجلس رأی بدهد. و ما می‌دانیم در وزارت اطلاعات (الان من به طور خیلی خلاصه و مجمل اشاره می‌کنم) مسئله تألیف نیروها بسیار بسیار اهمیت زیادی دارد و در این رابطه ما اعتقاد داریم که برادرمان فردوسی پور فرد موفقی می‌تواند باشد.»[1]

پس از سخنان نخست‌وزیری، کاندیداتوری آقای فردوسی‌پور با مخالفت جدی و گسترده‌ی نمایندگان مجلس روبه‌رو شد. نمایندگان مخالف به تفصیل درباره‌ی عدم توانایی

---

۱. در روزنامه رسمی، ۱۳٦۲/۱۰/۱

آقای فردوسی پور برای تأسیس وزارت اطلاعات سخن گفتند، و در ادامه آقای فردوسی پور بدین گونه از خود دفاع کرد:

متن سخنان آقای فردوسی پور

«بسم الله الرحمن الرحیم. سلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

با درود و سلام به ارواح پرفتوح شهدای اسلام و آرزوی موفقیت و پیروزی کامل و نهایی برای رزمندگان عزیزمان در جبهه‌های نور علیه ظلمت و با تشکر از همه‌ی برادران عزیز مخصوصاً برادران موافق و همچنین برادران مخالف. من وقتی گوش می‌کردم این موضوع برای من مجسم شد که چقدر خوب است در یک جلسه این چنینی در دنیا پرونده‌ی انسان مطرح بشود، قبل از آخرت و مسائل و موضوعات و مطالبی که درباره‌ی انسان در زندگی گذشته است مورد نقد قرار بگیرد. اما آنچه من ظرف شاید یک ربع به عرضتان می‌رسانم، اولاً باید عرض کنم از برادر محترممان حجت‌الاسلام آقای فهیم با اینکه ایشان فهیم هستند و باید مطابق بلاغت صحبت می‌کردند، اما سخنانشان را با حسن مطلع آغاز نکردند و سخنی را در ابتدا عنوان کردند که هیچ گونه تناسبی نداشت و از ایشان این انتظار را نداشتیم. ثانیاً فرمودند باید شرایط یک وزیر بیان بشود، ایشان اگر به قانون مصوبه‌ی مجلس مراجعه می‌کردند، شرایط در آنجا تدوین شده است. اعتراض داشتند که چرا ما را ظرف ٢٤ ساعت غافلگیر کرده‌اند و مطرح کرده‌اند، این هم به واسطه‌ی این است که بعد از چهار سال هنوز از آئین‌نامه‌ی مجلس اطلاع نداریم که وقتی نامه نخست وزیر می‌آید، باید بعد از قرائت در مجلس در اولین فرصت مطرح بشود، جواب جناب رئیس جمهور که ایشان سه جواب با سه جمله داده‌اند، اختلافی که در این سه جواب است، اختلاف در محتوا نیست. در آنجا مرقوم فرموده‌اند موافقم به مجلس معرفی شوند. معنای معرفی به مجلس همین است که رأی اعتماد گرفته بشود. در رابطه با اینکه عضو حزب جمهوری هستم، من استعفا دادم و از مطالبی هم که برادر عزیزمان جناب آقای مهاجرانی فرموده‌اند من کاملاً تشکر می‌کنم. البته کلی‌گویی خیلی ساده است [که] انسان یک مطالبی را به عنوان کلیات مطرح بکند. کما اینکه

اغلب برادران مخالف این چنین مسائل را مطرح کرده‌اند. باید عرض کنم که یک ماه است این موضوع مطرح است و ما صحبت کردیم با آقایان مشورت و صحبت شده و با حسن ظنی که آقایان داشته‌اند این موضوع را به بنده پیشنهاد کرده‌اند و ما پذیرفتیم و البته مسأله‌ی قدرت و توانایی اجرایی و عملی هم در مقام عمل ظاهر می‌شود. نکته‌ی دیگری که باید اشاره کنم در رابطه با مسأله‌ی استخاره است. گرچه نمی‌خواستم بگویم ولی برای توضیح لازم است عرض کنم. اولین باری که از دفتر امام به من پیشنهاد شد و همچنین از طرف مقام ریاست جمهوری، من گفتم چون کار، کار عظیمی است هم تأسیس است و هم اداره و از طرفی جذب نیرو و ائتلاف نیروهای اطلاعاتی است، من تردید دارم در خودم که بتوانم این کار را انجام بدهم [و] برای رفع این تردید باید استخاره کنم. از دفتر امام که خواستند من موافقتم را اعلام کنم، گفتم شما خدمت امام استخاره بگیرید، اگر خوب آمد به جناب آقای خامنه‌ای اعلام کنید. بعد جناب آقای خامنه‌ای به من زنگ زدند که در این رابطه شما با آیت الله موسوی اردبیلی ملاقاتی داشته باشید تا من بتوانم نامه‌ای که می‌نویسم مستند باشد. من گفتم شرط استخاره کرده‌ام. ایشان فرمودند من از استخاره خبر ندارم. ولی چون من اطلاع نداشتم که اول استخاره شده است یا نه، آخرین بار هم که داشتند تصمیم می‌گرفتند، خودم زنگ زدم که برای من یک استخاره بگیرید، این استخاره آخر را جواب دادند که بد است، بعد که دفتر امام مطلع شدند که این استخاره بد است به من خبر دادند و قسم هم خوردند که ما اول استخاره کردیم و آن استخاره خوب بوده است. بر اساس استخاره اول شما عمل کنید. حالا یا بر اساس استخاره اول عمل می‌کنیم یا اگر بر اساس استخاره اول عمل نکنیم این دو با هم یکدیگر را رد می‌کنند، مثل اول می‌شود، این هم در زمینه‌ی موضوع استخاره.

اما در رابطه با برنامه که بعضی از برادرها اشاره کردند. آقایان اطلاع دارند که مسأله‌ی اطلاعات مثل سایر وزارتخانه‌ها نیست که یک برنامه‌ی مفصلی از ریزکارها

نوشته بشود و تکثیر و چاپ بشود یا در روزنامه‌ها منتشر بشود. اساس اطلاعات بر مخفی کاری است...[1]

سؤالی کرده‌اند خواهرمان، خواهر بهروزی که مثل اینکه اسم نوشته بودند ولی نوبت‌شان نشده، در مورد سلامتی من، من همان جور که در بیوگرافی نوشتم حالم خوب است. پارسال ۱۵خرداد مسافرتی داشتیم به آلمان آنجا هم مراجعه کردیم عکس گرفتیم، الحمدالله معالجاتی که در اینجا شده کاملاً رضایت‌بخش است و الحمدلله حالمان خیلی خوب است. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته».[2]

دفاع ضعیف آقای فردوسی پور زمینه‌ی عدم رأی اعتماد به ایشان را تقویت کرد. به هر حال ایشان با ۷۴ رأی موافق، ۴۷ رأی مخالف و ۴۰ رأی ممتنع از ۱۹۱ نفر حاضر در مجلس، موفق به کسب رأی اعتماد نشد.

---

۱. متنی که نقطه چین شده مربوط به برنامه‌ی آقای فردوسی پور برای تصدی وزارت اطلاعات است
۲. روزنامه رسمی شماره ۱۱۳۷۸.

٤/٢٤
کسب رأی اعتماد مجلس برای تصدی وزارت اطلاعات

پس از گذشت مدتی از ماجرای عدم رأی اعتماد مجلس به آقای فردوسی پور، آقای موسوی نخست وزیر، اینجانب را خواست و پیشنهاد کرد که مرا برای تصدی وزارت اطلاعات به مجلس معرفی کند. ایشان در ضمن، اشاره کرد که امام خمینی به من فرموده بود که در مورد سایر وزارتخانه‌ها من نظری ندارم، اما درباره‌ی وزارت اطلاعات هر کس را می‌خواهی معرفی کنی، نظر مرا اخذ کن. در مورد شما موافقت ایشان را نیز گرفته‌ام.

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای که در آن هنگام رئیس جمهور بودند با من صحبت کردند؛ چون موافقت رئیس‌جمهور هم برای معرفی وزرا به مجلس لازم بود، و در مورد احراز شرط اجتهاد برای اینجانب فرمودند: «من در این باره با آقای مشکینی صحبت کردم و ایشان مطلبی را برای من نوشتند که مطمئن شدم».

من از یک سو کسی را نمی‌شناختم که در فضای سیاسی آن روز و با شرایطی که قانون برای تأسیس وزارت اطلاعات معین کرده بود بتواند این وزارتخانه را تأسیس کند، و از سوی دیگر توان ایجاد این وزارتخانه را در خود احساس می‌کردم؛ از این رو با عنایت به نیاز فوری کشور به نظام اطلاعاتی، خود را شرعاً مکلف به پذیرفتن این مسئولیت دیدم. البته می‌دانستم تأسیس وزارت اطلاعات منسجم، قوی و کارآمد در فضای سیاسی آن روز کار ساده‌ای نیست، اما معتقد بودم اگر این مسئولیت را برای خداوند متعال و انجام وظیفه بپذیرم قطعاً خدا کمک خواهد کرد و در انجام مسئولیت موفق خواهم شد.

در تاریخ ۱۳۶۳/۵/۲٤ (هفدهم ذیقعده‌ی ۱٤۰٤) در نخستین اطلاعیه‌ی دوره‌ی دوم مجلس شورای اسلامی، آقای مهندس میرحسین موسوی مرا در کنار آقایان دکتر حسن حبیبی و مهندس کازرونی جهت تصدی وزارتخانه‌های اطلاعات، دادگستری و مسکن و شهرسازی به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد.

سخنان نخست‌وزیر برای معرفی اینجانب

«بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود به امام امت و سلام و درود به امت شهیدپرور

من مناسب می‌دانم در اول صحبتم از همه‌ی نمایندگان عزیزی که در این مدت، ظرف این هفته به مسائل مربوط به هیئت دولت رسیدگی کردند و عملکردهای دولت را مورد نقد قرار دادند تشکر بکنم و همچنین از برادران هیئت دولت که فعالیت‌های خودشان را خدمت نمایندگان مردم عرضه داشتند و همچنین جا دارد از برادرانی که [در] موقعیت سخت و دشوار در دولت خدمت کردند و فعالیت کردند و کارهای مفیدی انجام دادند تشکر بکنم. یقیناً همان طوری که ریاست محترم مجلس اشاره فرمودند نظام ما، نظامی است قدرشناس و طبیعتاً از هر کس در جای مناسب استفاده خوب را خواهد کرد و ما یقین داریم تجربیاتی که آن برادران دارند می‌تواند مورد استفاده‌ی نظام جمهوری اسلامی قرار بگیرد و در راه خیر و سعادت این ملت به کار گرفته بشود. و ان شاءالله این چنین خواهد بود.

وزرایی که خدمت نمایندگان عزیز معرفی می‌شوند، برادرانی هستند شناخته شده و این مسئله زحمت ما را کم می‌کند و خود نمایندگان معیارهایی دارند که در این ارتباط بتوانند ارزیابی بکنند و تصمیم بگیرند. منتها ما چند کلمه‌ای داریم که در رابطه با این برادران عزیز نقل خواهیم کرد و بعد از صحبت موافق و مخالف، توضیحات دیگری هم ممکن است لازم باشد من خدمت نمایندگان عزیز بدهم و خود برادران هم صحبت خواهند کرد.

اولین برادری که معرفی می‌کنم آقای ری‌شهری است برای وزارت اطلاعات. در مورد اهمیت اطلاعات من یقین دارم که همه‌ی نمایندگان وقوف به این مسئله دارند

و ما در عرض این ٦ سال گذشته در رابطه با برخورد با گروهک‌های، توطئه‌های عظیمی که علیه کشور ما بوده کم‌کم به اهمیت این مسئله واقف شدیم، گرچه ابعاد ناشناخته‌ای هنوز اطلاعات دارد که هنوز ناشناخته است دامنه آن برای ملت ما. نقشی که اطلاعات می‌تواند در امنیت ملی داشته باشد، نقشی که اطلاعات در کنار وزارت خارجه و وزارت ارشاد در رابطه با صدور پیام انقلاب می‌تواند داشته باشد، نقشی که می‌تواند وزارت اطلاعات بازی کند برای خنثی کردن توطئه‌های پیچیده‌ای که همه‌ی آنها جنبه‌ی نظامی، امنیتی به معنای شناخته شده آن ندارد، بلکه جنبه‌ی اقتصادی دارد، جنبه‌ی فرهنگی دارد و امثال آنها برای همین مسئله اطلاعات در روزگار ما یک ابزار مطمئن برای دفاع است. اگر برای تهاجم نباشد و طبیعی است که مجلس به این دلیل، به این موضوع حساسیت زیادی نشان بدهد و نشان داد در زمینه‌ی طرحی که در این زمینه مطرح شد. علاوه بر آن مسائلی که در اطلاعات مطرح است و ابزاری که برای کسب اطلاعات به کار گرفته می‌شود موجب این شد که در طرحی که نمایندگان تصویب کردند شرایطی برای وزیر اطلاعات گذاشته بشود که این شرایط برای سایر وزرا گذاشته نشده و این ناشی از دوربینی و احتیاط مجلس دوره‌ی اول در رابطه با این پست بسیار بسیار حساس بوده‌است.

آقای ری شهری که در این زمینه معرفی می‌شوند از یک سو آن شرایطی که در طرح آمده است دارا هستند از نظر مطالعات و تحصیل که من در این زمینه یک مختصری صحبت خواهم کرد، گرچه در تخصص من نیست و در مجلس اهل فضل زیاد هستند که خود دارای معیار کافی برای ارزیابی در این زمینه هستند و از سوی دیگر ٦ سال گذشته دوران بسیار پرتلاطمی بوده که ایشان در این دوران به طور مدام با مسائل اطلاعاتی کشور سر و کار داشته‌اند. ما موقعی که انقلاب شد افرادی را در اختیار نداشتیم که به صورت منظم تحصیل کرده باشند در زمینه‌ی اطلاعات، یا به صورت سازمان یافته‌ای تعلیم داده شده باشند. ما هرچه کسب کردیم، هرچه این سربازان گمنامی که در نظام اطلاعاتی ما کار می‌کنند، کسب کردند در برخورد با ماجراها و تجربیاتی بود که همه‌ی آن تجربیات هم شیرین نبود، بلکه ماجراهای تلخی داشتیم شبیه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، شبیه انفجار نخست‌وزیری شبیه این ترورها و آدمکشی‌هایی که در کوچه و

خیابان بود و یقین ما می‌دانیم که بعد از انقلاب ما یک دوران بسیار پرتلاطم و بی‌نظیری از این نظر در سراسر جهان را گذراندیم از نقطه نظر حرکت گروهک‌های مختلف و متعلق به قطب‌های گوناگون برادرانی که به کارهای اطلاعاتی کشیده شدند و با این مسئله از نزدیک سر و کار داشتند در حقیقت آن خلأها و خندق‌هایی که وجود داشت برای تعلیم دیدن و آموختن در معرکه‌ای این چنین توانستند کسب بکنند و بیاموزند. برادرمان آقای ری شهری از همان اول در این معرکه بوده و در این رابطه است که ایشان با استفاده از معلومات خودشان توانسته تجربیاتی کسب بکند که برای ما بسیار ارزشمند است. ما از همان روزهای اول انقلاب ایشان را می‌بینیم که کارشان به نحوی است که در ارتباط با مسائل ارتباطی است و در چند سال اخیر که یک مقداری ما برخورد داشتیم با مسائل امنیتی و اطلاعاتی دیدیم که در رابطه با اصلی‌ترین ماجراها که ما داشتیم و خنثی کردن توطئه‌ها ایشان نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای گاهی داشتند و این حرکت‌هایی که ایشان در این ارتباط قرار گرفتند و توانسته‌اند نقشی را ارائه دهند برای خنثی کردن توطئه‌ها هم متعلق به چپ بوده و هم به راست بوده. ما از یک طرف کودتای نوژه را داریم که ایشان در جریان کار از جریان کشف تا انتهای قضیه بودند. ماجرای قطب‌زاده را داریم و آن توطئه‌ی گسترده که ایشان تا آنجایی که من اطلاع دارم و در جریان بودم از اول مسائل اطلاعاتی مربوط به این موضوع را در کشف‌اش ایشان در جریان بودند و هدایت می‌کردند و تا اینکه مسأله‌ی حزب توده را که برادران و خواهران آشنا هستند و در این ارتباط بیش از این هم نمی‌شود سخن گفت. در برنامه‌ای هم که اتفاقاً ایشان ارائه دادند بحث کردن در جزئیات برنامه (حتی کلیات برنامه) را جایز ندانستند و این یک احتیاط به جایی است. ما عملاً به سختی و از طریق دستگاه‌های جاسوسی و به صورت پنهان می‌توانیم اطلاعات ناقصی را نسبت به نظام‌های اطلاعاتی دیگر در جهان به دست بیاوریم که معلوم نیست که تا چه اندازه آنها هم دقیق باشند. هیچ کشوری نمی‌آید برنامه‌های اطلاعاتی خودش را که من چه کار خواهم کرد؟ سازمان چگونه خواهم داد؟ چه بخش‌هایی را به وجود خواهم آورد یا مطرح بکند و اگر امروز در ارتباط با دستگاه‌های اطلاعاتی جهان یک خبرهایی در دست هست و اطلاعاتی در دست هست همه‌اش از مجاری غیررسمی

و به صورت اطلاعاتی به دست آمده و عملاً نمی‌توان گفت که این اطلاعات اطلاعات کاملی راجع به دستگاه‌های جاسوسی حساس جهان هستند و یا دستگاه‌های اطلاعاتی که در سطح جهان وجود دارد. برای همین در این ارتباط بیش از آنکه (به اعتقاد من) به این برنامه بتوانیم تکیه بکنیم که نمی‌توانیم، به سابقه، به شرایط و به خود طرحی که مجلس ارائه داده و شرایطی که در آن قرار داده باید توجه بکنیم و من فکر می‌کنم تمام این شرایط و این سوابق به ما حکم می‌کند که در این ارتباط ایشان را به عنوان یک فرد شایسته، فردی که بتواند با قوت مسئله‌ی اطلاعات کشور را سروسامان بدهد بتوانیم اینجا معرفی بکنیم. در عین حال یک نکته‌ای هم هست که خوب است گفته بشود. ما در زمینه‌ی اطلاعات به خاطر اینکه الان یک سازمان مرکزی، یک وزارتخانه‌ی مرکزی، یک نیروی متحدکننده و جمع‌کننده نداریم، ضایعاتی داریم. ما کمبود مبانی نظری را با تجربه در این چند سال پر کردیم به خاطر اینکه برادران ما که در زمینه‌های اطلاعاتی کار کردند به خاطر برخورد با مورد بسیار حساس و پیچیده ذهن خودشان را پیچیده کردند و آن قدر خودشان را جلو آوردند که بتوانند این ضربات نابود کننده را بر تمام این گروهک‌ها و دستگاه‌های جاسوسی غرب و شرق در کشور ما وارد بیاورند، ولی در عین حال توجه داشته باشیم که این دستگاه اطلاعاتی ما یک دستگاه منسجمی نیست بخش بخش هست، ارتباط منطقی بین این بخش‌های مختلف وجود ندارد و این برای ما ضایعه به بار می‌آورد. این جور نیست که ما به تأخیر بیندازیم انتخاب وزیر اطلاعات را و ضایعه‌ای نبینیم. در محاسبه‌ای که ما برای انتخاب و رأی دادن به یک وزیر می‌کنیم به اعتقاد من یکی از مهم‌ترین نکات همین است. توجه بکنیم که در رأی ندادن چقدر منفعت می‌بریم و چقدرخسران نه منفعت شخصی و خسران شخصی بلکه برای کشور. ما وقتی که در یک شرایط حساس، جنگی، اضطراری، در موقعیتی که از نظر نیروی انسانی دچار کمبود هستیم پستی را خالی می‌گذاریم بدانیم که این خالی گذاشتن پست دقیقاً ضرر می‌زند به مملکت، آسیب می‌رساند. در زمینه‌ی اطلاعات ما زیاد معطل شدیم و زیاد این مسئله را طول دادیم که انشاءالله امروز با رأی نمایندگان محترم موضوع حل بشود. گرچه آقای ری‌شهری چهره‌ی ناشناخته‌ای برای ملت ما و برای شما نمایندگان عزیز نیست،

ولی چون این صدا و این صحبت‌ها برای همه پخش می‌شود و همچنین برای نمایندگان من فکر می‌کنم که یک اشاره مختصری نسبت به شرح حال ایشان من در اینجا بکنم.

ایشان تحصیلاتشان را در قم ادامه دادند در سال ۱۳٤٤ به اتهام پخش اعلامیه علیه رژیم شاه در رابطه با اعدام انقلابی منصور خائن در مشهد بازداشت شدند. در سال ٤٥ به نجف رفتند و ۱۳ ماه در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف ادامه‌ی تحصیل دادند. در سال ٤٦ به ایران بازگشتند و قریب ۱/٥ سال در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد ادامه‌ی تحصیل دادند و در همین مدت باز هم دستگیر شدند و محکوم به سه ماه زندان شدند. سال ٤٨ به قم بازگشتند و در قم تا پیروزی انقلاب هم تدریس داشتند و هم تحصیل. پس از پیروزی انقلاب هم که برادران در جریان هستند، یکی از اولین قضاتی هستند که برای محاکمه‌ی سرسپردگان رژیم سابق به استان‌های مختلف کشور می‌روند و از اوایل اسفند سال ٥۷ تا آذر سال ٥۸ در دادگاه‌های انقلاب اسلامی دزفول، گچساران، بهبهان، خرم‌آباد، بروجرد و رشت انجام وظیفه کردند و در سال ٥۸ بر اساس ماده واحده‌ای که مصوبه‌ی شورای انقلاب بود دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی ارتش را سازماندهی کردند که در حقیقت ما این دادگاه‌ها و این دادسراها را از ایشان داریم و فعالیت ایشان و می‌دانیم که این دادسراها و این دادگاه‌ها تا چه اندازه مؤثر و مفید برای مقابله با تفاله‌های باقیمانده‌ی رژیم سابق بوده و برای حمایت از نیروهای مؤمن و متعهد ارتش؛ یعنی از یک طرف در تزکیه‌ی ارتش و از یک طرف رو آوردن و حمایت از نیروهای مؤمن متعهد ارتش. ایشان نوشته‌هایی دارند غیر از اینکه تدریس دارند، صحبت دارند که شناخته شده هست نوشته‌هایشان «میزان‌الحکمه» است در ۱۰ جلد که ٥ جلد آن منتشر شده است. مقدمه‌ای بر شناخت خداست، عدل در جهان‌بینی توحیدی است.

چندتایش را البته می‌خوانیم:

تداوم انقلاب اسلامی ایران، شهادت در نهج‌البلاغه، بحث‌هایی درباره‌ی خدا، مقدمه‌ای بر مباحث عقیدتی، فرازهایی از سیستم قضایی اسلام و چند کتاب که ١٤

تا نوشته اینجا آمده. قبلاً هم برنامه‌ی ایشان و شرح حال ایشان برای مجلس فرستاده و تکثیر شده است. یقیناً خدمت برادران هست».

بعد از سخنان آقای مهندس موسوی، آقایان دکتر حسن روحانی[۱] و سیدرضا اکرمی[۲]، آقای صدقیانی[۳] به عنوان موافق صحبت کردند و پیش از رأی گیری چند تن از نمایندگان مجلس سؤال‌هایی را مطرح نمودند که اینجانب خیلی کوتاه پاسخ دادم.

پاسخ به سؤال‌های نمایندگان

یکی از مسائلی که نمایندگان مجلس روی آن حساس بودند این بود که بدانند اینجانب به کدام جریان سیاسی گرایش دارم، اما با توجه به اینکه نمی‌توانستند با صراحت این سؤال را مطرح کنند، و از سوی دیگر به فرض مطرح می‌کردند پاسخ به اینکه «من به هیچ یک از جریانات سیاسی گرایش ندارم» چیزی را مشخص نمی‌کرد. آقای رشیدی نماینده‌ی آبادان که از جریان چپ مجلس محسوب می‌شد، با ظرافت و زرنگی خاصی سؤالی را به صورت کتبی به من داد که به طور غیرمستقیم گرایش سیاسی مرا مشخص کند،[٤] آن سؤال این بود که «اگر میان رئیس جمهور (آیت الله خامنه‌ای) و نخست وزیر (مهندس موسوی) اختلاف نظر در موضوعی پیش بیاید شما به نظر کدام یک عمل می‌کنید؟»

ظاهراً پاسخ دادن به این سؤال در فضای سیاسی آن روز مشکل است، لیکن اینجانب خیلی ساده با استناد به یک روایت توضیح دادم که به آنچه حق است و وظیفه می‌دانم عمل می‌کنم.[٥] قبل از رأی‌گیری به این شرح به پرسش‌های نمایندگان پاسخ دادم:

---

۱. ر.ک به: پیوست شماره ۵
۲. ر.ک به: پیوست شماره ٦
۳. ر. ک به: پیوست شماره ۷
٤. من از ابتدای ورودم به مسائل سیاسی بر این باور بودم که مطلق گرایی صحیح نیست، هیچ کس مطلق نیست و هیچ گرایشی از گرایش‌های سیاسی مصونیت از خطا ندارد، باید دید که حق می‌گوید، از حق پیروی کرد: « فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه»
۵. ر.ک به:

«من لزومی نمی‌دیدم که مزاحم برادران بشوم. ولی چند تا سؤال بعضی از برادران نماینده داده‌اند و خواسته‌اند به این چند سؤال پاسخ بدهم. قبل از پاسخ دادن به این سؤال‌ها که ان شاءالله خیلی کوتاه خواهد شد و فکر نمی‌کنم بیشتر از ٥-٦ دقیقه مزاحم‌تان بشوم، باید عرض کنم که عقیده‌ی شخصی خود بنده در رابطه با وزارت اطلاعات این است که اگر واقعاً تکلیف الهی تشخیص ندهم و یک وظیفه‌ی شرعی این مسئله را نمی‌دانستم، قبول کردن و پذیرفتن این مسئله به نظر من عقلائی نیست. با توجه به مشکلاتی که من خبر دارم که این کار دارد و مسائلی که پیش خواهد آمد، بعد از مشورت‌ها من خدمت حضرت امام رسیدم و از ایشان تقاضا کردم که نظر خودشان را بیان بفرمایند. هر جوری که ایشان نظر بدهند بنده قبول می‌کنم. ایشان لطف فرمودند و مسائلی فرمودند که من حالا نمی‌خواهم آنها را اینجا مطرح کنم فقط یک جمله از آن مطالب را عرض می‌کنم. ایشان فرمودند که «قبول کن وقتی که شما باشید من مطمئن هستم که کار خلافی عمداً انجام نمی‌گیرد» و مشکلاتی را هم که خدمتشان عرض کردم، ایشان گفتند: «توکل به خدا بکن و اینها مسائلی نیست». به هر حال پذیرفتن این مسئله با توجه به کارهایی که برادران می‌دانند که بنده دارم جز با تشخیص این معنا که من احساس کردم لااقل برای یکی دو سال اول این وزارتخانه این مسئولیت را دارم که اگر زمینه فراهم باشد ـ یعنی مجلس موافق باشد ـ این سنگ زیرین را ان شاءالله و به خواست خدا آن طوری که خدا و جمهوری اسلامی می‌خواهد تشکیل می‌دهم».

و اما در رابطه با چند تا سؤالی که برادرها کرده‌اند:

یک سؤال‌شان این است که فرموده‌اند که مسئولیت وزارت اطلاعات مسئولیت بسیار بالا و نیرومند است و مراکز قدرت‌ها و شخصیت‌های قدرتمند و متنفذ به آن نظر خواهند داشت، مثلاً مقام ریاست جمهوری و نخست وزیری اگر خدای نخواسته به علتی اینکه وزارتخانه نخواهد به خاطر کیفیتی که دارد تسلیم خواسته‌ها نشود، چه شیوه‌ای را باید به کار بگیرد که همراهی را که تشخیص می‌دهد برود و

هم تحت‌تأثیر قرار نگیرد و می‌دانید که ریاست جمهور و نخست‌وزیر می‌توانند بدون اجازه و حتی بدون اطلاع مجلس وزیر را عزل بکنند.[1]

باید عرض کنم که اولاً جناب ریاست جمهوری و جناب نخست‌وزیری که ما می‌شناسیم هیچ‌وقت توقع خلافی قطعاً نخواهند داشت، ولی یک نکته را من اینجا تذکر بدهم که تجربه‌ی خود این حقیر است و اگر برادران هم تجربه نکرده‌اند تجربه کنند و من فکر می‌کنم این یکی از ادله‌ی تجربی توحید است که: «**من اصلح بینه و بین الله اصلح الله بینه و بین الناس**» به آن برادرم عرض کردم که اگر کسی واقعاً بخواهد وظیفه‌ی خودش را انجام بدهد و روی صراط حق بایستد، حتی آنهایی هم که نظرش را قبول ندارند و با او مخالفند آنها هم به تدریج موافق می‌شوند و این مسئله را بیشتر از این توضیح نمی‌دهم. و عملکرد این چهار پنج ساله‌ی ما هم نشان داده که تحت تأثیر هیچ شخص یا گروه یا فردی نبودم.

سؤال دیگری که کرده‌اند فرموده‌اند که: «اطرافیان وزیر اطلاعات هم باید محرم اسرار باشند و قوی و قرص و نفوذناپذیر به‌خصوص معاونتی در مورد گزینش اشخاص چه برنامه‌ای دارید؟»

عقیده‌ی خود من هم همین است که باید هسته گزینش خیلی قوی باشد و تمام مسائلی که در رابطه با وزارت اطلاعات هست باید در رابطه با پرسنلی‌اش از این گزینش قوی بگذرد ولیکن الان همان‌طور که اشاره کردم در آن نامه‌ای که خدمت برادران داده شده نمی‌شود این مسائل را قبل از اینکه انسان شروع به کار بکند، بگوید که چه کار می‌خواهد بکند؛ مخصوصاً در رابطه با مسائل اطلاعاتی.

سؤال دیگری هم کرده‌اند و سؤال آخر است و خیلی خلاصه عرض می‌کنم. سؤال کرده‌اند «حرمت تتبع عورات مؤمنین در چه موارد است». این را باید خیلی خلاصه عرض بکنم که کار وزارت اطلاعات اصولاً تتبع عورات نیست مسئله‌ی جرائم امنیتی است که احتیاج به تجسس دارد و احتیاج به وزارت اطلاعات دارد اینها

---

۱. روزنامه رسمی، شماره ۱۱۵۲٤

مسائل اخلاقی است که تجسس کردن آنها حرام است و جزء تجسس‌های ممنوع است. بنده دیگر عرضی ندارم».[1]

پس از سخنان اینجانب و برخی دیگر از وزرای پیشنهادی، رأی گیری انجام شد، و مجلس شورای اسلامی با ۱۷۶ رأی موافق، ۱۱ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۰۰ رأی، به اینجانب برای تصدی وزارت اطلاعات رأی اعتماد داد.

این رأی اعتماد در تاریخ ۱۳۶۴/۸/۶ و نیز در تاریخ ۱۳۶۷/۶/۲۰ به مناسبت‌های انتخابات ریاست جمهوری و مجلس سوم تجدید شد.[2]

۱. روزنامه‌ی رسمی شماره ۱۱۵۲۴

۲. طبق قانون اساسی پیش از بازنگری، ر. ک. به: پیوست شماره‌ی ۸ «ابلاغ حکم وزارت اطلاعات»

٥/٢٤

نخستین دیدار با امام پس از تصدی وزارت اطلاعات

چند روز پس از اخذ رأی اعتماد از مجلس، در تاریخ ۱۳٦۳/٦/٤ (۲۸ ذیقعده ۱٤۰۲) به مناسبت هفته‌ی دولت همراه رئیس جمهور و سایر اعضای کابینه خدمت حضرت امام خمینی رسیدیم. امام در آن دیدار ضمن تبریک موفقیت دولت در کسب رأی اعتماد بالای مجلس و هفته‌ی دولت، رهنمودهای مشروحی را درباره‌ی ارائه‌ی گزارش عملکردها به مردم، سپردن امور به مردم و نظارت دولت و پیشگیری از ایجاد نارضایتی در ادارات ارائه کردند.

پس از پایان سخنان امام، اعضای دولت ضمن بوسیدن دست ایشان با امام خداحافظی می‌کردند و از اتاق خارج می‌شدند. من همراه با چند نفر از وزرا ایستاده بودیم تا خداحافظی کنیم، ولی امام به من اشاره کردند که شما بمان. من متوجه نشدم، مرحوم حاج احمد آقا گفتند: «امام می‌فرمایند که شما بنشینید». همه رفتند، کسی جز من و حاج احمد آقا خدمت امام نبود.

امام خطاب به اینجانب مطالبی بدین مضمون فرمودند:

> «حواست را جمع کن! وزارتخانه‌ای که به شما سپرده شده، وزارت اطلاعات است، وزارت کشاورزی نیست! جای حساسی است، در انتخاب همکاران دقت کن و در این باره با آقای خامنه‌ای، آقای هاشمی و آقای موسوی مشورت کن، بدون بررسی شخصاً تصمیم نگیر».

با عنایت به اینکه در فضای سیاسی آن روز، جمع میان نظر مسئولان سیاسی در انتخاب افراد برای مسئولیت‌های کلیدی وزارت اطلاعات مقدور نبود، در پاسخ امام عرض کردم: «حتماً با افرادی که فرمودید مشورت خواهم کرد. لیکن از آنجا که ممکن است آنان نسبت به افرادی که می‌خواهم به کار دعوت کنم اختلاف نظر داشته باشند، پس از مشورت با آنان - اگر اجازه بفرمایید - خودم تصمیم خواهم گرفت، چون من مسئول هستم و باید در مورد آنچه در این وزارتخانه انجام می‌شود پاسخگو باشم».

امام فرمودند: «مقصودم همین است، مشورت کنید اما خودتان تصمیم بگیرید، منظورم این بود که بدون مشورت کاری نکنید.»

با توجه به گرایش‌های سیاسی موجود در نهادهای اطلاعاتی موجود، من احتمال می‌دادم که علیه تصمیمات من، شایعات مختلفی مطرح و به امام گزارش شود، لذا پس از سخنان امام برای پیشگیری عرض کردم: «از این به بعد علیه من خیلی حرف خواهند زد، چون در حال حاضر هفت خط سیاسی بر نهادهای اطلاعاتی حاکم است، به اصطلاح اطلاعات، هفت خط است. ادغام نهادهای اطلاعاتی با سلیقه‌های گوناگون سیاسی کار دشواری است، همکاران اصلی از هر یک انتخاب شوند، دیگران مشکل پیدا خواهند کرد و شایعه خواهند ساخت، و اگر از هیچ یک انتخاب نکنم، مشکل افزون‌تر خواهد بود، به هر حال پس از این ممکن است شکایت‌های فراوانی در این باب به شما برسد».

امام فرمودند: «نه، علیه شما کسی به من چیز نگفته است. من به آقای موسوی گفته بودم در مورد وزیر اطلاعات موافقت من لازم است، وقتی شما را پیشنهاد کردند، گفتم ایشان برای این کار مناسب است».

باری نکته‌ی اصلی در این دیدار این بود که می‌خواستم با حمایت امام، وزارت اطلاعات از ابتدا مستقل و جدا از گرایش‌های سیاسی پایه‌گذاری شود و هیچ کس در آن دخالتی نکند. بدین جهت، گزارش آنچه را که میان من و امام گذشته بود، به مسئولان بالاتر عرض کردم.

گفتنی است که پیش از آن، آقای مهندس موسوی به من گفته بود که در انتخاب معاون‌ها با ایشان مشورت کنم. به هر حال با این مقدمه، تا زمانی که متصدی وزارت

اطلاعات بودم هیچ کس در این وزارتخانه دخالتی نکرد. حقیقت این بود که با عنایت به حساسیت کارهای اطلاعاتی و مسائل مهمی که نیاز به تصمیم‌گیری اساسی داشت، تا زمانی که وزیر بودم همه‌ی کارهای اساسی پیش از آنکه با رئیس‌جمهور و نخست وزیر هماهنگ شود با امام هماهنگ می‌شد و در واقع معتقد بودم – همان‌طور که توضیح خواهم داد- اطلاعات باید هماهنگ با رهبری کار کند.

٦/٢٤
مشکلات تأسیس وزارت اطلاعات

پس از اخذ رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی در تاریخ ١٣٦٣/٦/٦ حکم انتصاب اینجانب به سمت وزیر اطلاعات از سوی نخست‌وزیر صادر شد؛[1] بدین‌سان تأسیس وزارت اطلاعات آغاز شد.

اکنون من هستم و وزارتخانه‌ای که در برابر توطئه‌های پیچیده‌ی ضدانقلاب داخلی و دشمنان خارجی نه تشکیلات دارد، نه نیرو، نه اسناد و امکانات مورد نیاز و نه بودجه، و در یک جمله وزارتخانه‌ای که تنها نام دارد و وزیر در برابر کوهی از مشکلات و انتظارات است!

اما طولی نکشید که به فضل خداوند منان این وزارتخانه شکل گرفت و بر توطئه‌ها فایق آمد و جایگاه مناسبی در اذهان توده‌ی مردم و نمایندگان آنان و مسئولان نظام، به خصوص حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، پیدا کرد. برای آنکه عنایت حضرت حق جل‌وعلا و تدبیر و تلاش کارگزاران این تشکیلات در نخستین سال‌های تأسیس آن مشخص شود، لازم است پیش از بیان چگونگی شکل‌گیری آن به مشکلات تأسیس وزارت اطلاعات اشاره کنم:

---

۱. ر. ک به: پیوست شماره‌ی ۸

۱ـ متمرکز کردن نهاد نظامی اطلاعاتی

نخستین مشکل تأسیس وزارت اطلاعات متمرکز کردن نهادهای اطلاعاتی بود. پیش از این اشاره کردم که قبل از تأسیس وزارت اطلاعات، مشخص نبودن جایگاه قانونی اطلاعات، و نیاز مبرم باعث شده بود تا برای تأمین امنیت کشور، مراکز متعددی مانند: سپاه، کمیته، ارتش، نخست‌وزیری، دادستانی، دفتر تحقیقات دادگاه انقلاب ارتش کار اطلاعاتی کنند که پس از تأسیس وزارت اطلاعات، طبق قانون همه‌ی نیروها باید اسناد و امکانات خود را تحویل این وزارتخانه می‌دادند، ولی تمکین برای اجرای قانون به‌ویژه برای برخی از نهادها آسان نبود.

در آن هنگام واحد اطلاعات سپاه از نظر نیروهای کارآمد، اسناد و مکان‌های مورد نیاز بیشترین امکانات را در اختیار داشت و بدین جهت انتقال همه‌ی آنها به وزارتخانه‌ی تازه‌تأسیس برای مسئولان سپاه بسیار سخت بود. روزی آقای مرحوم شهید محلاتی ـ که در آن وقت نماینده‌ی امام در سپاه بود ـ و نیز آقای محمدی عراقی (جانشین ایشان) به تفصیل درباره‌ی اینکه انتقال امکانات اطلاعاتی سپاه به وزارت اطلاعات مصلحت نیست و سپاه نمی‌تواند از آن تمکین نماید با من صحبت کردند. همچنین آقای محسن رضایی (فرمانده وقت سپاه) در بیت حضرت امام خمینی در همین زمینه با من صحبت کرد و پیشنهاد نمود که شما به واحد اطلاعات سپاه کاری نداشته باشید، چه ضرورتی دارد که این واحد را به وزارت اطلاعات منتقل کنید؟ ما اطلاعات مورد نیاز شما را در اختیارتان قرار می‌دهیم و ضمناً اشاره کرد که اصولاً انتقال اطلاعات سپاه به وزارت اطلاعات غیرممکن است.

همچنین شبی در یکی از جلسات سران قوا یکی از مسئولان اطلاعات سپاه با استناد به قانون اساسی استدلال می‌کرد که سپاه باید واحد اطلاعات داشته باشد؛ چون حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب به عهده‌ی سپاه است...

۲ ـ اختلاف تمایلات سیاسی

دومین مشکل تأسیس وزارت اطلاعات، اختلاف تمایلات سیاسی نیروهای اطلاعاتی بود. هرچند از نظر قانونی شرط کارگزاران وزارت اطلاعات عدم عضویت در احزاب و

گروه‌های سیاسی بود، اما نیروهای اطلاعاتی، به ویژه آنهایی که کارآیی بیشتری دارند و از هوش سیاسی بالایی برخوردارند، از این رو اگرچه عضو رسمی حزبی هم نباشند، نمی‌توانند فاقد تمایلات سیاسی باشند. بدین جهت کسانی که در نهادهای مختلف اطلاعاتی کار می‌کردند، تمایلات و سلیقه‌های سیاسی گوناگون داشتند و همکاری آنان به صورت متمرکز در وزارت اطلاعات ساده نبود.

۳ـ ضعف ابزارهای قانونی

مشکل سوم، ضعف یا فقدان ابزارهای قانونی برای کسب اطلاعات بود؛ بدین صورت که بخشی از ابزارهای مورد نیاز مانند: احکام تجسس و دستگیری در اختیار قوه قضائیه و بخشی مانند امکان و ابزار بازداشت موقت، در اختیار نیروهای مسلح بود. اکنون باید دید وزارتخانه‌ای که کمترین امکان قانونی برای کسب اطلاعات نداشت و یک سر کارش به دست قوه‌ی قضائیه است و سر دیگر آن در دست نیروهای مسلح بود، چگونه باید انجام وظیفه کند؟!

٤ ـ ضعف جایگاه تشکیلاتی

سازمان اطلاعات به منزله‌ی سلسله اعصاب و چشم و گوش مدیریت نظام است. به همین علت به طور طبیعی باید به بالاترین مقام مدیریتی کشور متصل باشد و بر این اساس در همه‌ی کشورها سازمان‌های اطلاعاتی زیر نظر مستقیم بالاترین مقام سیاسی است. زیرا رهبری یک نظام بدون اطلاعات یا با سازمانی که در اختیار رهبر نیست و به آن اعتماد لازم را ندارد امکان پذیر نیست.

در جمهوری اسلامی - به دلایلی که قبلاً اشاره کردم[1] - نه تنها تجربه‌ی سایر کشورها مورد استفاده قرار نگرفت،بلکه جایگاه ضعیفی برای تشکیلات اطلاعاتی در نظر گرفته شد

---

۱. ر. ک به: ص۳۵ شاید برخی دلایل دیگر نیز در این تصمیم گیری مؤثر بود ماننداینکه مشکلات ناشی از اقدامات اطلاعاتی به رهبری منتقل نگردد.

و این تشکیلات به صورت وزارتخانه‌ای طراحی گردید که ابزارهای لازم را برای کسب اطلاعات نداشت. طبیعی بود تمرکز اطلاعات در چنین جایگاه ضعیفی تداوم نخواهد یافت.

البته ضرورت جایگاه مناسب برای تشکیلات اطلاعاتی به معنای لزوم باز گذاشتن دست آن برای اقدامات غیرقانونی نیست، بلکه اقدامات غیرقانونی در جایگاه ضعیف اطلاعات هم ممکن است اتفاق بیفتد. مهم این است که باید ضمن رعایت جایگاه طبیعی، سازمان اطلاعاتی برای پیشگیری از اقدامات خودسرانه‌ی مأمورانش تدبیرهای لازم را به عمل آورد.

۵ ـ نداشتن امکانات لازم

همه وزارتخانه‌ها پس از پیروزی انقلاب، کار خود را در مکان وزارتخانه‌های پیشین و با امکانات آنها آغاز کردند، اما وزارت اطلاعات هنگام تأسیس فاقد هرگونه امکانات بود. تنها جایی که این وزارت در اختیار داشت ساختمان مرکزی سازمان اطلاعات رژیم گذشته بود که به مرکز اسناد تبدیل شده بود و در آن زمان در اختیار حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید حمید روحانی قرار داشت و به وزارت اطلاعات تحویل داده شده بود. اما در سایر استان‌ها هیچ امکانی برای شروع کار وجود نداشت، البته طبق ماده‌ی ١٤ قانون وزارت اطلاعات کلیه‌ی نهادها و ارگان‌ها موظف بودند در زمینه‌ی در اختیار قرار دادن نیروی انسانی، امکانات و تجربیات اطلاعاتی همکاری‌های لازم را با وزارت اطلاعات داشته باشند، اما مهم این بود که چگونه می‌توان این امکانات را در شرایط آن روز از آنها گرفت!

٦ ـ فعالیت در دو جبهه

وزارت اطلاعات در شرایطی آغاز به کار کرد که سازمان منافقین با هدف ناامن کردن فضای کشور خط ترورهای کور را به شدت دنبال می‌کرد و بمب‌گذاری‌های عوامل بیگانه در مراکز حساس مانند نماز جمعه‌ی تهران ادامه داشت.

در این شرایط و با وجود مشکلاتی که به آن اشاره شده، مسئولان وزارت اطلاعات باید هم‌زمان با تأسیس بنیادی این وزارتخانه و سازماندهی، تهیه‌ی مکان، نیرو و امکانات برای

آن ها، اقدامات پیچیده‌ای را برای مبارزه با تروریست‌ها و عوامل بمب‌گذاری‌ها انجام می‌دادند.

فعالیت هم زمان در این دو جبهه کار ساده‌ای نبود، اما به یاری خداوند متعال و تلاش مخلصانه‌ی سربازان گمنام امام عصر(عج)، در هر دو جبهه موفقیت حاصل شد. دلایل این توفیق را در قسمت بعدی این فصل ملاحظه خواهید کرد.

۷/۲٤

عوامل موفقیت وزارت اطلاعات در بدو تأسیس

اصلی‌ترین عوامل توفیق مؤسسان وزارت اطلاعات و فائق آمدن آنان بر مشکلاتی که به آنها اشاره شد، امدادهای ویژه‌ی خداوند متعال در پرتو عنایت امام عصر(عج) بود که تلاش مخلصانه‌ی کارگزاران، زمینه‌ساز آن گردید. البته تنها کسانی می‌توانند این واقعیت را باور کنند که با مشکلات تأسیس وزارت اطلاعات از نزدیک دست و پنجه نرم کرده باشند. اما در میان عوامل ظاهری به چند نکته می‌توان اشاره کرد:

۱ ـ اعتماد امام و مسئولان نظام

من در دوران تصدی وزارت اطلاعات مکرر برای همکاران یادآور می‌شدم که «وزارت اطلاعات از سفره‌ی اعتماد به خود تغذیه می‌کند و نان اعتماد را می‌خورد» وگرنه ـ خصوصاً در بدو تأسیس ـ از اختیاراتی که بتواند وظایف قانونی خود را انجام دهد برخوردار نبود. اما اعتماد مسئولان نظام و در اصل اعتماد امام سبب شد که خیلی زود زمینه‌ی تمرکز ابزار و امکانات اطلاعاتی فراهم شود و وزارت اطلاعات به صورت یک تشکیلات منسجم و قوی در صحنه ظاهر گردد.

۲ـ حمایت امام خمینی

هرچند حمایت قوه‌ی قضائیه و دولت و به خصوص شخص آیت الله خامنه‌ای[۱] از وزارت اطلاعات کارساز بود، اما حمایت‌های عملی حضرت امام خمینی از اقدامات وزارت اطلاعات در ایجاد ابزارهای قانونی و همکاری ارگان‌های مختلف نقش اصلی را ایفا می‌کرد. ضمن مطالبی که در آینده خواهد آمد مشخص می‌شود که حمایت‌های عملی امام تا چه حد در پیشبرد کارها مؤثر بود و اگر آن حمایت‌ها نبود اصولاً وزارت اطلاعات در انجام وظایف خود و به خصوص در کارهای مهمی که در دوره‌ی نخست انجام شد، توفیقی پیدا نمی‌کرد.

نکته‌ی مهم درباره‌ی حمایت امام از وزارت اطلاعات این بود که ایشان کاملاً در جریان کارها قرار می‌گرفت و نسبت به اقدامات این وزارتخانه توجیه بود. از این رو تلاش مخالفان برای بدبین کردن امام به این تشکیلات به ثمر نمی‌نشست. در حال حاضر نیز اگر وزارت اطلاعات بخواهد با قدرت عمل کند راهی جز توجیه بودن مقام رهبری نسبت به اقدامات آن وجود ندارد.

۳ـ نیروهای مطمئن و کارآمد

موفقیت هر ارگان ارتباط مستقیم با کارآمدی کارگزاران آن دارد، البته باید توجه داشت که اداره کردن نیروهای قوی کار ساده‌ای نیست. نیروهای قوی طبعاً دیدگاه‌ها و خواست‌ها و گاه تلخی‌هایی دارند که تنها با برخوردهای مناسب می‌توان بر آنها مدیریت کرد. مدیران ضعیف هیچ گاه نمی‌توانند نیروهای پرتوان را اداره کنند. در این باره سخن زیبایی از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«**من استعان بالضعیف ابان عن ضعفه**[۲]؛ همکاری خواستن از ضعیف نشان ضعف به‌کارگیرنده است».

---

۱. گفتنی است که در آن دوران طبق قانون اساسی رئیس جمهور نقش مهمی در دولت نداشت و مسئولیت اصلی دولت با نخست وزیر بود.
۲. غررالحکم: ۵/ ۲۵۵

یکی از عوامل موفقیت وزارت اطلاعات در بدو تأسیس، جذب نیروهای قوی و کارآمد در این وزارتخانه بود؛ کسانی در دولت‌های بعدی بسیاری از آنها در ارگان‌های مختلف کشور مسئولیت‌های مهمی را به عهده گرفتند.

گفتنی است که کارگزاران وزارت اطلاعات به دلیل اشراف دقیقی که بر مسائل امنیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داخلی و خارجی دارند می‌توانند نیروهای کارآمدی برای ارگان‌های مختلف باشند، لذا اگر این وزارتخانه بتواند اعتماد مردم و دولت را به خود جلب کند، می‌تواند در کادرسازی برای خدمت بهتر و بیشتر به مردم مفید و مؤثر باشد.

نکته‌ی قابل توجه درباره‌ی همکاری نیروهای کارآمد با وزارت اطلاعات، این است که جایگاه و پایگاه مردمی این وزارتخانه و حمایت امام و مسئولان اصلی کشور از آن، در جذب این نیروها نقش مهمی داشتند.

٤ ـ قاطعیت در برخورد با موانع تمرکز اطلاعات

پیش از این اشاره کردم که ارگان‌هایی فعال اطلاعاتی به تمرکز اطلاعات در وزارت اطلاعات علاقه‌ای نداشتند و شاید در واقع نمی‌توانستند باور کنند که وزارتخانه‌ی جدیدالتأسیس که فاقد هرگونه اطلاعات است بتواند پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی کشور در بحران امنیتی آن روز باشد، لذا به دلایل مختلف در آغاز از همکاری طفره می‌رفتند. لیکن قاطعیت در برخورد با موانع تمرکز اطلاعات از یک سو و بهره‌گیری از روش‌های مناسب برای تمرکز اطلاعات – چنان‌که بدان اشاره خواهم کرد– و حمایت امام از تمرکز اطلاعات از سوی دیگر، برای ادامه‌ی کار ارگان‌های دیگر مجالی باقی نگذاشت. گفتنی است که امام در آغاز سال ۱۳٦۳ در پاسخ به نامه‌ی فرمانده وقت سپاه پاسداران، آقای محسن رضایی که خواستار همکاری دادستانی انقلاب اسلامی تهران شده بود، ادامه‌ی کار اطلاعاتی سپاه را منوط به تشکیل وزارت اطلاعات کرده بودند.[۱]

---

۱. ر. ک به: پیوست شماره ٤

۵ـ جلوگیری از سلطه‌ی جریان‌های سیاسی بر وزارت اطلاعات

یکی از عوامل مهم موفقیت وزارت اطلاعات در جلب اعتماد امام، مسئولان و مردم به این وزارتخانه، ممانعت جدی از سلطه‌ی جریان‌های سیاسی بر این تشکیلات بود.

همان طور که پیش از این اشاره کردم،[1] پیش از تشکیل وزارت اطلاعات خطوط سیاسی متعددی بر نهادهای اطلاعاتی کشور حاکم بود و همین معنا یکی از موانع بزرگ بر سر راه تمرکز اطلاعات محسوب می‌شد. البته برای حل این مشکل، قانون وزارت اطلاعات عضویت کارگزاران این وزارتخانه را در احزاب سیاسی ممنوع کرد، لیکن مشکل اساسی اجرای این قانون بود؛ زیرا چه بسا افرادی رسماً عضو یک حزب نباشند ولی بیش از یک عضو برای یک جریان سیاسی کارآیی داشته باشند.

عوامل اجرای قانون

برای اجرای قانون وزارت اطلاعات و پیشگیری از سلطه‌ی جریان‌های سیاسی بر وزارت اطلاعات از چند اهرم استفاده کردم:

الف) دقت در گزینش نیروها

در گزینش نیروها، به ویژه برای پست‌های کلیدی دقت و سخت‌گیری زیادی کردیم تا نیروهای افراطی از هر جناح وارد وزارت اطلاعات نشوند و تنها کسانی به عضویت این وزارتخانه پذیرفته شدند که وابسته نبودن خود را به جریان‌های سیاسی کتباً اعلام کردند.

ب) تحریم حضور نیروهای سیاسی در وزارت اطلاعات

با عنایت به اعتقادات مذهبی نیروهای جذب‌شده در وزارت اطلاعات و تعبد و تدین اکثر قریب به اتفاق آنها، بهره‌گیری از عنصر تعهد شرعی عامل فوق‌العاده مؤثری برای پیشگیری از سوءاستفاده‌ی جریان‌های سیاسی از این وزارتخانه بود. از این رو اینجانب در

---

۱. ر. ک به: ص۶۲

مناسبت‌های مختلف مکرر تأکید می‌کردم که حضور نیروهایی که وابستگی سیاسی دارند در این وزارتخانه مشروع نیست و حقوقی که دریافت می‌کنند حرام است.

ج) رهنمودهای حضرت امام

یکی از مهم‌ترین عوامل پیشگیری از سلطه‌ی جریان‌های سیاسی بر وزارت اطلاعات رهنمودهای امام خمینی در نخستین دیدار ایشان با مسئولان وزارت اطلاعات بود که به آن اشاره خواهم کرد.[۱]

د) چگونگی چیدن نیروها

عواملی که به آنها اشاره شد نمی‌توانست مانع گرایش فکری و روحی کارگزاران وزارت اطلاعات به جریان‌های سالم سیاسی و احزاب وفادار به نظام جمهوری اسلامی باشد؛ طبیعی است که افراد صاحب‌نظر به یکی از جریان‌ها گرایش داشته باشند و کارگزاران وزارت اطلاعات هم از این معنا مستثنی نیستند؛ هر چند تعهد شرعی آنان مانع از همکاری با جریان‌های سیاسی شود.

بر این پایه، تقسیم مسئولیت‌ها و به ویژه چگونگی چیدن نیروهای کلیدی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، زیرا اگر نیروهایی که به جریان خاصی گرایش دارند در یک‌جا متمرکز شوند، چه بسا ناخودآگاه و یا احیاناً آگاهانه اقدامات آن بخش در جهت منافع آن جریان قرار گیرد. برای پیشگیری از این آفت، در بدو تأسیس وزارت اطلاعات نیروها به گونه‌ای چیده شدند که اعمال سلیقه‌های سیاسی عملاً غیرممکن شود.

باری، تلاش‌ها برای حق‌گرایی و دوری از گروه‌گرایی سبب شد که وزارت اطلاعات به تدریج اعتماد امام، دولت، قوه‌ی قضائیه، مجلس و عموم مردم را به خود جلب کند. این روند تا زمانی که این‌جانب در وزارت اطلاعات بودم ادامه داشت، ولی پس از من آنچه بر سر این وزارتخانه آمد داستان غم انگیزی دارد که شاید در آینده به آن اشاره کنم.

---

۱. ر. ک به: ص ۷۷ سخنان امام خطاب به کارگزاران وزارت اطلاعات

۸/۲٤

سازماندهی وزارت اطلاعات

پس از مشورت با دوستانی که سابقه‌ی کار اطلاعاتی داشتند، سازماندهی وزارت اطلاعات با چهار اقدام اساسی آغاز شد:

۱ ـ تشکیل کمیته‌های برنامه‌ریزی

کمیته‌های مختلفی را مأمور برنامه‌ریزی و سازماندهی وزارت اطلاعات کردم؛ مانند کمیته‌ی تشکیلات، کمیته‌ی گزینش و.... اعضای این کمیته‌ها به طور نسبی در کاری که به آنها واگذار شده بود تخصص داشتند و حاصل کار آنها در جمعی با حضور اینجانب دوباره مورد بررسی قرار می‌گرفت و به تأیید نهایی می‌رسید.

۲ـ انتقال نیروها، اسناد و امکانات اطلاعاتی

این اقدام دشواری‌های فراوانی را به همراه داشت، به طور مثال برای ارگان‌های اطلاعاتی به‌ویژه سپاه تحویل دادن امکانات اطلاعاتی بسیار دشوار بود. شاید اگر من هم به جای آنها بودم به سادگی نمی‌توانستم نیروهای زبده و اسناد و امکانات مهم اطلاعاتی را به ارگان دیگری منتقل کنم؛ به‌ویژه زمانی که مطمئن نبودم ارگان جدید تا چه حد می‌تواند از این امکانات در شرایط دشوار سیاسی ـ امنیتی آن روز استفاده کند.

اطلاعات سپاه به‌خصوص در انتقال اسناد اطلاعاتی خیلی حساسیت به خرج داد؛ بگو مگوها، کشمکش‌ها و درگیری‌های لفظی و قدری اوقات تلخی هم پیش آمد. در آن موقع آقای شمخانی قائم مقام سپاه بود و در این رابطه مسئولیت داشت. اما با عنایت به اینکه از نظر قانونی آنها راهی جز تحویل نداشتند و حمایت امام و سماجت ما، پس از رفت و آمدهای فراوان به فضل خداوند متعال آنچه را می‌خواستیم تحویل گرفتیم.

۳ـ ضابطه‌مندکردن شنود تلفن

پیش از تأسیس وزارت اطلاعات به دلیل تعدد ارگان‌های اطلاعاتی،بهره‌گیری از شنود تلفن‌ها ضابطه‌مند نبود. ارگان‌های مختلف به خود حق می‌دادند برای مسائل امنیتی یا مبارزه با قاچاق و... تلفن افراد مظنون را کنترل کنند و نمایندگان آنها در مراکز مخابرات فعالیت می‌کردند. این وضع از یک سو امنیت مکالمات مردم را تهدید می‌کرد و از سوی دیگر مانع تمرکز اطلاعات در وزارت اطلاعات بود.

برای خاتمه دادن به این وضع و ضابطه‌مند کردن شنود، من ضمن گزارش شرایط آن روز به حضرت امام، عرض کردم راه پیشگیری از تخلفات احتمالی، اطمینان بخشی به مردم و تمرکز کار اطلاعاتی، واگذاری مسئولیت کار به وزارت اطلاعات است. و پیشنهاد کردم که ایشان به وزیر مخابرات دستور بدهند که بدون هماهنگی با اینجانب هیچ تلفنی شنود نشود. من هم متقابلاً متعهد می‌شوم که امنیت مکالمات را تضمین کنم و در صورت تخلف احتمالی شخصاً پاسخگو باشم، همچنین نیاز ارگان‌های نیازمند به شنود را تأمین کنم.

امام پیشنهاد مرا پذیرفتند و متعاقب آن دفتر امام به آقای مهندس مرتضی نبوی وزیر مخابرات، توصیه کرد که درباره‌ی کنترل مکالمات موضوع با وزارت اطلاعات هماهنگ شود. البته وزارت اطلاعات نیز بدون حکم قوه‌ی قضائیه نمی‌توانست مکالمات را کنترل کند.

بدین‌ترتیب شنود مکالمات ضابطه‌مند شد. ضمناً با توجه به اینکه شنود یکی از گلوگاه‌های جمع‌آوری اطلاعات است، این ابزار به وزارت اطلاعات اختصاص یافت و نهادهایی که در ارتباط با اطلاعات غیرامنیتی مثل اطلاعات مربوط به مواد مخدر یا اطلاعات

انتظامی به کنترل مکالمات نیاز داشتند، غیرمستقیم تحت اشراف وزارت اطلاعات قرار گرفتند.

٤ـ جلسه‌ی تواصی به حق

کارگزاران وزارت اطلاعات به دلایل مختلف در معرض آفات سیاسی و اخلاقی هستند. پیشگیری از این آفات، علاوه بر دقت در گزینش نیروها، برنامه‌ریزی جهت تداوم سلامتی روانی و ارتقای معنویت در آنها نیز ضروری است. بدین منظور از آغاز تأسیس این وزارتخانه جلسه‌ای که «جلسه‌ی تواصی به حق»[1] نام گرفت، ترتیب داده شد. این جلسه هفته‌ای یکبار روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد و همه‌ی معاونان و مدیران وزارت اطلاعات موظف بودند در آن شرکت کنند، از مدیران استان‌ها نیز خواسته بودم که حتماً این جلسه را با همکاران خود شرکت داشته باشند.

در تهران معمولاً دو هفته یک‌بار خودم صحبت می‌کردم که حاصل بیست و هفت جلسه سخنرانی اینجانب خلال سال‌های ۱۳٦۳ و ۱۳٦٤ برای معاونت‌ها و مدیران کل و رؤسای ادارات کتابی است به نام «اخلاق مدیریت» که مورد استقبال قرار گرفت و تاکنون بارها تجدید چاپ شده‌است.

پس از آن بحث دیگری را تحت عنوان «خودسازی در اسلام» آغاز کردم که تا پایان مسئولیتم در وزارت اطلاعات ادامه داشت، لیکن هنوز موفق نشده‌ام مباحث آن را برای انتشار آماده کنم.

برنامه‌ی اخلاقی «تواصی به حق» برکات فراوانی برای سالم سازی فضای معنوی وزارت اطلاعات داشت. هم اکنون نیز به توصیه‌ی اینجانب این برنامه برای خدمتگزاران سازمان حج و زیارت و آستان مقدس حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام اجرا می‌شود. در اینجا من به عنوان یک خدمتگزار کوچک جمهوری اسلامی که برکات جلسات «تواصی به حق» را

۱. این نام با الهام از آیات پایانی سوره‌ی «عصر» انتخاب گردید.

تجربه کرده است به همه‌ی مدیران این نظام توصیه می‌کنم برای پیشگیری از فساد اداری در مدیریت تحت اشراف خود، حتماً این جلسه را برای همکاران خود برگزار کنند.

با اقداماتی که به مهم‌ترین آنها اشاره شد، طولی نکشید که به فضل خداوند متعال و با تلاش جانانه‌ی همکاران، وزارت اطلاعات در سراسر کشور سامان یافت و به صورت یک نهاد منسجم، متمرکز و مطمئن اطلاعاتی در خدمت نظام اسلامی قرار گرفت.

به خاطر دارم که تقریباً پس از یک ماه از تأسیس وزارت اطلاعات، با ریاست مجلس وقت – آقای هاشمی رفسنجانی ـ دیداری داشتم. وقتی گزارش کار را ارائه کردم ایشان از پیشرفت کارها تعجب کرد و گفت:

«من پیش خود فکر کرده بودم که در این ملاقات به شما بگویم که برای تحویل گرفتن امکانات اطلاعاتی از سایر ارگان‌هایی که در این زمینه فعالیت دارند، در بودجه‌بندی سال آینده (۱۳٦٤) در مجلس شورای اسلامی ترتیبی دهیم که بودجه‌ی سایر ارگان‌های اطلاعاتی به وزارت اطلاعات منتقل گردد تا در سال آینده آنها از طریق شما بودجه بگیرند و بدین جهت مجبور باشند اطلاعات خود را به وزارت اطلاعات بدهند و به تدریج شما به کارهای آنان مسلط شوید!»

شگفت‌آورتر اینکه وزارت اطلاعات به دلیل آنکه در اواسط سال ۱۳٦۳ تأسیس شد، بودجه‌ی مصوب نداشت و با بودجه‌ی مختصری که از اطلاعات نخست وزیری به این وزارتخانه منتقل گردید، این تشکیلات راه اندازی شد![1]

۱. بودجه‌ی دفتر اطلاعات نخست وزیری در سال ۱۳٦۳ یک میلیون و ششصدهزار تومان بود که برای شش ماه دوم این سال که وزارت اطلاعات تشکیل شد و نیروهای آن به این وزارتخانه منتقل گردید تا آنجا به خاطر دارم ششصد هزار تومان باقیمانده آن در در وزارت اطلاعات هزینه گردید.

۹/۲٤

نخستین دیدار مدیران ارشد وزارت اطلاعات با امام

پس از شکل‌گیری وزارت اطلاعات و راه‌اندازی ادارات کل این وزارتخانه در سراسر کشور، از امام درخواست کردم که کارگزاران ارشد این وزارتخانه با ایشان دیداری داشته باشد و از رهنمودهای ایشان بهره گیرند. پیش از این دیدار در ملاقاتی خصوصی از امام تقاضا کردم که ضمن رهنمودها نظر خود را درباره‌ی وابستگی کارگزاران این وزارتخانه به جریان‌های سیاسی بیان فرمایند.

صبح روز ۱۳٦۳/۱۲/۱۹ (۱۷ جمادی الثانی ١٤٠٥) به محضر ایشان شرفیاب شدیم، در این دیدار امام مطالبی را بدین شرح بیان فرمودند:

سخنان امام(ره) خطاب به کارگزاران وزارت اطلاعات

بسم الله الرحمن الرحیم

از افتخارات جمهوری اسلامی این است که افراد متدین و متعهد و شخصیت‌های روحانی در چنین وزارتخانه‌ای هستند. آقای «ری شهری» را همه می‌شناسیم که شغل ایشان شغل دیگری است، ولی خدمت به اسلام که از همه چیز لازم‌تر است، موجب شده است که ایشان از کار اصلی‌شان دست بردارند و به این کار حساس مشغول باشند. من از شما آقایان که ان شاءالله همه متعهد هستید تشکر می‌کنم.

قضیه‌ی اطلاعات از امور بسیار مهم و حساسی است که با همه چیز مردم سر و کار دارد. شما باید خداوند را حاضر و ناظر بدانید. انسان ممکن است چیزی را از چشم همه مخفی کند، ولی همه چیز ما در نزد خدا حفظ می‌شود و اعمال ما را به خود ما برمی‌گرداند. شما باید خیلی مواظبت کنید. البته همه باید مواظبت کنند، ولی از آنجا که شما کار حساسی در دستتان است باید مواظبت بیشتری داشته باشید. باید به قلبتان برسانید که هر کاری انجام می‌دهید در محضر خدا هستید.

مطلب دیگری که اهمیت دارد این است که تمام کسانی که در این وزارتخانه هستند باید در هیچ گروه و حزبی نباشند. وابستگی به گروه‌ها، وابستگی فکری و عملی می‌آورد و این با کار شما منافات دارد. باید همه‌ی شما بی‌طرف بی‌طرف باشید؛ دشمنی، دوستی، آشنایی و غریبی در کار نباشد. این کار خطرش بسیار است، آن طرف هم چون اسلام است اجرش زیاد است. باید فکر کنید که اگر امروز مطلبی را مخفی کردید، فردا چه می‌کنید؟ عالَم – چه برای آنکه عالَم را می‌خورد و چه برای درویش – می‌گذرد، باید به فکر فردا بود. مبادا کسی پیدا شود و از روی اغراض و گرایش‌ها عمل کند که این کار هم برای خودش خطرناک است و هم برای مردم. در مرحله‌ی اول، خطر برای خود انسان دارد، ولی انسان غافل است. داخل شدن در گروهی طبعاً یک نوع گرایش به آن گروه به وجود می‌آورد که با کارهایی که شما می‌خواهید انجام دهید، منافات دارد.

باید افراد اطلاعات مستقل، منزه و متقی باشند. من امیدوارم که شما همین‌طور باشید و دوستانتان را موعظه کنید که مبادا تندروی کنند. مبادا به خاطر تنداندیشی، یک بیچاره‌ای بی‌جهت گرفتار شود. در مورد زندانیانی که اسامی آنها به آقای ری شهری داده می‌شود، زودتر اقدام کنید که بی‌خود کسی در زندان نماند. ولی دقت در امور برای شما لازم است. چرا که با امثال منافقین و گروه‌های دیگر سروکار دارید، باید دقت کنید. امروز ملت ما احتیاج به اطلاعات دارد، هرکس خوب‌تر است باید در این امر شرکت کند. اسلام ما را موظف می‌کند در این امر دخالت کنیم، کنار رفتن و کنج خانه نشستن و دعا کردن فایده‌ای ندارد. باید به انبیا اقتدا کنیم. بنای انبیا و اهل بیت – علیهم السلام – این نبوده است که از مردم کناره‌گیری کنند؛ آنان با مردم بودند و هر وقت دستشان می‌رسید، حکومت را می‌گرفتند. هیچ

وسوسه نکنید که وسوسه کار شیطان است. انسان در هر موردی باید روی موازین شرعی عمل کند و کار صواب انجام دهد. از خداوند متعال توفیق و سعادت و سلامت شما را خواستارم. امیدوارم حضرت ولی عصر پشتیبان شما باشد.

والسلام علیکم و رحمه الله».[۱]

این سخنان در پیشبرد اهداف وزارت نوپای اطلاعات، به ویژه در ایجاد و تقویت بنیادهای اخلاقی و معنوی و نیز پیشگیری از نفوذ جریان‌های سیاسی در این وزارتخانه تأثیر فوق العاده‌ای داشت.

---

۱. **صحیفه‌ی امام**: ج ۱۹، صص ۱۷۹، ۱۸۰

۱۰/۲٤
نخستین اقدام جهت کاهش اختلافات داخلی

خطرناک‌ترین آفت سیاسی ـ امنیتی اختلافات داخلی، به‌ویژه اختلاف شخصیت‌های مؤثر و پرنفوذ است. این آفت اساس حکومت‌ها را متزلزل می‌سازد و می‌تواند نیرومندترین نظام‌ها را از پا درآورد، به همین جهت سازمان‌های جاسوسی دنیا برای ضربه‌زدن به حکومت‌ها، روی این آفت خطرناک به صورت جدی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

گفتنی است که اختلاف دیدگاه‌های سیاسی ـ اگر که به صف‌بندی، رویارویی، تخاصم و تخریب یکدیگر منجر نشود ـ نه تنها زیانبار نیست، بلکه مفید هم هست و به گفته‌ی حضرت امام(ره) «علامت حیات است»،[1] اما آنجا که به تخاصم و تخریب می‌انجامد به قدری خطرناک می‌شود که به فرموده پیامبر خدا (ص):

«ما اختلفت أمّة بعد نبیها الا ظهر أهل باطلها علی اهل حَقّها»[2]؛

هیچ امتی پس از پیامبر خود گرفتار اختلاف نشد مگر آنکه باطل‌گرایان آن بر حق خواهانش پیروز گشتند».

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین اقدامات وزارت اطلاعات در نظام اسلامی، تلاش برای تقویت تفاهم و همدلی نیروهای وفادار به نظام اسلامی، کاستن اختلافات داخلی و مبارزه با عواملی است که آگاهانه یا ناخودآگاه در خدمت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه قرار دارند.

---

۱. ر. ک به: جلد اول «خاطره ها» ص ۹۹

۲. ر. ک به: میزان الحکمه واژه‌ی «اختلاف»

اینجانب از همان آغاز مسئولیتم در وزارت اطلاعات به طور جدی به این موضوع می‌اندیشیدم. یکی از اقداماتی که در ابتدای کارم به این منظور انجام دادم تهیه‌ی «بولتن اختلافات» بود.

بولتن اختلافات

در آن هنگام، اختلافات میان بسیاری از مدیران و مسئولان کشور اعم از روحانی و غیرروحانی فراوان بود و به نظر می‌رسید که این اختلافات اگر ادامه پیدا کند، دشمنان از آن بهره خواهند برد و نظام اسلامی صدمه خواهد دید. برای آنکه امام را به طور دقیق از میزان اختلافات نیروهای خودی مطلع کنم، به مدیران اطلاعات سراسر کشور بخشنامه کردم که میزان اختلافات حوزه‌ی مسئولیت خود را دقیق اما بدون اظهار نظر که حق با کیست، گزارش کنند. مدتی طول کشید تا اینکه اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و بولتن اختلافات تهیه شد. هرچند اخبار این بولتن عمدتاً یا به طور کلی اطلاعات آشکار بود، اما در کنار هم قرار گرفتن این اخبار و جمع‌بندی آنها به صورت طبقه‌بندی سری یا به کلی سری انجام می‌شد و افشا شدن آنها بی‌تردید به سود دشمن بود. برای اینکه مبادا این بولتن به دست دشمن بیفتد و از آن سوءاستفاده شود، دستور دادم تنها یک نسخه از آن فقط برای حضرت امام تهیه شود و حتی در وزارت اطلاعات هم نسخه‌ای از آن نگهداری نشود.

خاطره‌ای آموزنده از امام

پس از تهیه‌ی «بولتن اختلافات» خدمت حضرت امام رسیدم و عرض کردم این بولتن به آمار و شرح اختلافات موجود در کشور اختصاص دارد و با وجود این اختلافات من نسبت به آینده‌ی جمهوری اسلامی نگران هستم.

پس از تمام شدن صحبت‌های من، امام نگاهی کرد و فرمود: «اختلاف اگر کم باشد ضرر دارد، زیاد آن ضرری ندارد نگران نباش»!![1]

---

۱. ر.ک به: خاطره‌ها، ج ۱، ص ۹۸ «اختلاف آنان بهتر است».

ملاحظه می‌کنید که امام خیلی سریع مطلب را گرفت و پاسخ دقیقی به آن داد.

آنچه وزارت اطلاعات در طول چند ماه تهیه کرده بود آمار اختلافات فراوان افرادی بود که هر یک به نحوی در امور اداری کشور کم و بیش مؤثر بودند. مفهوم سخن امام این بود اختلافات فراوان افراد تأثیر چندانی در صحنه‌ی سیاسی کشور ندارد، اما اگر دو یا سه جریان سیاسی با هم درگیر شوند و مردم را به دنبال خود وارد صحنه کنند، اینجاست که اختلافات خطرناک و نگران‌کننده می‌شود.

به هر حال تا اینجانب در وزارت اطلاعات مسئولیت داشتم یکی از جهت‌گیری‌ها اصولی این وزارتخانه کاهش اختلافات سیاسی و نزدیک کردن هر چه بیشتر جریان‌های خودی بود.

۱۱/۲٤
نخستین گفتگوی مطبوعاتی وزیر اطلاعات

قریب هشت ماه پس از تأسیس وزارت اطلاعات در نخستین گفتگوی مطبوعاتی در پاسخ به پرسش‌های روزنامه‌ی کیهان، نکاتی را درباره‌ی تشکیلات وزارت اطلاعات، چگونگی برنامه‌ریزی، وظایف این وزارتخانه، چگونگی ارتباط مردم با ادارات اطلاعات، جاسوسی منافقین برای رژیم صدام، تبادل اطلاعات با سایر کشورها، عفو زندانیان سیاسی، فساد در سازمان منافقین، دستگیری هشت منافق در حین جاسوسی برای عراق در عملیات مطرح کردم که در اینجا به بخشی از گفتگو اشاره می‌کنم:

س: وضعیت وزارت اطلاعات با توجه به جدیدالتأسیس بودن آن در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ وظایف اصلی آن چیست و آیا از نظر کار اجرایی هم ذی سهم است.

ج: بسم الله الرحمن الرحیم: در این مدت کوتاهی که از عمر این وزارتخانه‌ی نوپا می‌گذرد بیشترین وقت و فرصت مسئولین آن و شاید ۹۰درصد اوقات آنها صرف سازماندهی آن شده است. چون این وزارتخانه کاملاً جدید و هیچ گونه چارت تشکیلاتی قبلی نداشته است.

از همان ابتدا که مسئولیت این وزارتخانه به عهده‌ی ما گذاشته شده کمیته‌ای با عنوان کمیته‌ی سازماندهی در جنب سایر کمیته‌های سازمان‌دهنده تشکیل یافته که بعدها در چارت تشکیلاتی به مدیریت طرح و برنامه تبدیل شد. وظیفه‌ی این کمیته این است که با استفاده از افراد متخصص و افرادی که در سال‌های گذشته [پس از انقلاب] در ارگان‌های اطلاعاتی

کشور خدمت کرده‌اند و تجربه دارند، شکل آینده‌ی وزارت اطلاعات، شرح وظایف و آئین‌نامه‌های ادارات مختلف این وزارتخانه را مشخص کند.

آنچه در این کمیته به تصویب رسید در شورای عالی برنامه‌ریزی که با حضور وزیر تشکیل می‌شود، طرح شده به تصویب نهایی می‌رسد.

در حال حاضر بحمدالله چارت تشکیلاتی وزارت اطلاعات مشخص شده و معاونت‌ها و ادارات کل این وزارتخانه تعیین شده و مدت کوتاه دیگری لازم است که تکمیل گردد.

وظایف وزارت اطلاعات

وظایف اصلی وزارت اطلاعات عبارت است از مقابله و پیشگیری از فعالیت‌های ضدانقلابی. اداراتی در این وزارتخانه وظیفه‌ی اول را انجام می‌دهند؛ در رابطه با وظیفه‌ی دوم و پیشگیری از فعالیت‌های ضدانقلابی، زمینه‌های ضدانقلاب‌ساز بررسی می‌شود و برای پیشگیری از آنها، طرح‌های لازم به دستگاه‌های اجرایی ارائه می‌شود.

وزارت اطلاعات و مسئولیت امنیتی

اما درباره‌ی اینکه وزارت اطلاعات مسئولیت اجرایی دارد یا خیر، باید بگویم مسئولیت اجرایی در قانون برای وزارت اطلاعات پیش‌بینی نشده [در سایر کشورها سازمان‌های اطلاعاتی مسئولیت امنیتی هم دارند] وزارت اطلاعات و امنیت است که بُعد اجرایی دارد، در قانون وزارت اطلاعات بُعد امنیتی پیش‌بینی نشده؛ یعنی این وزارتخانه تنها بعد اطلاعاتی دارد. طبق قانون، کلیه‌ی عملیات اجرایی به عهده‌ی ضابطین قوه‌ی قضائیه است که در مجموع وزارت اطلاعات و قوه‌ی قضائیه و ضابطین قوه‌ی قضائیه مکمل یکدیگرند و با همکاری این سه ارگان امنیت کشور تأمین می‌گردد.

س: با آگاهی به اینکه بزرگ‌ترین منبع اطلاعاتی جهت دستگیری گروهک‌های مسلح مردم بودند و با توجه به اهمیت مشارکت مردم در امور، نقش آنها جهت همکاری با وزارت اطلاعات به چه صورت می‌باشد؟

نقش مردم در اطلاع رسانی

ج: تشکیلات اطلاعاتی در جمهوری اسلامی در خدمت مردم است و برای آگاه کردن مسئولین از آنچه در کشور می‌گذرد و سرویس اطلاعاتی دادن به کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی. مردم می‌توانند در رابطه با مسئولیت‌هایی که به عهده‌ی این وزارتخانه گذاشته شده نقش تعیین‌کننده داشته باشند. چیزی که [مطرح] هست، شکل شرکت مردم در این امر احتیاج به برنامه‌ریزی دارد که ان شاءالله مشخص می‌کنیم. برنامه‌ی این همکاری پس از آنکه در مدیریت طرح و برنامه تهیه و تصویب شد اعلام خواهد شد.

در رابطه با شماره تلفن‌هایی که قرار است در اختیار مردم گذاشته شود پیشنهادی به وزارت مخابرات داده‌ایم که شماره‌هایی روند در اختیار این وزارتخانه قرار دهند که هر وقت وزارت مخابرات جواب داد، اعلام خواهیم کرد.

نقش وزارت اطلاعات در جنگ

س: فعالیت وزارت اطلاعات در رابطه‌ی مستقیم با جنگ چگونه است، به خصوص در رابطه با مسأله‌ی جاسوسی از سوی ابرقدرت‌ها که در کلیه‌ی کشورها و به خصوص ایران مورد نظر است. در مقابله با عناصر اطلاعاتی شرق و غرب وزارت اطلاعات تا چه حد فعالیت داشته است؟

ج: از نظر قانونی وزارت اطلاعات فعالیت مستقیم در جنگ نمی‌تواند داشته باشد. در قانون وزارت اطلاعات برای نیروهای نظامی و انتظامی، تشکیلات اطلاعات نظامی و انتظامی پیش‌بینی شده است، بنابراین اطلاعاتی که جنگ نیاز دارد و همچنین حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح به عهده‌ی خود نیروهای مسلح است. اما در حال حاضر کمک‌هایی را وزارت اطلاعات در این زمینه ارائه می‌کند.

جاسوسی منافقین برای صدام

در این رابطه منافقین با ضربه‌هایی که سربازان گمنام امام زمان(عج) به آنها زده‌اند و ضربه‌هایی که خدا از طریق خودشان به آنها وارد کرده است، با حماقت‌های‌شان جایی در

میان مردم ندارند. آنها برای پول‌هایی که جهت عیاشی و جنایات خودشان لازم دارند چاره‌ای جز جاسوسی کردن و پول گرفتن از رژیم عراق ندارند.[1]

تغذیه‌ی عمده‌ی منافقین از این طریق است. رژیم عراق ملت مسلمان ایران را با آن وضع فجیع بمباران‌ها و موشک‌های شبانه شهید و معلول می‌کند. علاوه بر جنایات شیمیایی در جبهه، به آنها می‌گوید: اگر پول و امکانات می‌خواهید چاره‌ای جز آوردن اطلاعات ندارید، و مهم‌ترین اطلاعات مورد نیاز آنها مربوط به جنگ است. اقدام دیگر منافقین فضاسازی در میان مردم علیه جنگ است. منافقین در هر دو مورد به رژیم صدام کمک می‌کنند. ما مدارکی مستند داریم که هسته‌های به اصطلاح مقاومت به صورت‌های مختلف وارد جبهه‌ها می‌شوند و اطلاعاتی را که کسب می‌کنند ـ هرچند اطلاعات مهمی نیست ـ در اختیار رژیم صدام قرار می‌دهند.

در عملیات بدر طبق آماری که به من دادند نیروهای وزارت اطلاعات هشت نفر از منافقین را که برای عراق جاسوسی می‌کردند دستگیر کردند.

در رابطه با مسأله‌ی دوم که به خیال خودشان احساسات ضد جنگ در میان مردم ایجاد کنند، می‌دانید که موفق نبودند، جز اینکه تعدادی اراذل و اوباش و عیاش‌هایی را که مثل خودشان دنبال فساد و آلودگی بودند، تعداد اندکی را توانستند [راه بیندازند] و به وسیله‌ی آنها سر و صدای مختصری ایجاد کنند که خوراک تبلیغاتی رادیوهای ضدانقلاب گردد. و چیزی را که در ارتباط با مسائل فساد اخلاق بوده ده‌ها بار آن را بزرگ کنند و در مطبوعات خارجی علیه جنگ جا بزنند.

تبادل اطلاعات

س: آیا وزارت اطلاعات به لحاظ ارتباطات خارجی با دیگر کشورها تبادل اطلاعاتی دارد؟

---

۱. پس از سقوط رژیم صدام فیلم‌ها مستند این ادعا کشف شد و اکنون در اختیار وزارت اطلاعات است.

ج: طبق قانون، وزارت اطلاعات اگر بخواهد با کشور دیگری تبادل اطلاعاتی داشته باشد باید هیئت دولت تصویب کند و به تأیید رئیس جمهور برسد و تاکنون چنین چیزی اتفاق نیفتاده و در حال حاضر وزارت اطلاعات تبادل اطلاعاتی با هیچ کشوری ندارد.

س: در دیدار پرسنل وزارت اطلاعات با حضرت امام، ایشان به زندانیان سیاسی اشاره کردند و فرمودند که هر چه زودتر به پرونده‌ی آنها رسیدگی شود تا بی‌جهت کسی در زندان نماند. لطفاً بفرمایید با توجه به حساسیت امر ـ که امام نیز اشاره فرمودند ـ یعنی سر و کار داشتن با گروهک‌های منافق و ضدمردمی چه اقداماتی انجام گرفته و اصولاً شکل و روند پرونده‌ی زندانیان سیاسی به چه صورتی می‌باشد؟ در مورد عفو زندانیان سیاسی، عفو شامل چه افرادی می‌شود و با کسانی که بعد از عفو مجدداً اقدام به اعمال قبلی خود می‌کنند چه برخوردی می‌شود؟

عفو گروهک‌های ضدانقلاب

ج: ما اینها را زندانیان سیاسی نمی‌شناسیم، اینها افراد محارب و ضدانقلاب و جنایتکاران سیاسی هستند؛ زیرا زندانی سیاسی کسی است که کارش سیاسی است. کسی که دست به اسلحه برد کار سیاسی انجام نمی‌دهد بلکه خرابکار و جنایتکار است. اینها را ما ضدانقلاب می‌شناسیم. فرمایش حضرت امام در رابطه با زندانیانی بود که می‌خواهند مورد عفو قرار بگیرند و در ارتباط با همه‌ی زندانیان نیست. عفو زندانیان از دو طریق است: یکی هیئت چهار نفره که پرونده‌ها را بررسی می‌کنند، اگر تشخیص دادند که فردی مستحق عفو است آن را مورد عفو قرار می‌دهند. یکی هم از طریق دیوان عالی کشور، البته هر دو طرف به یک‌جا می‌رسند. برای اینکه در عفو این افراد دقت بیشتری صورت گیرد، وزارت اطلاعات و دادستان‌ها نیز باید نظر بدهند. دادستان مجری حکم باید نظر بدهد که این فرد اصلاح شده و اگر آزاد شود برای امنیت کشور ضرری ندارد و همچنین وزارت اطلاعات (که قبل از دستگیری این افراد در جریان اقدامات آنها بوده و بعد از دستگیری هم در زندان دفتر دارد و فعالیت‌های آنان را کنترل می‌کند) باید نظر دهد که آنها اصلاح شده‌اند و بازگشت آنها به دامن جامعه خطری ندارد. برنامه به این شکل است که وزارت اطلاعات لیست تهیه

شده از افراد را می‌گیرد و بررسی می‌کند. در مورد آنهایی که واقعاً متنبه شده‌اند و توبه کرده‌اند پیشنهاد عفو می‌دهد.

س: در اکثر کشورها و یا شاید تمامی آنها وزارت اطلاعات به صورت سازمان مستقل و سری اداره می‌شود، دلیل وزارتی بودن اطلاعات در ایران چیست؟

دلیل وزارتی شدن تشکیلات اطلاعات

ج: در کشورهای جهان تشکیلات اطلاعاتی [در واقع] تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی در کلیه‌ی کارهای اجرایی است. در کشورهای دیگر این تشکیلات نه قانون دارد و نه به صورت وزارتخانه است که کارهایش در پارلمان قابل پاسخگویی باشد. اگر هم قانونی داشته باشد مثل قانون ساواک یک یا دو کلمه است که مثلاً چنین تشکیلاتی قانونی است و اختیارش هم دست فلانی است، ولی شرایطی که قانون وزارت اطلاعات برای این تشکیلات و مسئول آن و حد و مرزی که برای کارهای آن قرار داده شده در هیچ جای دنیا دیده نمی‌شود. اگر این قانون به دست کسانی که در تشکیلات اطلاعاتی سایر کشورها داده شود تعجب می‌کنند که مگر می‌شود تشکیلات اطلاعاتی را به این شکل سازماندهی کرد؟ اصولاً مگر می‌شود تشکیلات اطلاعاتی با این شکل کارکند؟ ولی در جمهوری اسلامی با توجه به اینکه همه‌ی ارگان‌ها باید مردمی باشند و در صدر ارگان‌ها، ارگان‌های اطلاعاتی که باید چشم همه‌ی دستگاه‌های اجرایی و نظامی باشد، از این رو مجلس شورای اسلامی تصمیم گرفته که به صورت وزارتخانه باشد که کارهایش برای مجلس و از این طریق برای مردم قابل توضیح باشد.

س: اخیراً اطلاع داریم که گروهک‌ها، به ویژه گروهک منافقین دچار فلاکت‌های بزرگی در خارج از کشور شده‌اند؛ از یک سو به‌اصطلاح ازدواج ایدئولوژیکی این سازمان همراه توجیهات غیرقابل قبول و به دنبال آن انشعابات و... . همچنین دیگر گروهک‌ها و ضدانقلابیون که زمانی از حمایت همه‌جانبه‌ی استکبار برخوردار بودند، لیکن اکنون در انزوای کامل هستند؛ لطفاً بفرمایید ریشه‌ی این جریانات چیست و در صورت امکان در این زمینه اگر مسائل جدیدی وجود دارد بیان بفرمایید؟

علت انزوای منافقین

ج: من تصور می‌کنم که خون شهدای پاکی که به دست آن جنایتکاران شهید شدند ـ از مردم بی‌گناه حزب اللهی کوچه و بازار گرفته تا شهیدان محراب ـ سبب شده که آنها به این روز فلاکت بار بیفتند. ما هر کاری می‌کردیم که تا این حد آنها بی‌آبرو و رسوا شوند و از جامعه طرد شوند، نتیجه این نمی‌شد. ما نمی‌توانستیم به آنها تا این حد، ضربه‌ی حیثیتی وارد کنیم؛ ضربه‌ای که خداوند متعال به دست خود آنها به آنها زد، ضربه‌ای که با غوطه‌ور شدن آنها در منجلاب فساد آن هم به این شکل رسوا و کثیف، ازدواج در زمان «عدّه»! و از این رسواتر اینکه این عمل به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک برای هواداران مطرح شود!! [جبران‌ناپذیر است].

این کار از دست ما ساخته نبود، این حماقتی بود که در نتیجه‌ی جنایت‌های بی‌حد و حصر آنها دامن‌گیرشان شد. دست به کاری زدند که پر و پا قرص‌ترین هواداران آنها نسبت به آن توجیه نیستند، بهترین نیروهای تشکیلاتی آنها که سال‌ها همه چیز خود را در اختیار سازمان گذاشته بودند الان به گونه‌ای مسأله‌دار شده‌اند که عده‌ای به بیماری روانی مبتلا شده و ما خبر داریم که در بیمارستان‌های خارج از کشور بستری هستند. عده‌ای هم بار کار ما را سبک کرده‌اند و برای آنکه تفاله و باقیمانده‌های آنان را دستگیر کنیم و به سزای اعمالشان برسند همکاری می‌کنند. ان شاءالله این نوید را به شما بدهم که خبرهای خوبی داریم که در چند روز آینده برای ملت ایران خواهیم گفت. جنایت‌کارانی که جنایت‌های بزرگی انجام داده‌اند و قصد جنایت‌های بزرگ‌تری را داشتند، اما در چنگال عدالت قرار گرفتند. مشروح این خبر را در چند روز آینده خواهیم گفت.[1]

س: اطلاع داریم که به جز از کسانی که در ابتدای برپایی نظام جمهوری اسلامی در رده‌های مختلف فعالیت داشته‌اند و بعد به دلایلی به خارج از کشور فرار کرده‌اند، اظهار

---

۱. ر.ک به: ص ۱۳۹

تمایل کرده‌اند که به کشور بازگرداند. نظر شما در مورد چنین کسانی که اکنون علاقه‌مند به بازگشت هستند چیست؟ و با آنها چگونه برخورد خواهید کرد؟

بازگشت گروهک‌های فراری به کشور

ج: به آنها که به خارج فرار کرده‌اند و الان به واقع فهمیده‌اند که نفهمیده در برابر اسلام و جامعه‌ی اسلامی و ملت مسلمان ایران ایستاده بودند، چه آنهایی که در داخل هستند، اگر بخواهند از راه منحرفی که پیش گرفته‌اند برگردند هیچ مشکلی نیست. ما توصیه می‌کنیم که برگردند. البته باید طوری برگردند که مردم احساس کنند که آنها واقعاً برگشته‌اند. بدین معنا که باید به گونه‌ای به خطای خود اعتراف کنند و اگر جنایتی که موجب قصاص باشد انجام داده‌اند، حق قصاص مربوط می‌شود به فردی که حق او تضییع شده...

س: جریانات اخیری در ارتباط با مسائل فساد و بی‌حجابی به صورت تظاهرات صورت گرفت و مسائلی خلاف قوانین اسلام توسط فرصت‌طلب‌ها به وجود آمد. لطفاً بفرمایید ریشه‌ی این جریانات چگونه بود؟

ریشه‌ی تظاهرات گروهک‌ها علیه حجاب

ج: این حادثه ریشه‌ی سیاسی داشت، گروهک‌ها و بیش از همه منافقین در این ماه (اردیبهشت) و ماه گذشته اقداماتی آزمایشی در برخی شهرها و استان‌ها آغاز کردند که نتیجه‌ی عکس گرفتند. آنها تصور کرده بودند که به بهانه‌ی اینکه جمهوری اسلامی مردم را مجبور می‌کند عفت عمومی را رعایت یا به دنبال فساد اخلاق نروند، می‌توانند از این نقطه وارد شوند و جمعی اراذل و اوباش و بی‌بندوبار را تحریک کنند و اگر دیدند زمینه آماده است، فعالیت‌های دیگری را برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی آغاز نمایند. اما در همان قدم‌های اول با آمدن مردم حزب الله به صحنه این توطئه خنثی شد.

این نکته هم قابل توجه است که برای خنثی کردن این توطئه، نفوذی‌های گروهک‌ها کارهایی انجام دادند که حزب الله را لکه‌دار کنند، نمی‌خواهم بگویم که نفوذی‌ها زیاد بودند،

ولی به هر صورت کارهایی انجام شد که از نظر اسلام و قوانین جمهوری اسلامی نمی‌بایست انجام می‌شد. این کارها قطعاً کار مردم حزب الله است.[۱]

۱. روزنامه کیهان، ۱۳٦٤/۲/۱۵ «با اصلاحات ویراستاری»

فصل بیست و پنجم

بمب‌گذاری‌های زنجیره‌ای

۱/۲۵
توطئه‌ی بمب‌گذاری‌های زنجیره‌ای

با پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان انقلاب با تمام توان به مقابله با آن پرداخته و از کلیه‌ی امکانات و شیوه‌ها استفاده کردند. یکی از شیوه‌های مورد بهره‌برداری آنها «بمب‌گذاری» بود. این دشمنان که موفق نشده بودند از پیروزی انقلاب جلوگیری کنند و شکست سختی را متحمل شده بودند، اولین بمب را دو روز پس از پیروزی، یعنی در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲٤ در کوی مصدق اهواز منفجر کردند و با این اقدام فصل جدیدی از اقدامات خصمانه علیه امت اسلامی آغاز شد. طی دو سال اول پس از پیروزی انقلاب بیش از ۱۲۰ مورد انفجار در تأسیسات نفتی، تأسیسات راه‌آهن، ادارات و سازمان‌های دولتی و مراکز پررفت‌وآمد عمومی در شهرهای جنوب و متجاوز از ۱۰ مورد انفجار در تهران روی‌داد. با شروع جنگ تحمیلی به دلیل تمرکز نیروها در جبهه‌های جنوب و عدم امکان عبور محموله‌های بمب از مرزهای جنوبی، از حجم بمب‌گذاری در این مناطق کاسته شده و انفجارها در مرکز افزایش یافت، لذا فقط در سال ۱۳٦۰، چهل و هشت مورد بمب‌گذاری در تهران انجام شد.

در ابتدا، بمب‌گذاری‌ها توسط ایادی داخلی دشمنان (گروه‌های ضدانقلاب) انجام می‌شد، ولی با آغاز تجاوز عراق و مقاومت دلیرانه‌ی رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد، دشمن بعثی که برخلاف تصورات اولیه، خود را در رسیدن به پیروزی سریع در جبهه‌ها ناکام دید و دست‌نشاندگان داخلی را نیز در زدن ضربه‌ی مؤثر به ج. ا. ا ناتوان یافت، با تمام

توان، خود مستقیماً وارد عمل شد و سرویس‌های اطلاعاتی آن کشور (مخابرات، امن‌العام و استخبارات) بمب‌گذاری داخل کشور را در سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار دادند و با تمام توان و استفاده از کلیه‌ی عوامل و امکانات آن را پیگیری کردند.

عواملی که برای بمب‌گذاری مورد استفاده قرار گرفتند

در ابتدا گروهک خلق عرب در جنوب و ساواکی‌های فراری مثل پالیزبان، دکتر حمیدیان، علی قاضی و... در غرب اقدام به بمب‌گذاری کردند و در ادامه نیز دیگر گروهک‌ها مثل حزب منحله‌ی دموکرات، کومله، خبات، گروه‌های مهاجم و منافقین اقدام به بمب‌گذاری نمودند.

با تشکیل وزارت اطلاعات و تمرکز همه‌ی نیروهای اطلاعاتی در آن، مقابله با شبکه‌های بمب‌گذار و اقدامات آنها شدت گرفت و کار مقابله با آنها به صورت حرفه‌ای و کارآمدتر از گذشته دنبال شد. سرویس‌های اطلاعاتی عراق نیز با توان و امکانات بیشتر به سازماندهی و آموزش شبکه‌های بمب‌گذار جدید اقدام کردند و در این زمینه از عواملی مثل سردار جاف، سیف الله سلیمانپور، رافع قادری و مینه کوپه استفاده و گروهک رزگاری و جبهه‌ی متحد خلق برای آزادی الاحواز (اهواز) را نیز وارد عرصه‌ی میدان بمب گذاری نمودند.

سرویس جاسوسی مخابرات عراق شبکه‌های مذکور و عوامل آنها را متمرکز نموده، امکانات زیادی را برای آنها فراهم کردند و به آموزش آنها اقدام کردند. به منظور آموزش تخصصی و ایجاد توانمندی بیشتر در عناصر بمب‌گذار، «پادگان هیت» در نیمه‌ی سال ١٣٦٤ شکل گرفت. در این پادگان کلیه‌ی عوامل بمب‌گذار تحت آموزش‌های فشرده‌ی چهل و پنج روزه قرار گرفتند که علاوه بر آشنایی با انواع مواد منفجره، چاشنی‌ها، مکانیزم‌های انواع بمب، نحوه‌ی بمب‌گذاری در مکان‌های مختلف و پوشش‌های مورد استفاده برای انتقال و جاسازی بمب، آموزش‌های نظامی و آمادگی جسمانی را نیز طی می‌کردند.

علاوه بر گروه‌های ضدانقلاب، مهاجمان و شبکه‌های سازماندهی شده‌ی بمب‌گذار کشورهای غربی نیز با انتقال تکنولوژی ساخت بمب‌های پیشرفته جهت تخریب

استحکامات و تأسیسات و همچنین فروش چاشنی‌های پیشرفته‌ی بمب، رژیم حاکم بر عراق را یاری می‌کردند.

اهداف گروه‌های ضدانقلاب و عراق از بمب‌گذاری در داخل کشور

دشمنان انقلاب اسلامی برای نیل به اهداف زیر به بمب‌گذاری‌های گسترده‌ای در کشور اقدام کردند:

- ایجاد وحشت و ناامنی و تضعیف امنیت روانی در جامعه؛
- القای ناکارآمدی نظام در برقراری امنیت؛
- ایجاد اخلال در نظم عمومی؛
- ایجاد اخلال در فعالیت‌های اقتصادی و صدور نفت؛
- متوجه ساختن نیروهای دست اندر کار دفاع مقدس به پشت جبهه؛
- جلوگیری از تجمعات عمومی نظیر نماز جمعه و...
- ایجاد جنگ روانی با کشتن مردم بی‌دفاع در معابر و مراکز پرتجمع؛
- القای عدم ثبات در ج. ا. ا. و ایجاد اختلال در تنظیم روابط سیاسی و اقتصادی با دیگر کشورها.

ولی برعکس تصورات واهی دشمنان، چون همه‌ی قشرها و طبقات اجتماعی با ایثار، اهدای خون و فدا کردن عزیزان خود و با استمداد الهی، انقلاب شکوهمند اسلامی را به پیروزی رسانده بودند و خود را صاحب این انقلاب و کشور می‌دانستند، پس از هر اقدام دشمن با حضور بیشتر و جدی‌تر در صحنه توطئه‌ها را خنثی می‌کردند. کارگران و متخصصین نیز در کمترین زمان ممکن، با وجود همه‌ی تحریم‌های اعمال شده و مشکلات تأمین قطعات و امکانات، به بازسازی تأسیسات صدمه دیده می‌پرداختند؛ به شکلی که نه در عرصه‌ی اقتصادی با مشکلی جدی روبه‌رو شدیم، نه وقفه‌ای در صدور نفت ایجاد شد و نه اینکه حضور مردم در صحنه‌ها کم‌رنگ شد و شاهد بودیم که به دنبال هر یک از آن اقدامات، حضور مردم در نماز جمعه‌ها و راهپیمایی‌ها بیشتر و توفنده‌تر می‌شد.

چگونگی انتقال بمب به داخل کشور

در ابتدا با توجه به ناامنی‌های ایجاد شده، به‌ویژه در مناطق کردنشین و حضور ضدانقلاب در جدار مرز، قسمت‌هایی از نوار مرزی تحت کنترل گروهک‌های ضدانقلاب بود و دشمنان با جاسازی بمب در ماشین و عبوردادن آنها از مناطق مذکور، بمب‌ها را وارد کشور می‌کردند، ولی با برقراری امنیت در مرزها و کنترل نیروهای نظامی ج. ا. بر آن مناطق، مجبور شدند با استفاده از پوشش‌های زیر بمب‌ها را به کشور وارد کنند:

- ساک، چمدان مسافرتی و کیسه‌های حمل مواد غذایی و میوه؛
- کپسول گاز مایع؛
- لاستیک اتومبیل؛
- کابل برق فشار قوی و شلنگ آب؛
- باتری و جک ماشین؛
- حلب روغن نباتی؛
- ضبط صوت و تلویزیون؛
- موکت، قالیچه و توپ پارچه؛
- دیفرانسیل ماشین؛
- پوتین سربازی؛
- آب میوه‌گیری، کلمن آب، قاب عکس و گلدان.

اقدامات وزارت اطلاعات

وزارت اطلاعات به فضل خداوند متعال و با استفاده از کارشناسان مجرب اطلاعاتی که از ارگان‌های مختلف اطلاعاتی در آن تمرکز یافته بودند و ایجاد هماهنگی با بخش‌های مربوط و بهره‌گیری از اقدامات اطلاعاتی و اقدامات عمومی در مدت کوتاهی توطئه‌ی بمب‌گذاری‌های زنجیره‌ای را خنثی و بسیاری از عوامل آن را دستگیر کرد و دشمن را ناکام گذاشت.

اقدامات اساسی که به شناسایی، دستگیری عوامل بمب‌گذار و در نهایت متلاشی شدن شبکه‌های بمب‌گذار در خاک عراق انجامید عبارت بود از: به کارگیری منابع دارای دسترسی در زمینه‌ی ورود و انتقال بمب، کنترل مظنونین به ارتباط با عوامل بمب‌گذار، نفوذ در شبکه‌های بمب‌گذار و ایجاد اختلاف در آنها و به انفعال کشیدن بخشی از آنها.

در کار اقدامات اطلاعاتی، اقداماتی نظیر توجیه حراست‌های ادارات و مسئولان پروژه‌های صنعتی، توجیه عموم مردم درباره‌ی چگونگی برخورد با بسته‌های مشکوک، توجیه مردم استان‌های غرب کشور به منظور افزایش حساسیت آنها برای شناسایی عوامل مرتبط با بمب‌گذاری در قالب اطلاعات سی و شش میلیونی، نیز انجام گرفت. بدین‌ترتیب عوامل بمب‌گذاری‌های بزرگی که در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب نیز بمب‌گذاری کرده بودند، از جمله عوامل بمب‌گذاری میدان امام تهران، جنب ساختمان مرکزی مخابرات، شناسایی و دستگیر شدند. اینک به توضیح کوتاهی درباره‌ی دستگیری‌هایی که اجمالاً به یاد دارم می‌پردازم:

۲/۲۵
دستگیری عامل بمب‌گذاری در میدان امام و چندین انفجار دیگر

مدت کوتاهی پس از شروع کار وزارت اطلاعات، یکی از عوامل سابقه‌دار و خطرناک چندین بمب‌گذاری ـ که در انفجار خیابان پاستور و ایستگاه راه آهن تهران در سال ۱۳۶۰ و انفجار میدان امام (توپخانه) مقابل ساختمان مرکزی مخابرات[۱] دخالت داشت و این بار می‌خواست با انفجاری در جلوی مسجد امام(ره) تهران شمار دیگری از مردم بی‌گناه را به خاک و خون بکشد ـ به نام رضا نظری[۲] در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۱۹ یعنی کمتر از دو ماه از آغاز کار وزارت اطلاعات، شناسایی و قبل از اقدام دستگیر شد.

---

۱. ر. ک به: ص ۲۷

۲. وی یکی از درجه داران ژاندارمری بود که در اوایل پیروزی انقلاب در اثر اختلاف با فرمانده خود همراه خانواده‌اش -که ساکن سرپل ذهاب کرمانشاه بودند- به عراق پناهنده شد و از طریق برخی از عناصر ضدانقلاب مانند سردار جاف به سازمان اطلاعات و امنیت عراق وصل شد.

رضا نظری در مرداد ماه ۱۳۶۰ پس از طی دوره‌های مختلف در استخبارات عراق، از طریق سردار جاف مأمور بمب گذاری در تهران می‌گردد. وی همراه دو نفر دیگر از همدستانش با همکاری یکی از قاچاقچیان وارد تهران می‌شوند و حدود ساعت ۵ بعدازظهر ۱۳۶۰/۵/۱۵ ماشین بمب گذاری شده‌ای را در خیابان پاستور، پارک و سپس منفجر می‌کنند و همان شب به عراق بازمی‌گردند و هر یک هزار دینار و یک قبضه اسلحه دستمزد می‌گیرند! این اقدام جنایتکارانه به کشته شدن چهار نفر از شهروندان تهرانی و مجروح شدن ده نفر انجامید.

نظری پس از این اقدام به صورت انفرادی برای عملیات دیگری اعزام گردید. این بار یک کیف سامسونت را که در آن مواد منفجره جاسازی شده بود به تهران آورد و در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۳ در ایستگاه راه‌آهن تهران منفجر نمود و یک هزار و پانصد دینار جایزه گرفت!

←

این اقدام وزارت اطلاعات، نخستین ثمره‌ی تمرکز اطلاعات و هماهنگی نیروهای اطلاعاتی و بیش از هر چیز نشان دهنده‌ی انسجام این نیروها و هدایت صحیح آنها بود.

→
در سومین عملیات خرابکارانه یک کامیون ده تنی را که در آن مواد منفجره جاسازی کرده بود، در میدان امام مقابل ساختمان مرکزی مخابرات با استفاده از چاشنی زمانی منفجر کرد و پس از انفجار خود نیز همراه مردم شعار مرگ بر آمریکا داد!

برای بار چهارم مأموریت جدیدی به او ابلاغ شد که شخصاً بیش از چهارصد لول (C٤) را که به شکل صابون بود از سرویس اطلاعاتی بغداد تحویل گرفت و با پوشش صابون به وسیله‌ی قاچاقچیان وارد کشور کرد و در سقز تحویل گرفت. سپس با خرید یک دستگاه پیکان مواد را زیر صندلی عقب آن جاسازی نمود و به تهران آورد و در تاریخ ۱۳٦۳/۷/۱۹ در مقابل مسجد امام تهران پارک کرد، اما موقعیت را مناسب ندید و لذا اتومبیل را به پارکینگ منتقل کرد تا در شرایط بهتری (که احتمالاجمعیت بیشتری در محل حضور داشته باشند) مجدداً اقدام کند. اما با عنایت خداوند متعال و تلاش مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شد و پس از سیر مراحل قانونی در تاریخ ۱۳٦٦/۱۰/۲۷ به کیفر کردار خود رسید.

گفتنی است که شخص دیگری رافع عارفی یکی از همدستان وی نیز دستگیر شد و در تاریخ ۱۳٦۷/۷/۳ به کیفر خود رسید. نکته‌ی دیگر اینکه مسئول عملیات رضا نظری در سرویس اطلاعاتی عراق افرادی به نام‌های ابوخلف و ابومیثاق بودند.

۳/۲۵

دستگیری عوامل بمب‌گذاری در نماز جمعه‌ی تهران

روز جمعه ۱۳۶۳/۱۲/۲٤ در حالی که امام جمعه‌ی تهران «حضرت آیت الله خامنه‌ای» مشغول ایراد خطبه‌ی دوم نماز بودند، بمب جاسازی شده در قالیچه‌ای در میان صفوف نمازگزاران منفجر شد. قدرت این انفجار به حدی بود که نمازگزارانی که روی آن نشسته بودند ده‌ها متر به سمت بالا پرتاب شدند![۱]

صحنه‌ی نماز جمعه پس از انفجار!

منظره‌ی این فاجعه بسیار تأثرانگیز و رقت‌آور بود. بر اساس گزارش ستاد نمازجمعه‌ی تهران قطعات بدن شهدا روی درختان اطراف محوطه پخش شده بود، اما در این میان شجاعت و روحیه‌ی شهادت طلبی نمازگزاران حیرت‌انگیز است! آنان گاه فریاد می‌زدند: «ما بدین جا آمدیم بهر شهادت آمدیم»!! و گاه علیه صدام، آمریکا و منافقین شعار می‌دادند و

---

۱. گفتنی است که رژیم بعث عراق اعلام کرده بود که در آن روز نماز جمعه‌ی تهران را بمباران خواهد کرد. همزمان با انفجار بمب در نماز جمعه هواپیماهای عراقی به فراز دانشگاه تهران پرواز کردند و نمازگزاران گمان می‌کردند هواپیمای عراقی اقدام به این عمل کرده‌اند. بر اساس گزارش ستاد نماز جمعه یکی از شاهدان این ماجرا می‌گوید: «در این حادثه من متوجه شدم که چند راکت به طرف زمین چمن (محوطه‌ی نماز) در حال حرکت است با چشم که تعقیب نمودم یکی از آنها در فاصله‌ی کمتر از ۵متری من بر زمین افتاد، هنگامی که نزدیک آن شدم، دیدم سر یکی از نمازگزاران است که از بدن جدا شده و با موج انفجار بر بالا پرتاب شده. و من آن را راکت تصور کرده‌ام!»

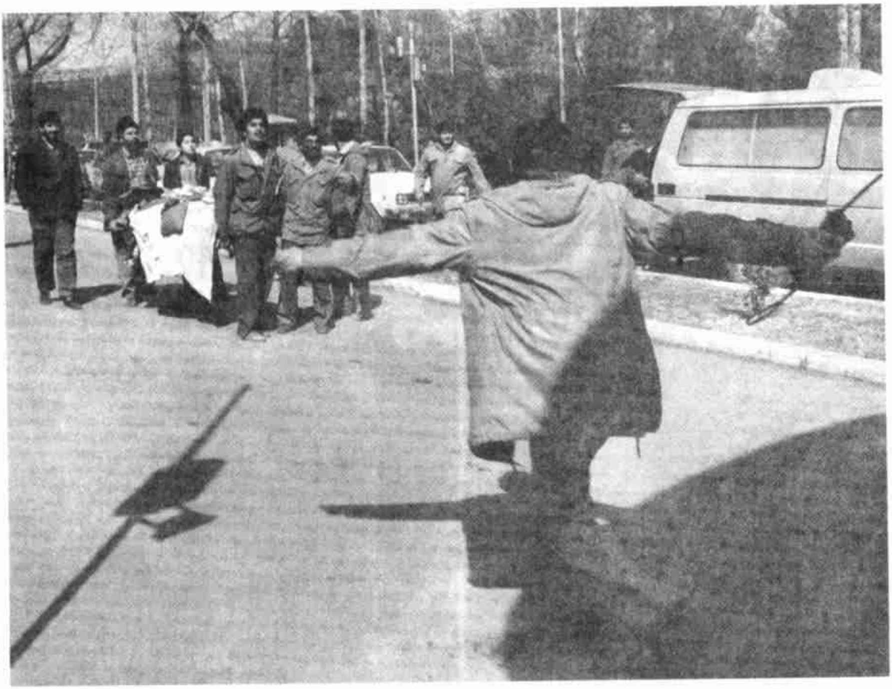
عده‌ای هم برای خارج کردن اجساد شهدا از محوطه‌ی نماز جمعه و رساندن مجروحین به بیمارستان‌ها همکاری می‌کردند.

از سوی دیگر، هنگامی که مردم خارج از محوطه از وقوع فاجعه مطلع شدند، موج انسان‌های شهادت طلب به سمت دانشگاه تهران حرکت کرد تا با امام و شهدا بیعت کنند!

هنگام انفجار من هم در صف نمازگزاران بودم. این حادثه پشت صف ما اتفاق افتاد، یکی از پاسداران همراهم[1] وقتی که دید من محل نماز را ترک نمی‌کنم مرا بلند کرد و در بغل گرفت و به زور از محل حادثه دور کرد. عصبانیت و داد و فریاد من هم برای جلوگیری از این اقدام اثری نداشت. شاید هم ظاهراً حق با او بود زیرا احتمال داشت حوادث مشابهی به ویژه برای مسئولان که معمولاً در صف‌های جلو بودند، پیش بیاید.

۱. آقای رحمان پورعباس







عوامل استکبار با انفجار بمب تعدادی از نمازگزاران تهران را به شهادت رساندند

۲۵ /۱۲/ ۱۳۶۳



بدنبال انفجار بمب در محل مقدس برگزاری نماز جمعه تهران، مردم شهادت‌طلب و جان‌برکف تهران با روحیه قهرمانانه، مقاوم و استوار خویش چون کوهی محکم در محل انفجار اجتماع کردند و با مشتهای گره‌کرده فریاد مرگ برامریکا و جنگ جنگ تا پیروزی سر دادند و یکبار دیگر به استکبار جهانی و عوامل سرسپرده آنان نشان دادند که این ملت علیرغم توطئه‌های مکرر و گوناگون هیچگاه میدان مبارزه را ترک نکرده و خشمگین‌تر، مصمم‌تر، جوشانتر و افتخارآفرین‌تر از همیشه در صحنه باقی خواهند ماند.

براثر انفجار یک بمب‌دستی در محل برگزاری نماز جمعه تهران که در ساعت ۱۲/۲۹ دقیقه روز گذشته صورت گرفت، چند تن از نمازگزاران شهید و مجروح شدند.

بنابه گزارشات رسیده روز گذشته در حالیکه حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور و امام جمعه تهران مشغول قرائت خطبه دوم نماز جمعه بود، صدای انفجار [illegible] براثر این انفجار [illegible] برادران نمازگزار شهید و مجروح شدند.

[illegible] که قبلا اسامت [illegible]

اسلام بعطف [illegible] انفجار بمب توصیف کرده بود، در یک هماهنگی [illegible] عوامل ضدانقلاب داخلی [illegible] بهنگام انفجار بمب در صفوف نمازگزاران [illegible] دانشگاه تهران، هواپیماهای [illegible] دیوار صوتی [illegible] صدای انفجارهائی [illegible] بوده است. [illegible] ورود هواپیماهای عراقی به آسمان تهران و انفجار بمب، [illegible]

پس از [illegible] این توطئه [illegible] شکست مواجه [illegible] و هواپیماهای عراقی نیز با آتش سنگین پدافند ضد هوائی متواری شدند.

براساس گزارشات رسیده در اثر این انفجار بمب ۵ تن از نمازگزاران بنام های سید محمدشاه [illegible] سید مجید محمدی [illegible] ابراهیم [illegible] سید مهدی [illegible] به درجه شهادت رسیده‌اند و همچنین ۲ تن از مجروحین [illegible]

حاشی و [illegible] در بیمارستان براثر شدت جراحات وارده شهید شدند.

گزارشات دیگر در این رابطه حاکیست که تعدادی نیز مجروح شده‌اند که به بیمارستانهای صنعتی نفت، فیروزگر، سینا، امام خمینی و دکتر شریعتی منتقل شده‌اند. گزارش خبرنگاران ما حاکیست که [illegible] مجروحین رو به بهبودی است و چند تن نیز پس از [illegible] بیمارستان مرخص شده‌اند.

براساس همین گزارش یکی از نمازگزاران که در چند متری محل انفجار حضور داشته است، در مورد چگونگی حادثه گفت: من در [illegible] چند [illegible] دانشگاه و بفاصله [illegible] متری محلی که انفجار رخ داد بودم که صدای انفجار را شنیدم چراکه موج انفجار و لرزش به من که در فاصله نزدیکی با محل انفجار قرار داشتم رسید. من برای کمک به مجروحین حادثه به طرف آنجا رفتم اما موج جمعیت که برای کمک آمده بودند، اجازه حرکت نداد. آنطور که از قرائن برمی‌آمد حدود ۵ الی ۶ نفر شهید شده و بیش از ۳۰ نفر در محل حادثه و تعدادی نیز در اطراف ساختمان ها و بدلیل اصابت [illegible] شیشه که براثر صدای شدید شکسته شده بود مجروح شده بودند.

این عده اکثرا درجهان محل نماز جمعه پانسمان شده و دوباره برای شنیدن خطبه‌های نماز به سرجای خود بازگشتند.

بنابه‌گزارش خبرنگار کیهان دقایقی پس از وقوع انفجار و انتقال شهدا و مجروحین، وضعیت مراسم به حالت عادی بازگشت و آقای خامنه‌ای به ادامه خطبه‌ها پرداختند.

ایشان ابتدا مردم هیجان‌زده را که بشدت فریاد مرگ بر آمریکا، جنگ جنگ تا پیروزی و مرگ بر منافق سرداده بودند به آرامش دعوت کرد. آنگاه مطالبی پیرامون جنگ تحمیلی خطبه دوم نماز را بپایان بردند.

طی اطلاعیه‌ای

کمیته انقلاب اسلامی توطئه عوامل استکبار را در رابطه با انفجار بمب در نماز جمعه محکوم کرد

بدنبال انفجار یک بمب در نماز جمعه دیروز تهران و شهادت و جراحت گروهی از نمازگزاران بدست منافقین و صدام اطلاعیه‌ای از سوی روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی انتشار یافت.

۲۵ /۱۲/ ۱۳۶۳

متن این اطلاعیه [illegible]

[illegible] منافقین [illegible] با انفجار بمبی در نماز جمعه [illegible] مردم [illegible] این عمل جنایتکارانه که همزمان با حمله هوایی [illegible] جمهوری اسلامی صورت گرفت نشان از یک توطئه هماهنگ شده میدهد و نوکری منافقین را برای آنان که تاکنون باور نداشتند بثبوت رساند. آمریکا و تمامی مزدوران داخلی و خارجی‌اش که بارها ازملت قهرمان و [illegible] ایران سیلی خورده‌اند هنوز درنیافته‌اند که این ملت الهام گرفته از تعالیم عالیه اسلام و حاکمیت حسین علیه‌السلام [illegible] با چنین اعمال بچه‌گانه‌ای از میدان کارزار با استکبار جهانی بازنمی‌ایستد. دنیا مشاهده نمود که هرجا از ناحیه [illegible] اسلامی فتنه‌ای برپاشد مردم جز بافریادهای کوبنده مرگ بر آمریکا و جنگ، جنگ تا پیروزی کلامی دیگر به زبان جاری نساختند و عزمشان راسخ‌تر گردید. کمیته انقلاب اسلامی ضمن محکوم کردن این عمل ددمنشانه منافقان مزدور و دعا برای سلامتی امام امت و پیروزی رزمندگان اسلام، هماهنگی با امت حزب‌الله از مقامات قضایی خواستار برخورد شدید با ضدانقلابیون می‌باشد.

پیکرهای مطهر شهدای نماز جمعه تهران امروز درمیان اشک و اندوه مردم تشییع شد

۱۳۶۳/۱۲/۲۶



پیکر های مطهر شهدای انفجار بمب درنمازجمعه تهران امروز باشرکت انبوه مردم و در میان شعار های کوبنده آنان علیه استکبار جهانی و مزدورانش تشییع شد . عکس صفحه‌ای از این مراسم رانشان میدهد.

پیکرهای پاک ۱۴ شهید انفجار نمازجمعه اخیرتهران صبح امروز در میان شعار واندوه هزاران تن از مردم تهران تشییع و رهسپار بهشت زهرا شد.

در جریان تشییع این‌عزیزان جمعی از مقامات کشوری ، نمایندگان مجلس شورای‌اسلامی و هزاران تن از مردم‌حزب‌الله تهران حضور داشتند.

مراسم‌تشییع ساعت ۳۰ر۹ صبح از مقابل دانشگاه تهران آغاز و سپس حجت‌الاسلام‌دری‌نجف‌آبادی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی طی سخنان مبسوطی درمورد جنگ‌و صحنه شهادت در فرهنگ اسلام از مقام شهدای اخیر و مقاومت مردم مسلمان کشورمان در جنایات اخیر استکبار جهانی توسط مزدوران بعثی عراق تجلیل‌بعمل آورد.

در ادامه این مراسم که جمع کثیری از نیرو های‌مسلح ارتش ، سپاه پاسداران ، و کمیته‌های انقلاب حضورداشتند شرکت‌کنندگان با دادن شعار هایی از قبیل : نماز جمعه پایگاه رحمت ، از سوی حق بر شهدایت رحمت و تا انتقام خونتان نگریم ـ به حق قسم از پا نمی‌نشینیم ، جنگ جنگ تا پیروزی ، مرگ برآمریکا، مرگ بر صدام ضمن ابراز انزجار از این عمل گروهکها آمادگی خود را برای جانبازی در راه تداوم جنگ تا نیل به پیروزی نهایی شان دادند.

پیکر های پاک این عزیزان سپس توسط برادران پاسدار سپاه وکمیته تشییع وپس ازلحظاتی بر روی دستهای مردم و شرکت کنندگان قرار گرفت .

این گزارش حاکیست که اجساد این عزیزان تاپل‌خیابان حافظ برروی‌دست های‌عزاداران حمل‌و سپس‌باآمبولانس رهسپار بهشت زهرا شد که مردم نیز سواربراتوبوس ، مینی‌بوس و ماشینهای شخصی پیکرهای‌پاک شهدا را تشییع کردند .

گزارش خبرنگار کیهان از مراسم امروز صبح حاکیست، عزیزانی که اجساد آنها امروز تشییع شد عبارتند از :

سید مهدی رضوی ، رحمعلی تلکانلی، حاج غلامعلی هاشمی، پرویز شعبانی(دانشجو)، عباس رایگان ، ذکریا فرجی بیگی، مهدی ابراهیمی(معلم)، محمد غفاری (معلم)، حاج مجتبی توانگر دهقان، علی احمدپور فیروز آبادی ، محسن ظهیری و نیز ۳ شهید که تاکنون شناسایی نشده‌اند .

از سوی دفتر امام جمعه تهران اعلام‌شد

مجلس ترحیم شهدای نماز جمعه تهران فردا در مسجد ارک برگزار میشود

۱۳۶۳/۱۲/۲۶

دفتر امام جمعه تهران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که‌فردا مجلس ترحیم شهدای نماز جمعه در مسجد ارک برگزار میشود.

متن اطلاعیه بشرح زیراست: شهیدان معراج مومنان ومیعاد سالکان، نماز جمعه تهران نقابی دیگر از چهره ضداسلامی و ضدمردمی‌منافقین این همدستان صدام ومزدوران استکبار برافکندند.

دفتر امام جمعه تهران ضمن عرض تبریک و تسلیت‌این‌واقعه جانگداز به پیشگاه بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداه وحضرت امام خمینی مدظله‌العالی و خانواده معظم این عزیزان‌وبه عموم مردم شهیدپرور تهران، اعلام میدارد که‌مجلس‌ترحیمی به همین مناسبت از طرف امام جمعه محترم تهران و ریاست جمهوری اسلامی ایران حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین‌سیدعلی خامنه‌ای از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر روز دوشنبه ۶۳/۱۲/۲۷ در مسجدارک‌واقع در میدان ۱۵ خردادبرگزار خواهد شد

ادامه‌ی نماز جمعه!

شجاعت امام جمعه‌ی تهران (آیت الله خامنه‌ای) در این حادثه‌ی جانخراش حقیقتاً ستودنی است. ایشان بدون هراس پس از دقایقی به سخنان خود ادامه دادند و نمازگزاران نیز از ایشان تبعیت کردند.

جناب آقای جواد مقصودی، رئیس ستاد نماز جمعه‌ی تهران در این باره می‌گوید:

«پس از وقوع انفجار بسیار نگران امام جمعه شدم و گمان کردم برای ایشان اتفاقی افتاده، با سرعت به جایگاه تریبون وارد شدم، هنگامی که ایشان را با صلابت و شجاعت دیدم، شگفت‌زده شدم، حضرت ایشان فرمودند: «چرا اخم کرده‌ای و درهم کشیده‌ای»!![1]

تعداد شهدا و مجروحین

طبق گزارش ستاد نماز جمعه در این فاجعه چهارده نفر از نمازگزاران شهید[2] و قریب ۱۱۰ نفر مجروح شدند.

برخی آمار شهدا را شانزده نفر ذکر کرده‌اند که در این صورت هویت سه تن از شهدا نامعلوم است.

گفتنی است که شماری از خانواده‌های شهدای مظلوم این فاجعه می‌گویند آنان چون شنیده بودند صدام می‌خواهد نماز جمعه را بمباران کند، قبل از آمدن به نماز جمعه غسل شهادت کرده بودند!

---

۱. با تشکر از جناب آقای مقصودی که با ارسال گزارش این فاجعه برای اینجانب در تکمیل این قسمت از خاطره‌ها مساعدت کرد.

۲. اسامی شهدایی که هویت آنها مشخص شده بدین شرح است: ۱- سید مهدی رضوی ۲- رجبعلی پلیکانی ۳- پرویز شعبانی ٤- غلامعلی حاج هاشم ٥- عباسعلی رایگان ٦- زکریا قورچه بیکی ۷- مهدی ابراهیمی ۸- محمد غفاری ۹- مجتبی توانگر دهقان ۱۰- علی احمد پورفیروزآبادی ۱۱- محسن زهیری ۱۲- محسن حاج هاشم ۱۳- محمد برجسته گفتنی است که هم اکنون یادمانی در محل انفجار نماز جمعه‌ی تهران برای شهدای مظلوم این فاجعه بنا شده است تا یاد و خاطره آنان در ذهن نسل‌های آینده باقی بماند.

تلاش برای شناسایی عوامل انفجار

بی‌درنگ تلاش مأمورین وزارت اطلاعات برای دستگیری عوامل انفجار آغاز شد و با عنایت الهی تقریباً یک ماه پس از این حادثه‌ی غم‌انگیز، عاملان این جنایت به نام‌های مصطفی لطفی و خالد وزیری همراه مسعود قادری در تاریخ ۱۳٦٤/۲/۱ در حالی که دو کپسول گاز و یک دیفرانسیل ماشین که در آنها مواد منفجره جاسازی شده بود و ۳٤ عدد بمب مغناطیسی همراه داشتند و برای عملیات دیگری وارد ایران شده بودند، به گونه‌ی معجزه آسا دستگیر شدند.

خاطره‌ای از امام

جالب توجه اینکه صبح روزی که صدا و سیما در بخش اخبار شبانگاهی خبر دستگیری آنها را به نقل از وزارت اطلاعات پخش کرد، موقع ورود به دفترم در وزارتخانه، حاج احمد آقا به من زنگ زد و گفت: «امام فرمودند آیا همه‌ی افرادی که در این جریان دخالت داشته‌اند را دستگیر کرده‌اید که خبر آن را پخش کردید؟ مبادا این خبر، سبب شود که سایر افراد دخیل در این ماجرا فرار کنند!» پاسخ دادم به ایشان بگویید جای نگرانی نیست. برای ما جالب بود که ایشان به این ظرایف کار اطلاعاتی توجه دارد.

نتایج تحقیقات

باری، بازجویی از متهمان آغاز شد و در نتیجه معلوم شد که در اوایل سال ۱۳٦۳ مصطفی لطفی و خالد وزیری با شخصی به نام سلیمان شیخه یکی از عوامل سردار جاف و علی قاضی در ایران آشنا و پس از مدتی به ترکیه منتقل می‌شوند و با علی قاضی ملاقات می‌کنند و پس از اعلام همکاری به عراق می‌روند. در عراق پس از گذراندن دوره‌های آموزش تخریب و انفجار، تعدادی محموله‌ی انفجاری را تحویل گرفته به ایران برمی‌گردند تا پل استراتژیک قطور را منفجر کنند، اما به دلیل حفاظت شدید پل موفق نمی‌شوند، لذا یکی از پل‌های اطراف آن را منفجر می‌کنند و به عراق بازمی‌گردند.

در اقدام بعدی سرویس اطلاعاتی عراق آموزش‌های مخصوصی جهت انتقال یک موکت انفجاری به تهران و منفجرکردن آن در نماز جمعه به آنها می‌دهد. در ضمن دوربین عکس برداری مخصوصی برای عکس برداری از پالایشگاه تبریز جهت طراحی انفجار آنجا نیز در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

در تاریخ ۱۳٦۳/۱۲/۲۳ آنان به تهران می‌آیند و فردای آن روز همراه با موکت انفجاری داخل صفوف نمازگزاران می‌شوند و پس از پهن کردن موکت زیر پای نمازگزاران، خود محل نماز جمعه را ترک می‌کنند و با یک دستگاه کنترل از راه دور موکت را منفجر می‌کنند. هنگامی که صدای انفجار را از پشت بام منزل برادر مصطفی ـ که در نزدیکی دانشگاه تهران بوده است ـ می‌شنوند به داخل منزل رفته و مشغول رقص و پایکوبی می‌شوند و پس از آن به عراق بازمی‌گردند و مبلغ هشتصدهزار تومان در مقابل این جنایت دستمزد دریافت می‌کنند. آنان بار دیگر برای انجام عملیات بمب‌گذاری اعزام شده بودند که پیش از هرگونه اقدام در تاریخ ۱۳٦۳/۲/۱ توسط مأمورین وزارت اطلاعات دستگیر شدند و پس از سیر مراحل قانونی به مجازات رسیدند.

٤/٢٥

دستگیری عامل بمب گذاری در ترمینال غرب تهران و ترمینال فیاض بخش

بامداد روز پنج شنبه ۱۳٦٤/٦/۲۸ ساعت ٦:۳۵ یک بمب زمانی الکتریکی در ترمینال آزادی تهران در قسمت تعاونی هفت منفجر شد[1]. این بمب دست‌ساز که در یک ساک جاسازی شده بود تقریباً ۱۵پوند وزن داشت. در این انفجار یک کودک دو ساله به نام لیلا هاشمی به شهادت رسید و ۳٦ نفر مجروح شدند.[2]

اقدامات وزارت اطلاعات

پس از پیگیری‌های گسترده‌ی اطلاعاتی مشخص شد که شخصی به نام عبدالرحمن افندی وابسته به گروه‌های کُرد کرکوک که حدود ۳۰ سال سن دارد، با توجیه سرویس اطلاعاتی عراق با خانمی از اهالی ارومیه ازدواج کرده و مواد منفجره به ایران می‌آورد که بالاخره پس از چندین ماه فعالیت‌های اطلاعاتی نامبرده شناسایی و در تاریخ ۱۳٦۵/۵/۱۳ دستگیر شد. در بازجویی‌هایی که از وی به عمل آمد معلوم شد که رژیم عراق برادر و برادرزاده‌ی او را به اعدام محکوم نموده و در مقابل آزادی آنها از وی خواسته‌اند که با استخبارات عراق جهت خرابکاری در ایران همکاری کند.

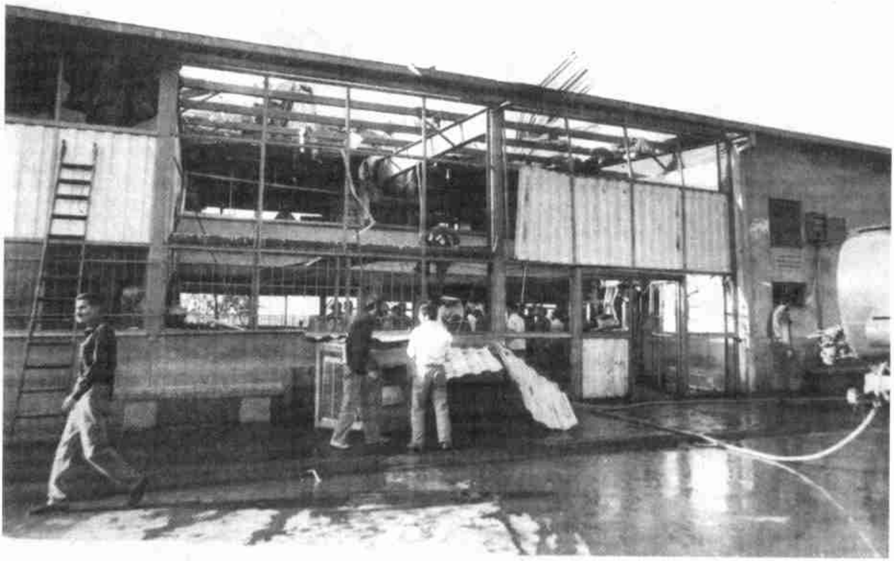
---

۱. ر. ک. به: پیوست شماره ۹

۲. روزنامه *کیهان*، ۱۳٦٤/٦/۲۸

وی همکاری با استخبارات را می‌پذیرد و در سال ١٣٦٤ پس از ملاقات با رائد قاضی و دیدن آموزش‌های لازم درباره‌ی چگونگی به کارگیری مواد منفجره، مقداری مواد انفجاری از طریق قاچاقچیان به پیرانشهر برده و از آنجا به تهران منتقل می‌کند و در تاریخ ١٣٦٤/٦/٢٨ حادثه‌ی جانخراش انفجار ترمینال آزادی را پدید می‌آورد.

او پس از این اقدام وحشیانه به عراق بازمی‌گردد و پس از گزارش این جنایت، استخبارات طبق وعده، برادر و برادرزاده اش را آزاد می‌کند و پس از مدتی کوتاه که به وی استراحت می‌دهند جهت سهولت رفت و آمد وی به ایران به او توصیه می‌کنند که با یک ایرانی ازدواج کند. او هم با خانمی به نام گلین از اهالی ارومیه ازدواج می‌کند. پس از مدتی بمب دیگری به او می‌دهند که به راحتی به تهران منتقل می‌کند و در ترمینال فیاض بخش (پارک شهر) منفجر می‌کند. پس از آن دوباره به عراق می‌رود و با دو بمب دیگر جهت انفجار در تهران بازمی‌گردد که این بار با تلاش مأموران وزارت اطلاعات دستگیر گردید.





۵/۲۵

دستگیری عوامل بمب‌گذاری در جوار حضرت معصومه(علیه‌السلام)

ساعت ۹:۳۰ صبح روز شنبه، ۱۳۶۵/۵/۲۵ در سالروز عید قربان و به هنگام پایان نیایش ویژه‌ی این روز یک بمبی نسبتاً قوی که در یک اتومبیل ژیان جاسازی شده بود در خیابان موزه، واقع در ضلع جنوبی حرم مطهر حضرت معصومه(علیه‌السلام) منفجر شد.

در اثر این اقدام وحشیانه ۱۱ نفر شهید و نزدیک به یکصدنفر مجروح شدند. در میان شهدا چهارکودک و دو زن وجود داشت.

همچنین در اثر این انفجار شیشه‌های ساختمان‌های اطراف تا شعاع ۵۰ متری، به خصوص شیشه‌های ضلع جنوبی حرم مطهر و آیینه کاری مسجد طباطبایی آسیب دید.[۱]

اقدامات وزارت اطلاعات

با اقدامات سریع وزارت اطلاعات، عاملان این انفجار تنها دو روز پس از این جنایت، شناسایی و در بازار سنندج دستگیر شدند.

سابقه‌ی شناسایی عاملان این انفجار به سال ۱۳۶۳ بازمی‌گردد؛ یعنی هنگامی که رضا نظری[۲] عامل انفجار میدان امام دستگیر شد. در بازجویی از وی مشخص شده بود که

---

۱. ر. ک به: پیوست شماره ۱۰

۲. ر. ک به: ص ۱۰۳، پاورقی شماره‌ی ۲.

شخصی به نام سلیمان فرهادی به اتفاق محمد ویسی شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه‌ی قلخانی به حزب منحله‌ی دموکرات می‌پیوندند و از طرف سردار جاف مأمور خرابکاری در ایران می‌شوند. مشخصات نامبردگان توسط رضا نظری در اختیار وزارت اطلاعات گذاشته شده بود، اما آنان پس از جنایات مختلف، خانواده‌های خود را به عراق منتقل کرده بودند و از سرویس اطلاعاتی عراق مستمری می‌گرفتند.

بر اساس بازجویی‌هایی که پس از دستگیری از آنها به عمل آمد، در تابستان سال ۱۳٦۵ سرویس اطلاعاتی عراق آنها را احضار می‌کند و با تهدید از آنان می‌خواهد که عملیات خرابکاری در ایران را باید دوباره از سر بگیرند و در غیر این صورت علاوه بر قطع مستمری، بازداشت خواهند شد.

بدین‌ترتیب آنان با گرفتن ٤٥٠هزار تومان بابت هزینه‌ی سفر و دیدار با شخصی به نام «دارا» برادر سردار جاف، عازم سلیمانیه می‌شوند و در آنجا پس از دیدار کوتاهی با افسر اطلاعاتی عراق به نام خلف به «کاریزه» می‌روند و طبق قرار قبلی از فردی به نام مظفر مواد انفجاری مورد نظر را تحویل می‌گیرند و توسط شخصی به نام اسماعیل نوری از اهالی سنندج، در مقابل پرداخت ۳ هزار تومان از مسیر کاریزه – سفره وارد منطقه‌ی شیلر می‌شوند و از آنجا به سنندج می‌آیند و به منزل اسماعیل نوری می‌روند.

پس از چند روز با خرید یک دستگاه ژیان از نمایشگاه اتومبیل اسب طلایی سنندج به مبلغ ٦۷هزار تومان عازم تهران می‌شوند. پس از یک شب توقف در تهران با جاسازی دو حلقه شیلنگ انفجاری در جعبه‌ی عقب ژیان عازم قم می‌شوند و در ظهر روز عید قربان ۱۳٦۵/۵/۲۵ اتومبیل را در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه (ع) پارک و منفجر می‌کنند.

آنها همان روز قم را به مقصد تهران ترک می‌کنند و صبح روز بعد به سنندج می‌روند. شب را در منزل اسماعیل استراحت می‌کنند و روز بعد یعنی ۱۳٦۵/۵/۲۷ که برای خرید عازم بازار سنندج شده بودند.با تلاش مأموران وزارت اطلاعات شناسایی و دستگیر و تحویل قوه‌ی قضائیه می‌شوند.



۶/۲۵

دستگیری عوامل بمب گذاری میدان فردوسی و پیشگیری از چند اقدام خطرناک

صبح روز سه شنبه، ۱۳۶۵/۵/۲۸ ساعت ۸:۳۰ سه روز پس از انفجار در قم بمبی قوی‌ای که در یک اتومبیل ژیان کار گذاشته شده بود، میدان فردوسی[1] را به لرزه درآورد. بر اثر این انفجار طبق آمارهای اولیه ۱۶نفر شهید و عده‌ای مجروح شدند. شدت انفجار به حدی بود که تا شعاع دویست تا سیصد متری شیشه‌ی مغازه‌ها شکست.[2]

اقدامات وزارت اطلاعات

پس از این حادثه‌ی جانخراش، وزارت اطلاعات تلاش‌های گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری عوامل آن آغاز کرد.

در نتیجه‌ی اقدامات اطلاعاتی مشخص شد که عوامل این بمب گذاری سه نفر به نام‌های رحیم، کریم و علی است که هر سه نفر آنها از قاچاقچیان منطقه‌ی سردشت هستند. آنها پیش از این اقدام چند تخته فرش از ایران به عراق برده بودند که توسط سرویس اطلاعاتی عراق توقیف می‌شود و دولت عراق در مقابل تحویل فرش‌ها از آنها می‌خواهد

---

۱. مقابل دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (نبش خیابان انقلاب)

۲. بر اساس گزارش روزنامه‌ی کیهان، صبح روز مذکور ۱۶ شهید به ستاد معراج شهدا را منتقل شده که در میان آنها سه بچه ۵ ساله و ۱۳ ساله دیده می‌شود. ر. ک به: ضمیمه شماره‌ی ۱۱.

چند عملیات خرابکارانه را در ایران اجرا کنند. آنها نیز خواسته‌ی سرویس اطلاعاتی عراق را اجرا می‌کنند.

در ادامه‌ی تحقیقات معلوم شد که مشخصات کامل عوامل این انفجار عبارت است از: رحیم یوسفی آذر اهل روستای سیوناس مهاباد، کریم حرمتی اهل بوکان و علی حرمتی. بلافاصله آنان دستگیر شدند و بازجویی آغاز شد.

آنان در بازجویی دو نفر دیگر از همدستان خود و عوامل اصلی انفجار در میدان فردوسی را نیز معرفی کردند. نام آنها احمد ایافت و مصطفی عایشه خوانی بود. آنها نیز در یکی از ایست و بازرسی‌های سردشت، شناسایی و دستگیر شدند.

با دستگیری این دو نفر و تحقیقاتی که از آنان به عمل آمد، معلوم شد رحیم یوسفی آذر، کارگردان اصلی این جریان بوده که بعد از پذیرفتن پیشنهاد همکاری با مخابرات عراق، آموزش‌های لازم را در بغداد دیده‌اند. سرویس اطلاعاتی عراق، کریم حرمتی را به عنوان ضامن در عراق نگه می‌دارد و مبلغ ۱۵۵هزار تومان با ۲۰کیلو مواد منفجره و چاشنی و دیگر لوازم مربوط به آن، به رحیم یوسفی آذر و علی حرمتی تحویل می‌دهد و روانه ایران می‌کند.

آنان مواد را در منزل احمد محمدپور در روستای دارمرجان گذاشته و خودشان به بوکان می‌روند و از آنجا به مهاباد رفته مصطفی خالد و احمد ایافت راننده‌ی مینی‌بوس را متقاعد ساخته و به روستای دارمرجان می‌برند و پس از جاسازی مواد در مینی‌بوس، رحیم یوسفی آذر به اتفاق مصطفی خالد و علی حرمتی با اتوبوس و احمد ایافت و مصطفی عایشه خوانی و محمد بختیاری فر که سرنشین مینی‌بوس حامل مواد بودند جداگانه عازم تهران می‌شوند و در هتل سروش تجمع می‌کنند.

در تهران یک دستگاه ژیان خریده و مواد منفجره را در آن جاسازی می‌کنند و توسط رحیم یوسفی آذر و علی حرمتی و به رانندگی احمد ایافت اتومبیل مذکور را به میدان فردوسی برده در آنجا منفجر می‌نمایند.

پس از این اقدام همه‌ی آنها به صورت جداگانه به عراق رفته و ضمن ارائه‌ی گزارش جنایت خود، نفری ۲۰۰۰ دینار دریافت می‌کنند. اما رحیم و علی مبلغ مذکور را قبول

نمی‌کنند و فرش‌هایشان را مطالبه می‌نمایند که به آنها وعده می‌دهند در آینده فرش‌هایشان داده می‌شود.

مجدداً سرویس اطلاعات و امنیت عراق افراد مذکور را سازماندهی می‌کند و برای انجام جنایتی بس خطرناک‌تر به ایران اعزام می‌نمایند.!

حدود ۱۲۰کیلو مواد منفجره و مبلغی قریب ۵۰۰هزار تومان به رحیم و علی تحویل می‌شود و کریم به عنوان ضامن نگه داشته می‌شود تا پمپ بنزین مرند و پمپ بنزین امیرآباد و پمپ بنزین جمهوری را در تهران منفجر کنند.

همچنین احمد ایافت و مصطفی عایشه‌خوانی را با ٤٠کیلو مواد منفجره و مبالغی پول جهت انفجار سفارت لیبی در تهران و در صورت عدم امکان، انفجار نیروگاه برق تهران در میدان ۱۷شهریور به تهران اعزام می‌کنند و مصطفی دارابی به عنوان ضامن در بغداد می‌ماند. این بار قبل از هر گونه اقدام عوامل جنایت شناسایی و ـ همان‌طور که توضیح داده شد ـ دستگیر و برای محاکمه و مجازات به قوه‌ی قضائیه تحویل داده می‌شوند.[1]

۱. گفتنی است که علی حرمتی در زندان خودکشی کرد.

صبح امروز

انفجار بمب توسط مزدوران بیگانه در تهران دهها تن را شهید و مجروح کرد

۱۳۶۵/ ۴/ ۷

● در این جنایت استکبار ۱۶ تن بشهادت رسیدند

بار دیگر عوامل سرسپرده استکبار جهانی با گذاشتن بمبی حدود ۵۰ پوند در یک اتومبیل ژیان، ۱۵ نفر از هموطنان را شهید و دهها تن را مجروح کردند.

بنابه گزارش خبرنگار ما، انفجار در ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح امروز در میدان فردوسی مقابل دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (ابتدای خیابان انقلاب) رخ داد و طی آن ۸ دستگاه اتومبیل که از آن محل عبور میکردند خسارت کلی وارد آمد.

براثر این انفجار ۱۵ نفر شهید شدند که براساس اظهارات شاهدان عینی جسد یک نفر در داخل باجه تلفن، دو تن در کف خیابان و دو نفر دیگر در بیمارستان پس از انتقال از محل انفجار دار فانی را وداع گفتند.

این گزارش حاکیست انفجار توأم با آتش‌سوزی بود و پس از وقوع آن بلافاصله نیروهای امداد و پلیس از جمله آتش‌نشانی و اورژانس تهران در محل حاضر شدند و به اطفای حریق و حمل مجروحین پرداختند.

در این حادثه یک دستگاه اتوبوس شرکت واحد بشماره ۱۲۳۵۷ تهران ۱۲ که حدودا ۲۰ متر با کانون انفجار فاصله داشت آسیب دیده بطوریکه شیشه‌های آن شکست و چرخهای عقب آن براثر این انفجار، آتش گرفت و احتمالا مسافران این اتوبوس که بطرف میدان انقلاب در حرکت بود، همگی مجروح شدند. چون داخل این اتوبوس تعدادی زیادی کفش، لباس و غیره مشاهده میشد.

محمد ... راننده شرکت البرز که هنگام انفجار با یک اتومبیل وانت از آن محل عبور میکرد به خبرنگار ما گفت: از راست وارد میدان فردوسی شده بودم که صدای مهیب انفجاری را شنیدم و بدنبال آن دود و آتش اطرافم را فراگرفت و ۲ نفر سرنشین یک اتومبیل ژیان یک نفر در داخل باجه تلفن در دم کشته شدند و افراد بسیاری نیز مجروح شدند. وی افزود اگر اتومبیل حامل بمب آن نزدیک عبور میکردند آسیب میدیدند اما ...

... شدند.

بنابر گزارش خبرنگار ما مقابل جماعت و توجیهی ... گروههای مردم در تظاهراتی در میدان فردوسی با شعار علیه عوامل استکبار جهانی و مسببین این حادثه جنایتبار را محکوم نمودند. ضمنا ساختمان مجتمع آموزشی ... در میدان فردوسی بدلیل شدت انفجار

در حال ریزش بود که اقدامات ایمنی از سوی مسئولان بعمل آمد.

گزارش خبرنگار کیهان حاکی است: در انفجار صبح امروز به یک دستگاه اتومبیل ژیان ـ یک دستگاه اتومبیل پیکان شماره ۷۷۷۷۳ و یک تاکسی شماره ۲۲۹۴۵ که از آن محل عبور میکردند خسارت وارد آمد و احتمالا سرنشینان آن نیز مجروح گردیدند. همچنین براثر این انفجار شیشه های مغازه‌ها، منازل و ساختمان های اداری محل تا شعاع صدمتری شکست و خساراتی ببار آورد. این گزارش حاکیست بلافاصله بعد ماموران باحضور در محل به پاکسازی پرداختند و با جرثقیل ماشین های خسارت دیده را از محل خارج کردند.

در ارتباط با انفجار بمب صبح امروز میدان فردوسی خبرنگار ما در تماس با روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته

انقلاب اسلامی کسب اطلاع کرد، بمب فوق (مهوند ورق) داشته ... نوع ... ـ الکتریکی ... بوده است.

سخنگوی روابط عمومی کمیته اعلام کرد تحقیقات گسترده‌ای از سوی گروه تحقیق کمیته انقلاب اسلامی در این زمینه آغاز شده است.

روابط عمومی کمیته مرکزی شمار شهدا را ۱۵ نفر اعلام کرد.

● اظهارات شاهدان عینی

یکی از شاهدان عینی به خبرنگار کیهان گفت: بمب نزدیکی‌های ساعت ۸ و نیم صبح، درست زمانیکه میدان فردوسی مملو از عابرین و رهگذران بود منفجر شد و اکثر مسافرین یک اتوبوس شرکت واحد

که در حال عبور از شرق به غرب میدان بود مجروح شدند. علاوه برآن، به دو دستگاه تاکسی و دو وسیله نقلیه دیگر خسارت وارد آمد.

به گفته این شاهد عینی: براثر شدت انفجار تا شعاع دویست تا سیصد متری شیشه مغازه‌ها شکست و به یک خانه خسارت سنگینی وارد آمد.

یک شهروند دیگر که براثر انفجار میدان فردوسی موتورسیکلتش خسارت دیده بود گفت: در جریان انفجار حتی موتورسیکلت به شدت خسارت دید و چند موتور سوار نیز مجروح شدند که بوسیله ماموران امداد به بیمارستانها منتقل گردیدند.

وی افزود من خود جنازه موتور را که بشدت سوخته بود در جلوی کیوسک‌های پلیس راهنمائی دیدم.

یکی دیگر از شاهدان عینی انفجار بمب به خبرنگار کیهان گفت: من لحظاتی بعد ازانفجار به محل رسیدم. بوی سوختگی و خون همه‌جا را فرا گرفته بود ودهها نفر از عابرین ومسافرین اتوبوس و چهار وسیله نقلیه دیگر که آسیب دیده بودند مجروح شده و چندین شهروند بیگناه نیز جان خود را از دست داده بودند.

این شاهد عینی افزود: صحنه بقدری دلخراش بود که ... زن و بچه عابر با مشاهده مجروحین خونین جنازه قربانیان انفجار دچار شوک شدند.

گزارش خبرنگار کیهان حاکیست: براثر انفجار بمب درمیدان‌فردوسی‌که منطقه‌ایست تجاری، تمام شیشه قطور و بزرگ مغازه‌های اطراف شکست و شیشه ساختمان های چند طبقه نیز بر سر عابرین فرو ریخت که بیش از ۱۰ نفر براثر اصابت خرده شیشه ها مجروح شدند.

این عده نیز همراه مجروحین حادثه انفجار توسط تکنیسین های اورژانس و اتومبیل‌های عبوری که بعد از انفجار به صحنه حادثه رسیده بودند به

...رستان های آپادانا، ...، پانزده خرداد، ... و دادگستری انتقال یافتند.

خبرنگار ما در تماس با بیمارستان های فوق کسب اطلاع کرد که پزشکان با فعالیت چشمگیری مشغول مداوای مجروحین حادثه انفجار بمب میباشند.

بیمارستان آپادانا

گزارش خبرنگار ما از اورژانس بیمارستان آپادانا حاکیست: تعداد ۳۲ نفر مجروح به بیمارستان آپادانا انتقال پیدا کرده که چهار نفر از آنان به اتاق عمل انتقال یافتند وبقیه بطور سرپائی معالجه و مرخص شدند.

بیمارستان آیین

خبرنگار ما در تماس با بیمارستان آیین کسب اطلاع کرد: بدنبال وقوع این حادثه دلخراش ده نفر از مجروحین و مصدومین به بیمارستان آیین انتقال داده شدند که هشت نفر از این عده بعد از مداوا و

۲ نفر دیگر بعلت جراحات ... بیمارستان ... نیز ... بعلت جراحات وارده بستری گردیدند.

همچنین خبرنگار ما از

بیمارستان هفتم‌تیر ... اطلاع کرد: ۵ مجروح ... بیمارستان منتقل شدند که یک خانم حامله در بین آنان بوده ... که از ناحیه ... مجروح شده بود. تمامی مجروحین در این بیمارستان پس از درمان سرپائی مرخص شدند.

● بیمارستان دادگستری

براساس گزارش خبرنگاران ما شش تن از مجروحین در بیمارستان دادگستری مورد عمل جراحی قرار گرفته و ۳۸ نفر نیز پس از مداوا مرخص گردیدند.

● آخرین خبر

خبرنگار کیهان صبح امروز از ستاد معراج شهدا گزارش داد، تاکنون ۱۶ شهید بهاین مرکز انتقال یافته است که در میان آنها ۳ بچه ۸ ساله و ۱۳ ساله دیده میشود.

شهید شهدا یک نفر زن و شهید مرد هستند که هویت همه آنان مشخص شده است.

● تاکنون هویت سه تن از شهدا بنامهای محمد ... ۲۳ ساله، رضا ... و فریبرز ... ۱۶ ساله، مشخص شده است.

۷/۲۵
کشف ۳۰ مورد بمب‌گذاری ظرف یکسال

مواردی که اشاره شد مهم‌ترین اقدامات وزارت اطلاعات در برخورد با شبکه‌های بمب‌گذاری بود، اما اقدامات این وزارتخانه منحصر به این موارد نبود. در مصاحبه‌ای که اینجانب در شهریور سال ۱۳٦۵ با رسانه‌ها داشتم گفتم که ظرف یک‌سال گذشته، یعنی از شهریور ۱۳٦٤ تا شهریور ۱۳٦۵، وزارت اطلاعات ۳۰ مورد بمب‌گذاری را کشف کرده است که در ۲۵ مورد آن عوامل بمب‌گذار همراه با مواد انفجاری دستگیر شده‌اند. گفتنی است که مواد منفجره‌ی کشف شده از آنان بیش از ۹٦۰ پوند بود که در صورت عدم دستگیری عاملان این مواد برای انفجار، بیش از ۳۰ بار می‌توانست مورد بهره‌برداری قرار گیرد.[۱]

از جمله مواردی که توطئه‌ی بمب‌گذاران خنثی شد عبارت است از:

۱ـ موکتی نظیر همان موکتی که در نماز جمعه‌ی تهران منفجر شده برای انفجار در دعای کمیل تهران آماده شده بود؛

۲- پوتین‌هایی که جاسازی شده بود برای انفجار در نماز جمعه‌ی تهران؛

۳- چهار حلقه شیلنگ با قدرت تخریبی ٤۰ کیلو مواد منفجره برای کار گذاشتن در اطراف وزارت کشاورزی، وزارت امور خارجه، وزارت کار و یا وزارت جهاد؛

---

۱. ر. ک به: پیوست شماره۱۲، مصاحبه مطبوعاتی در رادیو تلویزیونی اینجانب

۴- چمدانی جاسازی شده برای انفجار در میدان راه‌آهن؛

۵- کپسول‌های گاز انفجاری برای استفاده‌ی تخریبی در فروشگاه قدس و...

شناسایی و دستگیری عوامل اصلی بمب‌گذاری‌های زنجیره‌ای سبب شد که سال‌های پایانی حضور اینجانب در وزارت اطلاعات، امنیت نسبتاً قابل قبولی در کشور حاکم گردد.

فصل بیست و ششم

مقابله با فعالیت‌های تروریستی سازمان منافقین

دوره‌ی مسئولیت بنده در وزارت اطلاعات[1] با پیچیده‌ترین دوره‌ی فعالیت‌های منافقین[2] مصادف بود. ترورها، انفجارها، خانه‌سوزی‌ها، آتش زدن اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها و به

---

۱. گفتنی است که این فصل از خاطرات تا فصل سی و یکم با همکاری کارشناسان مربوط تهیه شده است.

۲. سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳٤٤ توسط چند تن از جوانان مسلمان دانشگاهی، که شاخص‌ترین آنها محمد حنیف‌نژاد و سعید محسن بودند، با هدف برقراری یک حکومت دموکراتیک اسلامی و سرنگونی رژیم پهلوی تأسیس شد. به دلیل ضعف منابع و دوری از فرهنگ اصیل اسلامی، رگه‌های مؤثر و تعیین‌کننده‌ای از مارکسیسم ـ که آن را «علم مبارزه» تصور می‌کردند ـ در ایدئولوژی گروه وارد شد و به تدریج آن را از اصالت اسلامی تهی کرد. اعضای گروه جهت آموزش‌های مخصوص با فلسطینی‌ها ارتباط برقرار کردند و در جریان یکی از اعزام‌ها هواپیمایی را نیز ربودند و به بغداد بردند. در شهریور ۱۳۵۰ قبل از هر حرکتی گروه ضربه خورد و طی دو ماه قریب به ۸۵ درصد اعضای آن دستگیر شدند. جمعی از سران سازمان در بهار ۵۱ اعدام شدند و جمعی نیز به صورت مخفی فعالیت خود را با انجام ترورها و انفجارها ادامه دادند.

با فرار یکی از زندانیان گروه به نام تقی شهرام از زندان ساری و ورود وی به مرکزیت، با توجه به مارکسیسم‌زدگی و تمایلات ماتریالیستی وی، روند استحاله‌ی سازمان مجاهدین خلق از یک گروه اسلامی به یک جریان مارکسیستی شتاب گرفت و تا سال ۱۳۵۳ اغلب قریب به اتفاق کادرها و اعضای سازمان تغییر ایدئولوژی داده مارکسیست شدند. یک جریان فعال مذهبی، که دو عضو برجسته‌ی آن مجید شریف واقفی و مرتضی صمدیه‌ی لباف بودند، در برابر مرکزیت مقاومت نموده قصد انشعاب داشتند؛ که به دستور مرکزیت هر دو ترور شدند. شریف واقفی کشته شد ولی صمدیهٔ لباف مجروح به دست ساواک افتاد و بعداً همراه با چند تن دیگر اعدام شد.

افشای جریان تغییر ایدئولوژی و بخصوص مارکسیست شدن عده‌ای از کادرهای قدیمی زندانی و نیز انتشار اخبار مربوط به تصفیه‌های درونی، مجاهدین خلق را که در میان نیروهای مذهبی و حتی روحانیون اهل مبارزه وجهه داشتند، رسوا و بی‌آبرو کرد. جمعی از زندانیان گروه به رهبری مسعود رجوی، خود را وارث حنیف‌نژاد و حتی شریف واقفی قلمداد کردند و مدعی شدند که وحدت با مارکسیست‌ها مغایرتی با مسلمان و مجاهد بودن ندارد؛ و از سوی دیگر دشمن اصلی را نیروهای مذهبی مخالف خود ـ که زندگی مشترک با کمونیست‌ها را بر نمی‌تافتند و آن را خلاف شرع می‌دانستند ـ اعلام کردند.

اینان که به دنبال انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام(ره) و با همت مردم مسلمان از زندان آزاد شدند، از بدو پیروزی انقلاب، برخوردی منافقانه با نظام داشتند؛ از جمله با نفوذ دادن افراد خود در درون ارگان‌ها و دستگاه‌های حساس کشور، زمینه‌ی برخورد مسلحانه و براندازی نظام را مهیا می‌کردند. سرانجام فاز علنی تروریستی را از روز ۲۸ خرداد ٦۰ اعلام نمودند و پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر ـ رئیس‌جمهور وقت که با منافقین به وحدت رسیده بود ـ در روز ۳۰ خرداد آن سال، طی تظاهرات خشنی موضع نهایی خود را آشکار کردند. آنان با خلق فاجعهٔ هفتم تیر و هشتم شهریور و به شهادت رساندن مسئولان نظام گمان می‌کردند پیروز خواهند شد؛ ولی خوابشان آشفته بود و از این رو ـ بخصوص بعد از فرار بنی‌صدر و رجوی به خارج از کشور ـ پیوسته تغییر استراتژی و تاکتیک می‌دادند. مسئولیت اینجانب در وزارت اطلاعات در زمانی آغاز شد که اغلب افراد این گروه فرار کرده بودند و عملیات‌های مختلفشان توسط تیم‌های اعزامی انجام می‌شد.

شهادت رساندن صدها نفر از کسبه و مردم کوچه و بازار و ده‌ها تن از مسئولان و روحانیون و ائمه‌ی جمعه و جماعات و اقسام دیگری از جنایت (مانند تظاهرات مسلحانه یا به شهادت رساندن چند پاسدار و کاسب و معلم و کارمند در زیر شکنجه) آثار بارزی بود که از فعالیت منافقین در جامعه نمود داشت و مردم کشور ـ در همه‌ی نقاط ـ با آن آشنا بودند. اما وجوه غیربارز و پنهان خیانت‌ها و جنایت‌های این سازمان تروریست از چشم‌ها مخفی بود: جاسوسی، مزدوری، بند و بست با بیگانگان، پهن کردن سفره‌های گدایی و مظلوم‌نمایی در خیابان‌های اروپا و آمریکا، شیوه‌های درونی بت‌سازی و سرکوب و امحای هر نوع مخالفت یا حتی اعتراض جزئی.

از نظر بنده که مسئولیت دستگاه اطلاعاتی کشور را پذیرفته بودم، مهم‌ترین مسئله در وهلهٔ اول «پیشگیری» از اقدامات تروریستی منافقین بود. تلاش‌های اطلاعاتی ـ امنیتی کشور باید در این جهت سازماندهی می‌شد و شکل می‌گرفت.

۱/۲۶
برخورد با هسته‌های مقاومت و تیم‌های اعزامی

پس از تابستان ۱۳۶۰ (که رهبر منافقین و بنی صدر به خارج از کشور فرار کردند) تا پایان جنگ تحمیلی، سازمان منافقین در هیچ مقطعی بدون خط‌مشی تعیین‌شده نبود؛ چرا که هرگاه یک خطّی به بحران و بن‌بست منتهی می‌شد، مسئول سازمان مزبور خطی دیگر را ـ ظاهراً به نحو ابتکاری ـ ترسیم می‌نمود. حرکت‌های به اصطلاح زیگزاگ و از این خط به آن خط پریدن، یکی از ویژگی‌های عمده‌ی منافقین در دوران فعالیت‌های آنها پس از سال ۱۳۶۰ تاکنون بوده است.

به دنبال توافقاتی که منافقین از سال ۱۳۵۹ با حزب دموکرات کردستان و شخص عبدالرحمان قاسملو داشتند و به اتحاد و همگرایی این دو جریان انجامید، در طول سال‌های ۱۳۶۱ـ۱۳۶۳، سازمان پایگاه‌های کوچک ولی مطمئنی را در مرز ایران و عراق ـ چه در داخل خاک ایران و چه در خاک عراق ـ داشت که از آنها استفاده‌ی مضاعف می‌کرد. از یک سو در امر خروج و فرار نیروهای خود به این پایگاه‌ها متکی بود[1]؛ و از سوی دیگر مناطق مطمئنی برای آموزش نیروها و سپس اعزامشان به کشور برای عملیات و تخریب در اختیار

۱. از اواخر تابستان ۱۳۶۱ خروج از کشور به عنوان یک خط عمده مطرح شد. نیروهای منافق از مرزهای آبی جنوبی (به‌خصوص دوبی) و پاکستان و ترکیه نیز خارج می‌شدند ولی منطقهٔ اصلی کردستان بود. خروجی‌ها اغلب به اروپا اعزام می‌شدند.

داشت. زمانی که منافقین توانستند در آن منطقه جا بیفتند و حتی مناسباتی نیز با افراد بومی پیدا کردند، دیگر به حزب دموکرات نیازی نبود و اتحاد خود را به هم زدند[۱].

زمانی که خروج نیروها قطعی شد، سازمان منافقین دست به تشکیل «هسته‌های مقاومت» زد. علت این بود که ضربات و دستگیری‌ها ـ بخصوص در نیمه‌ی اول سال ۱۳٦۱ ـ سازمان را به نحو گسترده‌ای فلج کرد؛ و همین امر مسئله‌ی ارتباط بین هسته‌های عملیاتی را مختل نمود. علاوه بر اجرای «طرح مالک و مستأجر» توسط دادستانی انقلاب و راه‌اندازی گشت‌های «ثارالله» توسط سپاه پاسداران، که توانست انتظام تشکیلاتی و به‌خصوص روابط شاخه‌ها و هسته‌های منافقین را به هم بزند، وجود نیروهای جمهوری اسلامی در گلوگاه‌های خروجی و ورودی شهرها نیز به قدری عرصه را بر ضدّ انقلاب تنگ نمود که ناگزیر شدند خطّ خروج از کشور را اعلام و اجرا کنند. نیروهای باقی‌مانده از طریق رادیو و پیام‌های رمز به صورت هسته‌های خودکفا سازماندهی شدند و تا مدتی همین نیروها، با نام «هسته‌های مقاومت»، برخی از ترورها و انفجارها را صورت دادند.

از طریق نوعی کنترل‌های اطلاعاتی ـ که هنوز هم اسرار آن باید مکتوم بماند ـ و با هشیاری نیروهای کمیته و سپاه و دادستانی انقلاب که دیگر به صورت یکپارچه عمل می‌کردند، همین هسته‌ها نیز پی در پی متلاشی و عناصرشان کشته یا دستگیر شدند. تکیه به نیروهای موجود در داخل کشور امری محال می‌نمود؛ لذا نیروهای سازمان باید از خارج اعزام می‌شدند و مأموریت عملیاتی را انجام می‌دادند و بازمی‌گشتند.

از اواخر سال ۱۳٦۲ و در طول سال ۱۳٦۳ محور کار سازمان منافقین این بود که افرادی را در پایگاه‌های مستقر در کردستان به مدت دو سه ماه آموزش دهد و سپس آنها را برای انجام عملیات به نقاط مختلف کشور اعزام کند. با توجه به تسلط نیروهای ما، این افراد ـ با مدارک شناسایی جعلی و لوازم و ادوات کشتار و تخریب ـ یکی از دو وضعیت زیر را پیدا می‌کردند:

---

۱. خروج حزب دموکرات و قاسملو از شورای به اصطلاح مقاومت پس از فعل و انفعالات مختلفی انجام گرفت؛ لیکن محور اصلی در سیاست‌های سازمان منافقین، استفادهٔ ابزاری از جریان‌ها و افراد بود و زمانی که مورد و تاریخ «مصرف» منتفی می‌شد، اتحادشان نیز بر هم می‌خورد... با بنی صدر نیز همین گونه عمل کردند.

۱) از قبل شناسایی و ردیابی می‌شدند و در برخورد با تورهای ما ضمن درگیری و تیراندازی کشته و دستگیر می‌گردیدند؛

۲) شناسایی نمی‌شدند و در نتیجه به شهرها و مناطقی که قرار بود ترور و انفجاری را انجام دهند می‌رسیدند. معدودی از این عده موفق می‌شدند و مجدداً به خارج از کشور می‌گریختند؛ ولی بیشتر آنها پس از انجام عملیات یا در حین آن ضربه می‌خوردند.

گزارشی از اقدامات اطلاعاتی در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی

متعاقب شناسایی لانه‌های تیمی و چند مغازهٔ پوششی در اردیبهشت ماه ١٣٦٤ در تهران و چند نقطه‌ی کشور، طی یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی که در ٢٤ اردیبهشت انجام شد، گزارشی از این فعالیت‌ها را بیان نمودم. در همین مصاحبه، از افراد فریب خورده‌ی گروهک‌ها خواستم که قبل از دستگیری هشیار شوند و توبه کنند. در بخشی از مصاحبه گفتم: «تا دیر نشده به خود آیید و همان‌طور که تعداد زیادی به خود آمده‌اند و با نظام جمهوری اسلامی همکاری می‌کنند، بیایید [و] قبل از دستگیری، خود را معرفی کنید. آغوش جمهوری اسلامی برای توبه‌کنندگان باز است[1]».

در جریان این مصاحبه، نمونه‌هایی از ادوات دستگیرشدگان از قبیل آر.پی.جی، تفنگ‌های مختلف، مسلسل‌های سبک و سنگین، سلاح کمری، فشنگ‌های مختلف، نارنجک، مقادیر فراوانی مواد منفجره مانند تی.ان.تی و چاشنی‌های مختلف انفجاری، همراه با صدها هزار تومان وجه نقد کشف شده به نمایش گذارده شد. علاوه بر این، برای نخستین بار یک لیست اجمالی ولی گویا ـ به شرح زیر ـ از برخی شهدای ترورشده توسط تیم‌های ضربت‌خورده‌ی منافقین را اعلام نمودم که نشانگر اوج شقاوت و قساوت آن جنایتکاران بود[2]:

۱. متن مصاحبه در کیهان و اطلاعات ١٣٦٤/٢/٢٥ درج شده است.

۲. فهرست ارائه‌شده حاوی همهٔ مشخصات نیست؛ و به دلیل بُعد زمان و عدم دسترسی فوری به مدارک، تکمیل آن امکان‌پذیر نبود.

نام و نام خانوادگی	شغل	محل ترور
حاج حسین بهنود	چراغ ساز	تهران
حبیب‌الله‌سلطان‌محمدی	مغازه‌دار	تهران
محمد آگاه	عطّار	تهران
ابراهیم مرادی	آهن‌فروش	تهران
... زاهدی	مدیر مدرسه	تهران
... مهمان‌دوست	ناظم مدرسه	تهران
ایرج صفدری	مستخدم مدرسه	تهران
احمد فلاح	آجیل‌فروش	تهران
حسن شهریاری	فرش فروش	تهران
عباس نطقی	شاگرد لوله‌کش	تهران
حاج حسین عباسی	کلیدساز	تهران
جعفر آقارضی	فرش فروش	تهران
ابوالقاسم سپهری	خیاط	تهران
قاسم مارگیر	لوازم یدکی فروش	تهران
حاج ابراهیمی	پارچه فروش	تهران
قاسم حقیقت	مغازه‌دار	تهران
جواد تاجیک	مغازه‌دار	تهران
محسن خطابخش	مغازه‌دار	شیراز
مهدی پاکدل	مغازه‌دار	شیراز
حاج اکبر یغمور	مغازه‌دار	شیراز

نام و نام خانوادگی	شغل	محل ترور
صمد ...[۱]	مغازه‌دار	شیراز
شاهرضا نصیری	مغازه‌دار	شیراز
غلام‌رضا نصیری	مغازه‌دار	شیراز
سعید عسکری	مغازه‌دار	شیراز
محمدعلی بنی آفه	مغازه‌دار	شیراز
سیدحسین علی‌زاده	مغازه‌دار	شیراز
حاج نقی ...	چراغ ساز	تبریز
مصطفی عبداللهی	قصاب	تبریز
... حسین‌زاده	کارگر حمام	تبریز
... فرحناز	مغازه‌دار	تبریز
بیوک آقا ...	بنگاهی	تبریز
... ستوده	یراق فروش	تبریز
قنبر ستوده	کشاورز	تبریز
تقی هنرجو	معلم	تبریز
شکرالله شهرابی (۶۰ ساله)	جگرکی	اصفهان
مهدی جبارزارع (۶۵ ساله)	مغازه‌دار	اصفهان
عباس عابدینی	نجار	اصفهان
محمدعلی فعلی نژاد	کارگر جوشکار	اصفهان
محمدعلی قدسی مآب	کارگر یخچال‌ساز	اصفهان

۱. ناخوانا.

نام و نام خانوادگی	شغل	محل ترور
کاظم دلیر	کارمند بانک	اصفهان
حاج معطری	عطّار	اصفهان

۲/۲٦

فعالیت‌های یکساله‌ی وزارت اطلاعات

اولین مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیو ـ تلویزیونی مفصل بنده با خبرنگاران داخلی و خارجی، به عنوان وزیر اطلاعات، مصاحبه‌ای بود که در ششم شهریور ماه ۱۳٦٤ به مناسبت هفته‌ی دولت انجام شد[1] و ضمن گزارش اجمالی از حدود یک سال مسئولیت، مطالب مفیدی نیز در خصوص ویژگی‌های سیستم اطلاعاتی جمهوری اسلامی ـ که به ادعای اینجانب نظیر آن را در هیچ جای دنیا نمی‌توان یافت ـ بیان گردید. برخی از ویژگی‌های مذکور در مصاحبه بدین شرح بود:

۱) حاکمیت ضوابط اسلامی و موازین شرعی بر کل تشکیلات اطلاعاتی، که این امر مضاف بر وجود قانون و موازین قانونی در نظام اطلاعاتی کشور می‌باشد؛

۲) مردمی بودن فعالیت‌های اطلاعاتی و همکاری چشمگیر مردم با وزارت اطلاعات، که به طور قطع این همکاری ناشی از اعتقادات مذهبی و دینی مردم و احساس مسئولیت نسبت به حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی خودشان است؛

۳) وزارتی بودن سیستم اطلاعاتی کشور، که مسئول آن برای مدتی محدود از طرف نمایندگان مردم انتخاب می‌شود، آن هم به شیوه‌ای که در جمهوری اسلامی مرسوم و

---

۱. این مصاحبه در کیهان و اطلاعات ۱۳٦٤/٦/۷ درج گردیده است.

معمول است و نمایندگان می‌توانند از تریبون آزاد مجلس مسائل جاری در وزارت اطلاعات را به طور مستقیم مطرح نمایند و مسئول آن وزارتخانه را مورد سؤال قرار دهند؛

٤) عدم دخالت در اموری که مربوط به زندگی مردم می‌شود؛ که این ویژگی مهم‌ترین تفاوت فعالیت اطلاعاتی در کشور ما نسبت به سایر کشورهاست؛ به طوری که وزارت اطلاعات کوچک‌ترین دخالتی در امور مربوط به حقوق مردم ندارد.

در آن مصاحبه یادآور شدم که این ویژگی‌ها، علی‌رغم محاسن غیرقابل انکار، محدودیت‌های زیاد و مشکلات فراوانی را برای وزارت اطلاعات به وجود می‌آورد که امیدواریم با لایحه‌ای که تنظیم شده و به مجلس شورای اسلامی ارائه خواهد شد، بتوانیم مشکلات را رفع نماییم[۱]. با وجود این، باید به اطلاع مردم عزیز کشورمان برسانم که علی‌رغم مشکلات موجود، وزارت اطلاعات توانسته است تاکنون موفق‌ترین تشکیلات اطلاعاتی جهان باشد؛ و این موفقیت‌ها علاوه بر امدادهای غیبی، مرهون اعتقاد و ایمان کامل مأموران و مسئولان وزارت اطلاعات نسبت به وظایف خود و همکاری در خور توجه مردم با این تشکیلات می‌باشد.

انهدام ۳۹ تیم ترور

در گزارش سالانه اشاره کردم که با فداکاری نیروهای اطلاعاتی بحمدالله بسیاری از نقشه‌های شوم دشمنان انقلاب کشف و خنثی شده است. آمار سلاح‌ها و مواد منفجره‌ای که در این مدت یک سال به دست آمده، نشان می‌دهد که همکاران داخلی صدام چه نقشه‌های شومی در سر داشته‌اند. بمب‌های کشف‌شده، که قدرت تخریبی بسیار زیادی دارند، از طرف سازمان امنیت عراق ارسال شده بود و قرار بود در مراکز پرجمعیت مورد استفاده قرار گیرد. چنانچه ـ خدای نکرده ـ نقشه‌ی عناصر پلید دشمن عملی می‌شد، خسارات جانی و مالی فراوانی به بار می‌آورد. در مجموع ۳۹ تیم ترور و ۳۵۲ هسته‌ی ایذایی که اتومبیل‌ها و

۱. بعدها قانونی در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام به بحث گذارده و در دوازدهم اردیبهشت ۱۳٦۸ تصویب شد که به «قانون تمرکز اطلاعات» اشتهار یافت. در این قانون، وزارت اطلاعات به عنوان «تشکیلات اطلاعاتی مادر» به رسمیت شناخته شد و برخی از مسائل و مشکلات این وزارتخانه نیز مرتفع گردید.

مغازه‌ها را به آتش می‌کشیدند، دستگیر شدند. قابل توجه است که ۱۰۷ نفر از دستگیرشدگان جزء کادرها و مسئولان رده بالای گروهک‌های ضدانقلاب بودند و ۳۸۹ نفر از آنها نیز رده‌ی «عضویت» داشتند. در اثر هشیاری مأموران وزارت اطلاعات و همکاری مردم، در طول نیمه‌ی دوم سال ۶۳ و نیمه‌ی اول سال ٦٤، توطنه‌های بسیاری خنثی شد که فهرست اجمالی آنها از این قرار است:

ـ طرح ترور ۱۳٦ نفر؛
ـ طرح ٤١ حمله به مراکز حسّاس و حیاتی کشور؛
ـ ۳۸ مورد کشف بمب؛
ـ ۱۰۰ مورد طرح به آتش کشیدن اتومبیل‌ها؛
ـ ۹ مورد هواپیماربایی؛
ـ ۲۹۸ مورد فعالیت ایذایی؛
ـ ۱۲٦ مورد سرقت مسلحانه.

در همین مصاحبه اعلام کردیم که در این مدت، سلاح‌ها، مواد، وسایل و مدارک زیادی از گروهک‌های ضدانقلاب به دست ما رسیده است که ذکر بخشی از فهرست آن، می‌تواند بیانگر توانمندی و تسلط سیستم اطلاعاتی کشور و ارگان‌های اجرایی مرتبط باشد. موارد زیر در مصاحبه بیان شد:

ـ آر.پی.جی ۷	۱٦ قبضه
ـ مسلسل یوزی و ژـ۳	۳۹۸ قبضه
ـ سلاح کمری	۲۷۱ قبضه
ـ تیربار	٤ قبضه
ـ مین	۵۳ عدد
ـ نارنجک	٤٤۰ عدد
ـ بمب ساخته‌شده	۱۰٤ عدد
ـ تی.ان.تی و دیگر مواد منفجره	٦۹۷ پوند
ـ کوکتل مولوتف و بمب فانوس	۱۵۱۳ عدد

ـ چاشنی‌های انفجاری	۱۰۱۱ عدد
ـ موشک و خمپاره	۲۰ عدد
ـ وسیله‌ی نقلیه	٦۲ دستگاه
ـ سیانور	٤۳٤ بسته
ـ وسیله‌ی تکثیر	٥٦ دستگاه
ـ ماشین تحریر	٤٥ دستگاه
ـ ماشین زیراکس	۳ دستگاه
ـ ماشین چاپ افست	٦ دستگاه
ـ شناسنامه‌ی جعلی	٦۷ عدد
ـ گواهی‌نامه‌ی جعلی	۲٥۷ عدد
ـ مهر و کارت شناسایی جعلی ارگان‌ها	به تعداد زیاد

۳/۲۶

پیچیده‌تر شدن فعالیت‌های منافقین و اقدامات وزارت اطلاعات

با ضربه‌های مهلکی که به «هسته‌های مقاومت» و سپس تیم‌های وارداتی منافقین وارد شد[۱]، سازمان پیچیده‌تر عمل کرد؛ هم به لحاظ تاکتیک‌های ارتباطی و هم از جهت شیوه‌ی عمل نظامی. فرض کنید که محموله‌ای به صورت کارتن، لاستیک زاپاس، کپسول گاز و دیگر ابزار پوششی[۲]، خیلی ماهرانه به داخل فرستاده می‌شد. شخص تحویل گیرنده از محتوای اصلی محموله بی‌خبر بود و تنها می‌دانست که باید آن را به فرد یا افرادی با فلان مشخصات و با یک رمز تعیین‌شده تحویل دهد. به تیم اعزامی که ممکن بود یک نفر یا چند نفر باشند، آدرس و مشخصات شهر و محل و سوژه‌ی عملیات داده می‌شد و آنها پس از ورود و تحویل گرفتن محموله، به سراغ مأموریت‌های خود می‌رفتند تا کارشان را انجام دهند.

در این مقاطع، سازمان تاکتیک‌ها و خطوط جدیدی هم به افراد خود القا کرد؛ که یکی از مهم‌ترین آنها «اصل حداکثر تهاجم» یا «تهاجم حداکثر» بود. به نفرات تیم‌ها ابلاغ می‌شد که باید به طور مضاعف دست به عملیات بزنند و از خود گذشتگی و سرعت عمل فوق‌العاده بیشتری از خود نشان دهند. به عنوان مثال، لازم نیست که در صورت رسیدن به تورهای

---

۱. یادآور می‌شوم که منشأ و سازوکار ضربه‌ها برای منافقین و دیگر جریان‌های ضدانقلاب به صورت معما درآمده بود.

۲. نارنجک، سلاح کمری، پول، مدارک شناسایی جعلی و سایر ابزار مورد نیاز ـ مثلاً مواد منفجره ـ در داخل این محموله‌ها جاسازی شده بود.

بازرسی مثل گذشته پوشش داشته باشند و محمل‌سازی کنند؛ بلکه باید به سرعت نارنجک و بمب‌های دست‌ساز موسوم به «فانوس» و سلاح‌های خود را به کار بیندازند و در آخر نیز خود را بکشند.

این مرحله از فعالیت منافقین، ناامنی شدید و جوّ نامساعدی را در مناطق مورد عمل ایجاد کرد. تیم‌های اعزامی صرفاً موظف به انجام عمل و بازگشت یا درگیری بودند؛ ولی این شبهه ایجاد می‌شد که حتماً لانه‌ی تیمی دارند و خود را برای عملیات دیگری آماده می‌کنند. دو یا چند نفر از منافقین که به شهر موردنظرشان (تبریز، اردبیل، یزد، اصفهان و...) می‌رسیدند، یا بلافاصله به سراغ سوژه‌ی تعیین شده می‌رفتند و یا ـ اغلب ـ مغازه و محلی را که رنگ و بوی حزب‌اللهی داشت، نشان می‌کردند و صاحب آن را می‌کشتند و می‌گریختند؛ گاه محل ترور را نیز به آتش می‌کشیدند.

سازمان به این نتیجه رسیده بود که افراد مستقر و محل و خانه‌ی ثابت به هیچ وجه امن نیست و سریعاً ضربه می‌خورد؛ وصل افراد و شیوه‌ی ارتباطی متداول تشکیلاتی نیز دچار اشکال شده بود. به همین علت بود که نیروی خود را از خارج به داخل می‌فرستاد. اما... در ادامه‌ی توهّماتی که داشت، به نفرات خود گفته بود که «مردم با مجاهدین‌اند ولی جرئت ابراز ندارند. کافی است که هنگام فرار، درِ یک خانه را بزنید و بگویید که من مجاهد خلق هستم تا شما را در آغوش بگیرند!» هنگام اعزام تیم‌ها ـ به نحوی که گفته شد ـ این خط نیز ابلاغ شده بود. چندین بار که منافقین این کار را انجام دادند بدون استثنا توسط نیروهای مردمی دستگیر شدند و آنها نیز با سیانور خودکشی کردند.

انهدام ۵۰ تیم ترور دیگر

مجدداً در سال ۱۳٦۵ ـ همزمان با هفته دولت ـ ضمن گزارشی از فعالیت‌های وزارت اطلاعات در مقابله با تیم‌های ترور در مصاحبه با رسانه‌ها اعلام کردم که از شهریور ماه ۱۳٦۴ تاکنون مجموعاً تیم‌های مزبور دستگیر یا در درگیری با مأموران معدوم شده‌اند.

نکته‌ی قابل توجه این بود که ۵۰ تیم ترور در طول ۱۲ ماه تنها توانسته بودند ۲۲ ترور موفق در سطح کشور انجام دهند که قربانیان همه‌ی آنها از مردم معمولی بودند و این از

یک‌سو نشانه‌ی ضعف سازمان منافقین و قوت وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی بود. در عملیات برخورد با تروریست‌ها مجموعاً ۸٦ نفر از آنها دستگیر یا معدوم شدند[1].

۱. ر.ک به پیوست شماره‌ی ۱۲

٤/٢٦

«انقلاب نوین ایدئولوژیک!!»

در ۱۹ اسفند ماه ۱۳٦۳ دفتر سیاسی و کمیته‌ی مرکزی منافقین طی اطلاعیه‌ای مریم قجر عضدانلو (همسر مهدی ابریشمچی) و مسعود رجوی را «رهبری نوین» سازمان معرفی کردند. پیش‌تر (۷ بهمن ۱۳٦۳) همردیفی مریم قجر با مسئول اول منافقین اعلام شده بود. در اطلاعیه‌ی دفتر سیاسی و کمیته‌ی مرکزی، «رهایی و اعاده‌ی حقوق زن ـ به عنوان شرط ضروری رهایی مرد ـ نقطه‌ی عزیمت یک جهش ایدئولوژیکی در درون مجاهدین» عنوان شده بود؛ با این تأکید که «این انقلاب ایدئولوژیک، ظرفیت و توان انقلابی مجاهدین را صد چندان نموده و صفوف پولادین ما را هرچه پاکیزه‌تر و یگانه‌تر می‌سازد». خبر «تصمیم مبنی بر ازدواج فرخنده‌ی توحیدی و انقلابی مریم و مسعود» نیز در همین اطلاعیه ذکر شده بود. در ۳۰ خرداد ۱۳٦٤ مراسم و جشن ازدواج بدیع و عجیبی در پاریس برگزار شد. مجری برنامه‌ی ازدواج، مهدی ابریشمچی بود و همه‌ی افراد و اعضای تشکیلاتی و غیرتشکیلاتی حضور داشتند.

در سازمان، قبل از این نمایش‌ها، رهبری به صورت «جمعی» عنوان می‌شد و مرکزیت نیز صورتی ظاهراً «دموکراتیک» داشت. این شیوه از زمان بنیان‌گذاری گروه اعمال می‌گشت و جزو اصول لایتغیّر و بی‌چون و چرای تشکیلاتی بود. رجوی با نقض این اصول

تشکیلاتی، خود و مریم قجر را به عنوان «رهبران عقیدتی سازمان» معرفی نمود. نکته این بود که آن خانم، اندکی قبل از انتصابش به «رهبری» و همردیفی با رجوی، از شوهرش مهدی ابریشمچی جدا شده بود تا ـ طبق نظر رسمی سازمان ـ بتواند با رهبری به وحدت فیزیکی نیز برسد! به گفته‌ی یکی از اعضای باسابقه و جداشده‌ی سازمان، تا تاریخ نشر اطلاعیه‌ی دفتر سیاسی و کمیته‌ی مرکزی و اعلام همردیفی و ازدواج سازمانی، سه سال و اندی بود که استراتژی «مبارزه‌ی مسلحانه در شهرها» به بن‌بست رسیده بود. علاوه بر این، سرنگونی کوتاه‌مدت جمهوری اسلامی نیز به زیر سؤال رفته بود و صرفاً یاوه تلقی می‌شد؛ عملیات درون شهری نیز به صفر رسیده بود و تیم‌هایی که از کردستان عراق به شهرها (و بیشتر تهران) اعزام می‌شدند، هنوز به محل عملیات و مأموریت نرسیده، لو می‌رفتند و دستگیر یا کشته می‌شدند.[1]

در آن وضعیت تعلیق و بن‌بست، اعضا ـ بخصوص عناصر میانی و قدیمی ـ تحلیل‌های سازمان از وضعیت ایران را باور نداشتند. زیر سؤال رفتن مشی و تاکتیک‌های مرحله‌ای سازمان، تنش‌هایی را در سطوح مختلف موجب شد. در این مرحله، اگر سازمان به خواست‌های اعضا تن می‌داد و ـ فی المثل ـ اصل استراتژی مبارزه‌ی مسلحانه و نیز علل شکست‌های مداوم و پی‌درپی به بحث گذاشته می‌شد، همه‌ی اتهامات متوجه شخص مسعود رجوی می‌گشت و او باید در مقام پاسخگویی قرار می‌گرفت.

رساندن شخص رجوی به جایی که کسی نتواند او را زیر سؤال ببرد و رهاندن سازمان از بحران و شکست، منشأ اصلی این حرکت بود. وجوه غیراخلاقی این حرکت و زشتی و کراهت این نمایش جای خود دارد و محل بحث نیست؛ اما هدف اصلی جار و جنجالی که به راه انداختند، مطلق شدن رجوی بود. چون شکست استراتژی مبارزه‌ی مسلحانه و وعده‌های دروغین پیروزی، انفعال و سردرگمی همه‌ی اعضا و هواداران را سبب شده بود، این رهبرتراشی باید صورت می‌گرفت تا هم ذهن‌ها از اصل مسئله منحرف شود و هم

---

۱. راستگو، علی‌اکبر: ***مجاهدین خلق در آیینه‌ی تاریخ***، جلد اول، چاپ هلند، ۱۳۸۲، ص ۲۶۲

حرف و تصمیم رجوی بدون چون و چرا پذیرفته گردد. من معتقدم که از علل عمده‌ی این حرکت، یکی هم این بوده است که وقتی از همکاری بیشتر با صدام و حتی رفتن به عراق سخن به میان می‌آید، کسی جرئت مخالفت نداشته باشد.

۵/۲۶
جاسوسی تلفنی

همزمان با این مقطع از فعالیت‌ها، سازمان که دیگر کانال اطلاعاتی داخلی نداشت، تاکتیک تخلیه‌های تلفنی را به کار برد که در موارد زیادی موفق بود. در مصاحبه‌ی هفته‌ی دولت در این خصوص نیز هشدار دادم و گفتم:

> «آخرین شیوه‌ای که سران ضدانقلاب در پیش گرفته‌اند... این است که از طریق تماس تلفنی با مسئولان و معرفی خود به عنوان یکی از شخصیت‌های معروف، درخواست اطلاعات می‌کنند و سپس این اطلاعات را به رژیم عراق می‌فروشند. به همین منظور کلیه‌ی مسئولان ما باید در تماس‌های تلفنی با اشخاص ناشناس، مراقبت لازم را در گفتار خود داشته باشند».

در این خصوص باز هم سخن خواهم گفت. تا پیش از اعلام رسمی همکاری با عراق و ورود سازمان منافقین به مرحله‌ی جدید، هرگاه اطلاعاتی درباره‌ی جبهه‌ها و عناصر و نیروهای نظامی به دست منافقین می‌رسید، بلافاصله آنها را به عراق رد می‌کردند. این نوع همکاری‌ها موردی و مقطعی بود. به تعبیر دیگر، در آن دوران (تا پیش از سال ۱۳٦٤) سازمان اطلاعات خود را به عراق می‌فروخت؛ بدین معنا که در مقابل آن به امتیازهایی دست می‌یافت.

از سال ۱۳٦٤ کلاً موضوع فرق کرد؛ چراکه از این سال به بعد، حتی یک عملیات نیروهای رزمنده‌ی جمهوری اسلامی در جبهه‌ها را نمی‌توان سراغ کرد که اطلاعات مربوط

بدان، قبلاً از سوی سازمان منافقین به عراق رد نشده باشد! از این تاریخ، در واقع سازمان مذکور به صورت تمام عیار و دربست، در خدمت صدام و جنگ تحمیلی وی درآمد؛ صدام و بعثی‌های عراق نیز امتیازات قابل توجهی به منافقین دادند. در یک نقشه‌ی متعلق به منافقین در سال ۱۳٦٤ ـ که به دست ما رسید و مربوط به قبل از استقرار کامل رجوی و منافقین در عراق بود ـ حدود ۲۰ پایگاه اهدایی صدام در حوالی جدار مرزی مشخص شده بود. از سال ۱۳٦٦ پایگاه‌ها متمرکز و تعدادشان کم شد؛ البته با وسعت بسیار و امکانات زیاد. قبل از این تاریخ، تعداد پایگاه‌ها بیشتر ولی محدود و کوچک بودند.

واقعیت این است که صدام و رژیم وی به راحتی و با سهولت حاضر نبودند آن همه امکانات را به منافقین بدهند: پایگاه‌های متعدد، امکانات خروج و صدور گذرنامه‌های عراقی و غیرعراقی اصلی و جعلی، امکانات عبور از عراق و رسیدن به اروپا و آمریکا، نقل و انتقالات تدارکاتی و.... در آن مقطع، هدیه‌ی منافقین به رژیم عراق که برای آنها نیز بسیار حیاتی بود، اطلاعات مربوط به جنگ بود؛ از هر نوع و در هر موضوع.

منافقین در خدمت صدام

همان‌طور که اشاره کردم، سال‌ها یکی از شیوه‌های رایج منافقین برای جمع‌آوری اطلاعات، «تخلیه‌ی تلفنی» بوده است. این امر در تمامی ارگان‌های جمهوری اسلامی و نسبت به همهٔ امور و موضوعات جاری صورت می‌گرفت و از آن بهره‌برداری می‌شد. وزارت اطلاعات به شکل وسیعی آموزش‌های مربوط به حفاظت تلفنی را در همه‌ی ارکان اداری، نظامی، اطلاعاتی، خدماتی و غیر آن تسرّی داد و تلاش وسیعی صورت گرفت تا همه‌ی افراد و دستگاه‌ها نسبت به این امر توجیه شوند؛ ولی متأسفانه در موارد متعدد، با پیچیدگی خاصی که منافقین داشتند و با استفاده از ساده‌اندیشی و کم‌تجربگی نیروهای نظام، این حفاظت‌ها شکسته می‌شد و تخلیه‌ی تلفنی صورت می‌گرفت. عمده‌ی اطلاعات منافقین از همین طریق بود، ولی وانمود می‌کردند که در همه جا نفوذ و پایگاه دارند تا از این طریق بتوانند امتیاز کسب کنند و خود را به عنوان یک نیروی قابل محاسبه جا بیندازند. در آن

دوران فعالیت منافقین در حوزهٔ تخلیه‌ی تلفنی عمدتاً بر روی جنگ متمرکز شده و روی سه محور کلی استوار بود:

۱) تخلیه روی موارد آنی و خطوط مقدم جبهه؛ از قبیل زمان و مکان عملیات‌ها و کیفیت آنها، آمار شهدا و مجروحین، میزان و کیفیت نیروها و نقاط استقرار آنها و مانند آن؛ که بر اساس این اطلاعات، توان جمهوری اسلامی در حفظ موقعیت محورها و امکان بازپس‌گیری یا حمله و اشغال توسط عراق به طور دقیق برآورد می‌شد و ارتش عراق دست به عمل می‌زد. حمله‌های عراق موسوم به «دفاع متحرک» (از سال ۱۳٦۵ به بعد) مبتنی بر اطلاعات تخلیه شده‌ی مربوط به محورهای ضعیف بود. علاوه بر این، تعیین و تشخیص موقعیت مراکز ارسال و صدور نفت، و شناخت مختصات دقیق اماکن مهم اقتصادی نیز از همین طریق صورت می‌گرفت که حملات هوایی شدید ارتش صدّام را در پی داشت. در این محور، اغلب تلفن‌های مورد استفاده‌ی سازمان منافقین جهت تخلیه، تلفن‌های اف. ایکس. در جبهه‌ها بود[۱]!

۲) تخلیه روی موارد درازمدت و کلی، و تعیین نقاط قوت و ضعف نظام؛ از جمله خریدها و تدارک تسلیحات جنگی از کشورها و بازارهای دنیا و میزان و کیفیت این تدارکات و تسلیحات (به منظور اخلال در روند مزبور یا تعیین میزان تدارکات و نوع آنها جهت بررسی توان جمهوری اسلامی در جنگ)، تدارک تسلیحات جنگی در سطح داخلی و کارخانجات صنعتی مرتبط با آن و میزان توان این مراکز برای تولید یا مونتاژ و نیز آمادگی پدافندی آنها، مشخص کردن بودجه‌ی جنگ و کسب اطلاعات درباره‌ی توانایی نظام در تأمین آن، میزان نیروهای اعزامی به جبهه‌ها و محورهای مختلف مربوط بدان و در نتیجه برآورد استعداد جمهوری اسلامی در بسیج برای جنگ در مقاطع مختلف، کسب اطلاعات مرتبط به استعداد تیپ‌ها و لشکرها و محورهای استقرار نیروها در جبهه، تشخیص محورهای عملیاتی آینده و دیگر موارد. تماس‌های تلفنی سازمان منافقین در این محور،

---

۱. اف ایکس‌های اهواز، کرمانشاه، ارومیه، تهران و دیگر نقاط مستقر در مقر تیپ‌ها و لشکرها یا قرارگاه‌های مرکزی مانند قرارگاه خاتم، حمزه و... .

بیشتر با تلفن‌های پشت جبهه و مستقر در شهرها و مراکز سپاه و ارتش و همچنین ادارات و ارگان‌های دولتی بود[1].

۳) تخلیه روی بررسی خط‌مشی و استراتژی نظام و نظرات مسئولان جمهوری اسلامی درباره‌ی جنگ، اختلاف عقیده‌های مسئولان در امر جنگ، بررسی نقاط قوت و ضعف تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌های داخلی و بین‌المللی نظام در امر جنگ، بررسی نظرات مردم و میزان نارضایتی‌های آنها از جنگ (به‌خصوص در جریان بمباران و موشک‌باران شهرها) و...

۱. از قبیل مراکز راه‌آهن، فرودگاه‌ها، بنادر، سفارتخانه‌ها و مراکز متعلق به ایران در خارج از کشور و... .

٦٧٢

نشست «سرنوشت»

در اواخر سال ۱۳٦٤ نشست «سرنوشت» توسط مسئول منافقین در اروپا برگزار شد. محور نشست این بود که شعار سازمان تاکنون «آزادی و صلح» بوده ولی از این پس باید «صلح و آزادی» باشد[۱]؛ باید روی این وجه متمرکز باشد و در دنیا نیز تبلیغ شود که جمهوری اسلامی باید صلح کند. استراتژی سازمان تاکنون به این علت شکست خورده که قدر «جنگ» را نشناخته است؛ چرا که جمهوری اسلامی به دلیل و دستاویز مسئله‌ی جنگ و با تکیه بدان، روی هر مسئله‌ای سرپوش گذاشته است (اعدام‌ها، تلفات جنگ، مشکلات اقتصادی و معیشتی و...). رژیم جمهوری اسلامی به بهانه‌ی جنگ با یک کشور خارجی، همه را ساکت کرده و روی همهٔ مسائل را پوشانده است.

رجوی بحث نشست را به این نقطه کشاند که جنگ باعث شده تا کارها و عملیات سازمان تحت‌الشعاع قرار گیرد و ارزشی نداشته باشد؛ با زحمت بسیار شناسایی صورت می‌گیرد، اسلحه و مهمات به سختی انتقال می‌یابد و تیم عملیاتی اعزام می‌شود تا در یک کوچه یا گوشه‌ی یک خیابان، یک نفر ترور شود؛ در همان زمان و در همان نقطه، ناگهان ۵۰ جنازه از جبهه می‌آید... بنابراین دیگر یک یا چند قتل قابل توجه نیست و بدان اهمیتی داده نمی‌شود. از این رو باید این جنگ ـ که بهانه‌ی همه چیز شده و مسائل دیگر را تحت

---

۱. در این فرهنگ، «صلح» در واقع نام مستعار «جنگ» است!

الشعاع قرار داده ـ تمام شود و بین دو کشور صلح برقرار شود. در چنین صورتی، دیگر جمهوری اسلامی محملی ندارد و سقوط خواهد کرد. چنانچه موضوع «جنگ، جنگ» به «صلح، صلح» تبدیل شود، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی حتمی است.

نتیجهٔ این تحلیل، نفی مشی چریکی توسط رجوی بود؛ با این توجیه که منظور از جنگ چریکی و چریک شهری، تبلیغ مسلحانه و القای ضربه پذیری جمهوری اسلامی و ـ به اصطلاح ـ پاره کردن تور خفقان بوده است. وجود جنگ باعث شده تا سازمان به هیچ یک از آن اهداف دست پیدا نکند؛ اما... اگر ایران به پای میز مذاکره بیاید، کارش تمام است! در خصوص نفی مشی چریکی، ضمن شرح تأسیس و راه‌اندازی ارتش به اصطلاح آزادی‌بخش، مطالب بیشتری عنوان خواهم کرد.

این خط از اواخر سال ٦٤ و اوایل سال ٦٥ شروع شد و یکی از علل عمدهٔ آن، فعالیت‌هایی بود که جمهوری اسلامی در خارج از کشور به انجام رساند[1] و هدف آن، اخراج منافقین و مسئول آن از فرانسه بود.

روند اخراج رجوی از فرانسه و استقرار وی در عراق

الف) جابه‌جایی حکومتی در فرانسه و بهبود روابط

رجوی پس از فرارش و تا قبل از طرح مسئلهٔ استقرار در عراق (که علت اصلی اختلاف وی با بنی‌صدر بود) مناسباتی با عراق داشت؛ که مهم‌ترین آن ملاقات رسوا و جنجالی وی با طارق عزیز در پاریس بود. در این ملاقات، که ضمن آن طرح به اصطلاح صلحی نیز مورد توافق طرفین قرار گرفت، زمینه‌ی همکاری بیشتر سازمان منافقین با عراق فراهم شد: سازمان امکانات فراوانی در کردستان عراق به دست آورد و حتی پس از ملاقات با طارق عزیز، تا تاریخ ورود رجوی به عراق ، دولت صدام سالانه معادل ۵۰۰ میلیون فرانک به منافقین می‌پرداخت.

۱. در این میان یکی از معاونت‌های نخست‌وزیری، وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات نقش اساسی را به عهده داشتند.

فشار هرچه بیشتر جمهوری اسلامی روی منافقین، به‌خصوص ضربه‌های متعدد وزارت اطلاعات به تیم‌های عملیاتی وارداتی و حملات پیگیر به پایگاه‌های سازمان در کردستان (به ویژه در منطقه‌ی آلان حد فاصل سردشت و کردستان عراق) موجب شد که رجوی چاره‌جویی اساسی‌تری بنماید؛ لذا بیش از پیش به عراق نزدیک شد و به دنبال آن، امکانات نظامی فراوان دریافت کرد؛ سیل نیروها و هواداران نیز به عراق سرازیر گشت[۱].

در اواسط سال ۱۳٦٤ دولت سوسیالیست فرانسه در انتخابات شکست خورد و دولت دست راستی «گلیست» توانست دولت را در اختیار بگیرد. از همان نخست، دولت جدید به جمهوری اسلامی یک چراغ سبز نشان داد؛ بدین معنا که ژاک شیراک به روند رو به تزاید و کنترل نشده‌ی پناهندگان (و در واقع مخالفین جمهوری اسلامی) حمله کرد و صریحاً اظهار داشت که فرانسه به آشغالدانی تبدیل شده ... و بدین طریق ازدیاد پناهندگان را تقبیح نمود.

به دنبال این اظهارات، پارلمان فرانسه یک هیئت بلندپایه را به جمهوری اسلامی ایران فرستاد. این هیئت در حالی دست به این سفر زد که به نفرت امت مسلمان و بدبینی مسئولان جمهوری اسلامی آگاهی داشت. هیئت مزبور در ملاقات با مسئولان و بخصوص در مجلس، سرزنش‌های فراوانی را شنید؛ از جمله اینکه شما به ضدانقلاب و عراق کمک می‌نمایید. فرانسوی‌ها در همه‌جا می‌پذیرفتند که حق با ماست و با صراحت اظهار می‌نمودند که « اشتباه کرده‌ایم... فکر می‌کردیم که آنها توان بالا و پایگاه قابل توجه در میان مردم دارند وگرنه به آنها کمک نمی‌کردیم...»؛ نسبت به مواضع گذشته‌ی خود نیز عذر خواستند. پاسخ اغلب مسئولان به فرانسوی‌ها این بود که «ما به شما اطمینان نداریم؛ لذا باید ادعای خودتان را عملاً اثبات نمایید». از طرف هیئت فرانسوی درخواست شد که رفت و آمدها ادامه پیدا کند.

متعاقب درخواست فرانسوی‌ها و بر اساس تصمیم بعضی از مسئولان، قرار شد هیئتی به سرپرستی معاون نخست وزیر راهی فرانسه شود. علت تعیین افراد هیئت و به‌خصوص آقای

---

۱. ذکر این نکته ضروری است که منافقین و بالاخص سطوح رهبری و مسئولان آن، ابتدا در نظر داشتند که در زمستان ۱۳٦۲ در عراق مستقر شوند. افشاگری بنی‌صدر، به دنبال مباحثات ۱۳ دی ماه ۱۳٦۱ طرفین در شورای به اصطلاح مقاومت، باعث شد که این طرح موقتاً مسکوت بماند.

معیّری معاون مهندس موسوی، اشراف و شناخت آنها از موضوع و آشنایی با مواضع طرف‌های فرانسوی بود. در مجموعه‌ی رایزنی‌هایی که قبل از سفر صورت گرفت، آنچه در اولویت و اهمیت بیشتر قرار داشت، اخراج ضدانقلاب از فرانسه بود.

ب) اقدام برای اخراج رجوی از فرانسه

هیئت ایرانی، پس از ورود به فرانسه، مسائل دیگر را به صورت کمرنگ‌تری مطرح نمود و بیش از هر چیز روی تحویل یا اخراج ضدانقلاب اصرار به عمل آورد. جالب اینجاست که هرجا نامی از «ضدانقلاب» برده می‌شد، ذهن فرانسوی‌ها متوجه منافقین می‌گشت! از نظر هیئت، تحویل رجوی به مثابه اولین گام عملی در جهت عادی شدن روابط بود؛ ولی فرانسوی‌ها با این بهانه که «در صورت تحویل رجوی آبروی ما در سطح جهان می‌رود»، از این امر سر باز زدند و گفتند که «می‌توانیم آنها را محدود یا اخراج کنیم». به هر حال، ادامه‌ی گفت‌وگوها و رایزنی‌ها به تصمیم درباره‌ی اخراج رهبری منافقین از فرانسه منجر شد.

منافقین به رغم خوش خدمتی‌های فراوانشان، هرگز این روی سکه را پیش‌بینی نکرده بودند که روزی با وجود تمامی تبلیغات و تلاش در جذب سیاستمداران غربی، به تعبیر خودشان مورد معامله و وجه المصالحه قرار گیرند! یکی از دلایل مهمی که منافقین توانستند تا آن زمان در غرب دوام بیاورند و موفقیت‌هایی نیز در آنچه به اصطلاح «دیپلماسی انقلابی[1]» می‌نامیدند به دست آورند، این بود که سازمان مزبور پس از هر شکستی بلافاصله خطوط جدیدی ارائه می‌داد و لذا حامیان غربی‌اش را امیدوار می‌نمود. این ترفند دیگر رسوا

---

۱. یکی از اقدامات سازمان، بعد از فرار سران آن از کشور و شکست خط براندازی شتابان و ضربه‌ای، روندی بود که آن را «دیپلماسی انقلابی» می‌نامیدند؟ و این روند به عنوان یکی از مراحل اصلی در خط‌مشی منافقین قرار گرفت. این اصطلاح به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شد که عناصر سازمان در کشورهای مختلف و در برخورد با سیاستمداران، وکلا و نمایندگان مجالس، احزاب و افکار عمومی انجام می‌دادند؛ با این محور که به اصطلاح خشونت و بخصوص برخی از اعدام‌ها را در ایران عمده کنند و مسئلهٔ نقض «حقوق بشر» را دستاویز قرار دهند تا جمهوری اسلامی به انزوای بین‌المللی گرفتار شود. در همان زمان، ما نیز ناچار بودیم افراد و هیئت‌هایی را توجیه کنیم، به خارج بفرستیم و از فعالیت‌های ضدانقلاب تأثیرزدایی نماییم.

شده بود؛ تا آن حد که وقتی رجوی سفرش به عراق را نزدیک شدن به میهن و رسیدن هرچه زودتر به پیروزی قلمداد کرد، روزنامه‌ی «لوموند» (۱۰ ژوئن ۱۹۸٦) نوشت: «آقای رجوی و دوستان وی، ضمن دوران تبعید طولانی در فرانسه، در هنر "شکست‌ها را پیروزی بزرگ جلوه دادن" استاد شده‌اند.»

ج) اخراج رجوی و استقرار کامل منافقین در عراق

دولت فرانسه یک ضرب‌الاجل تعیین کرد و قرار بود رجوی پس از پایان مهلت، وارد سوئیس شود. از طریق تخلیه‌ی تلفنی سفارت ایران در سوئیس، منافقین در جریان اقدام پلیس بین‌المللی (اینترپل) دایر بر دستگیری و تحویل سران منافقین به جمهوری اسلامی قرار گرفتند؛ برخی از عوامل دولت فرانسه نیز قبلاً به رجوی هشدار داده بودند. پیش از این اتفاق، دولت‌های اسپانیا، اتریش و چند کشور دیگر به ما اطلاع دادند که سازمان درخواست پناهندگی کرده است و ما نیز مخالفت خود را اعلام کردیم؛ در نتیجه سوئیس به عنوان تنها گزینه باقی ماند. برنامه‌ی منافقین این بود که پس از ورود به سوئیس و استقرار در یکی از ایالت‌ها یا کانتون‌های آن کشور ـ که هر یک قوانین جداگانه‌ای دارند و با قوانین بین‌المللی نیز ارتباطی ندارند ـ از محدودیت‌ها خلاصی یابند. در این صورت، مسئله‌ی دستگیری و تحویل رجوی و دیگر سران منافقین نیز منتفی می‌شد و ما حتی موفق به اخراج آنها نمی‌شدیم. با مجموع شرایط و نیز برنامه‌ریزی‌های پیدا و پنهان، همه‌ی راه‌ها به بغداد ختم شد!

ورود رجوی به عراق، بازتاب‌هایی را موجب شد که همه در جهت منفی قرار داشت؛ گروه‌ها و سازمان‌ها و افراد مخالف جمهوری اسلامی، هر یک به نوعی در برابر این مسئله موضع گرفتند و در نهایت رجوی را کارت بازی صدام دانستند. آلت دست رجوی بودن کل سازمان منافقین و شورای به اصطلاح مقاومت و آلت دست صدام بودن رجوی، از حقایقی بود که در جریان این سفر عریان و روشن شد. از سوی دیگر، نفس این حرکت آن قدر زننده و چندش‌آور بود که برای همیشه آنها را در اذهان مردم دفن کرد.

د) وضعیت جدید منافقین در عراق و فراخوان‌ها

با ورود رجوی به عراق، روند تغییر استراتژی شدت گرفت. مسئول منافقین، که دیگر خود را برای خیل کثیر فریب‌خوردگانش قطب و محور عالم ترسیم کرده بود، اکنون بالای سر تشکیلات قرار داشت؛ در نتیجه تعیین خط‌مشی و نیز اجرای آن به دست یک نفر افتاد! مکان و موقعیت و امکانات نیز برای وی فراهم شد تا موضوع جنگ را به لحاظ اجرایی در اولویت اول قرار دهد. به محض ورود سران منافقین به بغداد، سازمان به همه‌ی هواداران و نیروهای پراکنده‌ی خود در کشورهای مختلف اعلام کرد که به عراق بروند. در واقع برای «دیپلماسی انقلابی» خود نیز دیگر تأثیر و فایده‌ای قایل نبودند.

در منطق جدید رجوی، موضوع تشکیل ارتش به اصطلاح آزادی‌بخش و شرکت مستقیم در جنگ تحمیلی، جای همه‌ی خطوط قبلی را گرفت و به اولویت نخست تبدیل شد. وی چندین روز افراد را جمع کرد و به صورت درس، اشکالات مشی چریکی را عنوان نمود تا خط جدید را جا بیندازد. عمده‌ترین محور این بحث‌ها بدین قرار بود:

۱) جذب نیرو در جنگ چریکی به صورت جزئی و «میکرو» صورت می‌گیرد. صرف آن همه نیرو و برنامه و امکانات، همه برای این است که مثلاً چند نفر به سازمان بپیوندند. اما... موضوع در جنگ آزادی‌بخش برعکس است. زمینه‌ی تحلیل رجوی، یکی حرکت‌هایی بود که با همکاری عراق در اردوگاه‌های اسرا صورت می‌گرفت؛ در آنجا تبلیغ می‌کردند، وعده‌ی آزادی می‌دادند و ناگهان با یک مانور کوچک ۵۰ نفر را ـ مثلاً ـ از یک اردوگاه با خود می‌بردند. زمینه‌ی دیگر تحلیل در عمل پیش می‌آمد؛ چراکه در برخی از عملیات‌های جنگی که با همکاری عراق صورت می‌دادند، عده‌ای از ایرانیان مخصوصاً سربازان وظیفه‌ی ارتش را به اسارت می‌گرفتند و بعد روی آنها تبلیغ می‌کردند و تعدادی از آنها را جذب می‌نمودند. با همین ترفندها توانستند قریب ۲۵۰۰ نفر از اسرا را جذب کنند و به قرارگاه‌های خود ببرند.

۲) جنگ چریکی متعلق به دوران ثبات یک رژیم است. ترور کردن و بمب منفجر نمودن مبتنی بر این فرض است که جامعه دچار رکود و نظام سیاسی در حال ثبات است؛ باید تور اختناق را پاره کرد و اثبات نمود که نظام ضربه‌پذیر است. فرض سازمان در جنگ

چریکی این بوده که رژیم را باثبات فرض کرده است؛ در حالی که چنین نیست: کشور در حال جنگ است، اقتصاد ویران شده است، مردم ناراضی‌اند، در فلان کارخانه اعتصاب کرده‌اند، مردم غذا ندارند بخورند، خیابان‌ها را برای بازرسی می‌بندند، بمب‌های هواپیماهای عراقی روی سر مردم فرود می‌آید و... با این وضع، نظام ثبات ندارد؛ پس برای چه باید استراتژی‌ای که مربوط به دوران ثبات است، در دوران بی‌ثباتی به‌کار گرفته شود؟!

۳) در جنگ چریکی، هدف محدود و کوچک ولی در جنگ آزادی‌بخش هدف بزرگ‌تر است... تا آنجا که دست آخر کشور تصرف خواهد شد!

همه‌ی انرژی و سرمایه‌ی انسانی و خوش خدمتی‌ها در استخدام خط و استراتژی جدید یعنی جنگ آزادی‌بخش درآمد. نیروها نیز پذیرفتند؛ چون دیگر از آن حالت تعلیق و بلاتکلیفی و فشار روانی فوق‌العاده‌ای که گرفتارش بودند، بیرون می‌آمدند. پس از جا انداختن خط‌مشی جدید، تقسیم مسئولیت‌ها پیش آمد: فلان مسئولِ منطقه‌ی الف، بهمان مسئولِ منطقه‌ی ب، دیگری مسئولِ منطقه‌ی ج... نیروهایی را هم به هر مسئول می‌سپردند. هزار کیلومتر مرز کشور را ـ به همین سادگی ـ بین عده‌ای تقسیم کردند[1]!

به تعبیر یکی از مدیران آن زمان وزارت اطلاعات، سازمان (در مجموع عمر خود) قریب چهار ماه از سال ۱۳٦۵ را لذت کامل برد. تیم‌های کوچک برای شناسایی به داخل می‌آمدند؛ محل کوچک و محدودی (مثل یک پاسگاه دیده‌بانی) را شناسایی می‌کردند؛ سپس یا آن را مورد حمله قرار می‌دادند و یا با مشخصات دقیقی که به دست آورده بودند، آن را با خمپاره می‌زدند. اینها بدون اینکه تلفات بدهند، کارشان را انجام می‌دادند و بازمی‌گشتند؛ وبه‌طورمعمول همه‌ی تجهیزات و وسایل مقر مورد حمله را هم باخود می‌آوردند.

این عملیات محدود را به تدریج پیچیده‌تر کردند و گسترش دادند. بیش از ۲۰ عملیات آنها حداکثر ۱۵ اسیر داشت و حدود ٤ ماه طول می‌کشید. در مرحله‌ی بعد، افراد تجربه‌دیده در مرحله‌ی قبلی را به صورت گردان سازماندهی می‌کردند و حمله‌ی خود را به محل و مقر بزرگ‌تری صورت می‌دادند و تعداد بیشتری تلفات و اسیر به ما تحمیل می‌کردند. سپس

۱. البته محور اصلی برای آنها شمال غربی کشور بود.

این گردان‌ها را به صورت تیپ سازمان می‌دادند و حمله‌ی خود را وسیع‌تر و سنگین‌تر می‌کردند. در عملیات دهلران ـ که آن را «آفتاب» نام نهادند ـ ۲۱٦ اسیر از ما گرفتند ولی در مرحله‌ی بعدی، در عملیات مهران ـ که «چهلچراغ» نام داده بودند ـ به حد نهایی کار خود رسیدند و ۱۵۰۰ نفر را اسیر کردند.

اشغال مهران

در خرداد ماه ۱۳٦۷ شهر غربی و مرزی «مهران» توسط نیروهای موسوم به ارتش آزادی‌بخش تصرف شد. منافقین این عملیات را «چهلچراغ» نام نهادند. در این عملیات نیز ـ همچون دیگر تحرکات گروه رجوی از خاک عراق ـ ارتش صدام حسین با در اختیار گذاردن اطلاعات و امکانات و سایر همراهی‌ها و تمهیدات برای پشتیبانی، منافقین را یاری کرد. مراحل مختلف همکاری عراق بدین قرار بود:

۱) در اختیار گذاردن تانک و نفربرهای عملیاتی، توپخانه و دیگر ادوات جنگی به انضمام مهمّات مربوط؛

۲) انتقال امکانات ـ پیش از عملیات ـ به خط حمله؛

۳) تخلیه‌ی غنایم، اسرا و نیروهای رجوی ـ پس از عملیات ـ به پشت خط؛

٤) فیلمبرداری از منطقه‌ی عملیاتی، به‌خصوص از غنایم و اسرا؛

۵) آتش پشتیبانی و تهیه ـ قبل از عملیات و در طول آن ـ و بمباران و پشتیبانی هوایی ـ در طول عملیات.

در بعد از ظهر روز عملیات، نیروهای ژاندارمری مستقر در منطقه، به علت آتش سنگین عراقی‌ها عقب‌نشینی کردند. در شامگاه ۲۸ خرداد ۱۳٦۷ نیروهای رجوی در محورهای مختلف شهر مهران دست به عملیات زدند. به رغم مقاومت یکی از گردان‌های ارتش ـ که سه بار با نیروهای پیاده‌ی منافقین درگیر شد و ایستادگی نمود ـ دشمن از سمت راست رودخانه‌ی گاوی رخنه کرد و خود را به پشت نیروهای سپاه (مستقر در سمت چپ رودخانه) رساند.

جنگ روانی دشمن مبنی بر محاصره‌ی کامل و شکسته شدن خطوط پدافندی نیروهای ایرانی، روحیه‌ی نیروها را تضعیف نموده پیشروی سریع دشمن را ممکن ساخت و نیروهای منافق بر منطقه‌ی مهران تسلط یافتند. این نیروها جنایات زیادی انجام دادند؛ عده‌ای را شهید کردند و عده‌ای را هم به اسارت گرفتند که تحویل عراقی‌ها شدند. منافقین در ۳۰ خرداد ۱۳٦۷ در وهله‌ی اول ارتفاعات و بعد از آن، منطقه‌ی تحت تصرف را به ارتش صدام تحویل دادند و خودشان به عراق بازگشتند.

۷/۲٦

شکست بزرگ مرصاد

زمینه‌های توهّم

در ماه‌های آخر جنگ تحمیلی، به‌خصوص پس از تصرف «مهران»، سازمان منافقین به تحلیلی رسیده بود که بی‌شک پرداختهٔ ذهن رجوی بود و باز ـ به زعم وی ـ در آن زمان تنها «تحلیل مشخص از شرایط مشخص[۱]» بود! چکیده‌ی تحلیل بدین قرار بود:

۱) اگر ایران قطعنامهٔ ۵۹۸ را بپذیرد، آینده‌ی سیاسی سازمان نامعلوم است و تداوم خط مبارزهٔ مسلحانه در چارچوب ارتش آزادی‌بخش به زیر سؤال می‌رود.

۲) برای تسریع در انجام یک عملیات سنگین علیه جمهوری اسلامی، عراق سازمان را زیر فشار گذاشته است؛ و در صورت استنکاف یا عدم انجام چنین عملیاتی، وجود سازمان در عراق بی‌معنا می‌شود.

۳) «جمهوری اسلامی از حیث نظامی در حداقل توان خویش و از حیث روحیه و توان عملیاتی و تدافعی بسیار ضعیف است و از حیث کمک‌های مردم، حداکثر نارضایتی وجود دارد...[۲]».

---

۱. این عبارت از اصطلاحاتی است که منافقین از لنین اقتباس کرده‌اند و بخصوص لقلقهٔ زبان شخص رجوی است.
۲. در یک نشست اضطراری، این جملات عیناً توسط رجوی ادا شده است و ما از کانال‌هایی که داشتیم، به نوار آن نشست دسترسی پیدا کردیم.

نتیجه‌ی سه وجه تحلیل رجوی این بود که چون مردم ناراضی‌اند، در صورت هجوم منافقین به داخل کشور، جمعیت میلیونی ناراضیان به آنها خواهند پیوست و نظام سقوط خواهد کرد[۱]!

بر این اساس، رجوی عملیات مورد نظر صدام را برای ۵ مهر ۱۳۶۷ (مصادف با سالگرد تظاهرات مسلحانه‌ی ۵ مهر ماه ۶۰ در تهران) طراحی کرده و تدارک دیده بود؛ و بر همین مبنا کلیه‌ی هواداران دختر و پسر مقیم در کشورهای اروپایی و آمریکایی و سایر نقاط به عراق اعزام گشتند. اما... پذیرش قطعنامه توسط ایران در ۲۸ تیر ۱۳۶۷ سازمان منافقین را غافلگیر و شوکه کرد؛ آماده‌باش عمومی اعلام شد و در ۳۱ تیر همه‌ی نیروهای مستقر در قرارگاه‌ها به سالن عمومی «قرارگاه اشرف» فراخوانده شدند تا در ساعت ۸ شب به سخنرانی رجوی گوش فرا دهند. در نمایشی که به اجرا درآمد، رجوی توهمات خود را درباره‌ی فتح کوتاه‌مدت و چندروزه‌ی تهران ـ طی عملیاتی موسوم به «فروغ جاویدان» ـ تصویر کرد و ضمن تحریک احساسات و تشجیع نیروها مدعی شد که از مرز تا تهران با هیچ مقاومتی روبه‌رو نخواهند شد!

حملات هماهنگ ارتش بعثی

بلافاصله پس از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، آهنگ حملات ارتش صدام شدت یافت و نیروهای عراقی ـ از جنوب ـ دست به پیشروی خطرناکی زدند. هدف آنها متمرکز کردن توجه همه‌ی نیروهای ما به سمت جبهه‌ی جنوب و جنوب غربی بود. در اوج این حملات خبر رسید که پایگاه شهید نوژه در همدان بمباران شده است. اخبار حکایت داشت که اغلب پرسنل رادار و هدایت پایگاه به شهادت رسیده‌اند؛ امکانات فنی پایگاه نیز از بین رفته است. پایگاه و محیط اطراف آن با بمب‌های زمان‌دار مورد حمله قرار گرفته بود تا هرگونه امکان تحرک و مقابله از جنگنده‌های

---

۱. در حاشیه باید گفت که این عملیات به رجوی و نزدیکانش فرصت مناسبی اعطا می‌نمود تا بتوانند از شر عناصر ناراضی داخل تشکیلات ـ که در رأس آنها «علی زرکش» قرار داشت ـ خلاص شوند. در صحنه‌ی عملیات، زرکش از پشت سر توسط یکی از مأموران رجوی به قتل رسید.

جمهوری اسلامی سلب شود. همزمان، تعداد پروازهای عملیاتی هواپیمای عراقی ـ طبق گزارش روزانه‌ی ستاد مشترک ارتش ـ به روزی هزار سورتی پرواز در مناطق عملیاتی رسید که بی‌سابقه بود.

ورود وزارت اطلاعات به صحنه

برای نخستین بار، در ساعات آخر روز دوشنبه، سوم مرداد از سوی اداره‌ی کل اطلاعات کرمانشاه گزارش رسید که منافقین از مرز گذشته‌اند و به سوی اسلام‌آباد و کرمانشاه در حرکت‌اند. به دلیل وجود ستاد فعّال و امکانات کارشناسی و جمع‌بندی سریع گزارش‌ها در دفتر وزیر اطلاعات، و با توجه به شرایط جبهه‌ها و اخبار مربوط به وضعیت پایگاه شهید نوژه، موضوع تهاجم منافقین ـ که برخورد با آن در حوزه‌ی وظایف وزارت اطلاعات قرار داشت ـ بسیار جدّی گرفته شد. موضوع سریعاً به بیت حضرت امام و جناب آقای هاشمی رفسنجانی، که جانشینی فرمانده کل قوا را به عهده داشتند و ظاهراً در جبهه‌های جنوب به‌سر می‌بردند مخابره شد. ایشان از طرق دیگری موضوع را بررسی نمودند و بر اساس سایر گزارش‌ها نسبت به صحت خبر تردید کردند. من به گزارشی که از سوی مأموران اطلاعاتی به مرکز واصل شده بود، اطمینان داشتم؛ بنابراین بلافاصله به مدیرکل اطلاعات کرمانشاه دستور داده شد که شخصاً در منطقه‌ی هجوم دشمن حضور یابد، فعل و انفعالات را مستقیماً ملاحظه کند و شرایط و مشاهدات را به‌طور دقیق گزارش نماید.

گزارش فوری مسئول اطلاعات منطقه، ابعاد توطئه را که بخش کوچکی از آن، نشان از حرکات ارتش عراق جهت پوشش عملیات منافقین داشت، بیشتر روشن ساخت. وضعیت به سرعت به مسئولان نظام و حضرت امام خبر داده شد و فقدان نیروهای کافی در منطقه نیز مورد تأکید قرار گرفت. همزمان با این اقدامات، اینجانب طی حکمی معاونت وقت امنیت داخلی وزارت اطلاعات را به فرماندهی اطلاعات منطقه منصوب و هدایت مستقیم ادارات کل استان‌های کرمانشاه، آذربایجان غربی، کردستان، ایلام و خوزستان را به وی تفویض نمودم.

آنچه در صحنه رخ داد، متوقف ساختن و به صحنه‌های کمین کشاندن نیروهای منافق توسط نیروهای داوطلب مردمی در اجابت دستور حضرت امام بود که تا ۳۰ کیلومتری کرمانشاه رسیده بودند. کنترل وضعیت پیچیده‌ی اختلاط منافقین و مردم و نیروهای منطقه، شنود و کشف رمز لحظه به لحظه‌ی بی‌سیم‌های منافقین، تشکیل ستاد بازجویی از دستگیرشدگان، مقابله با جنگ روانی منافقین در شهرهای منطقه و خنثی کردن شایعات خطرناک بسیاری از این قبیل اقدامات، وظایفی بود که بر دوش نیروهای وزارت اطلاعات قرار داشت که هماهنگ با سایر نیروها، سرانجام «فروغ جاویدان» را به «مرصاد» تبدیل کردند.

مرور اجمالی تهاجم و هزیمت منافقین

نیروهای منافقین ـ مرکب از اعضا و هواداران و نیز جمعی از اسرای فریب‌خورده و اغفال شده ـ در مجموع حدود ٤۵۰۰ نفر بودند که اندکی بیش از ثلث آنها را زنان و دختران تشکیل می‌دادند[۱]. بیشتر تجهیزات و تدارکات نیز از سوی صدام ـ به استعداد ۲۵ تیپ ـ به منافقین تحویل داده شده بود که نفربرهای تندرو زرهی ساخت برزیل عمده‌ترین آنها بود. برای فرماندهان اصلی، پنج محور تعیین و مدت تصرف کامل مناطق مربوط، به نحوی خیالبافانه طی دو روز دوشنبه ۳ مرداد و سه‌شنبه ٤ مرداد ۱۳٦۷ زمان‌بندی شده بود که مرور آن خالی از لطف نیست:

عبور از مرز خسروی: ساعت ٤ بعدازظهر دوشنبه؛

تصرف شهرهای کرند و اسلام‌آباد: ساعت ۲۲ دوشنبه؛

تصرف کرمانشاه: ساعت ۲٤ دوشنبه تا یک بامداد سه‌شنبه؛

تصرف همدان: ساعت ۷:۳۰ صبح سه‌شنبه؛

---

۱. به‌جز افراد و عناصر سابقه‌دار و مجرّب منافقین که آموزش دیده و آماده‌ی انتحار بودند، هواداران فراخوان شده از کشورهای مختلف نقش سیاهی لشکر را بازی می‌کردند و هیچ تجربه و مهارتی نداشتند؛ اسیران فریب‌خورده نیز با وعده‌ی آزادی به عملیات کشانده شده بودند و نه توانایی نظامی لازم را داشتند و نه از روحیه‌ی مناسبی برخوردار بودند.

تصرف قزوین: ساعت ۱۳ سه‌شنبه؛

تصرف تهران و شروع پاکسازی آن: ساعت ۱٦ سه‌شنبه[۱].

ارتش صدام، به عنوان زمینه‌ساز عملیات منافقین، حملات وسیعی را در غرب و جنوب کشور صورت داد. در جنوب وانمود می‌کرد که قصد تصرف مجدد خرمشهر را دارد و در غرب نیز با بمباران‌های مکرر، سعی در مهیا نمودن منطقه برای اشغال داشت. نیروهای سازمان رأس ساعت مقرّر از مرز رد شدند و با حمایت نیروهای هوایی ارتش بعثی از قصر شیرین و سرپل ذهاب گذشتند؛ پس از تصرف کرند پیشروی خود را به سوی اسلام‌آباد ادامه دادند و اندکی زودتر از زمان تعیین‌شده، یعنی در ساعت ۲۱:۳۰، اسلام‌آباد را تصرف کردند.

فرار مردم از شهر باعث شده بود که تنها افراد معدودی باقی بمانند... همین امر به تصرف زود هنگام شهر کمک کرد؛ اما فرار مردم باعث گردید که جاده‌ی اصلی ـ تقریباً ـ مسدود شود. همهٔ توهمات و خیالبافی‌های رجوی (چنین و چنان می‌کنیم و یکی دو روزه به تهران می‌رسیم) در گردنه‌ی حسن‌آباد و چهارزبر به باد فنا رفت. نیروهای جمهوری اسلامی ـ که برخی از آنها حتی با لباس شخصی و از نقاط مختلف کشور به منطقه رسیده و با منافقین درگیر شده بودند ـ از سه طرف حمله‌ور شدند و ارتش آزادی‌بخش رجوی را در جادهٔ منتهی به کرمانشاه متوقف کرده تلفات سنگینی بدان وارد نمودند. هواپیماها و بالگردهای ارتش نیز از صبحگاه سه‌شنبه وارد عملیات شدند. دشمن از چند سو به دام افتاده بود؛ کشته‌ها بر جای ماند و زنده‌ها فرار را بر قرار ترجیح دادند.

غافلگیری، وحشت، سردرگمی، اقدام‌های موفق و ناموفق برای خودکشی، قتل، اسارت و دیگر نشانه‌های هزیمت و شکست، واقعیت‌هایی بود که نیروهای منافق با آن روبه‌رو شدند. دستاورد رجوی از «فروغ جاویدان» قریب ۳٤۰۰ کشته و زخمی بود؛ که بسیاری از عناصر قدیمی و سرشناس سازمان نیز در میان آنها بودند.

---

۱. برای تصرف صداوسیما، هوانیروز، مراکز سپاه و ارتش و دیگر نقاط حساس کرمانشاه فقط یک ساعت تعیین شده بود؛ و برای پاکسازی تهران ـ استثنائاً ـ حدود یک شبانه‌روز در نظر گرفته بودند تا آقای مسعود رجوی بتواند در ساعت ۱۷ چهارشنبه ٥ مرداد ۱۳٦٥ در میدان آزادی سخنرانی کند و سقوط نظام جمهوری اسلامی را اعلام نماید!

جمع‌بندی

هنگامی که اینجانب وزارت اطلاعات را ترک کردم، منافقین دو شکست بزرگ و مهلک را تجربه کرده بودند: نخست نابودی و انهدام هزاران نفر از نیروها و تجهیزات در عملیات مرصاد، و دوم رسوایی رجزخوانی‌ها و توهّمات آنان قبل از ارتحال امام خمینی(ره) با حضور چندین میلیونی امت عزادار و تثبیت رهبری نظام.

سازمان منافقین در بن‌بست نوینی گرفتار شده بود که می‌توان آن را جدّی‌ترین و هولناک‌ترین بن‌بست در طول حیات آن برشمرد. رهبری تشکیلات برای گریز از پرسش‌های سرریزشده از سوی اعضا و هواداران خود ـ قاعدتاً ـ نیاز به مانورهای جدیدی داشت! بن‌بست خطّی پدیدار شده، یک بحران ناگزیر و حتمی فروپاشی را فرا راه منافقین قرار داده بود. امید واهی آنان این بود که با ختم جنگ و به‌خصوص با ارتحال بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، این نظام در چنبره‌ی بحران‌های داخلی متلاشی شود و پیروزی مزدوران صدّام محقق گردد.

برای فرار از این بن‌بست هولناک، رهبری منافقین به تمهید «انقلاب»های پی‌درپی دیگری دست زد که ـ البته ـ همه «نوین»! بودند و در نهایت فرد اول را مصونیت می‌بخشیدند. متهم کردن اعضا و هواداران به شرک، طلاق‌های اجباری، جدا کردن فرزندان از پدران و مادران‌شان، گسترش و تشدید اختناق درونی از طریق افزودن بر تعداد زندان‌ها و زندانیان سازمان، تعمیق مزدوری و جاسوسی و دست‌نشاندگی بیگانه از طریق شرکت در سرکوب کردها و شیعیان و ده‌ها و صدها نمونه و مصداق از این‌گونه، حاصل و دستاورد انقلاب‌های مکرر رجوی بود که جز نکبت و شقاوت ابدی سرانجامی نداشته و نخواهد داشت.

فصل بیست و هفتم

ضربه به جریان موسوم به
«سازمان فداییان خلق _ اکثریت»

کمتر از دو سال از تأسیس وزارت اطلاعات می‌گذشت که جریان موسوم به «سازمان فداییان خلق ـ اکثریت» (سازمان اکثریت) پس از چند سال توطئه‌ی پیچیده ـ در کنار «حزب توده» ـ زیر ضربه قرار گرفت و بخش اعظم تشکیلات، تدارکات و نیروهای آن متلاشی شد. این سازمان مدت‌ها حمایت استراتژیک از مواضع ضدامپریالیستی امام(ره) را پوشش توطئه‌های خود قرار داده بود.

سابقه‌ی کار واحد اطلاعات سپاه

پیش از تأسیس وزارت اطلاعات، واحد اطلاعات سپاه ـ که اغلب کارگزاران آن در بدو تشکیل این وزارتخانه بدان دستگاه جذب شدند ـ شاخه‌ی «اشرف دهقانی» (منشعب از فداییان خلق) را منهدم و به جناح «اقلیت» فداییان نیز ضربه‌های کاری وارد کرده بودند. در مواردی نیز ـ در پی ضربه به «حزب توده» و بخشی از جناح «اکثریت» فداییان ـ موقعیت‌های فوق‌العاده‌ای از طریق اقدامات ویژه‌ی اطلاعاتی به دست آمد.

واقعیت امر آن است که پس از تشکیل وزارت اطلاعات و در پی اقدامات مؤثر نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی متعدد قبل از آن، تا زمانی که اینجانب مسئولیت دستگاه اطلاعاتی را به عهده داشتم، همه‌ی گروه‌ها و گروهک‌های ضدانقلاب ـ اعم از چپ و راست ـ در داخل کشور ضربه‌های اساسی خورده بودند منهدم شدند و تنها بقایایی از برخی جریان‌ها توانستند به خارج از کشور بگریزند.

در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی قریب دویست جریان سیاسی در کشور[1] میدان جولان پیدا کرده بودند که بسیاری از آنها نسبت به نظام موضع تند و براندازانه گرفته بودند و شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را سر می‌دادند. این گروه‌ها در شش جریان «خط یک»، «خط دو»، «خط سه»، «خط چهار»، «سه جهانی‌ها» و «تروتسکیست‌ها» مجتمع بودند. این مرزبندی‌ها توسط خود آنها صورت گرفته بود و نحوه‌ی نگرش این جریان‌ها به بلوک شرق و اردوگاه شوروی سابق محور آن بود. این شش جریان عبارت بودند از:

خط یک ـ جریان‌هایی مثل «حزب توده» و گروه‌هایی که مرکزیت حزب کمونیست اتحاد شوروی را به عنوان «حزب مادر» پذیرفته بودند و وابستگی و اتکا به آن را از لحاظ استراتژیک ضروری می‌دیدند؛

خط دو ـ جریان‌هایی مثل «چریک‌های فدایی خلق» که مشی مائوئیستی داشتند، انتقادهایی نیز به شوروی وارد می‌کردند ولی به لحاظ نگاه اردوگاهی به شوروی سمپاتی داشتند؛

خط سه ـ گروه‌هایی مثل «پیکار» و «رزمندگان» که به مائوئیسم گرایش داشتند و عنوان «سوسیال امپریالیست» را (به تأسی از چین) برای شوروی به کار می‌بردند؛

خط چهار ـ گروه‌هایی مثل «راه کارگر» که نسبت به شوروی بدبین بودند، ولی پیوند استراتژیک نداشتند؛

سه‌جهانی‌ها ـ گروه‌هایی مثل «رنجبران» و «توفان» که به چین وابسته بودند و تز «سه‌جهان» مائوئیست‌ها را پذیرفته بودند[2]؛

تروتسکیست‌ها[3] ـ منحصراً «حزب کارگران سوسیالیست» که به رغم ضدیت شدید با شوروی، رهبری چین و سیاست‌های آن را نیز قبول نداشتند؛ در خصوص «انقلاب» و «اصلاح» نیز قایل به تز «انقلاب مداوم» تروتسکی بودند.

---

۱. ر. ک. به: پیوست شماره‌ی ۱۳.

۲. جهان اول، جهان امپریالیست به رهبری آمریکا؛ جهان دوم، جهان سوسیال امپریالیست به رهبری شوروی؛ جهان سوم، غیروابستگان و غیرمتعهدها به دو جهان اول و جهان دوم، به رهبری جمهوری خلق چین.

۳. پیروان «لئو تروتسکی»، از رهبران اولیه‌ی انقلاب روسیه که پس از «لنین» با «استالین» مخالفت ورزید و در نتیجه به خارج تبعید شد و سرانجام در مکزیک به دست عوامل «استالین» به قتل رسید.

۱/۲۷

سوابق چریک‌های فدایی خلق ـ اکثریت

چند تن از بقایای فعالان «سازمان جوانان حزب توده» که بیژن جزنی در رأس آنها قرار داشت، به دنبال اضمحلال «تشکیلات تهران حزب توده» ـ که ساخته‌ی ساواک بود ـ در سال ۱۳٤۵ گروهی به راه انداختند که برخلاف مشی «حزب توده»، بر مبارزه‌ی مسلحانه مبتنی بود. این گروه در بدو فعالیت با نفوذ ساواک مواجه شد و ضربه خورد. بقایای معدود این گروه[۱] خود جریانی به راه انداختند که به «گروه جنگل» معروف شد. اینان همراه با یکی از اعضای گروهی که مسعود احمدزاده و امیر پرویز پویان[۲] تشکیل داده بودند، در ۱۹ بهمن ۱۳٤۹ به پاسگاه سیاهکل در جنگل‌های گیلان حمله کردند، ولی ظرف چند روز، بیشترشان دستگیر و سپس اعدام شدند و عده‌ای نیز متواری گشتند. پس از این حادثه، بقایای «گروه جنگل» و گروه دوم در یکدیگر ادغام شدند و «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران» به وجود آمد.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۳٤۹ ـ ۱۳۵۵با وجود فعالیت‌های پراکنده‌ی مسلحانه[۳]، اغلب قریب به اتفاق اعضای سازمان، به علت عدم برخورداری از حمایت مردمی و پشتیبانی توده

---

۱. علی‌اکبر صفایی فراهانی، محمد صفّاری آشتیانی و حمید اشرف

۲. اینان پیشینه‌ی مذهبی و ملی داشتند و سپس مارکسیست شدند.

۳. سرقت یک بانک در ونک در آبان ٤۹، حمله به یک کلانتری در تبریز در بهمن ٤۹، حمله به کلانتری قلهک تهران در ١٤ فروردین ۵۰، ترور سرلشکر فرسیو دادستان ارتش در ۱۷ فروردین ۵۰، چند فقره‌ی دیگر سرقت بانک... انفجار بمب در نقاط مختلف متعلق به رژیم یا شرکت‌های خارجی، چند ترور در سال ۵۳ و... .

مسلمان ایران، یا اعدام شدند، یا طی درگیری به قتل رسیدند؛ بیشتر بازماندگان آنان نیز در این فاصله در زندان به سر می‌بردند و تنها چند تن در بیرون از زندان باقی ماندند.

انشعاب‌های نخستین

چند تن از افراد باقی‌مانده که در سال ۱۳۵۵ جزو اعضای مرکزی سازمان بودند، به این نتیجه رسیدند که در مشی خود و ادامه‌ی عملیات تروریستی موسوم به «تبلیغ مسلحانه» باید تجدیدنظر کنند. بنابراین سه تن از آنها[۱] در داخل سازمان ترور شدند، ولی سایرین «گروه منشعب از سازمان چریک‌های فدایی خلق» را تشکیل دادند و پس از مدتی به «حزب توده» پیوستند.

در جریان تغییر و تحولات استراتژیکی سال ۱۳۵٦ بقایای مسئولان گروه، مشی چریکی را مورد نقد قرار دادند. طرفداران «مشی تبلیغی» احمدزاده به فرماندهی اشرف دهقانی، که در آن زمان در خارج از کشور به سر می‌برد، وفاداری خود را به مشی گذشته اعلام نموده از گروه منشعب شدند و نام «چریک‌های فدایی خلق» بر خود نهادند. این اختلاف ـ که در ابتدا صرفاً ماهیتی ایدئولوژیک داشت و پنهان بود ـ در جریان اوج‌گیری انقلاب اسلامی آشکار شد و در مراحل بعد، به حوزه‌ی تحلیل سیاسی و نحوه‌ی مواجهه با جمهوری اسلامی نیز تسرّی پیدا کرد. گروهک اشرف دهقانی با حضور در شورش‌های مختلف در گوشه و کنار کشور، علناً به عرصه‌ی مبارزه علیه جمهوری اسلامی وارد شد.

در اوایل سال ۱۳۵۷ هسته‌ای دیگر از فداییان خلق که در مازندران به سر می‌بردند، در اعتراض به مشی مسلحانه و گرایش‌های مائوئیستی گروه، از آن انشعاب کردند.

---

۱. نام این افراد هرگز انتشار نیافت و تنها «ارانوس پورحسن» شناخته شد. «علی‌اکبر جعفری»، عنصر قدرتمند شماره‌ی دو گروه پس از «حمید اشرف»، در نامه‌ای خطاب به «محمد حرمتی‌پور»، عضو رهبری فداییان خلق در خارج از کشور، بدون ذکر نام درباره‌ی سه تصفیه‌ی فیزیکی داخلی سخن گفته است. این نامه بعدها توسط برخی از انشعابیون در اروپا منتشر گردید.

برخی از کادرهای قدیمی زندانی نیز ـ با رد مبارزه‌ی مسلحانه ـ در همان زندان راه خود را جدا نموده گروهی را پایه‌گذاری کردند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به «راه کارگر» موسوم شد.

اعضای یک محفل روشنفکری مارکسیست نیز که در خارج از کشور به سر می‌بردند و در خط فداییان خلق فعالیت می‌کردند، در سال ۱۳۵۷ گروه را به تجدیدنظرطلبی متهم کردند و با تأکید بر تزها و اندیشه‌های بیژن جزنی انشعاب نمودند. این جمع گروهک خود را «راه فدایی» نامیدند.

۲/۲۷

نگاه فداییان خلق به نظام جدید، منشأ بزرگ‌ترین انشعاب

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، اولین برخورد فداییان خلق با نظام نوین ضدسلطنتی و اسلامی در جریان رفراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ بروز کرد. فداییان خلق نیز جزو چند گروهی بودند که همه‌پرسی را تحریم و اعلام کردند که مفهوم «جمهوری اسلامی» مبهم و شیوه‌ی برگزاری رفراندوم نیز غیردموکراتیک است.

در میان بازماندگان چریک‌های فدایی، از نخستین روزهای پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، درباره‌ی دو موضوع عمده اختلاف نظر وجود داشت: نخست مبارزه‌ی ایدئولوژیک و بازبینی مواضع گذشته و دوم ماهیت و ترکیب نظام جمهوری اسلامی و نحوه‌ی موضع‌گیری در قبال آن.

در پلنوم مهر ماه ۱۳۵۸ «اکثریت» اعضای کمیته‌ی مرکزی، کادرها، اعضا و هواداران گروه بر نفی گذشته صحّه گذاردند. اختلافی که بیان شد، در ۱۳ خرداد ۱۳۵۹ به مهم‌ترین انشعاب در این گروه انجامید؛ بدین معنا که «اکثریت» اعضا طرفدار به رسمیت شناختن نظام جمهوری اسلامی به عنوان حاکمیت انقلابی توده‌ای و تأیید خطّ ضدامپریالیستی امام‌خمینی بودند و «اقلیت» تندرو بر برخورد و تضاد با جمهوری اسلامی تکیه می‌کرد و این نظام را ارتجاعی می‌دانست. «اکثریت» در مباحثه با «اقلیت» (و نیز منافقین) که حمله به جمهوری اسلامی و ضدّیت با آن را عمده کرده بودند، این تعریف را از «ارتجاع» و «ترقی» عنوان نمود:

«ارتجاعی کسی است که به امپریالیسم، بورژوازی بزرگ، لیبرال‌ها و فئودال‌ها متکی است و از منافع آنها دفاع می‌کند. مترقی کسی است که علیه امپریالیسم، بورژوازی بزرگ، لیبرال‌ها و فئودال‌ها مبارزه می‌کند».[1]

جریان «اقلیت» با نام «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران» (بدون پسوند اقلیت) به فعالیت خود ادامه داد؛ ولی جریان «اکثریت» ابتدا با نام «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ـ اکثریت» و سپس ـ بعد از اتحاد کامل با «حزب توده» ـ تحت عنوان «سازمان فداییان خلق ـ اکثریت» فعالیت کرد.

هم‌زمان با شروع جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه جمهوری اسلامی، انشعاب دیگری در «اکثریت» روی داد و یک جریان تندتر به نام «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران» (اکثریت ـ جناح چپ) از آن جدا شد که بخشی از آن در دی ماه ۱۳۶۰ به «اقلیت» پیوست.

از اواسط سال ۱۳۶۰ عده‌ی دیگری از اعضای جریان «اکثریت» نسبت به ضرورت وحدت با «حزب توده» مسئله‌دار شدند و سرانجام در آذر ماه ۱۳۶۰ به رهبری علی‌محمد فرخنده‌ی جهرمی (معروف به علی کشتگر) از «اکثریت» انشعاب کردند و به «سازمان فداییان خلق ـ اکثریت» (جناح کشتگر) موسوم شدند. در سال ۱۳۶۳ این جناح لفظ «اکثریت» را از عنوان خود برداشت و ابتدا نشریه‌ی «فدایی» و سال‌ها بعد نشریه‌ی «میهن» را به عنوان ارگان خود در خارج از کشور منتشر ساخت.

با جدا شدن جریان محدودی با عنوان «سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ـ پیرو برنامه‌ی هویت» به مسئولیت مهدی سامع (که در انشعاب اصلی در جناح «اقلیت» قرار داشت)، انشعاب دیگری نیز از سال ۱۳۶۲ در «اقلیت» بروز کرد. سامع بلافاصله پس از انشعاب، با شنیدن بوی دلارهای اهدایی به «منافقین» به آنها پیوست و عضو شورای به اصطلاح مقاومت رجوی شد.

پس از ضربه به «حزب توده» در بهمن ۱۳۶۱ و اردیبهشت ۱۳۶۲ اغلب مسئولان «اکثریت» به شوروی گریختند و در آنجا نیز خط ادغام در «حزب توده»، تسلیم و تبعیت

---

۱. کار ـ اکثریت، ش ۹۰ ـ ۲ دی ماه

نسبت به سیاست‌های شوروی و همکاری دربست با کا.گ.ب. را دنبال کردند. در واقع، از اوایل سال ۱۳٦۲ که «حزب توده» و «اکثریت» مخفی شدند و فعالیت آنها غیرقانونی اعلام شد، «اکثریت» پایگاه خود را به شوروی و افغانستان منتقل کرد و حتی تجربیات چریکی خود را در خدمت حکومت دست‌نشانده‌ی شوروی در افغانستان (حکومت ببرک کارمل) قرار داد و در جنگ با مجاهدین افغان به طور فعال شرکت کرد.

۳/۲۷
اهمیت «اکثریت» از دیدگاه نیروهای نظام

با توجه به اینکه در شرایط آن روز، جهت‌گیری عمده‌ی گروه‌های ضدانقلاب در نهایت به یکی از دو ابرقدرت ختم می‌شد، اهمیت هر گروه نیز از همین زاویه باید مورد بررسی قرار می‌گرفت. اینکه «اکثریت» خواهان برآورده ساختن کدام‌یک از اهداف تاکتیکی و استراتژیکی یکی از دو ابرقدرت بود و برای اجرای چنین مأموریتی تا چه حد توان و کارآیی داشت، مسئله‌ای بود که بررسی اهمیت گروه را در دو بُعد سیاسی و تشکیلاتی الزامی می‌کرد.

۱) **بُعد سیاسی**: اتحاد جماهیر شوروی اهداف خود را از دو مجرا تعقیب می‌کرد: نخست حزب کمونیست و شعب بین‌المللی آن، و دیگر دولت شوروی و به‌ویژه وزارت امور خارجه‌ی آن. ویژگی صورت اول، وجود روکش‌های غلیظ ایدئولوژیک و تکیه بر خواست‌های بلندمدت بود؛ و ویژگی مجرای دوم، برخورد مقطعی و کوتاه‌مدت و عملی دولت شوروی بود. رئوس آنچه جریانی چون «اکثریت» می‌توانست برای خوشایند و در مسیر اهداف اربابان روسی دنبال کند، بدین قرار بود:

۱ـ۱ طرح تشکیل «جبهه‌ی متحد خلق» به‌خصوص به‌دنبال شکست آنچه در «شورای ملی مقاومت» دنبال می‌شد، در جهت آلترناتیوسازی برای آینده بود. تلاش «حزب توده» و «اکثریت» برای جذب و جلب آنچه را که «اپوزیسیون مترقی» می‌نامیدند، نشانگر این

واقعیت بود که آنها سعی می‌کردند گرایش‌های تند غربی اپوزیسیون موجود را تعدیل کنند؛ و چنانچه نتوانند مسئله‌ی «هژمونی» را به سود خود حل کنند، دست‌کم آن را تقسیم نمایند.

۲ـ۱ تمهیدات مقدماتی برای طرح فوق از طریق برخی تحرکات و اتخاذ مواضع از قبیل مطرح کردن شعار سرنگونی، تماس‌های پیگیر ـ در هر سطوح تشکیلاتی ـ با دیگر جریان‌های ضدانقلاب و اپوزیسیون غیرقانونی، انتقاد تلویحی از مواضع گذشته (حمایت از حاکمیت جمهوری اسلامی و حمله به لیبرال‌ها).

۲) **بُعد تشکیلاتی**: در مراحل قبل از ضربه به «حزب توده» (از سال ۵۸ تا سال ٦۰)، ابتدا به علت برخوردار نبودن از انسجام و وحدت تشکیلاتی و شکست فداییان در گنبد و ترکمن صحرا و کردستان و دیگر نقاط و گاه اتخاذ مواضع همسوی ارتجاعی با جریان‌هایی چون خلق عرب، سازمان فداییان گرفتار انشعاب‌ها و اختلافات پی‌درپی شد.

نفی جنگ مسلحانه و اتّخاذ شیوه‌ی مبارزه‌ی قانونی توسط جناح «اکثریت» سازمان موجب شد تا گامی بلند به سوی وحدت با «حزب توده» برداشته شود. این تقریب، به نزدیکی تشکیلاتی و حتی بهره‌برداری از تجربیات توده‌ای‌ها و نیز الگوبرداری از مدل حزبی آنها منجر شد؛ و بر این اساس سال ٦۰ را «سال ثبات» و سال ٦۱ را «سال سازماندهی» اعلام نمودند.

جمهوری اسلامی در آن مقطع به شدت درگیر خنثی کردن توطئه‌های «منافقین» و هم‌پیوندان راست و چپ آنها ـ از بنی‌صدر گرفته تا حزب مائوئیستی «رنجبران» ـ بود و همین امر فرصتی طلایی را برای «حزب توده» و سازمان «اکثریت» فراهم آورد. «اکثریت» در این دوره در ۱۵۰ شهر تشکیلات به راه انداخت و قریب سی هزار نیرو را در سازماندهی حزبی جای داد.

٤/٢٧

وضعیت تشکیلاتی «اکثریت» به دنبال برخورد با «حزب توده»

بر مبنای اطلاعاتی که از راه‌های مختلف به دست عوامل اطلاعاتی و امنیتی ما رسیده بود، مشخص شد که پس از ضربه‌ی دو مرحله‌ای نیروهای انقلاب به حزب توده، مجموع اعضا و هواداران سازمان «اکثریت» به سه دسته تقسیم شدند:

ـ هیئت رهبری مستقر در خارج از کشور و مراکز هدایتی؛

ـ گروه‌های مستقل داخل کشور، که از طریق رأس به خارج وصل بودند؛

ـ بقایای سازمان شامل اعضا و هواداران سابق، که به دلایل و انگیزه‌های مختلف، تماس تشکیلاتی نداشتند.

در سازماندهی جدید ـ که درباره‌ی مراتب آن توضیح خواهم داد ـ تلاش «اکثریت» حول این محور متمرکز شد که نیروهای بالقوه یعنی دسته‌ی سوم را فعّال کرده در تشکیلات سازماندهی نماید. به لحاظ کمّی، سازمان «اکثریت» توانست حدود ۱۵ درصد از مجموعه‌ی نیروهای خود را تا قبل از سال ٦٢ در گروه‌های مستقل ـ که شرح آن خواهد آمد ـ سازمان دهد. برای رسیدن به مقطع تجدید سازماندهی و تشکیلات ـ که ضربه‌ی نهایی ما نیز به موازات و مقارن آن وارد شد ـ شناخت بخش‌های ویژه در سازمان قبلی «اکثریت» ضرورت دارد. این بخش‌ها در پنج عنوان زیر قرار گرفته بودند:

تشکیلات نظامی ـ اعضای آن قریب ۱۱۰ نفر بودند که حدود یک پنجم آنها به «حزب توده» منتقل شدند؛ بقیه نیز قرار بود ملحق شوند که این امر با ضربه به «حزب توده» مقارن شد و ناتمام ماند.

امکانات نظامی و نیروهای مسلح ـ در دوران فعالیت علنی و نیمه‌علنی اکثریت، بخشی از این امکانات به جمهوری اسلامی و بقیه‌ی آنها از طریق کردستان به حزب کمونیست عراق تحویل داده شد. نیروهای مسلح عمدتاً در کردستان ساکن بودند.

ارتباط با بیگانگان ـ جریان «اکثریت» به حکم ماهیت ایدئولوژیک‌اش و همسویی‌های استراتژیک و سیاسی با حزب توده، از ابتدای فعالیت خود در جمهوری اسلامی، با سفارتخانه‌ها و سرویس‌های بلوک شرق سابق مرتبط بود[1].

نفوذ در مراکز اداری و صنعتی ـ سازمان مورد بحث در اغلب ادارات و مراکز حساس نظام (از جمله در مخابرات، توانیر، شرکت نفت، صداوسیما، و سایر مراکز و ارگان‌ها) افراد نفوذی داشت که مستقیماً تحت مسئولیت شعبه‌ی کارمندی تشکیلات عمل می‌کردند.

امکانات مادی، انتشاراتی و تدارکاتی ـ در دوران فعالیت علنی سازمان، مجموعه‌ی این امکانات در مقیاس وسیع و گسترده‌ای وجود داشت. پس از ضربه به «حزب توده» و تغییر شرایط سیاسی ـ تشکیلاتی گروه، برخی از امکانات آن دچار تغییر و تحول، و فی‌المثل تبدیل به پول شد که بیشتر صرف هزینه‌های گزاف خروج از کشور گردید.

سازماندهی جدید

به دنبال ضربه‌ی سراسری به «حزب توده»، جریان «اکثریت» هماهنگ با مواضع خود در جهت نفی نظام جمهوری اسلامی، در سیستم و سازمان تشکیلاتی خود، را در دستور کار خود قرار داد. از این پس، ارکان تشکیلات در داخل کشور به شبکه‌هایی مستقل و نسبتاً

۱. این نحوه از ارتباطات اکثریت با بیگانگان ـ که بار اطلاعاتی داشته و به صورت مخفی صورت می‌گرفت ـ غیر از روابط گسترده‌ی علنی آن با کلیه‌ی احزاب کمونیست وابسته به بلوک شوروی بود.

خودکفا تحت عناوین «گروه مرکزی» و «گروه مستقل» و «حوزه» و «واحد پایه» استوار شد؛ با این ویژگی‌ها:

«گروه مرکزی» ارگانی فروتر از «کمیته‌ی مرکزی» بود که در رأس آن چهار کادر یا عضو اصلی قرار داشتند و شبکه را هدایت می‌کردند.

«گروه مستقل» (با استعداد ۱۰ تا ۱۵ عضو) زیرمجموعه‌ی «گروه مرکزی» بود. هر «گروه مرکزی» از ۲ تا ۱۲ «گروه مستقل» تشکیل می‌شد که زیر نظر معاون «گروه مرکزی» قرار داشتند.

هر «گروه مستقل» از دو «حوزه» (حوزه‌ی مردان و حوزه‌ی زنان) و یک «مسئول انتشارات و توزیع» تشکیل شده بود. هر یک از حوزه‌ها نیز سه «واحد پایه» داشتند.

نمودار چارت تشکیلاتی یک «گروه مرکزی» روتین و متداول (متشکل از چهار «گروه مستقل») در اینجا تصویر شده است. باید توجه داشت که همان‌طور که اشاره شد، گروه‌های مرکزی گاه تا دوازده گروه مستقل را هم در بر می‌گرفتند.

مسئول «گروه مرکزی» از طریق تلفن، مکاتبه و پیک با نمایندگان «کمیته‌ی مرکزی» مستقر در خارج از کشور (یعنی مرکز هدایت و ارتباطات) ارتباط مستقیم داشت؛ و هر از چندگاه به منظور ارائه‌ی گزارش کار، گرفتن رهنمود و دیگر مسائل، از طریق افغانستان با افراد مرکزیت ملاقات می‌کرد. مسئول «گروه مرکزی» با اجرای قرار، ضمن رعایت دقیق مسائل و نکات امنیتی و حفاظتی، با سایر اعضای گروه خود که مستقیماً با آنها مربوط بود، ملاقات می‌کرد که عبارت بودند از معاون «گروه مرکزی»، مسئول امنیت «گروه مرکزی»، و مسئول انتشارات و توزیع «گروه مرکزی».

معاون «گروه مرکزی» نیز از طریق اجرای قرار و رعایت اصول پنهان‌کاری با مسئولان گروه‌های مستقل ارتباط داشت. در صورتی که مسئول «گروه مرکزی» مشکل امنیتی پیدا

می‌کرد یا دستگیر می‌شد، معاون وی موظف بود که با مرکز هدایت در خارج از کشور تماس برقرار کند[1].

روند حرکت‌ها و مواضع «اکثریت»

پس از ضربه‌ی قاطع جمهوری اسلامی به «حزب توده»، مواضعی که جریان «اکثریت» اتخاذ کرد، با نحوه‌ی اتحاد با حزب توده، تعیین تکلیف توسط دستگاه اطلاعاتی شوروی سابق، و توانایی تشکیلاتی سازمان ارتباط مستقیم داشت که بر این اساس می‌توان مقاطع زیر را تحلیل کرد:

۱. تا حدود سه ماه پس از ضربه به «حزب توده»، «اکثریت» نتوانست هیچ موضعی اتخاذ کند. علت نیز روشن بود؛ از هم پاشیدگی تشکیلات تحت تأثیر مصاحبه‌ها و اعترافات سران «حزب توده» و سردرگمی مرکزیت به دلیل قطع ارتباط با شوروی.

۲. سازمان «اکثریت» در شهریور ماه ۱۳۶۲ بیانیه‌ای درباره‌ی دستگیری سران و اعضای «حزب توده» صادر کرد که ضمن آن، از قدرت‌یابی جریان‌های راست در جمهوری اسلامی ابراز نگرانی و دستگیری توده‌ای‌ها نیز محکوم شده بود. روح حاکم بر این بیانیه با مواضع این جریان پس از ضربه‌ی اول به «حزب توده» چندان تفاوتی نداشت. توضیح اینکه در آن مقطع، چون «اکثریت» نتوانسته بود به طور کامل کادرهای خود را از کشور خارج سازد، از ضربه‌ی احتمالی ترس شدیدی داشت و تحلیل آن چنین بود: «حال که حاکمیت در مورد ضربه زدن یا نزدن به ما وحدت نظر ندارد، ما هم با اعلام مواضع تندتر حساسیت آن را برنینگیزیم».

۳. در اول مهر ماه ۱۳۶۲ سازمان «اکثریت» دست به اعلام مواضعی زد که ضمن آن، برای نخستین بار، از نزدیکی و همکاری با «مجاهدین خلق» سخن رفته بود؛ البته از موضع

---

۱. اعضای اصلی «گروه مرکزی» و مسئول و معاون هر «گروه مستقل»، شماره‌های تلفن و نشانه‌های مکاتباتی اضطراری تشکیلات خود در خارج از کشور را در اختیار داشتند تا در صورت ضرورت با خارج تماس بگیرند یا مکاتبه نمایند. شماره و نشانی دایم تماس فقط در اختیار مسئول و معاون گروه مرکزی بود.

بالا و انتقادآمیز. مبنای انتقاد این بود که چنانچه «مجاهدین خلق» در سال ۱۳۵۹ به نصایح «اکثریت» و «حزب توده» گوش می‌دادند و با سایر نیروهای ضدامپریالیست[1] به ستیز برنمی‌خاستند، وضع کنونی که حاصل تضعیف نیروهای ضدامپریالیست و غلبه‌ی راست است، پیش نمی‌آمد. در این تحلیل سعی شده تا رهبری «مجاهدین خلق» (تحت عنوان «باند رجوی و خیابانی») را از بدنه‌ی آن تفکیک کنند.

٤. جریان «اکثریت» در بهمن ماه ١٣٦٢ به اعلام مواضع دیگری دست زد که لحن تندتری داشت و علت آن نیز خروج کامل کادرهای اصلی از کشور بود. طرح تشکیلاتی گروه‌های مستقل نیز در همین مقطع آغاز شد. در این مواضع، با غرور خاصی اعلام گردید که «اکثریت» توانسته از سرایت ضربه به خود بگریزد و «تورهای تعقیب و مراقبت رژیم را سوراخ کند».

۵. با شروع سال ١٣٦٣ کادرهای «اکثریت» به صورت منسجم و نسبتاً کامل در خارج از کشور اسکان و استقرار پیدا کردند و همزمان دوره‌ی جدید نشریه‌ی «کار» ـ ارگان تشکیلات ـ نیز منتشر شد. بیشتر مقالاتی که در این نشریه انتشار یافت، نوعی گفت‌وگو با دیگر جریان‌های ضدانقلاب و اپوزیسیون غیرقانونی بود. «اکثریت» در این مرحله، گروه‌ها و جریان‌های مزبور را به دو دسته‌ی «اپوزیسیون مترقی» و «اپوزیسیون مرتجع» تقسیم نموده جریان مترقی را هم در دو بخش تبیین کرد: «دموکرات‌های انقلابی»، شامل بدنه‌ی «مجاهدین خلق» و «حزب دموکرات کردستان ایران»؛ و جریان‌های ولونتاریستی (اراده‌گرایانه) و چپ‌رو نظیر «راه کارگر»، انشعاب علی کشتگر، «اقلیت» و مانند آن.

انتقاداتی که «اکثریت» به‌طور اعم به دیگر گروه‌های به اصطلاح انقلابی در حوزه‌ی عمل سیاسی و اعمال مخالفت با نظام جمهوری اسلامی وارد می‌کرد، سه محور عمده داشت:امید بستن به کمک امپریالیست‌ها، «سکوت در قبال سرمایه‌داری داخلی» (جریان‌های راست حاکمیت) و «سازش با رژیم ضدمردمی بعثی».

۱. منظور «یاران شهید بهشتی» است؛ و قید «شهید» نیز از خود سازمان است. البته این یادآوری نیز صورت گرفته است که «هم‌اکنون دیگر حزب جمهوری اسلامی، حزب شهید بهشتی نیست». (فرخ نگهدار، پرسش و پاسخ، ش ۱)

٦. جریان «اکثریت» در پلنوم مهرماه ١٣٦٣، اپوزیسیون مترقی را به «تشکیل جبهه‌ی متحد خلق»، «پایان دادن به ارتجاع حاکم» و «برقراری دولت ملی دموکراتیک» فرا خواند. با این همه، شعار صریح سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران را مطرح نکرد.

تحلیل جدید «حزب توده» و «اکثریت» از حاکمیت

در اردیبهشت ١٣٦٤ بیانیه‌ی مشترکی با امضای «حزب توده» و سازمان «اکثریت» در خارج از کشور انتشار یافت که حاوی تحلیل‌ها و برداشت‌های جدیدی نسبت به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بود و بحث «سرنگونی» را به صراحت مطرح ساخت[1]. چکیده و برآیند بیانیه‌ی مزبور بدین‌قرار بود:

۱. ساختار حاکم در جمهوری اسلامی ناهمگون و سراپا تضاد است. نهادهای مختلف با یکدیگر در جنگ و جدال‌اند و مجموعه‌ی اختلافات، «جامعه را فلج کرده است».

۲. «قدرت دولتی در کشور ـ عملاً ـ به صورت استبداد مطلق و تمرکز کلیه‌ی اختیارات قوای سه‌گانه در دست یک فرد (امام خمینی) اعمال می‌گردد... [که] در حقیقت حلقه‌ی واسط میان نهادهای متضاد و مانع انفجار آنهاست.» این بیانیه تصریح دارد که در خلأ حضور و اعمال اقتدار حضرت امام(ره) ـ به هر شکل ـ تضادها بیش از پیش تشدید خواهد شد و «رژیم را با سرعت بیشتر به پرتگاه سقوط سوق خواهد داد».[2]

۳. ساختار دولتی کشور با مقتضیات زمان نمی‌خواند؛ از این رو تضادها در آینده افزون خواهد شد. تحلیل طبقاتی و به‌اصطلاح مترقیانه‌ی «حزب توده» و «اکثریت» این بود که «تضاد ساختار دولتی قرون وسطایی با رشد نیروهای مولد، عامل دیگر ابتلای کشور [به] بحران عمیق اجتماعی ـ اقتصادی است که با گذشت زمان تشدید خواهد شد».[3]

٤. به‌طور عمده، حاکمیت کشور نماینده‌ی سرمایه‌داران بازار و زمین‌داران بزرگ است. طبق تحلیل مشترک دو جریان مزبور، هرچند پایگاه اجتماعی حاکمیت یکدست نیست، ولی

۱. *نامه‌ی مردم*، ش ٤٨، ١٢ اردیبهشت ١٣٦٤
۲. همان، صص ۲ و ۳
۳. همان، ص ۳

«وزن و نقش عمده را در تعیین سیاست داخلی و خارجی»، «نمایندگان کلان سرمایه‌داری بازار و بزرگ مالکان» به عهده دارند[۱].

۱. همان، ص ٤

۵/۲۷

پلنوم تاشکند

تشکیل «جبهه‌ی متحد خلق»[۱] ـ به خواست شوروی و دستگاه اطلاعاتی آن ـ در تحلیل اخیر «اکثریت» به عنوان یک خط عمده دنبال می‌شد. در واقع نگاه جدید به نیروهای متفرق و متشتت ضدانقلاب و مرزبندی جدید و تقسیم اپوزیسیون به «مترقی» و «مرتجع»[۲]، در «پلنوم تاشکند» تثبیت شد.

علت تشکیل پلنوم این بود که پس از اتخاذ «مشی سرنگونی» توسط اکثریت، بازبینی و تحلیل جدید نسبت به مواضع پیشین این سازمان و حل مسائل متعدد اعضا و هواداران، که این چرخش ۱۸۰ درجه‌ای را نمی‌توانستند هضم کنند، ضروری می‌نمود. از این رو فرخ نگهدار، دبیراول اکثریت، هنگام شرکت در اجلاس کنگره‌ی بیست و هفتم حزب کمونیست شوروی، تقاضای برگزاری پلنوم را به مسئولان روس تقدیم کرد. با این درخواست بدین

---

۱. از منظر مارکسیسم ـ لنینیسم، جبهه‌ی متحد خلق یک ائتلاف فراگیر از همه‌ی نیروهای خلقی (مترقی) است که میزان رادیکال شدن و ژرفای نگرش انقلابی آن، به ترکیب و پایگاه طبقاتی نیروها وابسته است. از نظر گروه‌های چپ مارکسیستی ـ بدون استثنا ـ مهم این است که هر گروه خودش «متکلم وحده» باشد و تلاش کند تا «هژمونی» (رهبری) را تصاحب کند.

۲. خواننده توجه داشته باشد که این عنوان‌بندی‌ها در میان همه‌ی جریان‌های چپ وجود داشته و دارد؛ و از جمله فداییان اکثریت در مقطع قبلی فعالیت‌های خود، نظام جمهوری اسلامی را «مترقی» می‌دانستند و لیبرال‌ها و منافقین را مرتجع!

صورت موافقت شد که پلنوم در فروردین ماه ۱۳٦۵ در تاشکند مرکز ازبکستان برگزار شود.[۱]

این اجلاس چهارمین پلنوم سراسری «فداییان خلق» و بخش «اکثریت» پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که به خاطر گستردگی و کثرت افراد شرکت‌کننده، به «پلنوم وسیع» موسوم شد. افراد داخل کشور ـ بلااستثنا ـ از راه‌های افغانستان به تاشکند رفتند[۲]؛ کسانی هم که در سایر کشورها بودند،از راه‌های متعارف به پلنوم رسیدند. از آنجایی که برگزاری پلنوم (آن هم در ابعاد وسیع) نشانگر موفقیت چشمگیر یک تشکیلات سیاسی تلقی می‌شود، این حرکت «اکثریت» ـ صرف‌نظر از محتوای آن ـ در عرف گروه‌های مشابه، یک توفیق به شمار می‌رفت. در اینجا بخشی جزئی از مشاهدات و ملاحظات امنیتی را که به ما گزارش شده است[۳]، می‌آورم تا نحوه‌ای از اشراف وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران را ملاحظه کنید:

«... شرکت‌کنندگان، به محض ورود، در یکی از هتل‌های حاشیه‌ی تاشکند اسکان داده شده‌اند. با دیدن ساختمان هتل چنین به نظر می‌رسد که این محل را برای این‌گونه مراسم در نظر گرفته‌اند. سالن ویژه‌ی پلنوم و نیز محل اقامت افراد شرکت کننده در یک مجموعه قرار دارد که رعایت مسائل امنیتی و حفاظتی در آن الزامی است...

افراد شرکت‌کننده که در تیم‌های ۵ تا ۱۰ نفره سازمان یافته‌اند، در محدوده‌ی محل تیم خود آزادی نسبی دارند؛ ولی در سایر مکان‌ها باید چشم‌بسته تردد کنند. کسانی که به قصد دستشویی یا سالن غذاخوری و دیگر امور از محدوده‌ی اتاق‌های خود

۱. منابعی که داشتیم، ما را مطلع کردند که فرخ نگهدار از ناخشنودی حزب کمونیست ازبکستان سخن گفته است. گویا علت این نارضایتی، تغییر سنت متداول بوده است؛ پیش از آن، غالب پلنوم‌ها و نشست‌های مربوط به «حزب توده» و وابستگان آن، در باکو مرکز آذربایجان برگزار می‌شده است.

۲. اسامی و کدهای رمز شرکت‌کنندگان در اختیار کلیه‌ی پاسگاه‌های مرزی شوروی و افغانستان گذاشته شده بود. افراد پس از معرفی خود به پاسگاه آن سوی مرز، یک بازجویی ابتدایی می‌شدند و سپس به واحد مربوط تحویل می‌گردیدند.

۳. برخی از این نوع گزارش‌ها مستقیماً به خود من می‌رسید.

خارج می‌شوند، باید سر و صورت خود را با یک شال بزرگ بپوشانند تا کسی قادر به شناسایی آنها نباشد.
در سالن برگزاری پلنوم، افراد شرکت‌کننده در حجره‌هایی قرار داده می‌شوند که با تعبیه‌ی پرده‌هایی از یکدیگر تفکیک شده‌اند؛ بدین منظور که نسبت به حجره‌های مجاور دید نداشته باشند ولی ناظر نقطه‌ی اصلی سالن باشند... »

سرسپردگی و وابستگی جریان «اکثریت»، در نحوه‌ی برگزاری و گشایش پلنوم مشهود است. علاوه بر اعضا و هواداران اکثریت، افرادی نیز به نمایندگی از سوی حزب کمونیست مرکزی اتحاد شوروی و شعبه‌ی محلی آن در ازبکستان و همچنین از «حزب توده» حضور داشتند. معاون «اولیانوسکی»، عضو شعبه‌ی خاورمیانه در کمیته‌ی بین‌الملل حزب کمونیست، نماینده‌ی برتر حزب بود و در افتتاح اجلاس سخنرانی کرد[۱].

نتایج پلنوم

فرخ نگهدار در گزارش هیئت سیاسی به پلنوم مهر ماه ۱۳٦۳، حضور «اکثریت قاطع اعضا و مشاورین و تمام اعضای هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته‌ی مرکزی حاضر در پلنوم «۲۷ خرداد ۱۳٦۱» را ـ به‌رغم قدرت جمهوری اسلامی ـ نشانه‌ی این توهم شمرد که «جنبش انقلابی طبقه‌ی کارگر و همه‌ی خلق‌های ایران توانمند است و رو به گسترش می‌رود». یکی از جلوه‌های کاریکاتورگونه‌ی این «توانمندی» و «گسترش»، تشنجاتی بود که در اثر برخوردهای جناحی و درون گروهی و کاسه کوزه‌ها را بر سر هم شکستن، در «پلنوم تاشکند» روی داد.

دو «دستاورد» اصلی اجلاس تاشکند، یکی تثبیت وابستگی و سرسپردگی بود و دوم لجن‌مال کردن سوابق گروه، و گذشته‌ی خود را ـ در همه‌ی ابعاد ـ به زیر سؤال بردن. تأکید بر «مواضع سرنگونی نظام» و تصریح همسویی بیشتر با سایر گروه‌ها چیزی جز نفی چهار

---

۱. سخنان وی توسط حمید صفری، دبیر دوم تشکیلات جدید حزب توده در خارج، ترجمه می‌شد. علاوه بر صفری، دبیر اول حزب توده یعنی علی خاوری نیزدر پلنوم تاشکند حضور داشت.

سال عملکرد جناح اکثریت «فداییان خلق» نبود! موارد عمده و محورهای اصلی نقد گذشته در این پلنوم را می‌توان بدین قرار برشمرد:

۱. مشی حمایت از جمهوری اسلامی منجر به دنباله‌روی از حاکمیت و از دست دادن نیروها گردید.

۲. سازمان در سال‌های ۱۳۶۱ـ ۱۳۵۹ به جای سوسیالیسم، اسلام انقلابی را به میان کارگران و مردم برد و باعث شد که دو سوم نیروها از دست برود.

۳. سازمان درباره‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی دچار بیشترین توهّم شد؛ زیرا آن حرکت ماهیتی آنارشیستی داشت.

٤. غفلت سازمان نسبت به امر دفاع از آزادی و تأکید بر انجام اصلاحات اساسی ـ به معنای رفرمیستی و لیبرالی آن ـ خطا بود؛ و حتی بایستی با بنی‌صدر اتحاد تاکتیکی برقرار می‌کرد!

۵. موضع‌گیری سازمان نسبت به جنگ ایران و عراق غلط بود و نباید جنگ را از زاویه‌ی دفاع میهنی می‌نگریست!

واقعیت این است که اختلاف نظر (یا تجدیدنظر) درباره‌ی عملکرد گذشته‌ی «اکثریت» و «حزب توده» نسبت به جمهوری اسلامی و تشتّت برداشت درباره‌ی ماهیت انقلاب اسلامی، دقیقاً پژواکی از اختلاف‌نظر بین آکادمیسین‌ها و تئوریسین‌های حزب کمونیست شوروی بود که در سیاست‌ها و عملکردهای رهبران شوروی سابق نیز بازتاب داشت.

٦/٢٧

نخستین اطلاع‌رسانی درباره‌ی ماهیت جریان «اکثریت»

بنده از آغاز تشکیل وزارت اطلاعات بر این امر اهتمام داشتم که ضمن حفظ تمامی اصول و نکات مربوط به حفاظت اطلاعاتی ـ امنیتی، افکار عمومی و هموطنان خود را در جریان کلیاتی از فعالیت‌های وزارت اطلاعات قرار دهم. مصاحبه‌های متعدد ـ که هر یک مناسبت ویژه‌ی خود را داشت ـ و ارائه‌ی گزارش به مردم، به‌ویژه در سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نمازجمعه‌ی تهران، به منظور تأمین همین هدف اجرا می‌شد.

در ۲۸ بهمن ماه ۱۳٦۳ ـ با گذشت بیش از شش ماه از شروع کار وزارت اطلاعات ـ طی یک گفت‌وگوی مطبوعاتی و رادیو ـ تلویزیونی، ضمن برشمردن ضرورت وجود یک سیستم اطلاعاتی متمرکز در کشور و تبیین ساختار و نحوه‌ی فعالیت‌های وزارت اطلاعات، در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره‌ی کشف توطئه‌ی سازمان «اکثریت» و دستگیری تعدادی از اعضای آن، به بیان عملکرد جریانی درون این سازمان تحت عنوان «گروه ویژه» پرداختم و از جمله یادآور شدم که شیوه‌ی عمل «گروه ویژه» چنین بود که با پوشش و کارت‌های جعلی سپاه و کمیته به دزدی و غارت اموال مردم دست می‌زدند و هدف‌شان لکه‌دار کردن چهره‌ی ارگان‌های انقلابی و بدبین ساختن مردم نسبت به لباس مقدس پاسداری بوده است.

در ادامه‌ی مطالب عرض کردم که خط‌مشی «اکثریت» نیز همان خط‌مشی حزب منحلّه‌ی توده است و این برنامه‌های کلی را دنبال می‌کرده است:

۱. برخورد عقیدتی ـ سیاسی با حاکمیت، نفی اسلام اصیل و تأیید اسلام التقاطی؛

۲. همسو کردن تبلیغی و عملی خود با منافقین، حزب دموکرات و سایر گروهک‌ها در داخل و خارج از کشور؛

۳. طرح شعار تشکیل جبهه‌ی متحد خلق با ترکیب منافقین، فداییان، حزب دموکرات و چند گروهک دیگر؛

٤. تلاش جهت خاتمه دادن [یکسویه‌ی] به جنگ... و تحریک نظامیان و مردم علیه جنگ و تحمیل صلح پیشنهادی ابرقدرت‌ها به ایران؛

٥. تبلیغ و رشد رفاه‌طلبی در جامعه؛

٦. القای جدا شدن امام و روحانیت از مردم؛

۷. هماهنگی با ابرقدرت‌ها در برخورد علیه جمهوری اسلامی.

۷/۲۷

ضربه نهایی

مقدمات کار اطلاعاتی روی سازمان «اکثریت» در سپاه انجام شده بود، اما اقدامات اصلی در سال‌های ۱۳۶۳ـ ۱۳۶۵ در دوره‌ی مسئولیت اینجانب در وزارت اطلاعات اجرا شد. چنان‌که تشریح گردید، اعضای این جریان با روس‌ها نیز ارتباط داشتند و خط ارتباطشان هم به دست ما رسیده بود. آنها خط نفوذ در نظام را نیز دنبال می‌کردند و کارهای اطلاعاتی خود را عمدتاً از طریق نفوذ انجام می‌دادند.

بعد از حملات متعدد به «حزب توده» و فروپاشی آن و سپس اعترافات و مصاحبه‌های رادیو ـ تلویزیونی سران و عناصر برجسته‌ی حزب، صلاح دانستیم که در ادامه‌ی رسیدگی به پرونده‌ها خط پیگیری هسته‌های متفرق توده‌ای و اکثریتی را که در داخل و خارج کشور به وجود آمده بودند، تعقیب کنیم تا ردهای مناسبی برای مقابله‌های آتی تمهید شود. به طور عمده دیگر روی «حزب توده» کار عملیاتی نداشتیم، ولی کار را با نفوذ و جریان‌سازی ادامه دادیم.

در خصوص سرنخ‌های جریان «اکثریت» باید بگوییم که در یک مقطع، از طریق سرنخ‌ها و ردهای به دست آمده از دستگیرشدگان «حزب توده» و «اکثریت»، از جمله برخی اسناد رمزدار مهم، دریافتیم که مقادیر قابل توجهی سلاح توسط این جریان در انبارهای متعدد جاسازی شده است. سلاح‌ها بر دو نوع بود که بخشی از آنها به دوران فعالیت‌های

تروریستی فداییان در قبل از انقلاب تعلق داشت و بخش عمده‌ای نیز در زمان پیروزی انقلاب اسلامی غارت شده بود.

انبارهای اسلحه‌ی «اکثریت» در کردستان و دیگر نقاط شناسایی شد و امکانات و تجهیزات بسیار زیادی از آنها به دست آمد. هرچند آنها در آن زمان یک تهدید نظامی بالفعل برای نظام تلقی نمی‌شدند، لیکن چون سابقه‌ی طولانی کار چریکی در گذشته داشتند، زمانی که احساس کردیم فرصت مناسبی پیش آمده‌است و ما نیز به لحاظ اطلاعاتی تسلط داریم، روی آنها عمل کردیم.

«اکثریت» در مجموع پیچیده‌تر از «حزب توده» عمل می‌کرد. افراد آن مثل بخش اعظم وابستگان به «حزب توده» خود را معرفی نکردند و ما درباره‌ی آنها اقدام نمودیم. جمع‌آوری و انبار کردن تجهیزات و امکانات جنگی و نظامی نشانگر این واقعیت بود که این سازمان برای شرایط خاص و موقعیت زمانی و مکانی ویژه‌ای برنامه دارد.

احساس کردیم که ممکن است تحت شرایط مورد نظر آنها تجهیزات جابه‌جا شود و از دید اطلاعاتی مخفی بماند؛ لذا درنگ را جایز ندانستیم و تا اواخر سال ٦٤ و اوایل ٦٥ همه‌ی نیروهای آنها در داخل کشور دستگیر شدند و اغلب، احکام نسبتاً سبکی در دادگاه علیه آنان صادر شد.[1]

---

۱. گفتنی است که در این مورد به احتمال ۹۹٪ یا موردی مشابه آن بود ـ که شنیدم ریاست دیوانعالی کشور وقت آیت‌الله موسوی اردبیلی با استناد به فرمایش حضرت امام فرموده که باید احکام سنگینی علیه محکومان صادر گردد. پس از اطلاع اینجانب از این موضوع خدمت حضرت امام (ره) رسیدم. عرض کردم از حضرتعالی چنین مطالبی نقل شده، ایشان فرمودند: آری. اما پس از توضیحاتی که اینجانب دادم حضرت امام موضوع را به سران قوا که در آن زمان تقریبا اختیارات مجمع تشخیص مصلحت را داشت واگذار کردند. در جلسه‌ای که ـ ظاهراً در ریاست جمهوری به این منظور تشکیل شده بنده هم حضور داشتم، آیت‌الله خامنه‌ای که در آن وقت رئیس جمهور بودند به طور قاطع از نظر اینجانب دفاع کردند و لذا برای هیچ یک از آنان ـ تا آنجا که به خاطر می‌آورم ـ مجازاتی سنگین صادر نشد.

۸/۲۷

سردرگمی سران اکثریت

سران «اکثریت» درباره‌ی میزان اطلاعات ما از خودشان دچار تناقض بودند؛ بدین معنی که از یک سو به زیر ضربه نرفتن کل تشکیلات را نشانه‌ی قوت خود و ضعف نظام می‌دانستند و از سوی دیگر معتقد بودند که جمهوری اسلامی دارای اطلاعات فراوان ولی غیرکیفی است؛ به‌خصوص می‌دانستند که اطلاعات سران «حزب توده» از «اکثریت» کلی‌تر است و بدون انضمام به سایر اطلاعات به درد نمی‌خورد[1]. بر این اساس می‌توان گفت که آنها خود را در حصاری نسبتاً امن احساس می‌کردند.

سال‌های ۱۳٦۰ و ۱۳٦۱ برای «اکثریت» دوران حسّاسی بود که از منظر کار اطلاعاتی یک ویژگی مهم نیز داشت: سازمان‌دهی اکثریت، از نوع دقیق حزبی بود[2] که به طور متعارف ضربه‌ناپذیر می‌نمود؛ و از سوی دیگر، آنها ناظر و واقف بودند که نهادهای متعدد اطلاعاتی ـ امنیتی جمهوری اسلامی در یک مقطع حساس گرفتار ناهماهنگی بودند. همین دو امر و

۱. حزب توده و اکثریت در عین اینکه دو سازمان کاملاً متحد بودند و اتحادشان از بالا به پایین و بدنه‌ی تشکیلات در حال گسترش بود و در سطح مرکزیت‌ها نیز نشست‌های منظم و متعدد داشتند، جز برخی اسامی مستعار و محل جلسات ـ که ما از قبل اطلاع داشتیم ـ چیزی از یکدیگر نمی‌دانستند؛ این ردها را هم پس از ضربه‌ی اول به حزب توده در بهمن ماه ۱۳٦۱ کور کردند. در واقع، این نحوه‌ی حفاظت و امنیت را مدیون رهنمودها و خطوط شوروی سابق بودند؛ چراکه به گفته‌ی کیانوری «روس‌ها هیچ وقت کارها را قاطی نمی‌کردند»!

۲. این نحوه‌ی سازمان‌دهی، به لحاظ امنیتی و حفاظتی، متّکی به تجربه‌ی بلوک شرق و احزاب وابسته به آنها بود.

نیز پیچیدگی در نوعی از مخفی‌کاری ـ که خاص «اکثریت» بود ـ[1] باعث شد که ضربه‌ها را به صورت انتزاعی و غیرارگانیک تحلیل کند. اینان گمان می‌کردند که توانسته‌اند اطلاعات ما را که در طول سال‌های ۱۳٦۱ـ ۱۳۵۸ از طریق ردیابی‌ها و برخی دستگیری‌های پراکنده به دست آمده و نیزاطلاعات ناقصی که از طریق سران توده‌ای در اختیار نظام قرار گرفته بود، به اشکال مختلف بی‌اثر و خنثی سازند[2].

پس از تأسیس وزارت اطلاعات درسال۱۳٦۳ که فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی‌نظام صورت متمرکزتری به‌خودگرفت، دوباره همه‌ی سرنخ‌های قابل‌توجه و ردهای مربوط به «اکثریت» در داخل و خارج کشور در دستور کار قرار گرفت. در مراحل نخست ضعف‌های اطلاعاتی را برطرف کردیم؛ از جمله:

«۱. پس از متلاشی شدن «حزب توده»، تعداد قابل توجهی از کارمندان وزارتخانه‌ها و ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی که وابسته به «اکثریت» بودند، خودشان با بهانه‌های رسمی از قبیل استعفا یا مرخصی بدون حقوق و سایر شقوق پوششی، کنار رفتند. کار اطلاعاتی روی این افراد قبلاً مغفول مانده بود که در این مرحله روی آنها نیز متمرکز شدیم.

۲. کلیه‌ی کسانی که به هر نحو (محفلی، دوستانه، عاطفی) با هم در یک پرونده قرار داشتند و بیم آن می‌رفت که به تشکیلات وصل شده باشند، زیر نظر قرار گرفتند[3].

۳. کسانی بودند که در تحلیل «اکثریت»، نیروهای بالقوه محسوب می‌شدند و قرار بود در سازماندهی جدید از آنها استفاده شود. این امر با ایجاد بستر مناسب جهت نفوذ و کار پیچیده‌ی اطلاعاتی، در سمتی هدایت شد که مورد نظر ما بود.

---

۱. اقدامات تأمینی ـ حفاظتی که در طول آن دو سال از سوی اکثریت نسبت به فعالیت‌های پنهان آنها اعمال می‌شد، مخفی‌کاری به سبک دیگر گروه‌ها نبود؛ چراکه اگر شیوه‌های اختفا در این تشکیلات شدت می‌گرفت، جلب توجه می‌نمود و نظام را نسبت به آنان هوشیار می‌کرد. اکثریت معتقد بود که حداکثر حفاظت را باید برای بخش‌ها و نیروها و عناصر اصلی و بالای سازمان در نظر گرفت و نیروهای دیگر نباید حفاظت بارزی داشته باشند؛ که همین امر خود بهترین حفاظت بود!

۲. *کار*، ش ۱۹، شهریور ماه ٦٤؛ ص ۲.

۳. ناگفته نماند که همه‌ی مراحل، مبتنی بر مراعات جوانب شرعی و انسانی و به‌خصوص التزام به مفاد پیام هشت‌ماده‌ای حضرت امام خمینی(ره) بود.

٤. شناخت کلیه‌ی کادرهای اصلی و مرکزیت در خارج از کشور و پیگیری خطّ تماس آنها با داخل کشور، ما را به معیارهای دقیق ناظر به شناسایی رده‌های مختلف تشکیلاتی «اکثریت» رساند.

٥. افراد اصلی وابسته به تشکیلات، اعضای شعب مرکزی (کارگری، دهقانی، تبلیغات، جوانان و...)، مسئولان کمیته‌های ایالتی، اعضای هیئت‌های اجرایی در ولایات و ایالات، مسئولان نواحی و نیز مسئولان بلوک‌های سه‌گانه‌ی شمال، جنوب و مرکز) را از افراد رده‌های پایین تفکیک کردیم تا این امر در اولویت‌بندی‌های اطلاعاتی و عملیاتی لحاظ شود».

ابعاد و دامنه‌های اقدام علیه «اکثریت»

در یک ضربه‌ی مقدماتی که در مهر و آبان ۱۳٦٤ وارد گشت، نیروهایی دستگیر شدند که اطلاعات آنها جالب و مفید بود. تعداد قابل توجهی نیز پس از دستگیری آزاد شدند، ولی کنترل‌ها و مراقبت‌های خاصی روی آنها اعمال گشت که نتیجه‌بخش بود[1]. زمانی برنامه‌ریزی و تقسیم کار عملیاتی برای طرح نهایی ضربه به «اکثریت» انجام شد که دیگر وابستگی این جریان برملا شده بود و نظام نمی‌توانست دوگانگی‌ها و نفاق‌های ملحدانه‌ی آن را تحمل کند.

سرانجام ۱۳ گروه مرکزی (مشتمل بر ٦٥ گروه مستقل و ۱٥ گروه و حوزه‌ی خودکفا) در ۲۹ تیر ماه ۱۳٦٥ زیر ضربه‌ی وزارت اطلاعات قرار گرفت و متلاشی شد. حدود ۷٥۰ نفر از رده‌های مختلف تشکیلات[2] در سراسر کشور دستگیر شدند. همچنین تعدادی از عوامل نظامی و حدود ۲۰۰ نفر از عناصر تشکیلاتی گروه که در مراکز متعدد و مختلف نظام کار می‌کردند، جزو دستگیرشدگان بودند. محل اشتغال یا نفوذ این افراد به قرار زیر بود:

---

۱. در همان مقطع برای ما مسلّم شده بود که اعضای هسته‌ی اکثریت، به خارج از کشور (اروپا، جمهوری‌های شوروی سابق و افغانستان) گریخته و از دسترس خارج شده‌اند.

۲. شامل مشاور مرکزیت، کادر، عضو و هوادار تشکیلاتی که حدود هشتاد درصدشان را دربر می‌گرفت.

«۱. وزارت دفاع ۲. نیروی هوایی ۳. وزارت سپاه ٤. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) ۵ـ سازمان امور استخدامی کشور ٦. بنیاد مستضعفان ۷. سازمان گسترش ۸ وزارت نیرو ۹. وزارت مسکن و شهرسازی ۱۰. وزارت راه و ترابری ۱۱. وزارت پست و تلگراف و تلفن ۱۲. وزارت آموزش و پرورش ۱۳. صداوسیما ۱٤. وزارت بهداری ۱۵. کانون وکلا ۱٦. وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۷. وزارت نفت ۱۸. وزارت کشور ۱۹. وزارت امور اقتصادی و دارایی ۲۰. وزارت کشاورزی».

بخش وسیعی از امکانات گروه در داخل کشور نیز ضبط شد[1] که شامل همه‌ی تدارکات آنها بود. امکانات ضبط‌شده به شرح ذیل بود:

«۱. چاپخانه‌های مخفی و انبارهای کاغذ و مرکّب ۲. مقادیر قابل توجهی کارت شناسایی ۳. مهرهای جعلی مراکز مختلف (ادارات دولتی، ارگان‌های انقلابی، مراکز نظامی و انتظامی) ٤. دفاتر بسیج اقتصادی ۵. مقادیر معتنابهی شناسنامه، گواهی‌نامه، کارت پایان‌خدمت ٦. مقادیری سلاح و مهمات ۷. سیانور ۸ . وسائط نقلیه‌ی مختلف (اتومبیل و موتور سیکلت) ۹. تعدادی اماکن مسکونی ۱۰. مراکزپوششی‌تجاری ۱۱. مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال وجه نقد و مقادیری ارز خارجی».

در این دستگیری‌ها، سه تن از متهمان خودکشی کردند، که به نظر می‌رسید ناشی از سرخوردگی، انفعال، پوچی و تناقض آشکار ذهنیت گذشته با واقعیت‌ها بوده است. چنانچه این افراد زنده می‌ماندند، طبق روال کاری دادگاه‌های انقلاب اسلامی که روی برخورد مسلحانه تأکید داشتند، ممکن بود احکام کوتاه‌مدتی بگیرند.

علاوه بر اعلان رسمی اخبار از طریق رسانه‌های گروهی، اطلاع‌رسانی به مردم گاه توسط خودم اجرا می‌شد. قبل از تصدّی وزارت اطلاعات نیز در زمانی که دادگاه‌های

۱. به دنبال اضمحلال حزب توده، تشکیلات اکثریت به منظور حفظ امکانات تصمیم گرفت که کلیه‌ی وسایل جعل (شامل ماشین‌های چاپ افست، دوربین‌های عکاسی و فیلمبرداری، دستگاه‌های تهیه‌ی میکروفیلم از اسناد و...) را به افغانستان منتقل کند. مقداری از این دستگاه‌ها انتقال یافت؛ اما بقیه‌ی آنها به صورت بسته‌بندی شده کشف و ضبط شد.

انقلاب ارتش را اداره می‌کردم، اخبار مربوط به برخی از اقدامات علیه ضدانقلاب را طی مصاحبه‌هایی به مردم گزارش می‌کردم[1]. پس از اقدام علیه «اکثریت» نیز ضمن یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیو ـ تلویزیونی، گزارش اجمالی از چند و چون ماهیت این گروهک، زمینه‌ها و بسترهای ضربه، و نیز آثار و عوارض آن را ارائه نمودم.

---

۱. به‌خصوص جریان‌های راست که گفتمان غالبشان «کودتا» و توهّم آن بود.

۹/۲۷

پیامدهای ضربه

تا چندین ماه، کمیّت و کیفیت ابعاد حرکت وزارت اطلاعات برای تشکیلات «اکثریت» مجهول و مبهم بود. در طول همین مدت، با یک برنامه‌ریزی دقیق و پیچیده، شرایطی فراهم کردیم که مسئولان دستگیرشده بتوانند از درون زندان با مرکز هدایتی خارج از کشور ارتباط برقرار کنند. برای دستگیری تعدادی از کادرها و نیز گروه‌های مرکزی دیگر، دقیقاً از مرکز هدایتی در خارج اطلاعات لازم به دست می‌آمد که منجر به بسط ضربه گردید.

زمانی که دستگیری افراد تماس‌گیرنده علنی شد و رهبری گروه مستقر در خارج دریافت که این برنامه با هدایت ما اجرا شده است، جوّ بی‌اعتمادی به شدت در تشکیلات حاکم شد. مرکزیت سازمان، که گرفتار ضربات سهمگین روحی و روانی شده بود، بخشنامه‌ای صادر کرد و طی آن کلیه‌ی ارتباط‌ها را کان‌لم یکن اعلام نمود. تا مدت مدیدی، کلیه‌ی فعالیت‌های سازمانی تعطیل و روابط تشکیلاتی قطع شد. این انفعال و درماندگی به حدّی رسید که مرکزیت اعلام کرد چون بیش از ۱۵۰۰ نفر از عناصر تشکیلاتی در داخل کشور ضربه خورده‌اند، همه‌ی تشکیلات داخل کشور مشکوک و ناسالم است. رهبری سازمان برآن بود که پلیس حضوری گسترده در تشکیلات دارد و بر همین اساس بود که باقی‌مانده‌ی مسئولان را با بهانه‌ی چک شدن و دریافت رهنمودهای جدید به خارج از کشور فرا خواند.

درباره‌ی دستگیرشدگان می‌توان بدون مبالغه گفت که نزدیک به تمامی این افراد، در زندان از مواضع خود دست کشیدند و با همکاری‌های مفیدی که در مرحله‌ی بازجویی در کشف جرایم و کمک به دستگیری سایر افراد مرتبط داشتند، باعث تسریع در کارها شدند، در نتیجه تعداد زیادی از آنها در لیست آزادی و عفو قرار گرفتند و به آغوش خانواده‌های خود بازگشتند.

سرنوشت «اکثریت» و «اقلیت»

تسلط و اشراف سیستم اطلاعاتی کشور و شکست‌های پی‌درپی ماهوی و عارضی جریان‌های ضدانقلاب چپ، بقایای فداییان را چندپاره کرد و موجب انشعاب مکرر آنها شد.

افراد «جناح فرخ نگهدار» یعنی جریان مسلط در «اکثریت» پس از آنکه از کشور خارج شدند، ابتدا در افغانستان و سپس در جمهوری‌های سابق شوروی اسکان گزیدند و ادغام کلی در حزب توده و تبعیت از سیاست خارجی دولت میزبان را در پیش گرفتند؛ یعنی در عداد مهره‌های «برادر بزرگ‌تر»[۱] قرار داده شدند.

تا قبل از تحولات داخلی شوروی سابق (روی کار آمدن گورباچف، فروپاشی دیوار برلین، استقلال و تجزیه‌ی جمهوری‌های پانزده‌گانه‌ی وابسته به شوروی و...) و پیش از پذیرفتن قطعنامه‌ی ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی، «اکثریت» و «حزب توده» شعار براندازی و سرنگونی را تبلیغ می‌کردند؛ ولی به دنبال تغییرات فوق و ختم جنگ تحمیلی، شعار و مشی خود را به کناری گذاردند و بر شیوه‌های مسالمت‌آمیز تأکید ورزیدند. درباره‌ی محل اسکان نیز باید اضافه کرد که اعضای اصلی جریان «اکثریت» (تحت پوشش پناهندگی سیاسی) در انگلیس اقامت کردند و تعدادی از اعضای آن نیز در آلمان سکنی گزیدند. ارگان این جریان ـ همچنان ـ «کار» نام دارد.

---

۱. در اصطلاح احزاب کمونیست طرفدار شوروی سابق، «برادر بزرگ‌تر» به حزب کمونیست اتحاد شوروی اطلاق می‌شد.

«جریان کشتگر»، که از آذر ماه ۱۳۶۰ از «اکثریت» انشعاب کرد، خود دچار انشعاب شد و ضمن حفظ برخی از مواضع گذشته، اولویت نخست‌شان در مخالفت با «جریان نگهدار»، نقد ادغام در حزب توده و وابستگی صرف به آن حزب و نیز دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی شوروی سابق بود. «کشتگر» در خرداد ۱۳۶۸ با جریان محدودی که «سازمان آزادی کار ایران» نامیده می‌شود، ادغام شد و نام خود را «سازمان فدایی» گذاشت. این اتحاد در کمتر از یک سال از هم گسست. عناصر اصلی جریان کشتگر در فرانسه مقیم شدند و نشریه‌ی «میهن» را به عنوان ارگان خود انتشار دادند.

جریان «اقلیت» نیز ابتدا و در پی یک تصفیه‌ی داخلی به پنج شاخه منشعب شد. شاخه‌ای از این انشعابات که «مهدی سامع» آن را اداره می‌کرد به شورای به‌اصطلاح مقاومت رجوی پیوست و از منافقین و رژیم بعثی صدّام تبعیت کرد. یک شاخه‌ی دیگر که در کردستان عراق مستقر بود، به اروپا عزیمت کرد، خود را وارث «اقلیت» برشمرد و ارگان خود را کماکان «کار» نامید. شاخه‌ای نیز نشریه‌ی «جهان» را منتشر کرد و عنوان اولیه‌ی «فداییان» را روی خود نهاد. «هسته‌ی اقلیت» شاخه‌ی دیگری است که نشریه‌ی «سوسیالیسم» را منتشر نمود و توسط «مستوره احمدزاده» به‌راه انداخته شد.

فصل بیست و هشتم

ضربه به شبکه‌های جاسوسی آمریکا

با شناختی که از ماهیت استکباری آمریکا وجود داشت، وزارت اطلاعات از اوایل سال ۱۳۶۳- زمان تأسیس این وزارتخانه ـ با اولویت روی شبکه‌ی جاسوسی آمریکا در ایران سرمایه‌گذاری کرد. در طول سال‌های ۶۳ و ٦٤ به سرنخ‌های مطمئنی دست پیدا کردیم؛ و از اوایل سال ٦٧ پس از برنامه‌ریزی، به دستگیری عناصر آمریکا اقدام نمودیم و شبکه‌ها را زیر ضربه قرار دادیم.

ماجرای «جان پاتیس»

پس از این برنامه، در سال ۱۳٦٥ موفق به دستگیری یک جاسوس آمریکایی به نام «جان پاتیس» شدیم که با یک گذرنامه‌ی ایتالیایی وارد ایران شده بود. وی ظاهراً برای پروژه‌ی «کاسموس» در اسدآباد همدان کار می‌کرد و اطلاعات جمع‌آوری شده را از طریق شخصی به نام «گیوی استین» در اختیار سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) قرار می‌داد. بخشی از اطلاعات جمع‌آوری شده‌ای که «پاتیس» به سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا منتقل می‌کرد، بدین قرار بود:

ـ میزان اهمیت پروژه‌ی اسدآباد برای شرکت مخابرات؛

ـ جزئیات مربوط به شرکت‌های مجری پروژه‌های شرکت مخابرات؛

ـ کیفیت ارتباط مخابراتی در مناطق نفتی؛

ـ مشکلات عمومی و موردی جمهوری اسلامی ایران در امر تولید نفت؛

ـ نوع زندگی خارجیان در ایران؛

ـ مشکلات احتمالی مسافرت خارجیان به ایران با گذرنامه‌ی دیگر کشورها (و در این مورد ایتالیا) و چگونگی اخذ روادید ورود به ایران.

اطلاعات و خطوط هدایتی دیگری که مورد انتظار «سیا» بود و عناوین آن را جهت جمع‌آوری اطلاعات مربوط «پاتیس» قرار داده بودند ولی او موفق به جمع‌آوری و انتقال آنها نشد، از این قرار بود:

ـ ساختمان ماهواره‌ای ارتباط عمومی؛

ـ مشکلات موجود در ماهواره، بر اثر کمبود ظرفیت یا عدم موفقیت در بعضی از مکان‌ها؛

ـ برنامه‌های جدید برای سیستم‌های ارتباطی نظامی؛

ـ بهره‌برداری از سیستم‌های راداری جدید؛

ـ بهره‌برداری از امکانات و وسایل رادیویی تاکتیکی؛

ـ منابع تهیه‌ی قطعات یدکی برای وسایل رادیوهای تاکتیکی و رادارهای ثابت و متغیّر؛

ـ منابع تهیه‌ی قطعات یدکی هواپیما و هلی‌کوپتر؛

ـ مهمّات تهیه شده در داخل یا خارج از کشور؛

ـ بانک‌هایی که اعتبارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی را می‌پذیرند؛ و ... .

همان‌گونه که در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیو- تلویزیونی نیز بیان نمودم[۱]، ما اعتقاد داشتیم که بخشی از اطلاعات ارسالی توسط «پاتیس»، از طریق آمریکا به عراق داده شده و دست کم در خصوص آنها هماهنگی صورت گرفته است. قرینه‌ی مهم برای این امر- که نهایتاً به اثبات رسید- این بود که کمتر از دو ساعت پس از آنکه «جان پاتیس» مرکز مخابراتی اسدآباد را ترک گفته بود، مرکز مزبور توسط هواپیماهای عراقی بمباران شد.

حساس‌ترین مقاطع تاریخ جنگ تحمیلی

سال ۱۳٦۵، یکی از حساس‌ترین مقاطع و در واقع نقطه‌ی عطف تاریخ هشت ساله‌ی جنگ تحمیلی عراق علیه ج.ا.ا محسوب می‌شد که امت اسلام شاهد پیروزی‌ها و دستاوردهای عظیم رزمندگان اسلام بود. بررسی فراز و نشیب‌های جنگ مبین این نکته‌ی

---

۱. ***کیهان و اطلاعات***، ۵ شهریور ۱۳٦۵، ر. ک. به: پیوست شماره‌ی ۱۲

حساس و ظریف بود که در مقاطعی که واحدهای «اطلاعات» و «ضداطلاعات» به نحو احسن از عهده‌ی وظایف خود برآمده بودند، علاوه‌بر «کشف» و «دفع» توطئه‌های دشمن، پیروزی‌های چشمگیری نیز نصیب کشور شده بود، لذا مسئولان عالی‌رتبه‌ی نظام ضمن اتفاق نظر در خصوص ضرورت بهره‌گیری از قابلیت‌های اطلاعاتی در عرصه‌ی جنگ، خواستار فعال‌تر شدن دستگاه‌های اطلاعاتی کشور در این راستا شدند.

تشدید فعالیت‌های اطلاعاتی در عرصه‌ی نظامی

با تشکیل کمیسیونی ویژه، موضوع «تشدید فعالیت‌های اطلاعاتی در عرصه‌ی نظامی» در دستور کار وزارت اطلاعات قرار گرفت و پس از جمع‌بندی اطلاعات موجود و اخذ نظرات مسئولان و کارشناسان ذیربط، طرح «نفوذ در سرویس اطلاعاتی عراق» ارائه و تصویب گردید. هدف از اجرای این طرح، جمع‌آوری اطلاعات از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی عراق، بررسی قابلیت‌ها و توانمندی‌های اطلاعاتی و نظامی دشمن، آسیب‌پذیری‌ها و اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ی کشور که در اختیار عراق قرار گرفته بود، طرح‌های عملیاتی دشمن و طراحی سیاست جنگی و نظامی متناسب با آن بود.

پیگیری‌ها و اقدامات اطلاعاتی مستمر در اجرای این طرح منجر به شناسایی مأموران اطلاعاتی با قابلیت‌های مورد نظر گردید که پس از گذراندن دوره‌های آموزشی ویژه، پروسه اعزام و نفوذ این افراد به اهداف و بخش‌های مورد نظر در سیستم اطلاعاتی عراق یا برقراری ارتباط با افسران اطلاعاتی شناسایی شده در رژیم بعثی به اجرا درآمد. بررسی گزارش‌ها و نتایج ارسالی از سوی این مأموران و اسناد ارائه شده از بخش‌های مربوط به «ایران» در سرویس اطلاعاتی عراق، حاکی از آن بود که دشمن به اطلاعات قابل ملاحظه‌ای در بخش‌های اداری و صنعتی مربوط به مسائل نظامی، اقتصادی، مراکز تولیدی به‌ویژه تسلیحاتی، پتروشیمی و ... دست یافته است و نوع اطلاعات مذکور نیز مبین دسترسی افرادی خاص به این اطلاعات در بخش‌های مختلف و مراکز حساس کشور و مرتبط با مسائل جنگ بود. بررسی‌های به عمل آمده درباره‌ی این اسناد و نظرات کارشناسان فنی نیز بیانگر این نکته بود که بخشی از این اطلاعات از طریق منابع آشکار و سیستم‌های فنی چون

ماهواره‌های جاسوسی قابل دسترسی هستند، ولی اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، طرح‌های اجرایی و ... مبین آن بود که این اطلاعات از طریق «منابع انسانی» جمع‌آوری و در اختیار دشمن قرار گرفته است.

۱/۲۸

اقدامات اولیه

در این مرحله اهمیت و ضرورت پیگیری «طرح نفوذ»، به‌ویژه با رویکرد ضد اطلاعاتی افزایش یافته و مقرر گردید که معاونت ضدجاسوسی با جدیت به پیگیری موضوع بپردازد. لذا با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت ناکام گذاردن دشمن در تکمیل و بهره‌برداری از اطلاعات مورد نظر، این مورد در دستور کار معاونت ضد جاسوسی قرار گرفته و تعدادی از مجرب‌ترین کارشناسان جهت پیگیری این پرونده، به همکاری دعوت شدند و مراحل ذیل نیز طراحی و ترسیم گردید.

- دسته‌بندی اطلاعات و تعیین حوزه‌ها و مراکز مرتبط با این اطلاعات؛
- شناسایی بخش‌های داخلی این مراکز که اطلاعات مذکور از آنها درز کرده است؛
- شناسایی شاغلین و پرسنل فعال در این مراکز؛
- کنترل افراد مظنون.

نخستین سوژه

پیگیری اولیه جهت شناسایی مراکز مرتبط که عمدتاً به بخش‌های نظامی، تسلیحاتی، صنایع مرتبط با جنگ و بخش‌های پشتیبانی و ... مربوط می‌شد، در اسرع وقت به اجرا درآمده و با تلاش شبانه‌روزی پرسنل فعال در این کیس و با عنایت حضرت حق اولین سوژه به نام «داریوش» در یکی از کارخانجات پتروشیمی شناسایی گردید.

بررسی سوابق «داریوش» بیانگر آن بود که وی دارای مدرک فوق‌لیسانس شیمی از کشور آمریکا بوده و درصدد اعزام فرزند خود به خارج از کشور جهت تحصیل در یکی از دانشگاه‌های خارجی می‌باشد و به همین منظور در مقاطع مختلف، به مسافرت به خارج از کشور مبادرت نموده است. پس از مدتی، واحدهای کنترلی و عملیاتی اعلام نمودند که سوژه‌ی مبارزه با رعایت ملاحظات حفاظتی خاصی پاکت‌نامه‌ای را داخل یکی از صندوق‌های پستی انداخته است. بررسی مندرجات نامه‌ی مذکور مبین یکسری مطالب عادی و دوستانه بود که در نظر هر خواننده‌ای کاملاً بی‌ارزش جلوه می‌نمود و بالطبع باعث ایجاد حساسیت در کارشناسان اطلاعاتی نسبت به این پاکت ارسالی به خارج از کشور می‌گردید، امّا گزارش ارائه شده از سوی کارشناسان فنی، حساسیت و مظنون بودن موضوع را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. «نامه‌ی ارسالی دارای محتویاتی در قالب نامرئی نویسی می‌باشد» نتایج حاصله از سایر بخش‌ها نیز بیانگر این مطلب بود که سوژه در یک تماس مشکوک با خارج از کشور اعلام نموده است که در آینده‌ی نزدیک، عازم کشور ترکیه خواهد بود.

از سوی دیگر نتیجه‌ی گستراندن تور ضد اطلاعاتی در سایر بخش‌ها و مراکز مورد نظر، با شناسایی تعدادی دیگر از افراد مشکوک با سوابق مشخص همراه بود که نتیجه‌ی اقدامات کنترلی نیز مواردی مشابه با پرونده‌ی داریوش به دست داد.

۲/۲۸
کشف شبکه‌ی جاسوسی آمریکا

جمع‌بندی گزارش‌ها و اطلاعات دریافتی، بیانگر این نکته بود که دشمن با تشکیل یک شبکه‌ی گسترده‌ی اطلاعاتی و بهره‌گیری از روش‌های پیچیده‌ی ارتباطی، درصدد جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر و ضربه زدن به نظام در عرصه‌ی نظامی با راهکار اطلاعاتی می‌باشد.

کشف این مسئله از یکسو باعث خرسندی کارشناسان اطلاعاتی و مسئولین عالی‌رتبه‌ی نظام گردید و از سوی دیگر، نشانگر اهمیت و پیچیدگی موضوع و ضرورت اتخاذ راهکار و سیاست مناسب جهت برخورد با پرونده بود. دستگیری عناصر شناسایی شده باعث ایجاد حساسیت در سایر مأمورین دشمن و در نتیجه اختفای آنان و تغییر روش‌های ارتباطی و اطلاعاتی می‌شد که ضریب احتمال دسترسی به سایر مأمورین را به صفر کاهش می‌داد. لذا پس از هماهنگی با مسئولین نظام و مقامات قضایی مقرر گردید که در یک عملیات ضربتی، عناصر شناسایی شده دستگیر و در کوتاه‌ترین زمان ممکن تحت بازجویی قرار گیرند تا براساس اعترافات متهمین نسبت به شناسایی سایر عناصر فعال در این شبکه اقدام گردد.

دستگیری هفت متهم

پس از اخذ حکم قضایی و انجام هماهنگی‌های لازم، واحدهای عملیاتی براساس یک برنامه‌ی مشخص و منسجم وارد عمل شده و هفت نفر از سوژه‌ها همزمان در شهرهای تهران، مشهد و شیراز دستگیر شدند. مدارک و مستندات ارائه شده هیچ فرصتی را برای

«انکار» متهمین باقی نگذاشت و آنها از همان ابتدا به ارتباطات و فعالیت‌های جاسوسی خود اعتراف نمودند. امّا پاسخ همه‌ی متهمین به یک سؤال مشترک در بازجویی‌ها، ضمن افزایش حساسیت نسبت به ابعاد و پیچیدگی موضوع، بیانگر هرچه بیشتر مظلومیت ج.ا.ا و یکپارچگی دشمنان اسلام در مقابله با انقلاب اسلامی ایران بود.

ابرقدرت‌ها، کشورهای غربی، کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و به‌ویژه آمریکا به صورت مکرر حمایت و پشتیبانی خود را از عراق اعلام نموده و علاوه بر کمک‌های مالی و تسلیحاتی، نیروهای نظامی خود را نیز جهت مقابله با رزمندگان اسلام به عراق اعزام کرده بودند. همچنین حمایت اطلاعاتی این کشورها از عراق نیز برای همگان آشکار بود، امّا نگاهی به پیچیدگی شبکه‌ی اطلاعاتی شناسایی شده، هدایت این جواسیس از سوی آمریکا و نتایج حاصله از «طرح عملیات نفوذ» که مبین حجم اطلاعات ارائه شده از سوی این شبکه به دشمن بود، اثبات تبادل اطلاعاتی در سطح کلان میان آمریکا و عراق علیه ج.ا.ا بود و بعدها روزنامه‌ی نیویورک تایمز نیز فاش کرد که «سیا (سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا) در دوره‌ی جنگ ایران و عراق، اطلاعات گرانبهایی را درباره‌ی عملیات نظامی ایران در اختیار عراق گذاشت».

دستگیری ۵۲ جاسوس آمریکا

این مسئله باعث شد که عزم و جدیت کارشناسان و مسئولین پیگیری پرونده افزایش یافته و پس از تکمیل مراحل بازجویی متهمین، عملیات‌های کنترلی در خصوص سوژه‌های قبلی و سرنخ‌های به دست آمده از بازجویی‌ها با شدت و قوت به اجرا درآید که در نتیجه‌ی زحمات و تلاش‌های شبانه‌روزی وزارت اطلاعات، ۵۲ نفر از عوامل خود فروخته و مرتبط به سازمان CIA که در مراکز مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، تولیدی و ... شاغل بودند، شناسایی و دستگیرشدند و به خیانت خود اعتراف نمودند.

شیوه‌های CIA در جلب همکاری

سازمان CIA به منظور جمع‌آوری اطلاعات و ارائه‌ی تسهیلات و خدمات اطلاعاتی به رژیم بعثی، تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها و سیاست‌های نظام در عرصه‌های مختلف، کاهش اعتماد عمومی و افزایش نارضایتی‌ها و ... به تقسیم‌بندی سازمان‌ها و مراکز مختلف به‌ویژه مرتبط با جنگ و شناسایی و جلب همکاری عناصر شاغل و فعال در این مراکز اقدام کرده بود. تعدادی از عناصر ساواکی مقیم آمریکا و مرتبط با سازمان CIA مانند مجید رفیع‌زاده، پرویز فراز و ... و نوشته‌ها شدند.

گفتنی است که آغاز دستگیری‌های این شبکه‌ی جاسوسی ۱۳٦۷/٤/۲۰ و پایان آن ۱۳٦۸/۵/۱ بود و بدین‌سان حاصل تلاش‌های سرویس اطلاعاتی سازمان «سیا» پس از تسخیر لانه‌ی جاسوسی تا آن مقطع زیر ضربه رفت.

اینجانب این موضوع را طی مصاحبه‌ای که در تاریخ ۱۳٦۸/۲/٦ منتشر شد با اصحاب رسانه‌ها درمیان گذاشتم.[۱]

ابزار کشف شده‌ی جاسوسی

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در جریان کشف و اضمحلال شبکه‌های جاسوسی آمریکا به وسایل پیچیده‌ای که از طریق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در اختیار جاسوسان قرار داده شده بود، دست یافت که چند مورد آن بدین شرح بود:

۱) دستگاه‌های دریافت پیام رمز اعداد؛ این وسایل با دفترچه‌های مخصوصی تطبیق داده می‌شد که با جاسازی ویژه وارد کشور می‌گشت. جاسازی دفترچه را یکی از جاسوسان کارخانه‌ی ناخن‌گیرسازی انجام داده بود!

۲) فرستنده‌ی پیام فشرده، با بهره‌برداری از تلفن و ماهواره؛

۳) آنتن‌های ردیاب و تقویتی؛

٤) دوربین‌های عکاسی با فیلم‌های مخصوص، که در ایران قابل ظهور نبود؛

۱. ر. ک به پیوست شماره‌ی ۱۲

۵) امکانات نامرئی‌نویسی.[1]

تعداد دیگری از مأمورین حریف که پس از پایان مأموریت و یا در آستانه‌ی شناسایی و دستگیری به خارج از کشور فرار کرده بودند، وظیفه‌ی شناسایی و معرفی عناصر مورد نظر به عوامل اطلاعاتی آمریکا را برعهده داشتند. این افراد در قالب «سرپل»های اطلاعاتی براساس شناخت خویش از مراکز مختلف و یا به‌واسطه‌ی ارتباط با برخی از افراد در داخل کشور، کاندیداهای مورد نظر را که از قابلیت‌ها، نقاط ضعف، انگیزه‌های مالی و ... برخوردار بودند، به خارج از کشور دعوت و با آنها ملاقات می‌نمودند. پس از زمینه‌چینی‌های مقدماتی، تأمین مالی، ایجاد شرایط مناسب جهت عیاشی و ... به گونه‌ای شرایط را ترسیم می‌نمودند که «جنگ به نفع عراق در حال خاتمه یافتن است و از طرف دیگر، شوروی (سابق) درصدد حمله‌ی نظامی و تعرض به ایران است و جهت مقابله با نفوذ کمونیست‌ها باید از قدرت و توان کشوری چون آمریکا بهره‌برداری نمود و این بهره‌برداری مستلزم آگاهی آمریکا از اوضاع و مسائل جاری و داخلی کشور است» و بدین طریق این افراد را به همکاری با عوامل CIA تشویق می‌کردند. پس از ایجاد شرایط لازم و ترسیم آینده‌ی بسیار روشن و امیدوارکننده، از این افراد درخواست می‌شد تا در موعد مقرر در کشورهایی چون آلمان حضور یابند. پس از مسافرت کاندیدا به این کشورها، سرپل‌ها اقدام به وصل آنها به عوامل CIA نموده و خود از صحنه حذف می‌شدند.

تعداد دیگری از افرادی که در دام اطلاعاتی سازمان گرفتار شدند، کسانی بودند که با هدف اخذ رویداد به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های آمریکا در کشورهایی چون آلمان، ترکیه، امارات و ... مراجعه می‌کردند و عوامل اطلاعاتی مستقر در این مراکز، پس از بررسی قابلیت‌ها، تخصص، دسترسی و ... این افراد، پیشنهاد همکاری اطلاعاتی را به آنها ارائه می‌نمودند.

۱. به جاسوسان گفته شده بود که این امکانات به قدری پیشرفته است که حتی کا.گ.ب نیز نمی‌تواند نوشته‌ها را مرئی کند! این همه، نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی با شیوه‌های ابتکاری و کشف معرف‌های خاص شیمیایی، موفق به مرئی کردن نوشته‌ها شدند.

افرادی که بدین طرق به عوامل اطلاعاتی آمریکا وصل می‌شدند، یا خود مستقیماً به اطلاعات مورد نظر دسترسی داشتند و یا امکان تهیه‌ی اطلاعات از افراد شاغل در مراکز مورد نظر حریف برای مراکز و ترغیب آنها جهت مسافرت به خارج از کشور اقدام نمایند.

ملاقات‌های ابتدایی در کشورهایی چون ترکیه، آلمان و ... صورت گرفته و پس از جلب رضایت فرد مورد نظر جهت همکاری اطلاعاتی، آموزش‌های لازم جهت برقراری ارتباط، ارسال اطلاعات و ... در اختیار آنها قرار گرفته و مبلغی نیز به عنوان حقوق به آنها تخصیص می‌یافت.

آموزش‌های جاسوسان

به طور معمول، تیم‌های جاسوسی در چهار رده (چهار نفری) سازمان‌دهی می‌شدند و تحت آموزش‌های مختلف قرار می‌گرفتند. برای آموزش، افراد به خارج از کشور انتقال داده می‌شدند. برای مثال، یکی از جاسوسان در پاییز ۱۳٦٤ به همراه بقیه‌ی اعضای تیم به ترکیه رفته از آنجا به فرانکفورت (آلمان) برده شده است. در آنجا تیم را با اتومبیل‌های سرپوشیده به یک فرودگاه نظامی انتقال داده‌اند؛ کلاه‌های مخصوصی که امکان دید نداشته است، به سر آنها قرار داده شده و از آن فرودگاه به یک کمپ نظامی رفته‌اند تا آموزش‌های لازم را بگذرانند. آموزش‌ها- عمدتاً- از این قرار بوده است:

- یک دوره‌ی کامل آموزش جاسوسی و شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات؛
- استفاده از وسایل نامرئی؛
- استفاده از رادیو جهت دریافت پیام‌های رمز؛
- روش بهره‌برداری از دفاتر رمز؛
- استفاده از دوربین‌های مخصوص جهت عکس‌برداری از اسناد و نیز مناطق حساس؛
- استفاده از قطب‌نما و روش‌های نقشه‌خوانی؛

ـ آشنایی با رزم شبانه، چتربازی، اسلحه‌شناسی و تخریب.[۱]

خصوصیات عمومی منابع اطلاعاتی‌ای که «سیا» از میان ایرانیان گزینش می‌کرد و غالباً در خارج از کشور نشان شده بودند، به شرح زیر بود:

۱) افراد جاافتاده و تحصیل‌کرده (ترجیحاً میان‌سال)؛

۲) دارای امکانات خروج از کشور و عدم موانع خروج؛

۳) نداشتن شغل دولتی (ترجیحاً)؛

٤) عدم سوءظن دستگاه‌های دولتی به آنها؛

٥) عدم سابقه و اشتهار به چپ (مارکسیست) بودن.

روش‌های ارتباطی

با توجه به محدودیت‌های موجود جهت انجام ملاقات‌های حضوری میان عوامل CIA و مأمورین، آنها مبادرت به طراحی سیستم ارتباطی جهت ارائه‌ی نیازمندی‌ها و دریافت اطلاعات جمع‌آوری شده نموده و در ملاقات‌های اولیه به آموزش و تشریح این روش‌ها در هتل‌ها و محل‌های امن در کشورهایی چون آلمان می‌پرداختند.

پیام‌های رادیویی

در این روش که جهت ارائه‌ی نیازمندی‌ها و تنظیم برخی اقدامات و فعالیت‌ها بود، حریف به ارسال پیام‌های رمز رادیویی بر روی فرکانس‌های مشخص و در ساعات خاصی

---

۱. در یک مصاحبه با رسانه‌ها به چند مورد از نحوه و کیفیت اطلاعاتی که قرار بود توسط جاسوسان غیرنظامی به آمریکا انتقال یابد ولی خنثی شد، اشاره کردم؛ از جمله:

الف) یک مهندس، اطلاعاتی را از پتروشیمی و مرکز تحقیقات آن جمع‌آوری کرده بود؛

ب) شخص دیگری که در قسمت برنامه‌ریزی وزارت نفت تردد داشت، کلیه‌ی سیاست‌های نفتی و صادرات و واردات مربوط بدان را رصد می‌کرد؛

ج) فردی فعالیت‌های حوزه‌ی وزارت امور خارجه را جمع‌آوری کرده بود؛

د) یک وکیل دعاوی، اطلاعات سیاسی- اجتماعی درباره‌ی محاکم کیفری و حقوقی را جمع‌آوری کرده بود. (کیهان و اطلاعات، ششم اردیبهشت ۱۳٦۸)

مبادرت می‌نمود. مأمور پس از دریافت پیام رمز مربوط به خود، با کمک دفترچه‌ی رمزی که فقط در اختیار ایشان بوده به کشف متن رمز مبادرت نموده و براساس محورهای درخواستی یا توصیه‌های ارائه شده از سوی حریف اقدام می‌نمود.

پیام‌های ارسالی بر روی موج AM و به شکل اعدادی در قالب دسته‌های ۵ رقمی ارسال می‌شد و از تفریق اعداد ارسالی از طریق رادیو و اعداد موجود در دفترچه‌ی رمز، رقم‌های جدیدی به دست می‌آمد که ارقام حاصله و براساس قراردادهای از پیش تعیین شده مبین یکی از حروف لاتین بودند و پس از قرار گرفتن در کنار هم، متن کشف مورد نظر را شکل می‌دادند.

نامرئی‌نویسی

مأمورین CIA در داخل کشور باید پس از دریافت پیام‌های رمز رادیویی و جمع‌آوری اطلاعات به ارسال گزارش و نتایج اقدامات به عمل آمده مبادرت نمایند که جهت رعایت حفاظت، از روش نامرئی‌نویسی استفاده می‌کردند. در این روش که بر استفاده از کاربن و یا قرص‌های حاوی ترکیبات نامرئی‌نویسی مبتنی است، ابتدا یک نامه‌ی پوششی نگاشته شده و سپس متن نامه‌ی اصلی با کمک کاربن نامرئی و یا جوهر حاصل از ترکیب آب و قرص‌های نامرئی‌نویسی نوشته می‌شد و به آدرس مورد نظر ارسال می‌گردید.

مکاتبات از خارج به داخل کشور

عوامل آمریکایی در برخی موارد نیز به ارسال نامه به مأمورین خود در داخل کشور اقدام می‌نمودند که در این زمینه نیز از پوشش برخی شرکت‌های تجاری فرضی استفاده می‌کردند و مأمور CIA نیز پس از دریافت نامه‌ی مذکور و با کمک معرف‌های شیمیایی که از قبل در اختیار وی قرار گرفته بود، اقدام به آشکار و مرئی کردن نامه‌ی اصلی نموده و براساس دستورات عوامل حریف اقدام می‌نمود.

تماس‌های تلفنی

برقراری تماس‌های تلفنی در قالب مذاکره در خصوص مسائل تجاری، شرکت و علائم قراردادی جهت ارسال اطلاعات یا هماهنگی و تنظیم ملاقات‌ها و اقدامات فیزیکی از دیگر روش‌های ارتباطی بود.

عوامل CIA در دوره‌های خاص و مشخص مبادرت به دعوت از مأمورین خود جهت ملاقات در خارج از کشور می‌نمودند که ارائه‌ی آموزش‌های جدید، تخلیه‌ی کامل اطلاعاتی، پرداخت حقوق و یا آزمایش میزان صداقت مأمورین با دستگاه پلی‌گراف (دروغ‌سنج) و ... از اهداف این ملاقات‌ها بودند.

اعضای فعال در این شبکه را افرادی از طیف‌ها و گروه‌های مختلف جامعه از قبیل فرماندهان نظامی، خبرنگار، دیپلمات، روحانی، خلبان، پرسنل و کادر نظامی، کارمندان بخش‌های مختلف مانند وزارت نفت، پتروشیمی، صنایع، مخابرات، صنایع الکترونیکی، کتابفروش و ... تشکیل می‌دادند که در خصوص مسائلی چون طرح‌های عملیاتی، سیاست‌های نظام در عرصه‌ی بین‌الملل، خریدهای خارجی و به‌ویژه در حوزه‌ی مسائل نظامی، سیاست ادامه‌ی جنگ، میزان مساعدت مردم به جنگ، نگرش مردم به مسئولان، میزان مشروعیت و مقبولیت نظام، فشارهای اقتصادی، جریان‌های فرهنگی ، ابزار و تجهیزات نظامی، چارت و ساختار تشکیلات نظامی کشور و ... اطلاعاتی را جمع‌آوری و در اختیار شیطان بزرگ قرار داده بودند.

بررسی‌های به عمل آمده براساس اعترافات و اقدامات اعضای این شبکه مبین این نکته بود که بسیاری از مشکلات و معضلات سال‌های پایانی جنگ و موفقیت‌های رژیم بعث مرهون فعالیت‌ها و اطلاعات ارسالی از سوی این افراد و ارائه‌ی آنها به عراق از سوی آمریکا بود.

به عنوان مثال، فردی چون ناصر فرخ‌نیا (معدوم) که از فرماندهان برجسته‌ی نیروی دریایی در منطقه‌ی جنوب کشور بود، کلیه‌ی طرح‌های عملیاتی و اقدامات پدافندی قابل دسترس در منطقه‌ی فاو را در اختیار حریف قرار داده و نقش بسزایی در روند جنگ در آغاز سال ٦٧ و شکست در منطقه‌ی فاو ایفا نمود.

در این راستا روزنامه‌ی لوس‌آنجلس تایمز به نقل از «مؤسسه‌ی کارنگی» آمریکا اعتراف می‌کند که «کابینه‌ی ریگان علی‌رغم موضع رسمی آمریکا مبنی‌بر بی‌طرفی در جنگ ایران و عراق در زمینه‌ی تعیین استراتژی برای بازپس گیری جزیره‌ی فاو، برای مدت بیش از یک سال با رژیم عراق همکاری اطلاعاتی و نظامی داشت».

یکی از اهداف سازمان CIA از پیگیری و هدایت این شبکه‌ی اطلاعاتی ایجاد اخلال در روند فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و به‌ویژه در عرصه‌ی پشتیبانی از جنگ و ایجاد تمهیدات لازم جهت حضور و کودتای نظامی در داخل کشور بود که در این خصوص نیز از طریق اعضای شبکه، به تهیه‌ی زمین‌هایی در بخش‌های مختلف کشور جهت فرود هلی‌کوپتر و چتربازان آمریکایی مبادرت کرده بود، ولی با عنایت خداوند متعال و تلاش سربازان گمنام امام زمان (عج) و با شناسایی شبکه‌ی مذکور، با ناکامی مواجه شد.

در ذیل به خلاصه‌ای از برخی پرونده‌ها و اعترافات تعدادی از متهمین اشاره می‌شود.

مأمور شماره‌ی ۴۸

نتایج حاصله از طرح نفوذ و همچنین اعترافات متهمین دستگیر شده، مبین اهمیت اطلاعات سیاسی، به‌ویژه در عرصه‌ی دیپلماسی، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و ارتباطات ج.ا.ا با سایر کشورها و نیاز شدید آمریکا جهت دسترسی به این اطلاعات بود. لذا وزارت امور خارجه به عنوان مرکز ثقل این اطلاعات، تحت کنترل ضداطلاعاتی قرار گرفته و انطباق نتایج حاصله با سایر قرائنی که از طریق دیگر روش‌های کنترلی به دست آمده بود، منجر به شناسایی یکی از منابع اطلاعاتی سازمان سیا CIA در این وزارتخانه گردید.

«مأمور شماره‌ی ۴۸» طی جلسات بازجویی اعتراف نمود که در زمان مأموریت دیپلماتیک در یکی از کشورهای منطقه موردتوجه عوامل اطلاعاتی آمریکا قرار گرفته است و در هنگام مسافرت چند روزه به کشور اندونزی، یکی از وابستگان نظامی آمریکا به برقراری روابط دوستانه و ایجاد زمینه‌های برقراری ارتباط با ایشان مبادرت می‌نماید و پس از بازگشت مشارالیه به کشور محل مأموریت، یکی دیگر از عوامل سیا CIA به نام «دیوید» با پوشش دبیر دوم سفارت آمریکا و به منظور استمرار ارتباطات وی با وابسته‌ی نظامی،

طرح جلب همکاری سوژه را به اجرا گذارده و موافقت ایشان جهت ارتباط اطلاعاتی را جلب می‌نماید.

سوژه در مدت اقامت و اشغال در نمایندگی ج.ا.ا در کشور محل مأموریت به صورت مستمر با عوامل سیا CIA در ارتباط بوده و گزارش‌های تهیه شده را در ملاقات‌های حضوری در اختیار آنها قرار می‌داده است.

پس از بازگشت سوژه به تهران و حذف زمینه‌های انجام ملاقات‌های مستمر حضوری، شکل ارتباطی به دریافت پیام‌های رمز رادیویی و ارسال مکاتبات نامرئی‌نویسی تبدیل شده و در این مدت نیز، تعداد ۸۰ نامه‌ی نامرئی‌نویسی حاوی مطالبی در خصوص مسائل داخلی وزارت خارجه، سیاست‌ها و دیدگاه‌های مسئولین این وزارتخانه‌ها ارسال شده و چهار ملاقات نیز در کشورهای سنگاپور، ترکیه و آلمان غربی میان سوژه و عوامل سیا CIA به اجرا درآمده بود.

برادران فرخ‌نیا

با شناسایی فردی به نام منصور که اطلاعات مربوط به وزارت نفت ـ اولین منبع مالی دولت و مؤثر در بسیاری از محاسبات و سیاست‌های کشور ـ را در اختیار عوامل آمریکایی قرار می‌داد، پرونده وارد مرحله‌ی جدیدی شد. بررسی سوابق خانوادگی منصور مبین آن بود که یکی از برادران ایشان به نام ناصر از فرماندهان عالی‌رتبه‌ی نیروی دریایی می‌باشد و دو رویکرد مثبت و منفی ذیل، اولین چالش ذهنی کارشناسان پرونده بود.

- دستگیری و برخورد با منصور باعث مخدوش شدن جایگاه و وجهه‌ی ناصر به عنوان فرمانده ارشد نیروی دریایی خواهد شد.

- با توجه به جایگاه ناصر و حساسیت اطلاعات نظامی، احتمالاً منصور پس از تخلیه‌ی برادر خود، مبادرت به ارسال اطلاعات مربوط به عوامل آمریکایی می‌نماید و یا حتی ممکن است ناصر نیز به این ماجرا آلوده شده باشد.

متأسفانه نتایج اقدامات کنترلی و بویژه گزارش‌های ارسالی از «بخش فنی» در خصوص محتویات نامه‌های نامرئی‌نویسی، فرضیه‌ی دوم را به اثبات رساند و مشخص شد که حجم

قابل توجهی از این اطلاعات به مسائل نظامی مربوط می‌باشد. از سوی دیگر، نوع روابط مشکوک میان این دو برادر بیانگر آگاهی و همکاری ناصر در این ماجرا بود.

پس از دستگیری این دو برادر که با هماهنگی مراجع ذی‌صلاح به اجرا درآمد و اعتراف آنها به جاسوسی برای سازمان CIA مشخص گردید که منصور به توصیه‌ی یکی از برادرانش به نام نصرت‌ا...هـ (مقیم آمریکا و مرتبط با سازمان CIA) جهت اخذ ویزای آمریکا به آلمان غربی عزیمت نموده و پس از مراجعه به سفارت این کشور و مواجهه با افسر اطلاعاتی CIA، با پیشنهاد همکاری و ارتباط اطلاعاتی با آنان موافقت کرده است و پس از طی آموزش‌های لازم و تست با دستگاه دروغ‌سنج به کشور مراجعت می‌نماید.

در یکی از ملاقات‌هایی که میان منصور و عوامل CIA در آلمان غربی برگزار می‌شود، موضوع جلب موافقت «ناصر» و ترغیب وی جهت جمع‌آوری و ارسال اطلاعات در دستور کار منصور قرار می‌گیرد و ایشان نیز پس از بازگشت به کشور و طرح موضوع، به جلب‌نظر برادر موفق می‌شود. امّا به دلیل محدودیت نیروهای نظامی در خروج از کشور، اطلاعات نظامی، بویژه در حوزه‌ی نیروی دریایی، امکانات و قابلیت‌ها و طرح‌های عملیاتی این نیرو در خلیج فارس و بویژه منطقه‌ی «فاو» از سوی ناصر تهیه و در اختیار برادرش قرار می‌گرفت و منصور نیز اطلاعات نظامی را همراه اطلاعات جمع‌آوری شده از وزارت نفت را به وسیله‌ی سیستم‌های ارتباطی یا ملاقات‌های حضوری به عوامل CIA ارائه می‌نمود.

از آنجایی که ناصر فردی نظامی بوده و اطلاعات حیاتی مربوط به این بخش را با واسطه‌ی آمریکایی‌ها در اختیار عراق (به عنوان کشور در حال جنگ) قرار داده بود و براساس قوانین حقوقی کشور، حکم اعدام برای ایشان صادر شد و به اجرا درآمد.

داریوش

شناسایی داریوش، اولین نتیجه‌ی «طرح نفوذ» محسوب می‌شد که به دنبال آن روش‌های ارتباطی و سایر مرتبطین به سازمان CIA شناسایی و دستگیر شدند. ایشان که از پرسنل شاغل در پتروشیمی و فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های آمریکا بود، در اعترافات خویش چنین اظهار داشت:

«... یکی از سرپل‌های ایرانی سازمان CIA و مقیم در اروپا، پس از جلب همکاری فردی به نام امجد و وصل ایشان به عوامل اطلاعاتی آمریکا، موضوع «شناسایی عناصر مستعد و مورد نظر» را در دستور کار ایشان قرار می‌دهد. امجد نیز با توجه به جایگاه شغلی من و حساسیت آن در مسائل نظامی، مبادرت به معرفی به سرپل مربوطه و در نهایت عوامل اطلاعاتی آمریکا نموده و پس از تأیید نهایی از سوی آنان موضوع جلب همکاری من وارد فاز اجرایی شد ...»

پس از مذاکرات مقدماتی و ترسیم آینده‌ی روشن، به‌ویژه ادامه‌ی تحصیل فرزند داریوش در آمریکا، به همراه آقای امجد عازم کشور ژاپن شده و اولین ملاقات اطلاعاتی در این کشور به اجرا درمی‌آید. پس از صحبت‌های مقدماتی، آزمایش توسط دستگاه دروغ‌سنج و ... آموزش‌های لازم از قبیل نحوه‌ی تهیه‌ی اخبار، نامرئی‌نویسی، کار با دستگاه‌های رادیویی جهت اخذ پیام‌های رمز و ... در اختیار ایشان قرار گرفته و جهت انجام وظائف محوله از سوی عوامل سازمان CIA به کشور مراجعت می‌کند.

ملاقات‌های بعدی، به‌ویژه در کشور آلمان غربی، بدون واسطه و حضور آقای امجد و مستقیماً میان داریوش و جک (افسر اطلاعاتی آمریکا) برگزار می‌گردید و در این مدت نیز ٦٩ نامه‌ی نامرئی برای عوامل آمریکایی ارسال کرده بود و در نهایت بدون آنکه وعده‌های عوامل بیگانه به‌ویژه ادامه‌ی تحصیل فرزندش در آمریکا تحقق یابد شناسایی و دستگیر گردید.

تیم عملیاتی تبریز

از آنجایی که یکی از اهداف آمریکایی‌ها، اجرای عملیات نظامی و کماندویی در داخل کشور با هدف کودتای نظامی به موازات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود، برخی از منابع اطلاعاتی سازمان CIA نیز در این قالب جلب همکاری و هدایت می‌گردیدند. سرپل‌های اطلاعاتی با این توجیه که «... جنگ به نفع عراق رو به پایان بوده و شکست ج.ا.ا در این جنگ حتمی است، لذا شوروی (سابق) درصدد نفوذ و حمله به ایران می‌باشد و با توجه به سوابق گذشته و عهدنامه‌های ننگین گلستان و ترکمانچای و جنایت روس‌ها در ایران باید

به هر شکل ممکن از وقوع این حادثه جلوگیری کرد و با توجه به شرایط داخلی ایران، بهره‌گیری از امکانات و قابلیت غربی‌ها و بویژه آمریکا، بهترین گزینه می‌باشد ...» مبادرت به ارعاب و جلب همکاری کاندیداهای مورد نظر خود می‌نمودند که به همین منظور تیم‌های متعدد عملیاتی و جمع‌آوری در شهرهای مهم کشور تشکیل شده بود که از این تیم‌ها، «تیم عملیاتی تبریز» بود.

یکی از عناصر گروهکی فراری و مقیم در کشور ترکیه به نام «علی» که به عنوان سرپل برای عوامل اطلاعاتی آمریکا، ایفای نقش می‌نمود، وظیفه‌ی شناسایی عناصر مورد نظر و تشکیل تیم‌های عملیاتی را برعهده داشت. ایشان ضمن دعوت از یکی از دوستان خود به نام جلیل به ترکیه، وی را به فردی به نام «سرهنگ پرویز» معرفی می‌کند و از طریق این فرد به عوامل CIA وصل می‌شود. پس از طی دوره‌های آموزشی و توجیهی و آزمایش توسط دستگاه دروغ‌سنج، از ایشان درخواست می‌گردد تا سه نفر دیگر را شناسایی و معرفی نماید تا تیم عملیاتی ٤ نفره‌ی آنها تکمیل گردد.

ایشان نیز بنا به دستور عوامل آمریکایی، سه نفر دیگر به نام‌های رسول، اصغر و باقر را شناسایی و پس از طی مراحل مقدماتی در کشور ترکیه به عوامل CIA معرفی می‌کنند و وصل می‌شوند. اعضای تیم جهت گذراندن دوره‌های آموزشی عازم آلمان غربی گردیده و پس از دریافت سیستم ارتباطی در یکی از هتل‌ها، جهت تکمیل آموزش عملیات نظامی و چریک شهری به محلی به نام «کمپ» که تحت تدابیر شدید حفاظتی و امنیتی قرار داشته است منتقل شده و پس از گذراندن دوره‌ی کمپ به ایران مراجعت می‌نمایند.

شناسایی راه‌های ارتباطی میان ایران و شوروی (سابق)، تعیین مراکز حساس، خطوط راه‌آهن، پل‌ها، سیستم ارتباطی و مخابراتی، تعیین محل‌هایی جهت فرود هلی‌کوپتر، عکسبرداری، تخریب و انفجار این مراکز و ... در دستور کار این تیم عملیاتی قرار داشته و دوره‌های آموزشی و تکمیلی در کمپ نیز به صورت سالیانه تکرار می‌شد.

۳/۲۸

بازتاب افشای دستگیری جاسوسان «سازمان سیا»

اگرچه بلافاصله پس از افشای این پرونده توسط آقای هاشمی رفسنجانی در مورخه‌ی ۶۸/۲/۱ در نماز جمعه‌ی تهران، خبرگزارهای غربی آن را با مسائل داخلی ج.ا.ا عنوان مرتبط نمودند، امّا سکوت فاحش مقامات آمریکایی، روند انعکاس مطالب و ممانعت از انتشار گزارش‌های مربوط به این ماجرا، تغییر و تحولات گسترده‌ی داخلی به‌ویژه در «حوزه‌ی ایران» در داخل سازمان سیا حاکی از عمق ضربه و استیصال و درماندگی دولت آمریکا و سازمان سیا بود.

در ذیل به برخی اظهارات رسانه‌های آمریکایی اشاره می‌شود:

– **یونایتدپرس، ۶۸/۲/۱**: دیپلمات‌های آمریکایی مقیم خلیج فارس می‌گویند که آنها درباره‌ی ادعاهای ایران و همچنین تعداد آمریکایی‌هایی که هنوز در ایران به کار مشغولند اظهارنظر نمی‌کنند.

– **ریچارد بوچر، سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی آمریکا ۶۸/۲/۲**: ما هیچ آمریکایی را نمی‌شناسیم که اخیراً به اتهام جاسوسی در ایران دستگیر شده باشد.

رادیو دولتی آمریکا، ۶۸/۲/۷: جمهوری اسلامی ایران، اسامی هفت ارشد ارتش، یک مقام ارشد وزارت خارجه و افراد دیگری را اعلام کرده که از اعضای یک حلقه‌ی جاسوسی آمریکا در ایران بودند. ج.ا.ا هفته‌ی گذشته کشف آنچه را که یک «حلقه‌ی جاسوسی» نامید اعلام داشت و افسران را متهم ساخت که در جریان جنگ خلیج فارس اطلاعاتی را در

مورد حرکت واحدهای نیروی دریایی ایران در اختیار آمریکا قرار می‌دادند، امّا آمریکا این اتهامات را رد کرده است.

امّا رادیو دولتی آمریکا در مورخه‌ی ٦٨/٥/١٧ در واکنشی منفعلانه و به نقل از روزنامه‌ی نیویورک تایمز در مورد دستگیری شبکه‌ی جاسوسی مذکور اعلام داشت:

«در اوایل سال جاری ایران با کشف یک شبکه‌ی جاسوسی در زمینه‌ی گردآوری اطلاعات محرمانه و مدارک مربوط به نقشه‌های نظامی ایران به یکی از معدود موارد موفقیت‌آمیز فعالیت‌های سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا «سیا» خاتمه داد. با متلاشی شدن این شبکه تحلیل‌گران آمریکایی دریافتند که ایرانی‌ها از ماه‌ها پیش شبکه را کشف کرده و از کمک برای دادن اطلاعات ساختگی و نادرست استفاده می‌کردند. با این همه گفته می‌شود که پیش از برملا شدن این فعالیت‌ها اطلاعات نظامی گران‌بهایی، به‌ویژه در زمینه‌ی عملیات ایران در خلیج فارس به هنگام رویارویی نیروهای ایران و آمریکا به دست آمده بود. مقامات آمریکا با تأیید ادعاهای ایران دایر بر دستگیری جاسوس‌ها، برای نخستین بار در سال جاری می‌گویند که این رویداد نمایانگر دشواری‌های بسیاری است که سازمان «سیا» در گردآوری اطلاعات در ایران دارد. همان‌طور که جریانات اخیر نشان می‌دهد ایران از جمله دشوارترین و مهم‌ترین هدف‌های اطلاعاتی «سیا» و دیگر سازمان‌های اطلاعات آمریکاست و به گفته‌ی مقامات این کشور چنین تصور می‌شد که دستیابی به عوامل اطلاعاتی در ارتش ایران که بسیاری از افراد آن در آمریکا تعلیم دیده‌اند با دشواری کمتری همراه می‌باشد. بسیاری از جزئیات این قضیه همچنان نامعلوم است؛ از جمله دانسته نیست که ایران چگونه شبکه‌ی اطلاعاتی آمریکا را کشف و چند ماه از این شبکه برای دادن اطلاعات نادرست به آمریکا بهره‌برداری کرد. مقامات آمریکایی می‌گویند که در برنامه‌های تلویزیونی ایران که اعضای شبکه‌ی جاسوسی به پشت دوربین آمدند همه چیز را از نحوه‌ی نوشتن گزارش‌های سری به سازمان سیا، استخدام عوامل اطلاعاتی از راه تطمیع، اغفال و تهدید نشان می‌داد.»

فصل بیست و نهم

تأسیس دادسرای ویژه‌ی روحانیت

با عنایت به نقش روحانیت در پیدایش و تداوم انقلاب اسلامی در ایران، طبیعی است که سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه به منظور ضربه‌زدن به این انقلاب شکوهمند، سرمایه‌گذاری ویژه‌ای برای نفوذ در این قشر و سوءاستفاده از آنان برای رسیدن مقاصد شوم خود داشته باشند.

شیوه‌های نفوذ بیگانگان در روحانیون و حوزه‌های علمیه

سرویس‌های اطلاعاتی برای نزدیک شدن به روحانیون و نفوذ در حوزه‌های علمیه از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کنند؛ که در اینجا به شماری از آنها اشاره می‌کنم.

گفتنی است که تلاش بیگانگان برای نفوذ در روحانیت به معنای موفقیت آنها نیست، بلکه به رغم تلاش‌های فراوانی که داشته و دارند، جز افراد بسیار محدود از عناصر ساده‌لوح و یا سست ایمان را نتوانسته‌اند به دام بیندازند؛ از این‌رو اشاره به شیوه‌های نفوذ سرویس‌های جاسوسی بیگانه برای هشیاری هرچه بیشتر حوزه‌های علمیه و پیشگیری از فریب خوردن روحانیون، به‌ویژه اساتید بزرگ و تأثیرگذار در جامعه بی‌مناسبت نیست. این شیوه‌ها که براساس بررسی‌های اطلاعاتی وزارت اطلاعات در دوران تصدی اینجانب کشف شده است عبارت‌اند از:

۱- اظهار علاقمندی به اسلام و تحقیق درباره‌ی آن؛

۲- پذیرفتن اسلام و اجرای صیغه‌ی عقد شرعی ازدواج؛

۳- پرداخت وجوهات شرعی؛

٤- آشنایی با فرزندان علما و کشیدن آنها در خط تجارت؛

٥- دعوت برای شرکت در مراسم اعیاد مذهبی و ملی کشورها؛

٦- اعزام پزشک برای معالجه‌ی آنان؛

٧- صدور ویزای خارج از نوبت برای آنان؛

٨- دیدار با عناوین تحکیم عواطف انسانی و اسلامی، انتشار ترجمه‌ی آثار آنان در کشورهای متبوع خود؛

٩- اعزام افراد نفوذی در میان طلاب اعزامی از کشور متبوع خود به حوزه‌های علمیه؛

١٠- پرداخت کمک تبلیغاتی برای شرکت افراد در انتخابات، و... .

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید شماری از شیوه‌های نفوذ و نزدیک شدن به علما بسیار پیچیده است. افزون بر این، چه بسا سرویس‌های بیگانه با یک یا چند واسطه عمل می‌کنند که کار پیچیده‌تر می‌شود لذا پیشگیری از نفوذها هشیاری مضاعفی را می‌طلبد.

وظیفه‌ی وزارت اطلاعات

علاوه بر هشیاری روحانیون و حوزه‌های علمیه، وزارت اطلاعات نیز مسئول حفظ قداست روحانیت است؛ از این‌رو اینجانب در همان آغاز تأسیس وزارت اطلاعات بخش ویژه‌ای را مأمور پیگیری اطلاعاتی امور مربوط به روحانیت کردم. بدین‌سان بخش ویژه‌ی روحانیت در وزارت اطلاعات آغاز به کار کرد. به تدریج مشخص شد که رسیدگی به اتهامات روحانیون نیاز به یک بخش قضایی مستقل در قوه‌ی قضائیه دارد؛ زیرا به دلیل نقش روحانیت در نظام اسلامی و برای حفظ قداست آن باید با مجرمین با شدت بیشتری برخورد کرد. علاوه‌بر این، برخی از کارها که برای دیگران جرم محسوب نمی‌شود، به دلیل ضربه زدن به حیثیت روحانیت برای روحانی جرم است. و از سوی دیگر رسیدگی به اتهامات روحانیون باید به گونه‌ای باشد که اساس روحانیت نزد مردم زیر سؤال نرود.

۱/۲۹

نخستین دادگاه ویژه‌ی روحانیت

به دلایلی که اشاره شد در آغاز پیروزی انقلاب دادگاه ویژه‌ی روحانیت به سرپرستی آقای آذری قمی تشکیل شد. امام خمینی در دیدار جمعی از قضات دادگاه‌های انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۰، ضمن رهنمودهایی درباره‌ی .مسائل قوه‌ی قضائیه و حفظ قداست روحانیت، درباره‌ی دادگاه ویژه‌ی روحانیت فرمود:

«خدای متعال می‌داند که من نسبت به آخوندهای فاسد آن قدر شدید هستم که نسبت به سایر مردم نیستم. ساواکی پیش من محترم‌تر است از آخوند فاسد!... دادگاه ویژه برای این نیست که دفاع [از روحانیون فاسد] باشد برای این است که یک دسته اشخاص فاسد می‌خواهند اشخاص آبرومند را از بین ببرند و اینکه آقایان طرح کردند که در محیط خود اینها باشد [و دادگاه در قم تشکیل شود] برای خودشان هم نمی‌شناسند اینها را. و الا ما ابداً نظر نداریم به اینکه اینها فرق داشته باشند با سایرین. فرق این است که شیطنت [و] ملعنتشان بیشتر از دیگران است. آن قدر صدمه‌ای که اسلام از یک آخوند فاسد می‌خورد، از محمّدرضا نمی‌خورد! در روایات هست که آخوند فاسد و ملای فاسد در جهنم از بوی تعفنش اهل جهنم در عذاب هستند. در این دنیا هم از بوی تعفن بعض از آخوندهای فاسد دنیا در عذاب است. ما طرفداری از عمامه نمی‌کنیم. ما طرفدار اسلام هستیم...»[1]

---

۱. *صحیفه‌ی امام*، ج ۱۰، ص ۲۷۸، ۲۷۹.

امّا طولی نکشید که دادگاه ویژه‌ی روحانیت با تلاش آقای منتظری و طرفداران مهدی هاشمی منحل گردید. ایشان در خاطرات خود چنین آورده است:

«دادگاه ویژه، اول بار به تصدی آقای آذری کارهای تندی انجام داد و عکس‌العمل‌های تندی را به دنبال داشت و بالاخره تعطیل شد.»[1]

مهدی هاشمی درباره‌ی چگونگی انحلال دادگاه ویژه روحنیت نخستین می گوید:

«زمانی که دادگاه ویژه روحانیت در قم در اختیار طیف جامعه مدرسین بود و در برخوردها احساس می‌شد که خطی عمل می‌شود و بعد از جریان بازداشت چند نفر از طلاب مانند رحیمی حاجی‌آبادی، مصطفایی، حسینی و کلا افراد وابسته به روحانیت بیدار، طیف دوستان... و فقیه عالیقدر با چنین موجودیتی سازگار نبودند و ریشه مسئله نیز این بود که دادگاه مزبور وابسته به جناح راست است. از آن طرف مشکلات عملی دادگاه مزبور نیز زیاد بود و گاه و بیگاه مقامات مسئول دادگاه خدمت آقا می‌رسیدند و از تراکم مشکلات می‌نالیدند. یک بار آقای آذری آمده بودند خدمت آقا و اظهار داشته بود که افراد خسته شده‌اند و اگر این دادگاه تعطیل می‌شد یا افراد دیگری می‌آمدند خوب بود. آقاهادی فرصت را مغتنم شمرد و در اعلام رادیویی، خبر دیدار آقای آذری و این که ایشان به آیت‌الله منتظری پیشنهاد انحلال دادگاه ویژه روحانیت را نموده‌اند انعکاس یافت و همین امر موجب تعطیلی و انحلال آن شد و گویا بعدا نیز پرونده‌ها را نمی‌خواستند تحویل دفتر بدهند که نمی‌دانم دادند یا ندادند.»[2]

۱. خاطرات آقای منتظری، ص ۷۴۱.

۲. جلد ششم پرونده، صفحات ۱۱۰، ۱۱۱. به هر حال، اگر دلیل آن باشد که مهدی هاشمی گفته یا چیز دیگر، نخستین دادگاه ویژه‌ی روحانیت که زیر نظر شورای عالی قضایی بود منحل شد. ضرورت‌هایی که به شکل‌گیری دادگاه منجر شده بودند وجود خود را تحمیل می‌کردند. من که وجود چنین دادگاهی را برای حفظ و صیانت روحانیت و انقلاب ضروری می‌دانستم تلاش می‌کردم تا این دادگاه مجددا تشکیل شود. خوشبختانه،با تقاضا و تأکید آیت‌الله خامنه‌ای، حضرت امام قدس الله نفسه الزکیه دستور از سرگیری فعالیت این دادگاه را صادر و آقایان فلاحیان و رازینی را به عنوان دادستان و حاکم شرع دادگاه ویژه منصوب فرمودند.

گفتنی است که پس از انتشار کتاب «خاطرات سیاسی»جناب آقای آذری ر یک تماس تلفنی اظهار داشت: «ممکن است من نسبت به پشتیبانی آقای منتظری از افرادی که در دادسرای ویژه پرونده داشتند به ایشان اعتراض کرده باشم ولی پیشنهاد تعطیلی دادسرای ویژه را نداده‌ام. دفتر ایشان خبر دیدار مرا با ایشان خلاف واقع به رادیو داده است».[۱]

پیشنهاد تشکیل مجدد دادگاه ویژه‌ی روحانیت به امام

پس از شکل گرفتن بخش ویژه‌ی روحانیون در وزارت اطلاعات و احساس نیاز به بخش مستقل قضایی برای رسیدگی به اتهامات روحانی‌نمایان، اینجانب در ملاقاتی که با حضرت امام خمینی (ره) داشتم احیای مجدد دادسرا و دادگاه ویژه‌ی روحانیت را پیشنهاد کردم و دلایل خود را برای این پیشنهاد ارائه نمودم. گفتنی است که پیشنهاد من تشکیل دادسرای ویژه‌ی روحانیت جدا از قوه‌ی قضائیه نبود، بلکه منظورم اختصاص بخش ویژه‌ای از قوه‌ی قضائیه- مانند رسیدگی به اتهامات کارگزاران دولت- به این امر بود.

امام پیشنهاد مرا پذیرفت، هم‌چنین رئیس‌جمهور وقت آیت‌الله خامنه‌ای نیز با این پیشنهاد موافق بود. امّا قائم‌مقام رهبری آقای منتظری، مخالف تشکیل مجدد دادگاه ویژه‌ی روحانیت بود و ظاهراً به همین دلیل شورای عالی قضایی به رغم موافقت امام با احیای دادگاه ویژه‌ی روحانیت زیر بار اختصاص بخش ویژه‌ای در قوه‌ی قضائیه برای رسیدگی به اتهامات روحانیون نرفت.

شنیدم که یکی از اعضای بلندپایه‌ی شورا در پاسخ به اینکه چرا این بخش در قوه‌ی قضائیه تشکیل نمی‌شود، گفته بود که «گوشت آخوند تلخ است!» اشاره به اینکه برخورد با آخوندهای فاسد مشکلاتی غیرقابل تحمل برای قوه‌ی قضائیه دارد.

---

۱. این کتاب در سال ۱۳٦۸ منتشر شد و فوق‌العاده مورد استقبال خوانندگان قرارگرفت مطالب آن با ویرایش جدید و اضافات در جلد چهارم «خاطره‌ها» خواهد آمد.

۲/۲۹

نامه‌ی آقای منتظری به امام در مخالفت با دادگاه ویژه‌ی روحانیت و پاسخ امام

ادامه‌ی پیگیری‌ها در ارتباط با تشکیل دادگاه ویژه‌ی روحانیت سبب شد که آقای منتظری مخالفت خود را با این موضوع طی نامه‌ای رسماً به امام اعلام کند. ایشان در این باره می‌گوید:

«... ولی دوباره مرحوم امام تصمیم به تشکیل آن [دادگاه ویژه] گرفتند و چنین وانمود شد که غرض از آن اصلاح حوزه و تطهیر روحانیت است، و من چون به ضررهای آن واقف بودم به وسیله‌ی تلفنگرام به مرحوم امام مضارّ آن را یادآور شدم و پیشنهاد کردم از طرف خود حوزه هیأتی برای رسیدگی به تخلفات روحانیون تعیین گردد».[1]

متن تلفنگرام به امام که در کتاب خاطرات وی آمده این است:

«بسمه‌تعالی

محضر مبارک آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام، در مورد دادگاه ویژه در حوزه‌ی علمیه‌ی قم از قرار مسموع حضرتعالی موافق با تشکیل مجدد آن می‌باشید، مناسب دانستم به اطلاع برسانم شورای عالی مدیریت اخیراً پنج نفر از فضلا که عبارتند از آقایان حاج شیخ علی میانجی، بدلا، محفوظی، دیباجی و حاج شیخ حسین کریمی مسئول دادگستری

---

۱. *خاطرات آقای منتظری*، ص ۷٤۱.

شهرستان قم را جهت رسیدگی به مسائل اخلاقی و فکری و نظارت بر اعمال طلاب حوزه و حرکت‌های افراد ضد انقلاب تعیین و به تأیید آیت‌الله العظمی گلپایگانی و اینجانب نیز رسانده‌اند و قرار شده است با حفظ شئون مورد نظر مراتب را از قبیل تذکر و تهدید به قطع شهریه و محرومیت از دیگر مزایای حوزه و اخراج از مدارس و یا حوزه و یا خلع لباس، با افراد مربوطه برخورد شود و اگر در موردی این مراتب مؤثر واقع نشد به دادگاه‌های مربوطه‌ی شهرستان قم اعم از انقلاب و عمومی و حقوقی معرفی تا طبق ضوابط قانونی و اسلامی با آن فرد عمل گردد، با توجه به آنچه عرض شد و اینکه اکثریت قاطع فضلا و طلاب بسیاری از مدرسین نظرشان همین است و به علاوه در گذشته دادگاه ویژه تجربه‌ی خوبی نداشت و کارهای بی‌رویه و خارج از شئون روحانیت و اهل علم در حوزه زیاد انجام شد و اینکه در دستگاه قضائی شهرستان قم قضات شرع روحانی زیادی به کار مشغولند، علی‌هذا به نظر اینجانب نیازی به تشکیل مجدد دادگاه ویژه نیست، منتهی‌الامر باید به دادگاه انقلاب شهرستان قم سفارش شود در مواردی که به حرکات ضد انقلابی مربوط می‌شود قاطعانه و بدون محافظه‌کاری برخورد نماید مع‌ذلک، امر، امر مبارک است. سلامت کامل و طول عمر حضرتعالی را از خدای متعال مسئلت دارم. ادام‌الله ظلکم علی رئوس المسلمین.

حسینعلی منتظری

۶۵/۷/۱۱».

پاسخ امام خمینی به تلفنگرام آقای منتظری را حاج احمدآقا (ره) بدین شرح ابلاغ کرد:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت‌الله العظمی آقای منتظری دامت برکاته

پس از عرض سلام، خدمت امام مدظله فرمودند:

من صلاح آقایان میانجی، بدلا، محفوظی، دیباجی و کریمی را نمی‌دانم که هر روز یک و یا چند روحانی‌نما را خلع لباس و یا تبعید و زندان نمایند.

آقایان محترم در حدّ تذکر و حداکثر تهدید بسنده کنند، ولی آنچه به نظرشان می‌رسد را به فردی که برای این موضوع انتخاب می‌شود که باید قاطع و محکم باشد و تحت تأثیر تلفن‌ها و فشارها قرار نگیرد، معرفی نمایند تا او برخوردی

حساب شده در حدّ روحانی‌نمای معرفی شده از طرف آقایان بنماید، و هم‌چنین فرد مذکور می‌تواند با گزارشاتی که در این زمینه دریافت می‌نماید بدون واسطه‌ی آقایان اقدام نماید. این به هیچ‌وجه با آنچه حضرت آیت‌الله آقای گلپایگانی و شما موافقت کرده‌اید منافات ندارد.

راقم این سطور به حضرتعالی و سایر دوستان سلام دارد.

۶۵/۷/۱۳- احمد خمینی»

۳/۲۹

حادثه‌ای که به تشکیل مجدد دادگاه ویژه‌ی روحانیت انجامید

حدود دو سال از پیشنهاد اینجانب به امام در مورد تشکیل بخش ویژه‌ی رسیدگی به اتهامات روحانیون در قوه‌ی قضائیه می‌گذشت، امام نیز با این پیشنهاد موافق بود. امّا ظاهراً به دلیل مخالفت آقای منتظری عملاً قوه‌ی قضائیه کاری انجام نمی‌داد.

گویا چند بار آیت‌الله خامنه‌ای هم با امام در این رابطه صحبت کرده بودند، ولی نتیجه‌ای نداشت تا اینکه وزارت اطلاعات در ضمن پیگیری‌های یک جریان ضد انقلابی به یک مشکل اخلاقی در مورد یکی از چهره‌های سرشناس برخورد کرد. من این مشکل را با مستندات روشن آن به اطلاع آیت‌الله خامنه‌ای رساندم. ایشان از این گزارش به شدت متأثر شد و در ملاقاتی که با امام داشتند ضمن انتقال سربسته‌ی این جریان به امام، مجدداً بر ضرورت تشکیل دادگاه ویژه تأکید کردند. آیت‌الله خامنه‌ای بعداً به اینجانب فرمودند:

> «وقتی این موضوع را به امام گفتم، ایشان فرمودند: چه کنم بارها به آقای موسوی اردبیلی گفته‌ام که این دادگاه را تشکیل دهند، ولی انجام نمی‌دهند، اگر آقای ری‌شهری می‌پذیرد خود ایشان را مسئول تشکیل این دادگاه نمایم...».[۱]

آیت‌الله خامنه‌ای ادامه دادند که اگر شما بپذیرید، امام آمادگی دارد. من عرض کردم با توجه به مسئولیتی که در وزارت اطلاعات دارم مصلحت نیست این مسئولیت را بپذیرم.

---

۱. نقل به معنا

بدین‌سان امام آقای فلاحیان ـ که در آن هنگام قائم‌مقام وزیر اطلاعات بود ـ را در تاریخ ۱۳٦٦/۳/۲۵ به عنوان دادستان ویژه‌ی روحانیت منصوب کردند و از آن تاریخ تشکیلات قضایی ویژه‌ی روحانیت به طور مستقل مجدداً آغاز به کار کرد.

بدیهی است، اگر شورای عالی قضایی بخشی از قوه‌ی قضائیه را به این امر مهم اختصاص داده بود، نیازی به تشکیلات قضایی مستقل برای رسیدگی به اتهامات روحانیون احساس نمی‌شد، و این تشکیلات بخشی از قوه‌ی قضائیه بود. البته پیش از رحلت حضرت امام، آیت‌الله خامنه‌ای تشخیص دادند که ضرورتی که در دوران امام برای تشکیل این دادسرا احساس می‌شد هم‌چنان به قوت خود باقی است و مادامی که این ضرورت وجود داشته باشد، تشکیلات مذکور هم‌چنان باید مستقل بماند.

انتصاب اینجانب به سمت دادستانی ویژه‌ی روحانیت

همین‌جا مناسب است اشاره‌ی کوتاهی به انتصاب خود به دادستانی ویژه‌ی روحانیت داشته باشم، هر چند که این مسئولیت به دوران پس از وزارت اطلاعات مربوط است.

پس از رحلت امام و امتناع اینجانب از پذیرفتن مسئولیت وزارت اطلاعات در دولت جدید- که داستان آن را در آینده ان‌شاءالله به تفصیل بیان خواهم کرد- آقای فلاحیان وزیر اطلاعات شد طبعاً او دیگر نمی‌توانست دادستان ویژه باقی بماند، لذا در تاریخ ۱۳٦۸/۱۰/۱۳ رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای اداره‌ی دادسرای ویژه‌ی روحانیت را به اینجانب که در آن هنگام دادستان کل کشور بودم سپردند[1] و بدین‌سان تشکیلات قضایی ویژه‌ی روحانیت به صورت بخشی از قوه‌ی قضائیه درآمد، امّا همچنان استقلال خود را حفظ کرد.

۱. ر. ک. به: پیوست شماره‌ی ۱٤

٤/٢٩

انتقاد شدید آقای منتظری از دادگاه ویژه‌ی روحانیت

ماجرای تشکیل مجدد دادگاه ویژه‌ی روحانیت آن گونه بود که شرح دادم. اکنون با نگاه کوتاهی به خاطرات آقای منتظری و بررسی انتقادهای ایشان به دادگاه ویژه‌ی روحانیت و تشکیل مجدد آن به دستور حضرت امام و نیز پیشنهاد ایشان در مورد جایگزین دادگاه ویژه بحث را پی می‌گیریم.

همه‌ی آنچه آقای منتظری در خاطرات خود درباره‌ی دادگاه ویژه‌ی روحانیت آورده است در پنج عنوان خلاصه می‌شود:

۱- دادگاه ویژه خلاف قانون اساسی است

آقای منتظری معتقد است که دادگاه ویژه اختراع امام و رهبری است و تشکیل آن جرم است و تصریح می‌کند که:

«بدون شک این عمل مخالف قانون اساسی تلقی می‌شود که اگر از روی عمد باشد جرم است و اگر از روی غفلت باشد باید از اشتباه خود برگردد و خسارت‌های وارده را جبران نماید».

۲- انگیزه‌ی اصلی دادگاه ویژه

آقای منتظری بر این باور است که انگیزه‌ی اصلی تشکیل دادگاه ویژه‌ی روحانیت برخورد با اطرافیان ایشان به خصوص مهدی هاشمی است. وی پس از اشاره به نامه‌ی خود به امام و پاسخ منفی امام به پیشنهادش در مورد نشدن تشکیل دادگاه ویژه می‌نویسد:

بالاخره دادگاه ویژه را تشکیل دادند... و بعداً معلوم شد هدف عمده‌ی این تصمیم مستقیماً سید مهدی هاشمی و غیرمستقیم، من و علاقه‌مندان من و دفتر بوده‌اند، و چه افراد محترم بی‌گناهی از روحانیون خدمتگزار به اسلام و انقلاب به بهانه‌های واهی و به نام سید مهدی کوبیده شدند».[1]

۳- شکسته شدن حریم روحانیت و مرجعیت به وسیله‌ی دادگاه ویژه

آقای منتظری معتقد است که عملکرد دادگاه ویژه‌ی روحانیت در جهت هتک حیثیت روحانیت و مرجعیت است، وی می‌گوید:

«دادگاه ویژه هر چند به بهانه‌ی حفظ حریم روحانیت تأسیس شد، ولی به وسیله‌ی آن عملاً حریم روحانیت شکسته شد و در اثر برخوردهای تند و غلط برخی از مأمورین آن به تدریج حالت رعب و وحشت در جامعه‌ی روحانیت ایجاد شده و روحیه‌ی شهامت و شجاعت و اعتماد به نفس را از طبقه‌ای که پیوسته حامی حق و مدافع حقوق مردم ضعیف بوده‌اند سلب نموده است».[2]

٤- استفاده‌ی ابزاری از دادگاه ویژه

آقای منتظری در خاطرات خود گاه به صورت کنایه و گاه با صراحت مدعی می‌شود که دادگاه ویژه ابزاری برای انجام مقاصد شخصی مؤسسین آن است. وی می‌گوید:

«آقایان می‌خواهند به وسیله‌ی دادگاه ویژه، روحانیت را به طور کلی قبضه کنند و در اختیار خود قرار دهند...

در بند «د» از ماده‌ی ۱۳ قانون اختراعی این دادگاه مربوط به صلاحیت‌های آن، که از طرف آقای ری‌شهری تنظیم شد، این چنین آمده است: «کلیه‌ی اموری که از سوی مقام

---

۱. خاطرات آقای منتظری، ص ۷٤۱

۲. همان، ص ۷٤۱

معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود». این بند، دادگاه ویژه را ابزار و اهرمی برای اعمال سیاست‌های شخصی رهبر معرفی می‌کند.»[1]

۱. همان، صص ۷٤۱، ٤۷۲

۵/۲۹
پاسخ به انتقادات آقای منتظری به دادگاه ویژه

الف) نکاتی پیرامون ادعای غیرقانونی بودن دادگاه ویژه

۱- نخستین نکته اینکه آقای منتظری پس از برکناری از قائم‌مقامی رهبری و به‌ویژه پس از رحلت حضرت امام در باره‌ی اختیارات رهبر اختلاف نظر دارد. مسأله‌ی اصلی این است که امام معتقد بودند که ولی فقیه جامع شرایط رهبری که از پشتیبانی توده‌ی مردم برخوردار است، در جهت تأمین مصالح ضروری جامعه و به طریق اولی مصالح و نظام اسلامی دارای اختیارات نامحدود است. این نظریه علاوه‌بر اینکه خلاف قانون اساسی پیش از تجدیدنظر نبود، با صراحت در قانون اساسی فعلی در اصل پنجاه و هفتم با افزوده شدن «ولایت مطلقه‌ی امر» آمده است.

براساس این اختیارات چه در دوران رهبری حضرت امام، و چه در زمان حاضر، بسیاری از گره‌های کور سیاسی و غیرسیاسی توسط رهبر باز شده است.

بنابراین به نظر ما اقداماتی که امام و رهبری براساس این اختیارات انجام داده‌اند مطلقاً خلاف قانون اساسی نیست.

۲- بر فرض اگر تأسیس دادگاه ویژه چون در محدوده‌ی اختیارات امام و رهبری تعریف نشده، طبق نظر آقای منتظری، خلاف قانون و تشکیل آن جرم است، ایشان باید پاسخ دهد که قائم‌مقام رهبری در کجای قانون اساسی تعریف شده است؟ چرا هنگامی ایشان به قائم‌مقامی انتخاب شد نگفت این اقدام مجلس خبرگان خلاف قانون است؟! افزون بر این،

ایشان با استناد به کدام قانون در دوران قائم‌مقامی در امور اجرایی و قضایی کشور دخالت می‌کرد که شماری ازآنها را در همین کتاب خاطرات آورده است؟!! آیا اگر گفتار ایشان در کنار کردار ایشان بگذاریم نتیجه نخواهیم گرفت که استنباط ایشان در مورد اختیارات ولی فقیه تابع آن است که خود یا دیگری ولی فقیه باشد؟!!

ب) نکاتی درباره‌ی انگیزه‌ی اصلی تأسیس دادگاه ویژه

۱- در خاطرات آقای منتظری هیچ دلیل و یا هیچ قرینه‌ای که ادعای ایشان را نسبت به انگیزه‌ی تأسیس دادگاه ویژه تأیید کند ارائه نشده است، بنابراین معلوم نیست که ایشان از کجا کشف کرده هدف امام (ره) یا پیشنهاددهندگان تشکیل دادگاه ویژه به ایشان، برخورد با آقای منتظری و علاقمندان وی بوده است!

۲- پیش از این توضیح دادم که پیشنهاد دادگاه ویژه به امام در آغاز تأسیس وزارت اطلاعات بود، و در آن هنگام اصلاً مسأله‌ی مهدی هاشمی مطرح نبود. هم‌چنین حادثه‌ای که زمینه‌ساز تصمیم قطعی حضرت امام در مورد احیاء دادگاه ویژه شد، مربوط به یکی از روحانیون تهران بود آن هم ارتباطی با آقای منتظری پیدا نمی‌کرد.

۳- در جلد چهارم «خاطره‌ها» به خواست خدا توضیح خواهم داد که هیچ یک از مسئولان قصد براندازی ایشان را نداشتند، اینجانب نیز تا آن‌جا که توانستم تلاش کردم کار به آن‌جا که کشید، نیانجامد. ضربه‌ای که آقای منتظری خورد و به برکناری وی از قائم‌مقامی رهبری انجامید فقط از ناحیه‌ی خود او بود؛ حتی جریان مهدی هاشمی در این رابطه نقش اصلی نداشت. حال، ایشان چگونه ادعا می‌کند که هدف عمده‌ی تشکیل دادگاه ویژه به طور مستقیم مهدی هاشمی و به طور غیرمستقیم شخص او بود. اثبات این مدعا به عهده‌ی خود اوست.

٤- بهتر بود ایشان یکی از آن افراد محترم و بی‌گناهی را که به بهانه‌های واهی و به نام مهدی هاشمی کوبیده شدند نام می‌برد تا معلوم شود کیست و توضیح دهیم که آیا جرمی داشته یا به بهانه‌های واهی با او برخورد شده است.

ج) نکاتی پیرامون ادعای شکسته شدن حریم روحانیت به وسیله‌ی دادگاه ویژه

۱- شایسته بود که به جای کلی‌گویی آقای منتظری توضیح می‌داد که حریم کدام روحانی و مرجع تقلید به وسیله‌ی دادگاه ویژه شکسته شده است؟ آیا محاکمه‌ی مهدی هاشمی و امثال او از روحانی‌نمایان به معنای شکستن حریم روحانیت و مرجعیت است؟!

۲- آیا اقدامات دادگاه ویژه در برخورد با روحانی‌نمایان، شکستن حریم روحانیت و مرجعیت است؟ یا اهانت‌هایی که وی مستقیم و غیرمستقیم در خاطراتش نسبت به امام روا داشته، شکستن حریم روحانیت و مرجعیت است؟!

۳- ایشان مدعی است که به دلیل برخوردهای غلط برخی مأموران دادگاه ویژه، رعب و وحشت در جامعه‌ی روحانیت ایجاد شده و روحیه‌ی شهامت و شجاعت و اعتماد به نفس را ازآنها سلب کرده است. البته حوزه‌های علمیه، روحانیت متعهد و مراجع بزرگ تقلید باید به این ادعا و یا اهانت، پاسخ گویند که آیا این سخن صحیح است یا کذب و افتراء؟ البته من مدعی عصمت و مصونیت مأمورین دادگاه ویژه از خطا نیستم، ولی بی‌تردید خطای برخی مأموران دادگاه ویژه نمی‌تواند چنین رعب و وحشتی در جامعه‌ی روحانیت ایجاد کند، و شأن روحانیت و مرجعیت بسیار والاتر از آن است که به دلیل خطای یک مأمور و یا برخورد دادگاه ویژه با روحانی‌نمایان خطاکار، روحیه‌ی شهامت و شجاعت خود را در دفاع از محرومان از دست بدهد.

د) پاسخ به استفاده از دادگاه ویژه

آقای منتظری مدعی است که «آقایان می‌خواهند به وسیله‌ی دادگاه ویژه، روحانیت را به طور کلی قبضه کنند و در اختیار خود قرار دهند...» معلوم نیست مقصود ایشان از «آقایان» کیست؟ مقصودش امام است یا آیت‌الله خامنه‌ای و یا دیگران، هر کس مقصود ایشان باشد وی باید برای توضیح این ادعا به چند سؤال پاسخ دهد:

۱- چه دلیلی برای اثبات این مدعا دارد؟

۲- آیا برخورد با افراد مجرم و آدم‌کش مانند مهدی هاشمی و امثال او سبب می‌شود که روحانیت در قبضه‌ی کسی قرار گیرد؟

۳- امام یا رهبر فعلی یا دیگران از در اختیار گرفتن جامعه‌ی روحانیت چه هدفی را دنبال می‌کنند؟

٤- آیا آقای منتظری می‌تواند نمونه‌ای را نشان دهد که رهبری، دادگاه ویژه را ابزار و اهرمی برای اعمال سیاست‌های شخصی خود کرده باشد؟

آقای منتظری اگر در این دنیا هم به این پرسش‌ها پاسخ ندهد، حتماً روزی باید پاسخگوی ادعاهای خود باشد.

هـ) نقد پیشنهاد جایگزین برای دادگاه ویژه

آقای منتظری در تلفنگرام مورخ ۱۳٦۵/۷/۱۱ ضمن مخالفت با تشکیل مجدد دادگاه ویژه، به امام پیشنهاد می‌کند که به جای دادگاه ویژه، یک هیئت پنج نفره منتخب شورای عالی مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم که مورد تأیید وی و آیت‌الله گلپایگانی است به مسائل اخلاقی و فکری روحانیون متخلف رسیدگی کند و بر اعمال طلاب حوزه و حرکت‌های ضد انقلاب نظارت نمایند و متخلفین را به احکامی مانند محرومیت از مزایای حوزه، اخراج و یا خلع لباس روحانیت محکوم نمایند، و در صورتی که این تنبیهات مؤثر نشد به دادگاه‌های انقلاب و یا عمومی معرفی نمایند، و در پایان نامه، اضافه می‌کند: «مع‌ذلک، امر، امر مبارک است!».[1]

در مورد این پیشنهاد چند نکته قابل توجه است:

۱- با عنایت به اینکه آقای منتظری معتقد است که دادگاه ویژه خلاف قانون اساسی است و تشکیل آن جرم است، باید به این سؤال پاسخ دهد که چرا در این تلفنگرام، اشاره به این مطلب نکرد؟ بلکه در پایان نامه نوشت: «مع‌ذلک، امر، امر مبارک است»! آیا خود این نامه بیانگر این معنا نیست که نظر ایشان در مورد اختیارات رهبر، پس از کنار گذاشته شدن از قائم مقام رهبری تغییر پیدا کرده است؟

۱. ر. ک به ص ۲٤٤

۲- این پیشنهاد نشان می‌دهد که لااقل رسیدگی به بخشی از تخلفات روحانی‌نمایان، نیاز به تشکیلاتی مستقل دارد. چیزی که هست، این تشکیلات کارش، کار قضایی است، نباید اختیارات قضایی داشته باشد بلکه باید زیر نظر مدیریت حوزه انجام وظیفه نماید.

بنابراین ایشان باید توضیح دهد، تشکیلاتی که اختیار قضایی ندارد، چگونه می‌تواند کسانی را که متخلف شناخته شده‌اند، محکوم به محرومیت از بخشی از حقوق اجتماعی نماید؟ و اگر بگوید اختیار قضایی دارد، باید بگوید، منشأ قانونی این اختیار چیست؟ یا به عبارتی دیگر، «تشکیل یک هیئت پنج نفره‌ی منتخب شورای عالی مدیریت «برای رسیدگی به مسائل اخلاقی و فکری» سپس مجازات «محرومیت از مزایای حوزه و اخراج از مدارس یا حوزه و یا خلع لباس» اینها قانونی است؟

۲- کسانی که شم سیاسی و اجتماعی دارند می‌دانند که برخورد با تخلفات سیاسی و اخلاقی روحانی‌نمایان حتی در حدّ خلع لباس روحانیت، کار شورای منتخب مدیریت حوزه‌ی علمیه نیست و افزون بر این، همان‌طور که در پاسخ امام به آقای منتظری هم آمده‌است، به صلاح اساتید و فضلای حوزه‌ی علمیه هم نیست که با این‌گونه افراد درگیر شوند. نکته‌ی دیگری که در پاسخ امام آمده این است که، کسانی می‌توانند با تخلفات روحانی‌نمایان برخورد کنند که از قاطعیت لازم برخوردار باشند و تحت تأثیر فشارها و جوسازی‌ها نشوند؛ این فشارها تا حدی است که شورای عالی قضایی، در دوران رهبری امام، به رغم دستور مکرر ایشان- چنان‌که قبلاً اشاره شد-[1] حاضر به احیای مجدد دادگاه ویژه نشد.

تجربه‌ی گذشته نشان می‌داد که برخورد با تخلف روحانی‌نمایان، نه تنها کار شورای عالی مدیریت حوزه و شورای منتخب آنها نیست، بلکه به دلایل مختلف، دادگاه‌های معمولی هم از عهده‌ی این کار برنمی‌آیند، و این کار نیاز به تشکیلاتی مستقل و قوی دارد.

---

۱. ر. ک به ص ۲٤۱

پیوست‌ها

پیوست شماره‌ی ۱

تأکید ریاست جمهوری وقت به آقای ری‌شهری در مورد تهیه کتاب خاطرات

جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

شماره: ۲۱۱-۱۵۹۷/م
تاریخ: [illegible]
پیوست:

" بسمه‌تعالی "

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدی ری شهری دام‌عزه
وزیر محترم اطلاعات

خبر مندرج بولتن روزانه‌ی شماره‌ی ۹۵۶/د مورخ ۶۷/۸/۲ موضوع روانشناسی فراریان ضد انقلاب در بلوک شرق به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید.

پی‌نوشت فرمودند:

" جناب آقای ری شهری

تهیه‌ی کتاب خاطرات بسیار مفید و مهم است.

مخصوصاً اگر مشتمل بر تحلیل کمتر و خاطره‌ی بیشتر باشد.

خوب است دستور فرمایید این طرح عملی شود. ۶۷/۸/۹ "

سید مصطفی میرسلیم
سرپرست نهاد ریاست جمهوری

شماره ۱۱۱۲۶۵ قطعوت ۲۲
تاریخ ۱۵/۸/۶۷
ارجاع ۱۱۳۲۴/۳۰۲
کد بایگانی

شماره ۴۶۲۵۹
تاریخ ۱۱/۸/۶۷

خیلی محرمانه

پیوست شماره‌ی ۲
محاکمه‌ی دو عامل بمب‌گذاری میدان امام خمینی

ساعت ۹/۳۰ صبح دیروز دادگاه محاکمه‌ی ۲ عامل بمب‌گذاری در میدان امام خمینی در تاریخ ٦١/٥/٧ که بر اثر هوشیاری مأمورین آگاهی کشف و خنثی گردید با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید رسمیت یافت و سپس متن کیفرخواست صادره از دادستانی انقلاب اسلامی قرائت شد. در متن کیفرخواست ضمن برشمردن عملکرد و توطئه‌های آمریکا و دیگر مزدوران داخلی‌اش و عقیم ماندن تمامی این توطئه‌ها و توطئه‌ی بمب‌گذاری در مراکز پرجمعیت به منظور تضعیف و بیرون بردن امت حزب‌الله از صحنه‌ی مبارزه در خصوص مشخصات متهمین آمده است:

*** مشخصات متهمین**

۱- غیر نظامی صالح احمدی (سدری) دارنده‌ی شناسنامه‌ی شماره‌ی ۹۱۱۹ صادره از سقز، فرزند علی، بی‌سواد، دارای عیال و اولاد، بازداشت از تاریخ ٦١/٥/٧؛

۲- غیر نظامی غفور دربندی فرزند احمد، اهل و ساکن سقز، بی‌سواد، دارای عیال و اولاد، بازداشت از تاریخ ٦١/٥/١٢.

در متن کیفرخواست همچنین آمده است:

در تاریخ ٦١/٥/٧ در میدان امام خمینی یکی از پر جمعیت‌ترین نقاط تهران یک اتومبیل رنجرور که ۷۰ کیلو تی. ان. تی در آن کار گذاشته شده بود توسط مأمورین آگاهی شهربانی

جمهوری اسلامی ایران شناسایی و کشف و به دنبال آن متهم ردیف یک در حالی که چاشنی‌های انفجار در بازرسی بدنی از وی بدست آمده بود دستگیر گردید.

محمّد صالح احمدی معترف است که ضمن تماس با ضد انقلابیون وابسته به حزب دموکرات کردستان ماشین رنجرور سفید رنگی را که ۷۰ کیلو تی‌ان‌تی در آن جاسازی شده بود تحویل گرفته تا در میدان امام خمینی منفجر نماید که بحمدالله موفق نمی‌شود.

همچنین قرار بوده که بعد از این انفجار، کامیون دیگری را آورده و در مقابل وزارت کشور منفجر نماید و در قبال هر دو انفجار دویست و پنجاه هزار تومان پول دریافت دارد که در این رابطه به عنوان پیش پرداخت ۳۰ هزار تومان گرفته است.

غفور دربندی ضمن اینکه از وجود مواد منفجره در رنجرور مطلع بوده جهت رساندن اتومبیل به تهران در قبال گرفتن چند هزار تومان اعلام آمادگی نموده و با متهم ردیف بالا در رابطه با تماس با ضد انقلابیون وابسته به دموکرات جهت دیدن ماشین مزبور و گرفتن کرایه از آنها رابطه داشته است.

مشارالیه که راننده می‌باشد در طول مدت فعالیت ضد انقلابیون به آنان کمک‌های فراوانی نموده است که شرح آن در صفحات ۸ و ۷ و ٦ آمده است.

سپس به حجت‌الاسلام ری‌شهری قاضی شرع و رئیس دادگاه‌های انقلاب ارتش از متهم ردیف اول سؤال کرد.

س- آقای احمدی بفرمایید این ماشینی را که در آن مواد منفجره بوده است از کجا آوردید؟

ج- این ماشین را از شخصی به نام علی که از قبل از انقلاب او را می‌شناختم و شخص دیگری به نام رافع که بعداً او را شناختم تحویل گرفتم.

س- در این رابطه به شما دستور داده بودند چه کاری انجام دهید؟

ج- آنها ضمن اینکه مرا تحریک و تطمیع کرده بودند گفتند این ماشین را بیاورم تهران و قسم خورده بودند که این بمب تنها ایجاد وحشت می‌کند و من نیز با اعتماد به قسم اینها این کار را کردم و ماشین را آوردم تهران و در خیابان ناصرخسرو و جنب میدان امام خمینی گذاشتم.

س- آقای احمدی جریان را به طور مشروح از زمانی که با شما تماس گرفتند تا موقعی که آمدید تهران توضیح دهید.

ج- روز عید فطر بود من خانه نشسته بودم. یکی از آشنایان قبلی به نام آقاجی که قبلاً سابقه نداشت به خانه‌ی ما بیاید ظاهراً جهت عید دیدنی به خانه‌ی ما آمد، موقع رفتن گفت که علی با تو کار دارد و باید به ده «قروه‌سلیمان» و به نزد او بروی و بعد هم هزار تومان پول داد و گفت که این کرایه‌ی راه است و گفت موقع رفتن شخصی به نام محمّد صالح را نیز که من از قبل او را می‌شناختم با خود ببرم. فردای آن روز من محمّد صالح را پیدا کردم و به اتفاق او رفتیم منزل آقاجی که از او توضیح بیشتری بخواهیم ولی آقاجی گفت که فقط به من گفتند که به شما بگویم به آنجا بروید. بعد هم آقای غفور دربندی را معرفی کرد که با ماشین جیپ او به ده قروه‌سلیمان برویم. غفور دربندی گفت اگر در راه از طرف سپاه جلوی ما را گرفتند بگویید برای خریدن چوب، به آنجا می‌رویم، به ده که رسیدیم ظهر بود بعد از نهار علی مرا آورد بیرون و گفت کاری دارم باید انجام بدهی من پرسیدم چه کاری، گفت یک ماشین که در آن مواد منفجره جاسازی شده است را باید ببری تهران و به خیلی مقدسات قسم خورد که این بمب جز ایجاد وحشت هیچ کار دیگری نمی‌کند. بعد هم گفت: یا پول می‌گیری این کار را انجام می‌دهی یا اینکه یک نارنجک در خانه‌ات می‌اندازیم.

س- کاملاً توضیح دهید که در آن جلسه به شما چه گفتند و چه کاری را خواستند انجام بدهید.

ج- گفت که شما ۱۲۰ هزار تومان می‌گیرید و این ماشین را می‌برید تهران و در تهران آن را منفجر می‌کنی و من نیز تسلیم او شدم و قبول کردم بعد آمدم سقز ۳ هزار تومان دادم و ٦۰ لیتر بنزین گرفتم و در ماشین ریختم و چون گیربکس ماشین شکسته بود و موتورش صدا می‌داد آن را آوردم سر جاده و بعد با یک کامیون عبوری آوردم تهران موقعی که به تهران رسیدم از کرده‌ی خود پشیمان شدم ولی به نظر خودم کار از کار گذشته بود و من یا باید ماشین را منفجر می‌کردم و یا اینکه فرار می‌کردم و زن و بچه‌ام آواره می‌شدند!!! ولی خوشبختانه مأمورین ماشین را برده بودند به اداره‌ی آگاهی و من در اداره‌ی آگاهی گفتم که دو تا ماشین دیگر نیز هست که گفته‌اند یکی جلوی دخانیات سقز منفجر می‌شود. و دیگری

نیز توسط من یا شخص دیگری در تهران و برای آوردن دو ماشین به من ۲۵۰ هزار تومان پیشنهاد کرده‌اند و من گفتم که به برادران پاسدار سقز اطلاع دهند اگر چنین ماشینی در آنجا دیدند به آن دست نزنند و بمب آن را خنثی کنند.

س- به شما نگفتند که این ماشین از کجا آمده است؟

ج- خیر ماشین پلاک تهران داشت و چون جای سؤال نداشت من نیز نپرسیدم.

س- چقدر تی. ان. تی در آن جاسازی شده بود؟

ج- اطلاع ندارم.

س- به شما نگفتند که قدرت تخریب این بمب چقدر است؟

ج- خیر، فقط گفتند که این بمب اگر منفجر شود فقط مقداری ایجاد وحشت می‌کند.

س- به شما گفته بودند این بمب را کجا بگذارید؟

ج- گفته بودند جلوی وزارت کشور و اگر نشد پشت مخابرات در میدان امام خمینی و من نیز آن را تقریباً در میدان امام خمینی گذاشتم.

س- مجموعاً چقدر به شما پول داده بودند؟

ج- ۳۰ هزار تومان.

س- بعد از چند ساعت که ماشین را گذاشته بودید مأمورین آگاهی متوجه شدند؟

ج- من تقریباً شب ماشین را گذاشته بودم ولی چاشنی آن را کار نگذاشتم و صبح به قصد اینکه یا ماشین را ببرم جائی و یا در صورت امکان خوردم را با ماشین معرفی کنم ولی ماشین را مأمورین آگاهی برده بودند.

ج- من رفتم اداره‌ی آگاهی و گفتم که ماشین را من جهت تعمیر به تهران آورده‌ام و کارت ماشین را داده‌ام ولی مأمورین گفتند که ماشین دزدی است و کارت ماشین نیز جعلی است.

س- پس شما خودت را معرفی نکردی بلکه وقتی مأمورین فهمیدند که ماشین دزدی است و در ماشین مواد منفجره است شما را بازداشت می‌کنند.

ج- مأمورین از وجود مواد منفجره اطلاع نداشتند فقط متوجه دزدی بودن ماشین شده بودند.

س- وقتی که شما بازرسی شدید و چاشنی‌ها از جیب شما کشف شد شما نیز مجبور شدید جریان را بگویید.

ج- خیر، من خودم چاشنی را به آنها دادم.

آنگاه حجت‌الاسلام ری‌شهری قسمت‌هایی از گزارش اداره‌ی شهربانی را قرائت کرد:

«بعد از اینکه مشاهده شد که شماره‌ی ماشین با کارت آن مطابقت ندارد و شماره‌ی ماشین قلابی است معلوم شد که متهم قلابی است معلوم شد که متهم عکس خود را روی گواهی‌نامه‌ی شخصی به نام «حسن محمدی» الصاق نموده است که مدارک مکشوفه ضبط و بلافاصله از نامبرده بازرسی بدنی به عمل آمد، دو عدد مواد منفجره که بنا به اظهار خود متهم چاشنی مواد منفجره می‌باشد کشف شد و متهم قبل از بازجویی با گریه اظهار داشت که ماشین را در شهرستان سقز افراد ضد انقلاب به او داده‌اند. ... و با توجه به مواد منفجره که در بدنه‌ی اتومبیل و کف آن جاسازی شده بود با دستوراتی که به او داده‌اند اداره‌ی مخابرات تهران را منفجر کند و بعداً اتومبیل دیگری را که از نوع داف می‌باشد از سقز به تهران بیاورد و وزارت کشور را منفجر کنند.»

آنگاه حجت‌الاسلام ری‌شهری خطاب به متهم گفت:

«پس شما خودتان چاشنی را نداده‌اید بلکه بازرسی بدنی شده‌اید و اینها را کشف کرده‌اند و شما دیده‌اید جریان لو رفته اعتراف کرده‌اید. شما رفتی آنجا برای اینکه ماشین را بگیری چون از جاسازی بمب مطمئن بودی و فکر می‌کردی هنوز نفهمیده‌اند در ماشین مواد منفجره است و اگر نمی‌خواستی ماشین را منفجر کنی چه علتی داشت که ماشین را بیاوری تهران. می‌بردی در بیابان می‌گذاشتی و می‌آمدی».

متهم جواب داد: من اگر قصد انفجار ماشین را داشتم از شب تا صبح که وقت داشتم این کار را انجام می‌دادم.

س- شما نمی‌خواستی که ماشین را شب منفجر کنی می‌خواستی یک زمانی که جمعیت هست منفجر کنی که تلفات بیشتر شود. دستور این طور بوده است.

ج- من اگر می‌خواستم ماشین را منفجر کنم چاشنی را کار می‌گذاشتم ولی این کار را نکردم!!!

س- خوب موقعی که قصد انفجار ماشین را داشتی این کار را می‌توانستی انجام دهی. همان‌طور که اینجا در بازجویی نوشته‌اید: «ماشین را با جرثقیل پیاده کردم و در خیابان گذاشتم و روز گذشته حدود ساعت ٦ بعد از ظهر جلوی مخابرات مرکز در میدان امام خمینی بودم. قرار بود که ساعت ۸ الی ۹ صبح امروز یعنی مورخ ٦١/٥/٧ وسایل انفجار آن را فراهم کرده و آن را منفجر سازم» یعنی شما قرار بوده که بین ساعت ۸ صبح تا ۹ صبح اتومبیل مزبور را منفجر نمائید.

آنگاه حجت‌الاسلام ری‌شهری از متهم پرسید:

«شما گفتید به خاطر اینکه زن و بچه‌ی‌تان را نکشند این بمب را کار گذاشتید که منفجر شود، خوب شما فکر نکردی که این همه زن و بچه اینجا از بین می‌روند. این را چگونه توجیه می‌کنید؟»

ج- اینها به همه‌ی مقدسات قسم خورده بودند که این بمب اگر منفجر شود فقط شیشه خرد می‌شود حتی خون از دماغ کسی نمی‌آید و من نیز به گفته‌ی اینها اعتماد کردم.

س- آیا ممکن است بمب وسط جمعیت منفجر شود و خون از دماغ کسی نیاید؟

ج- من بعداً متوجه دروغ اینها شدم.

س- چطور شما برای گرفتن ۳۰ هزار تومان پول تن به این جنایت دادید؟

ج- آنها مرا تحریک کردند و طمع و نادانی خودم نیز بر آن افزوده شد چراکه اگر آدم دانایی بودم هیچ‌گاه این کار را نمی‌کردم.

س- آیا غفور دربندی متهم ردیف دوم نیز به همراه شما بود و ایشان چقدر در این جریان دخالت داشت؟

ج- ایشان همراه من نبود و فقط موقع رفت و آمد به ده «قروه‌سلیمان» مرا می‌برد و می‌آورد و اگر چیزی به او گفته باشند من نمی‌دانم و فقط می‌دانست که من این ماشین را جهت تعمیر به تهران می‌برم و نمی‌دانست که در ماشین بمب است.

آنگاه سرپرست دادگاه‌های انقلاب ارتش «غفور دربندی» متهم ردیف دوم را مورد سؤال قرار داد.

س- آیا اینها، رفتن به «قروه‌سلیمان» را پیشنهاد دادند یا تو به آنها پیشنهاد دادی؟

ج- اینها پیش من آمدند و گفتند ما می‌خواهیم به آبادی برویم و من گفتم که من هم می‌خواهم برای مجلس ختم یکی از سران ضد انقلاب به آنجا بروم در نتیجه به اتفاق هم به آنجا رفتیم.

در اینجا یکی از برادران سپاه کردستان که در دادگاه حضور داشت، توضیحاتی در مورد غفور دربندی متهم ردیف دوم و همکاری وی با ضد انقلاب داد و گفت: متهم ردیف دوم به اینکه ماشین را توسط محمّد صالح احمدی به تهران فرستاده‌اند اعتراض کرده و گفته این ماشین را چرا به من نداده‌اید ببرم.

سپس آقای ری‌شهری از متهم پرسید: آیا تو پیشنهاد نکرده بودی که ماشین را به تهران بیاوری؟

متهم جواب داد: «خیر فقط من از آنجا که فکر می‌کردم ماشین خراب است و جهت تعمیر به تهران فرستاده شده گفتم چرا ماشین را ندادید من ببرم که آنها گفتند این ماشین خطرناک است و حامل مواد منفجره بوده است، من آن وقت خبردار شدم یعنی زمانی که احمدی دستگیر شده بود».

س- آیا تو با ضد انقلاب همکاری داشتی؟

ج- من همکاری نداشتم ولی آنها به زور از ما نان و مواد خوراکی می‌گیرند و در موقع رفتن به ده از ما گمرکی دریافت می‌کنند و به زور از من بنزین می‌گیرند.

آنگاه حاکم شرع از متهم ردیف اوّل پرسید این عمل خود را چگونه توجیه می‌کنید؟

محمّد صادق احمدی متهم ردیف اوّل جواب داد: «من این عمل خود را غیر انسانی می‌دانم و هیچ انسان با شرافتی قبول نمی‌کند که به خاطر وجود خود و خانواده‌اش افراد بی‌شماری را به خاک و خون بکشد و ای کاش من قبلاً نه به این جرم که به جرم کوچکتری دستگیر می‌شدم و قبل از این عمل جنایتکارانه با برادران پاسدار برخورد می‌کردم و اسلام واقعی را می‌شناختم».

ساعت ۱۱ صبح دیروز حجت‌الاسلام ری‌شهری سرپرست دادگاه‌های انقلاب ارتش ختم دادگاه را اعلام کرد و دادگاه جهت اعلام رأی نهایی وارد شور شد.

پیوست شماره‌ی ۳

قانون وزارت اطلاعات

روزنامه‌ی رسمی شماره‌ی ۱۱۲۳۷- ۱۳٦۲/۷/۲

۱۳٦۲/٦/۱٦- ۵۲۲٤٦

نخست‌وزیری

قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی که در جلسه‌ی روز پنج‌شنبه بیست و هفتم مرداد ماه یک هزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳٦۲/٦/۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه‌ی شماره‌ی ۱/۹۰۱۵ مورخ ۱۳٦۲/٦/۱۰ ریاست جمهوری به نخست‌وزیری واصل گردیده است برای اجرا به پیوست ابلاغ می‌گردد.

نخست‌وزیر- میرحسین موسوی

قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی

ماده‌ی ۱- به منظور کشف و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی و بدست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی؛ کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌گردد.

تبصره‌ی ۱- اطلاعات نظامی با حفظ هماهنگی با وزارت اطلاعات بر عهده‌ی ارگان‌های نظامی خواهد بود.

تبصره‌ی ۲- اطلاعات تخصصی آشکار در هر زمینه به عهده‌ی ارگان تخصصی مربوط می‌باشد.

تبصره‌ی ۳- هر یک از وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادها و نیروهای نظامی و انتظامی که در کسب اطلاعات تخصصی خود به مسائل امنیتی برخورد نمایند، همچنین هرگونه اطلاعاتی که مورد تقاضای وزارت اطلاعات باشد، موظفند آن اطلاعات را در اختیار وزارت اطلاعات قرار دهند.

ماده‌ی ۲- به منظور انجام مشورت‌های لازم جهت هماهنگی امور اجرایی اطلاعات، در حدود قانونی هر ارگان، شورایی مرکب از اعضای زیر تشکیل می‌گردد:

۱- وزیر اطلاعات؛

۲- دادستان کل کشور؛

۳- وزیر کشور یا نماینده‌ی تام‌الاختیار او؛

٤- مسئول حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران؛

۵- مسئول واحد اطلاعات سپاه پاسداران؛

٦- مسئول حفاظت اطلاعات ارتش؛

۷- مسئول واحد اطلاعات ارتش؛

۸- وزیر امور خارجه یا نماینده‌ی تام‌الاختیار او؛

۹- مسئول حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی.

ماده‌ی ۳- اطلاعات انتظامی بر عهده‌ی نیروی انتظامی متشکل از شهربانی، ژاندارمری، کمیته‌ی انقلاب می‌باشد. حوزه‌ی مأموریت اطلاعاتی هر یک از نیروهای انتظامی طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بودکه به تصویب وزیر کشور می‌رسد و هماهنگی بین آنها برعهده‌ی وزیر کشور می‌باشد.

ماده‌ی ٤- کلیه‌ی امور اجرایی امنیت داخلی بر عهده‌ی ضابطین قوه‌ی قضائیه می‌باشد.

تبصره‌ی ۱- وزارت اطلاعات قبل از عملیات، اطلاعات لازم را در اختیار ضابطین قرار خواهد داد.

تبصره‌ی ۲- ضابطین کلیه‌ی اسناد و مدارک اطلاعاتی را که در حین عملیات بدست می‌آورند بلافاصله به وزارت اطلاعات تحویل خواهند داد.

ماده‌ی ۵- سپاه پاسداران ضمن تبعیت از خط‌مشی وزارت اطلاعات در مورد مبارزه با ضد انقلاب داخلی و مأموریت‌های محوله در اساس‌نامه‌ی سپاه تا اعلام آمادگی وزارت اطلاعات، اطلاعات داشته و حق کسب و جمع‌آوری اخبار و تولید اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن و شناسایی ضد انقلاب را داشته و این وزارتخانه را کمک می‌کند.

ماده‌ی ۶- واحد اطلاعات سپاه پاسداران وظایف زیر را بر عهده دارد:

۱- اطلاعات نظامی؛

۲- گرفتن اطلاعات لازم از وزارت اطلاعات قبل از عملیات به عنوان ضابط قوه‌ی قضائیه؛

۳- تحویل اخبار واصله‌ی امنیتی به وزارت اطلاعات.

ماده‌ی ۷- حفاظت اطلاعات در ارتش جمهوری اسلامی ایران در قالب یک سازمان متمرکز و مستقل وابسته به ستاد مشترک با حفظ هماهنگی با وزارت اطلاعات انجام می‌شود.

مسئول این سازمان از بین افراد مورد تأیید مقام رهبری و فرماندهی کل نیروهای مسلح با حکم رئیس ستاد مشترک نصب می‌گردد. عزل وی نیز با تأیید مقام رهبری با حکم رئیس ستاد مشترک انجام می‌شود.

تبصره‌ی ۱- کلیه‌ی افرادی که در این سازمان خدمت می‌نمایند پس از تأیید سازمان سیاسی ایدئولوژیک ارتش به‌وسیله‌ی رئیس حفاظت اطلاعات ارتش نصب و عزل می‌گردند.

تبصره‌ی ۲- افراد حفاظت اطلاعات ارتش از نظر مقررات انضباطی تابع فرمانده یگان خود می‌باشد.

ماده‌ی ۸- حفاظت اطلاعات در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قالب یک سازمان متمرکز مستقل وابسته به ستاد مرکزی سپاه پاسداران انجام می‌شود. مسئول این سازمان از بین افراد مورد تأیید مقام رهبری و فرماندهی کل نیروهای مسلح با حکم فرمانده کل سپاه پاسداران نصب می‌گردد. عزل وی نیز با تأیید مقام رهبری و حکم فرمانده کل سپاه پاسداران انجام می‌شود.

تبصره‌ی ۱- کلیه‌ی افرادی که در این سازمان خدمت می‌نمایند پس از تأیید نماینده‌ی مقام رهبری در سپاه پاسداران به‌وسیله‌ی رئیس سازمان حفاظت اطلاعات سپاه نصب و عزل می‌گردند.

تبصره‌ی ۲- افراد حفاظت اطلاعات سپاه از نظر مقررات انضباطی تابع فرمانده یگان خود می‌باشند.

ماده‌ی ۹- حفاظت اطلاعات در نیروهای انتظامی در قالب یک سازمان متمرکز در وزارت کشور انجام می‌شود. مسئول این سازمان به‌وسیله‌ی وزیر کشور نصب و عزل می‌گردد. این سازمان در هر یک از نیروهای انتظامی، واحدی مستقل و وابسته به همان نیرو خواهد داشت.

تبصره‌ی ۱- کلیه‌ی افرادی که در این سازمان و واحدهای مربوطه خدمت می‌نمایند پس از تأیید سازمان سیاسی ایدئولوژیک در شهربانی و ژاندارمری و نماینده‌ی وزیر کشور در کمیته‌ی انقلاب اسلامی به‌وسیله‌ی رئیس سازمان حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی نصب و عزل می‌گردند.

تبصره‌ی ۲- افراد حفاظت اطلاعات در نیروهای انتظامی از نظر مقررات انضباطی تابع فرمانده یگان خود می‌باشند.

ماده‌ی ۱۰- شرح وظایف وزارت اطلاعات:

الف- کسب و جمع‌آوری اخبار و تولید، تجزیه، تحلیل و طبقه‌بندی اطلاعات مورد نیاز در ابعاد داخلی و خارجی؛

ب- کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های براندازی، جاسوسی، خرابکاری و اغتشاش علیه استقلال و امنیت و تمامیت ارضی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران؛

ج- حراست اخبار، اطلاعات، اسناد، مدارک، تأسیسات و پرسنل وزارتخانه؛

د- آموزش و کمک‌های لازم به ارگان‌ها و نهادها جهت حفاظت از مدارک، اسناد و اشیاء مهم آنها؛

تبصره- هر یک از ارگان‌ها و نهادها، مسئول حفاظت از مدارک، اسناد و اشیاء مهم خود می‌باشند.

هـ- ارائه‌ی خدمات اطلاعاتی ضروری به سازمان‌ها و ارگان‌ها و آگاه ساختن به موقع آنها نسبت به توطئه‌ها؛

و- همکاری و تبادل اطلاعات و تجارب اطلاعاتی با کشورهایی که حائز صلاحیت لازم باشند.

تبصره- تعیین صلاحیت کشور مورد نظر و حوزه‌ی همکاری و میزان تبادل اطلاعات و تجارب اطلاعاتی به عهده‌ی هیئت وزیران که به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شود خواهد بود.

ماده‌ی ۱۱- خط‌مشی کلی و اهداف اطلاعاتی این وزارتخانه باید به تصویب هیئت وزیران که با حضور رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود برسد.

ماده‌ی ۱۲- هیچیک از کارکنان این وزارتخانه و سازمان‌های حفاظت اطلاعات و واحدهای اطلاعاتی نباید عضو هیچ حزب یا سازمان و گروه سیاسی باشند.

ماده‌ی ۱۳- دولت موظف است پس از تصویب این قانون حداکثر ظرف سه ماه لایحه‌ی ضوابط استخدام نیروهای مورد نیاز این وزارتخانه را تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

ماده‌ی ۱۴- کلیه‌ی نهادها و ارگان‌ها موظفند همکاری‌های لازم را در زمینه‌ی در اختیار قراردادن نیروهای انسانی، امکانات و تجربیات اطلاعاتی به منظور تسهیل در انجام مسئولیت‌های وزارت اطلاعات معمول دارند.

تبصره- آئین‌نامه‌ی اجرایی این ماده به‌وسیله‌ی وزارت اطلاعات با هماهنگی ارگان‌ها و نهادهای ذیربط حداکثر ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده‌ی ۱۵- بودجه‌ی وزارت اطلاعات همه ساله به‌وسیله‌ی این وزارتخانه برآورد و در لایحه‌ی بودجه‌ی کل کشور منظور می‌گردد.

تبصره‌ی ۱- اعتبارات وزارت اطلاعات با امضاء نخست‌وزیر و وزیر اطلاعات تخصیص یافته و به حساب هزینه‌ی قطعی منظور می‌گردد؛

تبصره‌ی ۲- اعتبارات این وزارتخانه‌ها از شمول قانون محاسبات عمومی مستثنی و تابع آئین‌نامه‌ایست که به‌وسیله‌ی وزارتین اطلاعات و اقتصاد و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده‌ی ۱۶- اعتبارات لازم جهت تأسیس وزارت اطلاعات از محل اعتبارات ردیف ۵۰۳۰۰۱ و ۱۰۲۰۰۱ قانون بودجه در سال جاری تأمین خواهد شد.

تبصره‌ی ۱- تأمین کادر و امکانات مورد نیاز این وزارتخانه حتی‌المقدور از طریق انتقال کارکنان ذیصلاح و امکاناتی که در اختیار سایر نهادها و ارگان‌هاست انجام خواهد گرفت؛

تبصره‌ی ۲- بودجه، امکانات، مدارک و اسناد و ابزارهای امور اطلاعاتی کلیه‌ی ارگان‌ها، نهادهایی که در این قانون وظیفه‌ی اطلاعاتی به آنها محول نگردیده و یا حدود کار اطلاعاتی آنها محدود شده است در اختیار وزارت اطلاعات قرار می‌گیرد.

قانون فوق مشتمل بر شانزده ماده و هجده تبصره در جلسه‌ی روز پنجشنبه بیست و هفتم مرداد ماه یک هزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۳ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی- اکبر هاشمی

پیوست شماره‌ی ٤
پاسخ امام به نامه‌ی آقای محسن رضایی
درباره‌ی ادامه‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی
سپاه تا تشکیل وزارت اطلاعات

(بسمه‌تعالی، محضر مبارک امام بزرگوار سلام علیکم

همان‌گونه که در مرقومه‌ی اخیر امر فرمودید برادران سپاه در واحد اطلاعات و بررسی‌های سیاسی- تأمینی فعالانه به کار خود ادامه می‌دهند، امّا در این رابطه لازم است همکاری‌های وسیع دادستانی انقلاب اسلامی تهران که از حدود ۳۲ ماه پیش به کلی قطع شده است مجدداً «کما فی السابق» صورت پذیرد تا همه‌ی امکانات جمهوری اسلامی در مبارزه با ضد انقلاب به کار گرفته شود. و همان‌گونه که قانون مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی مشخص نموده کار اطلاعاتی «حداقل تا تشکیل وزارت اطلاعات» به شکل سابق ادامه پیدا کند. لذا خواهشمند است اوامر لازم در این مورد را صادر فرمایید.

با عرض پوزش- ملتمس دعا: محسن رضایی)

بسمه‌تعالی

تا تشکیل وزارت اطلاعات لازم است دادستانی انقلاب اسلامی تهران چون گذشته با سپاه پاسداران در امر اطلاعاتی همکاری فعال نمایند تا انشاءالله تعالی ریشه‌ی ضد انقلاب

هرچه زودتر قطع گردد. امید است آقایان در این موقع حساس از اختلاف اجتناب نمایند و کارهای جمهوری را از خود بدانند.

۷ فروردین ۶۳

روح‌الله الموسوی الخمینی

پیوست شماره‌ی ۵

سخنان آقای دکتر حسن روحانی در مجلس شورای اسلامی به عنوان موافق با انتخاب اینجانب برای تصدی وزارت اطلاعات

دکتر روحانی- بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بنده موافقتم با هر سه وزیر است که از وزیر اطلاعات شروع می‌کنم. اولین نکته اینکه همه‌ی ما می‌دانیم که در دنیای امروز زیربنای مسائل نظامی، اقتصادی، سیاسی، حتی بخشی از مسائل فرهنگی و تبلیغاتی زیر بنایش مسائل اطلاعاتی است. اگر ما دستگاه اطلاعاتی قوی داشتیم، خیلی راحت‌تر می‌توانستیم تجاوز صدامیان کافر را دفع بکنیم و نگذاریم اصلاً تجاوزی انجام بگیرد و یا بسیاری از خسارت‌هایی که ما به خاطر نداشتن دستگاه‌های اطلاعاتی دادیم که ۷۲ عزیز یک نمونه‌ی بارز از آنها است ما این خسارت‌ها را نمی‌دادیم به اضافه در برابر دستگاه‌های اطلاعاتی مدرن و متمرکز دنیای امروز که همه‌ی آنها علیه جمهوری اسلامی ایران بسیج شدند و علیه انقلاب ما اگر یک دستگاه اطلاعاتی قوی متمرکزی نداشته باشیم نمی‌توانیم در برابر توطئه‌ی آنها مقابله بکنیم و اگر بتوانیم مقابله کنیم با خسارت زیاد می‌توانیم و با صرف نیروی فراوان به همین دلیل بود که مجلس شورای اسلامی تصویب کرد یک ارگان اطلاعاتی متمرکز را در کشور. هرچه قدر از تشکیل این دستگاه اطلاعاتی متمرکز تأخیر بیفتد دولت و ما باید مسئولیتش را بپذیریم و امروز که دولت وزیر را معرفی کرده مستقیماً این مسئولیت امروز بر دوش ما نمایندگان است یعنی اگر دستگاه اطلاعاتی متمرکز کشور ما یک روز به تأخیر بیفتد مسلماً برای کل کشور خسارت است و مسئولیت شرعی آن را ما باید بپذیریم و قبول بکنیم احتمال اینکه یک دستگاه اطلاعاتی متمرکز نباشد ما صدها،

هزارها، حتی میلیون‌ها کشته بدهیم به خاطر [اینکه] توطئه وجود دارد که این دستگاه اطلاعاتی می‌تواند رفعش بکند و دفعش بکند، احتمال خسارت میلیون‌ها و میلیاردها از لحاظ اقتصادی برای ما وجود دارد که این دستگاه اطلاعاتی می‌تواند جلویش را بگیرد. بنابراین هرچه سرعت در انجام این کار نشان بدهیم به نفع انقلاب، اسلام و مردم خواهد بود. امّا نسبت به فردی که معرفی شده به عنوان وزیر اطلاعات یعنی برادرمان حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای ری‌شهری بنده به خاطر آشنایی که با ایشان از سال ٤١ دارم و در طول این مدت ارادتمند ایشان بودم از لحاظ تدین نکاتی را، آن‌چه که من خودم در رفاقت و دوستی با ایشان لمس کرده‌ام خدمتتان عرض می‌کنم از سال ٤١ که در حوزه‌ی علمیه‌ی قم بنده با ایشان آشنا شدم همواره ایشان را با این ویژگی‌ها می‌دیدم تدین و تعبد ایشان و حتی تهجد ایشان بسیاری از نیمه‌ی شب‌ها ما می‌دیدیم که حجره‌ی ایشان چراغش روشن است و مشغول نماز و دعا و تهجد هستند و این برای ما بسیار مهم است. کسی که در رأس دستگاه اطلاعاتی قرار می‌گیرد و از اسرار افراد مطلع و با خبر می‌شود در تصویب طرح قانونی اطلاعات کل کشور یکی از نگرانی‌هایی که برای نمایندگان محترم مجلس به حق وجود داشت این بود که چه کسی می‌خواهد اطلاعات کشور را در دست بگیرد که خدای ناکرده از این نیرو و قدرت روزی سوءاستفاده نشود حتماً باید ارگان اطلاعاتی ما از روز اوّل بنیانش بر مبنای تعبد، تقدس و تقوی باشد والا تمام مزایایی که این دستگاه دارد خدای ناکرده می‌تواند تبدیل بشود به یک خطر بزرگ برای همه‌ی مردم که هیچ کس امنیت و آبرویی در این کشور نداشته باشد. و بعد هم ممکن است امنیت مالی و جانی نداشته باشد. تدین و تعبد ایشان می‌تواند یک نقطه‌ی بسیار مهم باشد برای کسی که می‌خواهد در رأس این دستگاه قرار بگیرد و از همان روز اوّل هم ایشان به عنوان یک فرد بااستعداد در میان طلبه‌ها بود و همواره یک طلبه‌ی درس‌خوانی بود که در طول این بیست سال طلبگی‌اش همواره یک فردی بود اهل مطالعه و دقت در درس سطحش، در درس خارجش همیشه یک طلبه‌ی خوب و با استعداد و درس‌خوان بوده همین الآن هم که ایشان مسؤولیت‌های زیادی دارد، همیشه، هر روز، چند ساعت وقتش را برای مطالعه و کارهای تحقیقاتی هنوز هم داشته و ادامه می‌داده و نکته‌ی دیگر اینکه ایشان

از بعد از انقلاب تا امروز همواره با مسائل قضائی و اطلاعاتی دمخور [ما] بوده حتی در طرح اطلاعات، بحث در این بود که اطلاعات به خاطر نزدیکی‌های فراوانی که با دستگاه قضائی کشور دارد و در بسیاری از موارد کسی که می‌خواهد امنیت را در کشور به وجود بیاورد و جلوی جرائم و جنایات و فسادها را بگیرد آن‌چنان با دستگاه قضایی نزدیک بود که بعضی از نمایندگان نظرشان این بود که حتی در اختیار قوه‌ی قضائیه باشد، این امتیاز بزرگی است برای کسی که در رأس این دستگاه قرار می‌گیرد، اینکه با مسائل قضائی کشور آشنا باشد. چون در بسیاری از موارد دستگاه اطلاعاتی مقدمه‌ای را آماده می‌کند برای دستگاه قضائی کشور کسی که در سمت قضائی بوده می‌تواند این کار را دقیق‌تر و پخته‌تر انجام بدهد. به اضافه ایشان در کارهای اطلاعاتی بوده در کشف و خنثی‌سازی چندین گروه توطئه‌گر ایشان از همان لحظات اوّل از همان اولین خبرها، قبل از پخته شدن در جریان بوده نظارت کرده بر جریان و به ثمر رسانده مسائل اطلاعاتی، تجربه‌اش بسیار گرانبها است. این نیست که ما بگوئیم که فردی که حدود ۳ سال است مداوماً با کار اطلاعاتی برخورد دارد و افرادی که در کار اطلاعاتی دارند که کار می‌کنند بر آنها نظارت دارد و تجربه‌ی گرانبهائی را به دست آورده این تجربه به سادگی امکان‌پذیر نیست، این تجربه با درس خواندن و کلاس دیدن و مطالعه کردن هم امکان‌پذیر نیست. یک مقدار استعداد لازم برای این کار لازم است و یک مقدار هم تجربه در عمل که این تجربه را پیدا کرده و ما افرادی مثل ایشان که دارای این تجربه باشند خیلی زیاد معلوم نیست در کشور داشته باشیم و نکته‌ی دیگر اینکه ما در قانون قید کرده بودیم که وابستگی گروهی و حزبی، فردی که می‌خواهد در رأس دستگاه اطلاعاتی باشد، نداشته باشد. باز ممکن است ما افرادی را پیدا بکنیم که همه‌ی شرایط را داشته باشند امّا عضو یک حزب یا گروه یا سازمان اسلامی باشند این هم خود مشکلی است. این شرط، شرط خوب و بسیار به حقی بوده است که مجلس انجام داده به دلیل اینکه حتماً باید دستگاه‌های اطلاعاتی کشور ما در آن قانون قید کلیه‌ی کارکنان این وزارتخانه نباید وابستگی حزبی و گروهی داشته باشند و این هم امتیاز ایشان است که ایشان وابسته به حزب یا گروه خاصی نیست و می‌تواند برای این کار بسیار مناسب باشد نکته‌ی دیگر اینکه ما می‌دانیم در کشور الآن ارگان‌های اطلاعاتی مختلفی وجود دارد بخشی از کار اطلاعاتی به

عهده‌ی سپاه بوده، بخشی از کار اطلاعاتی به عهده‌ی دادستانی بوده و بخشی به عهده‌ی نخست‌وزیری بوده، به عهده‌ی کمیته‌ها بوده و این ارگان اطلاعاتی متمرکز می‌خواهد همه‌ی نیروهای خوب این دستگاه‌ها را جمع بکند و متمرکز بکند حتماً باید فردی باشد که مورد اطمینان و قبول همه‌ی این دستگاه‌ها باشد، این که من عرض می‌کنم به خاطر این است که با بسیاری از برادران هم سپاه، هم نخست‌وزیری، هم کمیته، هم دادستانی قبلاً من صحبت کردم ایشان مقبولیت خوبی در همه‌ی این جاها دارد البته روی یک فرد مسلم اتفاق نظر و آراء نخواهد بود امّا ایشان قادر خواهد بود اکثریت بچه‌های اطلاعاتی سپاه که دارای تجربه‌های بسیار گرانبهائی هستند یا کمیته یا دادستانی و نخست‌وزیری اینها را جذب بکند و این امتیاز بسیار بزرگی است اگر فردی باشد که این مقبولیت را نداشته باشد نمی‌تواند این نیروها را جذب بکند باید نیروهای تازه‌کار را بیاورد و در کار اطلاعاتی بسیار خسارت‌بار خواهد بود که افرادی که چند سال مطالعه و تجربه دارند اینها کنار گذاشته بشوند و افراد نویی بخواهند این کار را انجام بدهند. این مقبولیت هم امتیاز بزرگی برای ایشان هست و به خاطر حساسیت مسأله من فکر می‌کنم که ما هر آن اگر زودتر این وزارتخانه تشکیل بشود به نفع کشور است. به نفع انقلاب است و من ایشان را فردی کاملاً شایسته و مناسب برای این کار می‌دانم.

پیوست شماره‌ی ٦

سخنان آقای سید رضا اکرمی در مجلس شورای اسلامی به عنوان موافق انتخاب اینجانب برای تصدی وزارت اطلاعات

رئیس- موافق صحبت کند.

منشی- موافق بعدی آقای سید رضا اکرمی.

سید رضا اکرمی- بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، قال الله العظیم فی کتابه: و علی الله فیتوکل المؤمنون. آغاز سخن در رابطه با وزیر محترم اطلاعات آینده حضرت حجت‌الاسلام جناب آقای محمدی ری‌شهری خواهد بود بحثی را مستوفی برادر ارجمندم جناب آقای روحانی فرمودند: «ضمن تأیید و تصدیق کامل سخنان ایشان نکاتی را یادداشت کرده‌ام خدمتتان عرض می‌کنم. بنده نیز سال ١٣٤٠ وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شدم و از زمان ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم شدم و از زمان ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم تاکنون یعنی حدود ٢٣ سال جناب آقای ری‌شهری را خوب می‌شناسم ایشان را فردی متدین، متعبد، متعهد منظم و منضبط یافتم. فردی منظم و منضبط را نظم و انضباط را در کار ایشان چه از نظر شخصی و چه از نظر وظیفه‌هایی که تاکنون به عهده‌ی ایشان بوده کاملاً لمس کردم و از نزدیک دیدم. از نظر علمی نویسنده‌اند مسأله‌ی میزان الحکمة کار بسیار پر حوصله و پر وقتی است و استعداد خوبی می‌خواهد که آدم بتواند یک چنین کاری را انجام بدهد و همین‌طور به

گواهی حضرت آیت‌الله مشکینی آن شرطی را که در قانون بود به عنوان اولین شرط وزیر اطلاعات دارای شرایط زیر خواهد بود از نظر تحصیلات در حد اجتهاد به تصدیق آیت‌الله مشکینی این شرط را هم واجد هستند که این بیانگر مسأله‌ی علم و آگاهی ایشان هم هست»؛ نکته‌ی دوم برادرمان جناب آقای روحانی فرمودند: «از آن زمانی که ریاست دادگاه‌های انقلاب ارتش را پذیرفتند حدود سه سال من جمله‌ی ایشان را تصحیح می‌کنم از اواخر سال ۱۳۵۷ برادر عزیزمان جناب آقای ری‌شهری وارد دادگاه‌های انقلاب شدند برای انجام وظیفه و سال ۵۸ به دادگاه‌های انقلاب ارتش وارد شدند و چون خود من در عقیدتی - سیاسی نیروی هوایی بودم و در ارتش خوب اطلاعاتی دارم می‌دانم که کار کردن در ارتش که بافت ویژه‌ی خاصی دارد کار بسیار مهمی خواهد بود و ایشان در کارهایی که در دادگاه‌های انقلاب ارتش انجام دادند، موفق بوده‌اند».

نکته‌ی سوم، همین‌طوری که در این شرح مختصر و اجمالی که داده‌اند در رابطه با زندگی‌نامه و هم خط‌مشی وزارت اطلاعات این نکته را متذکر شده‌اند که ممانعت جدی از ورود خطوط سیاسی به داخل سیستم اطلاعاتی کشور. این نکته را در دادگاه‌های انقلاب ارتش من دیدم که ایشان در این خطوط سیاسی که وجود دارد هیچ ورودی نداشتند یعنی جزء هیچیک از خطوط سیاسی نبودند و کار خودشان را به نحو صحیح انجام دادند نکته‌ی دیگر اگر کسی همین مطلبی را که در رابطه با سیستم وزارت اطلاعات و اطلاعات نوشته‌اند اگر کسی دقیق بخواهد نشان می‌دهد که ایشان فردی آگاه است در رابطه با اینکه وزارت اطلاعات چه مسؤولیت‌های سنگینی دارد و چگونه باید اسرار حفظ بشود و درز پیدا نکند خود این مطلب بیانگر این نکته است که ایشان وقوف کاملی نسبت به این مطلب دارند.

بنابراین در رابطه با وزارت اطلاعات که ایشان مسئولیت وزیری را بپذیرفتند بنده با اطمینان کامل به ایشان رأی می‌دهم و ایشان را از هر جهت واجد این شرایط می‌دانم.

پیوست شماره‌ی ۷

سخنان آقای صدقیانی در مجلس شورای اسلامی به عنوان موافق انتخاب اینجانب برای تصدی وزارت اطلاعات

آقای صدقیانی- در مورد جناب آقای ری‌شهری آخرین حرفی که آقای موحدی زدند مورد اجتهاد بود. اولاً قانون ما دارد در حد اجتهاد که این قانون است و ثانیاً برادران می‌دانند اگر کسی طلبه‌ی بااستعداد درس‌خوانی ۲۰ سال به خوبی درس بخواند و زحمتکش باشد تحقیقاً ما خودمان که در این کارها هستیم در حد اجتهاد رسیدن یعنی چه؟ اگر کسی امروز جواهر را خوب بفهمد یعنی بگذاریم نه اینکه خودش «جواهر» خلق کند. جواهر را خوب بفهمد و بتواند همه‌ی جواهر را بفهمد این شخص در حد اجتهاد است و تحقیقاً آقای ری‌شهری خیلی زودتر از اینها این را می‌فهمیدند. از طرفی شما آیت‌الله مشکینی را آدم متدین مجتهد صالحی نمی‌دانید؟ وقتی که ایشان به اجتهاد شهادت می‌دهند. خود ریاست جمهوری با آن همه سواد و شخصیت و تقوایشان یک کسی را معرفی می‌کنند که نظرشان این باشد که او مجتهد نیست؟ ما هم که به عنوان مشاور در این مسئله نظر دادیم بالاخره یک قدری می‌فهمیم لااقل مجتهد را می‌شناسیم یعنی در حد اجتهاد را می‌شناسیم. بنابراین انصافاً حجت شرعی برای اینکه قبول کنیم که قانون مراعات می‌شود این هست. این شبهه را چون دیدم در مجلس هست این را بگویم.

از لحاظ سوابق هم شما امروز مجتهدی یا در حد اجتهادی یا حتی یک نفر طلبه‌ای پیدا نمی‌کنید که به اندازه‌ی جناب آقای ری‌شهری مسائل اطلاعاتی را بداند. ایشان ۵ سال است در حساس‌ترین نقاطی که اطلاعات سطح بالا در مورد کودتاها و در مورد جریان‌ها در ارتش بوده دست ایشان بوده است. ایشان با ما در این مسائل ارتباط دارد و ما می‌دانیم که هم چهره‌های اطلاعاتی کشور را می‌شناسد و هم اطلاعات را می‌شناسد و هم می‌تواند و شخصیتی دارد که این نیروهای اطلاعاتی را جمع کند و ضمناً در ذهنتان نیاید که اگر وزارت اطلاعات نشد عیب ندارد، دارند کار می‌کنند. هر روز آفتاب که غروب می‌کند شما مقدار زیادی به خاطر نداشتن اطلاعات مرکزی ضرر می‌کنید. الآن چندین دستگاه دارند کار اطلاعاتی می‌کنند. سپاه، کمیته، نخست‌وزیری، دادستانی اوین، ژاندارمری، شهربانی، وزارت کشور به طور مستقل و خیلی جاهای دیگر. کارها تکراری است و اطلاعات در یک جا جمع نمی‌شود، گاهی می‌بینیم ما نیروهای عظیمی را روی یک جریان گذاشتیم آخرش می‌بینیم که کمیته بوده، سپاه بوده، اوین هم بوده و گاهی هم اینها در اطاق آخری وقتی که می‌روند مجرم را بگیرند در مقابل هم قرار می‌گیرند و تیراندازی هم در برابر هم تا به حال کرده‌اند و این نیروهای فراوان و غیر متمرکز این را آقایان ساده نگذارید و به عنوان یک مسؤول که رأی‌تان یک کاری را خراب می‌کند و یا یک کاری را درست می‌کند رأی بدهید. این را توجه داشته باشید.

پیوست شماره ۸

ابلاغ حکم وزارت اطلاعات

۱۳۶۳/۶/۲

جمهوری اسلامی ایران

نخست وزیر

۵۳۱۶۴

۱۳۶۳/۶/۲

بسمه تعالی

برادر گرامی حجت الاسلام محمد محمدی ری شهری

بموجب این ابلاغ بسمت وزیر اطلاعات منصوب می شوید

امید است همه تلاش و کوشش خود را در جهت رضای خدای متعال

و مصلحت جامعه و تحقق هر چه بیشتر انقلاب اسلامی بکار ببندید

توفیق هر چه بیشتر شما را از خداوند متعال خواستارم

نخست وزیر

میرحسین موسوی

دومین حکم وزارت اطلاعات

آبان ۱۳٦٤

جمهوری اسلامی ایران

نخست وزیر

بسمه تعالی

برادر گرامی حجة الاسلام محمد محمدی ری‌شهری

بموجب این ابلاغ به سمت وزیر اطلاعات منصوب می‌شوید. این مسئولیت خطیر در شرایطی حساس بعهده جنابعالی سپرده میشود و در نظر خواهید داشت که برآمدن از عهده مشکلات و تأمین نظر امام بزرگوار و برآوردن خواسته‌های ملت بزرگ و قهرمان مستضعف جز با همتی بزرگ و تلاشی پیگیر در یک مجموعه هماهنگ و منسجم ممکن نیست.

امید است با اتکال به خداوند بزرگ سعی بلیغ خود را در جهت رضای خداوند و مصالح جامعه و تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی معمول دارید.

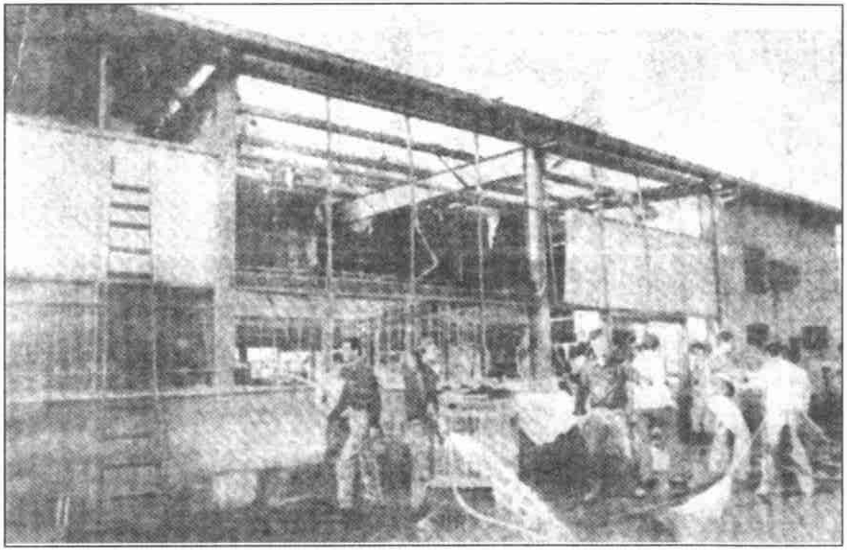
نخست وزیر

میرحسین موسوی

۲ آبان ۱۳۶٤

پیوست شماره ۹

انفجار بمب در ترمینال میدان آزادی یک شهید و ۳۶ مجروح بجای گذاشت



پیوست شماره‌ی ۱۰
انفجار اتومبیل حامل بمب در خیابان موزه‌ی قم

۱۳٦۵/۵/۲٦

انفجار اتومبیل حامل بمب در خیابان موزه‌ی قم
دهها تن را به خاک و خون کشید.
۱۳٦۵/۵/۲٦

قم- خبرنگار کیهان: در سالروز عید سعید قربان و به هنگام پایان نمایش مخصوص این روز ایادی استکبار جهانی با انفجار یک بمب نسبتاً قوی در خیابان موزه‌ی قم واقع در ضلع جنوبی حرم مطهر حضرت معصومه (س) گروهی از هموطنان بی‌گناهمان را که در میان آنها تعدادی زن و کودک دیده می‌شوند به خاک و خون کشیدند.

به گزارش خبرنگار ما مقارن ساعت ۹/۳۰ دقیقه‌ی صبح دیروز در اثر انفجار بمبی نسبتاً قوی که در یک اتومبیل ژیان نارنجی رنگ جاسازی و در مقابل هتلی در خیابان موزه‌ی قم واقع در ضلع جنوبی حرم مطهر پارک شده بود، ۱۱ تن شهید و نزدیک به ۱۰۰ نفر دیگر مجروح شدند. در اثر انفجار این بمب به تعدادی از ساختمان‌ها و مغازه‌های اطراف نیز خساراتی وارد شد. این گزارش حاکیست در بین شهدا ٤ کودک و دو زن دیده می‌شوند که هویت بعضی از آنها هنوز مشخص نشده است.

همچنین براساس این گزارش شیشه‌های ساختمان‌های اطراف تا شعاع ۵۰ متری به خصوص شیشه‌های ضلع جنوبی حرم مطهر حضرت معصومه (س) خرد شد و آئینه‌کاری مسجد طباطبایی آسیب دیده و به ۱۰ باب مغازه و ٦ اتومبیل خسارات کلی و جزئی وارد آمد.

این گزارش می‌افزاید به محض وقوع انفجار اقشار مختلف مردم با حضور در محل، ضمن کمک به امدادگران در یاری رساندن به مجروحین و حمل شهدا با شعارهای کوبنده‌ی «مرگ بر آمریکا، مرگ بر منافق و منافق مسلح اعدام باید گردد. این جنایات ددمنشانه را محکوم کردند و خواستار شناسایی و محاکمه‌ی هرچه سریع‌تر عاملین آن شدند.

براساس این گزارش آمار مجروحین ۱۰۰ تن اعلام شده است که بیش از ۲۰ تن آنها در بیمارستان نکویی قم بستری شده‌اند.

اسامی مجروحین به این شرح اعلام شد:

۱- محمودعلی شاه محمدی ۲- شاکر هلالی ۳- امام‌علی امامی ٤- مرتضی هادی‌زاده ۵- حسین جواد نجفی ٦- حسن کاظمی ۷- حسین کاظمی ۸- احمد شهبازی ۹- محمّد عالم ۱۰- محمّد حسین عسگری ۱۱- سبحان خلوی ۱۲- ناصر مسجدی ۱۳- مریم فاضلی ۱٤- زهرا فاضلی ۱۵- فریده فاضلی ۱٦- پروین بهروزی ۱۷- شیما پورکریم ۱۸- مرضیه شاهی ۱۹- سید علی فاضلی ۲۰- معصومه زمانی ۲۱- اجاق‌علی کریمی ۲۲- رضا حیدری ۲۳- عباس باقری ۲٤- رقیه حسن بک ۲۵- علی کامرانی ۲٦- کبری دهقانی ۲۷- علی سهرابی ۲۸- علی اشرفی ۲۹- احمد اشرفی ۳۰- محمّد علیرضایی ۳۱- زهرا علیرضایی ۳۲- حسن حیدری ۳۳- محمّد زندی ۳٤- دوست محمّد واعظی ۳۵- آفاق طاهری ۳٦- زهرا رمضانی ۳۷- فرشته میر ۳۸- معصومه دهقانی ۳۹- ربابه نجفی ٤۰- هادی نجفی ٤۱- زهرا خداترس ٤۲- سادات حسینی ٤۳- سمیه حسینی ٤٤- عذرا اسماعیلی ٤۵- فاطمه محمدی ٤٦- ژاله رجایی ٤۷- زهرا کردی ٤۸- رقیه حسن‌وند ٤۹- ناصر کاظمی ۵۰- عبدالامیر یزدی ۵۱- حسین چراغانی ۵۲- مرضیه حسامه ۵۳- ابیطالب احمدزاده ۵٤- علی اجاقیان ۵۵- اعظم اجاقیان ۵٦- معصومه اجاقیان ۵۷- زهرا اجاقیان ۵۸- خدیجه محمودی

۵۹- کشور نبی‌پور ۶۰- رضا نبیون ۶۱- عباداللہ عین‌لو ۶۲- سبحان خلقی ۶۳- محمّد حسین عسگری ۶۴- سهیل بهلول‌وند ۶۵- کاظم خلیلیان ۶۶- اصغر علمدار ۶۷- کبری هوران ۶۸- ایران مودب اخلاق ۶۹- بتول احمدزاده ۷۰- کریم عسگری ۷۱- جواد بهرامی ۷۲- محمّد لطیفی اسطوحی ۷۳- اسداللہ نوروزی ۷۴- مینو بداغ‌آبادی ۷۵- عباس پورخوان ۷۶- لیلان پورخوان ۷۷- نرگس پورخوان ۷۸- لعیا پرخوان ۷۹- زهرا مینویی ۸۰- سید رسول حسینی ۸۱- عصمت شبانکاره ۸۲- محمّد آرن افغانی ۸۳- علیرضا آقاخان ۸۴- مهدی افراشته ۸۵- محمّد واعظی ۸۶- علی شهبازی ۸۷- محمّد حسن عبادی ۸۸- فرهاد طالشی ۸۹- فریده الهامی ۹۰- منصوره اصغرپور ۹۱- شاکر اعلایی ۹۲- علی سهرابی ۹۳- احمد حیدر افغانی ۹۴- اسماعیل انتشاری.

همچنین اسامی برخی از شهدا به این شرح است:

۱- رحمان خدا گودرزی ۱۳ ساله ۲- اکرم دهقانی ۲۰ ساله ٤- محمود انتشاری ۲٤ ساله و تعدادی مجهول‌الهویه

براساس این گزارش تقریباً اکثر شهدا و مجروحین از زائرین حرم مطهر حضرت معصومه (س) بودند.

پیوست شماره‌ی ۱۱
انفجار بمب در میدان فردوسی

۱۳٦۵/۵/۲۸

بنا به گزارش خبرنگار ما، انفجار در ساعت ۸/۳۰ دقیقه‌ی صبح امروز در میدان فردوسی مقابل دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (نبش خیابان انقلاب) رخ داد و طی آن هفت دستگاه اتومبیل که از آن محل عبور می‌کردند خسارت کلی وارد آمد.

بر اثر این انفجار ۱۵ نفر شهید شدند که براساس اظهارات شاهدان عینی حادثه یک نفر در داخل باجه‌ی تلفن، دو تن در کف خیابان و دو نفر دیگر در پیاده‌روی نزدیک محل انفجار در دم جان سپردند.

این گزارش حاکیست: انفجار توأم با آتش‌سوزی بود و با وقوع آن بلافاصله نیروهای امداد و پلیس از جمله آتش‌نشانی و اورژانس تهران در محل حاضر شدند و به اطفای حریق و حمل مجروحین پرداختند.

در این حادثه یک دستگاه اتوبوس شرکت واحد به شماره‌ی ۱۷٦۵۷ تهران ۱۲ که حدوداً ۲۰ متر با کانون انفجار فاصله داشت آسیب دید به طوری که شیشه‌های آن شکست و چرخ‌های عقب آن بر اثر این انفجار، آتش گرفت و احتمالاً مسافران این اتوبوس که به طرف میدان انقلاب در حرکت بود همگی مجروح شدند. چون داخل این اتوبوس تعداد زیادی کفش- لباس و غیره مشاهده می‌شد.

محمّد نوروزپور راننده‌ی شرکت البرز که هنگام انفجار با یک اتومبیل وانت از آن محل عبور می‌کرد به خبرنگار ما گفت: از راست وارد میدان فردوسی شده بودم که صدای مهیب انفجاری را شنیدم و به دنبال آن دود و آتش اطرافم را گرفت و ۳ نفر در کنار یک اتومبیل ژیان یک نفر در داخل باجه‌ی تلفن در دم کشته شدند و افراد بسیاری نیز مجروح شدند. وی افزود اکثر اتومبیل‌هایی که از آن نزدیک عبور می‌کردند آسیب دیدند. امّا بدون توقف از محل دور شدند.

بنابر گزارش خبرنگار ما دقایقی بعد از وقوع این حادثه گروهی از مردم در ضلع شمالی میدان فردوسی با شعارهایی عوامل استکبار جهانی و مسببین این حادثه‌ی دلخراش را محکوم نمودند. ضمناً ساختمان مجتمع آموزشی بوعلی در میدان فردوسی به دلیل شدت انفجار در حال ریزش بود که اقدامات ایمنی از سوی مسؤولان به عمل آمد.

گزارش خبرنگار کیهان حاکی است: در انفجار صبح امروز به یک دستگاه اتومبیل ژیان- یک دستگاه اتومبیل پیکان به شماره‌ی ۷۷۷۷۳ و یک تاکسی به شماره‌ی ۲۲٦٤٥ که از آن محل عبور می‌کردند خسارت وارد آمد و احتمالاً سرنشینان آن نیز مجروح گردیدند. همچنین بر اثر این انفجار شیشه‌های مغازه- منزل و ساختمان‌های اداری محل تا شعاع صد متری شکست و خساراتی به بار آورد. این گزارش حاکیست دقایقی بعد مأموران با حضور در محل به پاکسازی پرداختند و با جرثقیل اتومبیل‌های خسارت دیده را از محل خارج کردند.

در ارتباط با انفجار مهیب صبح امروز میدان فردوسی خبرنگار ما در تماس با روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته‌ی انقلاب اسلامی کسب اطلاع کرد: بمب فوق ۵۰ پوند وزن داشته است و از نوع زمانی- الکتریکی و با ترکیبات تی.ان.تی بوده است.

سخنگوی روابط عمومی کمیته اعلام کرد تحقیقات گسترده‌ای از سوی گروه تحقیق کمیته‌ی انقلاب اسلامی در این زمینه آغاز شده است.

روابط عمومی کمیته‌ی مرکزی تعداد شهدا را ۱۵ نفر اعلام کرد.

• اظهارات شاهدان عینی

یکی از شاهدان عینی به خبرنگار کیهان گفت: بمب نزدیکی‌های ساعت ۸/۵ صبح، درست زمانی که میدان فردوسی مملو از عابرین و رهگذران بود منفجر شد و اکثر مسافرین یک اتوبوس یک طبقه‌ی شرکت واحد که در حال عبور از شرق به غرب میدان بود مجروح شدند. و علاوه بر آن، به دو دستگاه تاکسی و دو وسیله‌ی نقلیه‌ی دیگر خسارت وارد آمد.

به گفته‌ی این شاهد عینی: بر اثر شدت انفجار تا شعاع دویست تا سیصد متری شیشه‌ی مغازه‌ها شکست و به یک خانه خسارت سنگینی وارد آمد.

یک شهروند دیگر که بر اثر انفجار میدان فردوسی موتورسیکلت‌اش خسارت دیده بود گفت: در جریان انفجار هفت موتورسیکلت به شدت خسارت دید و چند موتور سوار نیز مجروح شدند که به‌وسیله‌ی مأمورین امداد به بیمارستان منتقل گردیدند.

وی افزود من خود جنازه‌ی دو نفر را که به شدت سوخته بودند در جلوی کیوسک پلیس راهنمایی دیدم.

یکی دیگر از شاهدان عینی انفجار بمب به خبرنگار کیهان گفت: من لحظاتی بعد از انفجار به محل رسیدم. بوی سوختگی و خون همه‌جا را فراگرفته بود و دهها نفر از عابرین و مسافرین اتوبوس و چهار وسیله‌ی نقلیه‌ی دیگر که آسیب دیده‌اند مجروح شده و چندین شهروند بی‌گناه نیز جان خود را از دست داده بودند.

این شاهد عینی افزود: صحنه به‌قدری فجیع و دلخراش بود که چند زن و بچه‌ی عابر با مشاهده‌ی مجروحین خونین و جنازه‌ی قربانیان انفجار دچار شوک شدند.

گزارش خبرنگار کیهان حاکیست: بر اثر انفجار بمب در میدان فردوسی که منطقه‌ایست تجاری، صدها شیشه‌ی قطور و بزرگ مغازه‌های اطراف شکسته و شیشه‌ی ساختمان‌های چند طبقه نیز بر سر عابرین فرو ریخت که بیش از ۱۰ نفر بر اثر اصابت خرده شیشه‌ها مجروح شدند.

این عده نیز همراه مجروحین حادثه‌ی انفجار توسط تکنیسین‌های اورژانس و اتومبیل‌های عبوری که بعد از انفجار به صحنه‌ی حادثه رسیده بودند به بیمارستان‌های، آپادانا، آبان، پاسارگاد، هشترودی، بانک ملی و دادگستری انتقال یافتند.

خبرنگار ما طی تماس با بیمارستان‌های فوق کسب اطلاع کرد که پزشکان با فعالیت چشم‌گیری مشغول مداوای مجروحین حادثه‌ی انفجار بمب می‌باشند.

بیمارستان آپادانا

گزارش خبرنگار ما از اورژانس بیمارستان آپادانا حاکیست: تعداد ۲۲ نفر مجروح به بیمارستان آپادانا انتقال پیدا کردند که چهار نفر از آنان به اتاق عمل انتقال یافتند. و بقیه به طور سرپایی معالجه و مرخص شدند.

بیمارستان آبان

خبرنگار ما در تماس با بیمارستان آبان کسب اطلاع کرد: به دنبال وقوع این حادثه‌ی دلخراش ده نفر از مجروحین و مصدومین به بیمارستان آبان انتقال داده شدند که هفت نفر از این تعداد سرپایی مداوا شدند. ٤ نفر دیگر به نام‌های مجید جهانگردی، رجب علی خرازی و مهدی میرزاعلی شیخ رضایی به دلیل شدت جراحات وارده بستری گردیدند.

همچنین خبرنگار ما از بیمارستان هشترودیان کسب اطلاع کرد: ٥ مجروح نیز به این بیمارستان منتقل شدند که یک خانم حامله در بین آنان دیده می‌شد که از ناحیه‌ی گوش مجروح شده بود. تمامی مجروحین در این بیمارستان پس از درمان سرپائی مرخص شدند.

• بیمارستان دادگستری

براساس گزارش خبرنگاران ما شش تن از مجروحین در بیمارستان دادگستری مورد عمل جراحی قرار گرفتند و ۳۸ نفر نیز پس از مداوا مرخص گردیدند.

• آخرین خبر

خبرنگار کیهان صبح امروز از ستاد معراج شهدا، گزارش داد. تاکنون ١٦ شهید به این مرکز انتقال یافته است که در میان آنها ۳ بچه‌ی ٥ ساله و ۱۳ ساله دیده می‌شود. بقیه‌ی شهدا یک نفر زن و بقیه مرد هستند که هنوز هویت همه‌ی آنان مشخص نشده است.

• تاکنون هویت سه تن از شهدا به نام‌های محمّد ۲۳ ساله، رضا رهبر خانیکی و فریبرز یا فریدون فراهانی ۱٦ ساله مشخص شده است.

پیوست شماره‌ی ۱۲

مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی وزیر اطلاعات در مورد مقابله‌ی این وزارتخانه با عوامل جاسوسی و بمب‌گذاری و ترور

۱۳٦۵/٦/۵

موارد جاسوسی «جان پاتیس» برای سازمان سیا و عملکرد وزارت اطلاعات در مقابله با بمب‌گذاری، ترور و جاسوسی تشریح شد

سرویس سیاسی کیهان- وزیر اطلاعات اعلام کرد «جان پاتیس» جاسوس امریکایی که چندی قبل دستگیر شد، اعتراف کرده است که اطلاعات خواسته شده توسط سازمان سیا را به‌وسیله‌ی شخصی به نام «گیوی استین» در اختیار سازمان جاسوسی آمریکا قرار داده است.

وی همچنین گفت طی سال گذشته ۵۷ جاسوس دستگیر شده‌اند که اکثراً عراقی، امریکایی، انگلیسی و از برخی کشورهای دیگر هستند.

وزیر اطلاعات همچنین اسامی سه عامل بمب‌گذاری در شهرستان قم را بدین شرح اعلام کرد: «سلیمان فرهادی»، «محمّد ویسی» (معروف به همه) و «اسماعیل نوری». وی گفت: دو نفر از این سه نفر به ده فقره بمب‌گذاری دیگر نیز اعتراف کرده‌اند.

حجت‌الاسلام ری‌شهری وزیر اطلاعات که دیروز به مناسبت هفته‌ی دولت در جمع خبرنگاران سخن می‌گفت افزود: «جان پاتیس» اعتراف کرده است که در رابطه با پروژه‌ی شرکت کاسموس در اسدآباد همدان فعالیت داشته و با گذرنامه‌ی ایتالیایی وارد ایران شده است.

وزیر اطلاعات قسمتی از اطلاعاتی را که جان پاتیس در اختیار سازمان سیا قرار داده است را بدین شرح اعلام کرد: کیفیت ارتباطات مخابراتی در مناطق نفتی، شرکت‌های مجری پروژه‌های شرکت مخابرات، میزان اهمیت پروژه‌ی اسدآباد برای شرکت مخابرات، مشکلات تولید نفت برای جمهوری اسلامی، نوع زندگی خارجیان در ایران و مشکلات احتمالی جهت مسافرت به ایران با گذرنامه‌ی ایتالیایی و چگونگی اخذ ویزای ایران.

حجت‌الاسلام ری‌شهری اضافه کرد لازم به تذکر است که یکی دو ساعت پس از آنکه جان پاتیس مرکز اسدآباد را ترک کرده این مرکز توسط عراق بمباران می‌شود و طبق اعترافاتی که کرده است اطلاعات دقیق آنجا را در اختیار آن مأمور سیا گذاشته و طبیعتاً این اطلاعات از طریق سیا برای عراق گزارش شده است.

وزیر اطلاعات خطوط هدایتی که سازمان سیا برای جمع‌آوری اطلاعات در اختیار جان پاتیس گذاشته بود را بدین شرح اعلام کرد: ساختمان ماهواره‌ای ارتباط عمومی، مشکلات موجود در ماهواره که بر اثر کمبود ظرفیت را عدم موقعیت در بعضی از مکان‌ها به‌وجود آمد، برنامه‌های جدید برای سیستم‌های ارتباطی نظامی، بهره‌برداری از امکانات و وسائل رادیویی تاکتیکی، منابع تهیه‌ی قطعات یدکی برای وسائل رادیوهای تاکتیکی و رادارهای ثابت و متغیر، بهره‌برداری از سیستم‌های راداری جدید، منابع تهیه‌ی قطعات یدکی هواپیما و هلی‌کوپتر، مهمات تهیه شده از خارج یا داخل بانک‌هایی که اعتبارات بانک مرکزی را می‌پذیرند و...

• ۳۰ مورد کشف بمب طی سال گذشته

وزیر اطلاعات در بخش دیگری از مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی دیروز خود در تشریح فعالیت‌های وزارت اطلاعات گفت: از شهریور ماه سال گذشته تا به حال ۳۰

مورد بمب‌گذاری قبل از انفجار شناسایی و عاملین آن دستگیر شده‌اند، مهمترین آنها سه نفری هستند که در رابطه با بمب‌گذاری شهر قم دستگیر شده‌اند، دو نفر از این سه نفر مواد منفجره را داخل اتومبیل ژیان جاسازی کرده و به قم آورده بودند و نفر سوم عامل ورود مواد منفجره از عراق به داخل کشور بوده است. سلیمان فرهادی و محمّد ویسی به ده فقره بمب‌گذاری نیز اعتراف کرده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از: انفجار بمب در هتل بهار قم (سال ٦٢)، انفجار بمب در نبش شرقی ابتدای خیابان ناصرخسرو (سال ٦٢)، انفجار بمب در میدان راه‌آهن تهران (سال ٦۳) که طی آن ۱۹ نفر شهید و ۲۰۰ نفر مجروح شدند. و تعدادی انفجارات دیگر که انشاءالله فیلم اعترافات آنان از تلویزیون پخش خواهد شد.

حجت‌الاسلام ری‌شهری افزود: از مجموع این ۳۰ مورد بمب‌گذاری که موفق به شناسایی قبل از انفجار شدیم در ۲۵ مورد عوامل بمب‌گذاری همراه با بمب و ابزار انفجاری دستگیر شده‌اند. از این ۳۰ مورد بیش از ٩٦۰ پوند مواد منفجره به‌دست آمده است که احتمالاً بیش از ۳۰ مورد کاربرد داشته است.

• نمونه‌های کشف شده

وی فعالیت‌های وزارت اطلاعات را مقابله با بمب‌گذاری ترور و فعالیت‌های جاسوسی کشورهای بیگانه و یا گروه‌های نفوذی ذکر کرد و در تشریح شیوه‌های بمب‌گذاری عوامل بیگانه گفت: عوامل استکبار تصمیم داشتند موکتی نظیر همان موکت که در نماز جمعه‌ی تهران منفجر شد، در دعای کمیل تهران کار بگذارند و عده‌ای از هموطنان را به خاک و خون بکشانند، این موکت کشف و عوامل آن شناسایی و دستگیر شدند.

مورد دیگر پوتین‌های سربازی بود که قطعاً برای بمب‌گذاری در نماز جمعه‌ی تهران تهیه شده بود و عراقی‌ها به عوامل مزدور خود- گروهک‌های داخلی- گفته بودند این بمب‌ها را به تلافی بازپس‌گیری مهران در نماز جمعه کار بگذارند.

حجت‌الاسلام ری‌شهری گفت: مواد منفجره‌ای که کشف شد در برخی موارد بسیار پیچیده است و ما فکر می‌کنیم که این مواد از کشورهای دیگری ساخته شده و سپس به

عراق و بعد به ایران منتقل شده است. برخی از جاسوسان عراقی می‌گویند: این مواد منفجره از جمله همکاری‌های سیا با عراق است.

مواد دیگر کشف شده عبارتند از چهار حلقه شیلنگ با قدرت تخریبی ٤٠ کیلو مواد منفجره که برای کار گذاشتن در اطراف وزارت کشاورزی، وزارت امور خارجه، وزارت کار و یا وزارت جهاد تهیه شده بوده است.

چمدان بزرگی نیز کشف شد که به طرز بسیار ماهرانه‌ای مواد منفجره در آن جاسازی شده بود و قرار بود این چمدان در میدان راه‌آهن کار گذاشته شود.

کپسول‌های گاز نمونه‌های دیگر این مواد منفجره هستند. کپسول‌ها قرار بوده است در فروشگاه قدس کار گذاشته شوند.

دو کارتن حاوی مواد منفجره با پوشش صابون برای بمب‌گذاری در ترمینال غرب تهیه شده بود که کشف گردید.

حجت‌الاسلام ری‌شهری افزود: ترمینال‌های مسافربری یکی از مهمترین اهداف عوامل استکباری برای بمب‌گذاری هستند. عوامل امنیتی نظیر شهربانی و کمیته باید دقت بیشتری نسبت به این‌گونه اماکن داشته باشند. همچنین مردم نیز باید مراقب باشند و موارد مشکوک را اطلاع دهند. وی همچنین به مأموران امنیتی توصیه کرد نسبت به مدرسه‌ی فیضیه و شهر قم دقت بیشتری داشته باشند چون عوامل استکبار سعی در بمب‌گذاری در این دو نقطه را دارند.

وی ادامه داد: باطری بزرگ اتومبیل حاوی مواد منفجره از مواد دیگر است که قرار بود در خیابان لاله‌زار تهران کار گذاشته شود که قبل از انفجار شناسایی و کشف شد.

دو خط حلقه‌ی کابل برق حاوی مواد منفجره نیز که قرار بود در مدرسه‌ی فضیه‌ی قم کار گذاشته شود کشف گردیده است تا به حال عوامل استکبار دو بار سعی کرده‌اند در مدرسه‌ی فیضیه بمب‌گذاری کنند که در هر دو مورد بمب‌ها قبل از انفجار خنثی شده است.

• مقابله با ترور

حجت‌الاسلام ری‌شهری در تشریح بخش دوم فعالیت‌های وزارت اطلاعات در مقابله با ترورها گفت: مجموعاً ۵۰ تیم ترور طی این مدت (از شهریور ماه سال گذشته تا به حال)

دستگیر یا معدوم شده‌اند. که طی این عملیات ۸۶ نفر از عوامل ترور دستگیر و یا معدوم گردیده‌اند. این ۵۰ تیم در سال گذشته ۲۲ ترور در سطح کشور انجام دادند که تمامی افراد ترور شده از مردم عادی بودند. این مسئله مشخص کننده‌ی ضعف ضد انقلاب و عوامل بیگانه است که با به کار گرفتن ۵۰ تیم تنها ۲۲ ترور آن هم از مردم عادی به انجام رسانده‌اند.

وی در ادامه‌ی مصاحبه از سپاه، کمیته‌ی دادستانی و قوه‌ی قضائیه تشکر کرد و گفت: بدون همکاری این برادران وزارت اطلاعات نمی‌تواند کار قابل‌توجهی ارائه دهد.

حجت‌الاسلام ری‌شهری در همین رابطه گفت: برادران کمیته اخیراً همکاری فوق‌العاده‌ای با وزارت اطلاعات داشتند. در رابطه با تیم ۵ نفره‌ای که در آستانه‌ی اشرفیه بود و ۵- ٦ نفر از برادران کمیته همکاری فعال داشته و همچنین در تعدادی از شهرستان‌ها مخصوصاً در غرب کشور و آذربایجان غربی و کردستان برادران کمیته همکاری فعالی با وزارت اطلاعات دارند.

• خنثی سازی فعالیت‌های جاسوسی حزب داشناک

وزیر اطلاعات در توضیح فعالیت‌های دیگر این وزارتخانه در خنثی سازی فعالیت‌های جاسوسی گفت: مورد دیگر به این رابطه ضربه‌ای است که به حزب «داشناک» وارد شده است.

این حزب از احزابی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کرد و سعی در خدشه‌دار کرد حیثیت مسؤولین و نظام جمهوری اسلامی داشت. این حزب در رفراندوم جمهوری اسلامی شرکت نکرد و با حزب دمکرات و منافقین هماهنگی داشت. در جریان درگیری مدارس ارامنه و رودررویی اولیای دانش‌آموزان ارمنی با مسؤولان آموزش و پرورش نقش داشت. بعد از آنکه گروهک‌ها از جمهوری اسلامی فرار کردند و حزب‌الله در جمهوری اسلامی حاکم شد، حزب داشناک تغییر موضع داد و در ظاهر خود را موافق با جمهوری اسلامی نشان داد. این حزب سعی می‌کرد فعالیت‌هایش مخفی باشد و این‌طور عنوان می‌کرد که در ایران فقط هوادار دارد و فاقد تشکیلات است.

وی افزود: اخیراً حزب داشناک در اصفهان ضربه خورد و ۱۱ نفر از سران این تشکیلات دستگیر شدند این حزب از احزاب وابسته به غرب و آمریکاست و در زمان حکومت رضاخان و شاه مقبور با رژیم همکاری داشته و با ساواک همکاری داشته است. این حزب با حزب فالانژ لبنان هماهنگی و همکاری دقیق داشته است و اخیراً نیز با عراق ارتباط داشته است.

حجت‌الاسلام ری‌شهری ادامه داد: ٦ نفر از دستگیر شدگان از اعضای شاخه‌ی نظامی و ۵ نفر بقیه از مسؤولین کمیته‌ی محلی جنوب ایران هستند.

از بخش نظامی بیش از ۷۰ قبضه سلاح از انواع ژ۳، کلاشینکف و انواع سلاح‌های کمری به همراه ده هزار فشنگ بدست آمده است.

همچنین تعداد زیادی سلاح‌های شکاری، ۵ دستگاه بی‌سیم، ۵ عدد چاشنی، مقداری مواد منفجره، ۷ عدد نارنجک، چندین دستگاه تایپ ارمنی و فارسی و مقادیر زیادی اسناد درون گروهی نیز از این عده بدست آمده است.

دستگیر شدگان عبارتند از:

اوهانیان- مسؤول اجرایی کمیته‌ی محلی جنوب ایران؛

شاه نظریان- رئیس کمیته‌ی محلی اصفهان و مسؤول کمیته‌ی شاهین‌شهر؛

شاه نظریان- مسؤول مالی کمیته‌ی محلی جنوب ایران؛

موسیسیان- مسؤول آموزش نظامی و عضو شاخه‌ی نظامی؛

داویدیان- مسؤول نگهداری سلاح‌ها و عضو شاخه‌ی نظامی؛

غیوندیان- عضو شاخه‌ی نظامی؛

هایدابتیان- عضو شاخه‌ی نظامی؛

آبراهامیان- عضور کمیته‌ی ملی اصفهان؛

درگوریان- مسئول قبلی شاخه‌ی نظامی.

حجت‌الاسلام ری‌شهری اضافه کرد: آنچه در رابطه با بمب‌گذاری‌ها ترورها و جاسوسی‌ها مهم است اینکه علاج اصلی این مسائل حل کردن مسئله‌ی جنگ است. سرنوشت این گروهک‌های مزدور با سرنوشت صدام گره خورده و هر دو یک سرنوشت

دارند و همان‌طوری که امام امت فرمودند صدام باید سیلی دوم را بخورد و مسئله‌ی جنگ حل شود. مسئله‌ی جنگ که حل شود همه‌ی مسائل حل می‌شوند.

وی افزود: ۹۹ درصد امکانات بمب‌گذاری، ترور و جاسوسی از جانب عراق وارد می‌شود. البته از بعضی از کشورهای همسایه هم ندرتاً وارد می‌شوند ولی عمده‌ی آن از طریق عراق است.

نکته‌ی دیگر که در سخنان امام بود اینکه سیلی بعدی باید با همکاری تمامی ارگان‌ها باشد به همین جهت از چند ماه قبل در بازنگری تشکیلات وزارت اطلاعات تصمیم گرفته شد که اولویت اوّل به جنگ داده شود و وزارت اطلاعات در رابطه با جنگ فعال شود. در رابطه با تأمین حفاظت فضای جبهه از فعالیت‌های جاسوسی دشمن و همچنین در رابطه با تحصیل اطلاعات مفید و همکاری فعال با رزمندگان اسلام در جهت تغذیه‌ی اطلاعاتی تا آنجا که مقدور است، تصمیماتی اتخاذ گردیده است.

تا به حال نیز موفقیت‌ها چشمگیر بوده است و امیدواریم که وزارت اطلاعات در آینده بتواند نقش خود را در جنگ و دین خود را به جنگ ادا نماید.

وی افزود: سیاست کادرسازی از سیاست‌های دیگر وزارت اطلاعات است. کادرهای فعال وزارت اطلاعات عمدتاً تجربه‌ی خود را در سپاه، کمیته و یا نخست‌وزیری پیدا کرده‌اند و این تجربه به قیمت خون شهدای بزرگواری مثل بهشتی، رجائی و باهنر به‌دست آمده و لازم است که این تجربه‌ها به کادرهای جدید منتقل شود. برای تأمین این هدف از آغاز وزارت اطلاعات تشکیل دانشکده‌ی اطلاعات برنامه‌ریزی شده و این برنامه‌ریزی‌ها قریباً به ثمر خواهد رسید کنکور دانشکده‌ی اطلاعات روز عید قربان انجام شد و دانشکده‌ی اطلاعات از اوّل مهر ماه شروع به فعالیت خواهد کرد.

حجت‌الاسلام ری‌شهری در رابطه با محدودیت‌های ارائه‌ی عملکرد وزارت اطلاعات گفت: اکثر قریب به اتفاق فعالیت‌های وزارت اطلاعات قابل ارائه نیست و حتی یک صدم از فعالیت‌های این وزارتخانه‌ها هم به خاطر سوءاستفاده‌ی دشمن قابل ارائه نیست؛ گذشته از آن قوت تشکیلات اطلاعاتی در غیر قابل دسترس بودن شیوه‌های برخورد با دشمن است. این امر مانع از ارائه‌ی کلیه‌ی فعالیت‌ها به مردم می‌شود. حتی اطلاعات عادی و

سوخته‌ای که از طریق رسانه‌ها مطرح می‌شود نیز برای دشمن قابل استفاده است. ولی به خاطر اینکه مسائل مهم‌تری مطرح است و لازم است اطلاعات افشا شود گفته می‌شود. گذشته از آن وزارت اطلاعات تنها تشکیلات اطلاعاتی در دنیا است که بدون همکاری دیگر کشورها فعالیت می‌کند.

• همکاری اطلاعاتی آمریکا و عراق

اطلاعات ما نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها به‌ویژه آمریکا از نظر اطلاعاتی با عراق همکاری دارند و مخصوصاً در رابطه با جنگ سیستم‌های اطلاعاتی دنیا به‌ویژه آمریکا با عراق همکاری دارند.

حجت‌الاسلام ری‌شهری همچنین گفت: علاوه بر اینها محدودیت‌های شرعی و قانونی و محدودیت‌های ناشی از نو پا بودن این وزارت نیز در این رابطه مطرح است وزارت اطلاعات مجاز نیست فعالیت‌هایی که از طرف شرع جایز نباشد را انجام دهد. محدودیت‌های قانونی نیز بدان خاطر است که زمانی که قانون وزارت اطلاعات نوشته می‌شد برای آنکه احتمال داده می‌شد سیستم اطلاعاتی اگر خیلی قوی باشد مشکلاتی ایجاد خواهد کرد. محدودیت‌هایی برای آن قائل شدند که دست و پاگیر و مشکل آفرین است. با تمامی این محدودیت‌ها وزارت اطلاعات فعالیت‌های زیادی داشته که پیچیده‌ترین سیستم‌های اطلاعاتی دنیا نیز چنین بازدهی‌ای نداشته‌اند.

پیوست شماره ۱۳

گروه‌ها و تشکل‌های گوناگون در سال‌های نخست انقلاب

جو رها و فضای باز و گستردهٔ سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، فرصتی فراهم آورد تا قریب دویست جریان متشکل در انواع گرایش‌ها با نام‌های «اتحادیه»، «جامعه»، «جبهه» «جمعیت» «جنبش» «حزب»، «سازمان» «شورا»، «کانون»، «کمیته»، «گروه» «نهضت» و عناوین دیگر، به طور آزاد (و اغلب علنی) فعالیت کنند، دفتر داشته باشند ارگان خود را منتشر نمایند و ـ بسیاری از آنها در توطئه‌های ریز و درشت نقش داشته باشند. فهرستی اجمالی از شماری این جریان‌های متشکل در ذیل به نظر می‌رسد:

الف) جریان‌های مارکسیست

۱. اتحاد دموکراتیک مردم ایران ۲. اتحاد مبارزان کمونیست (سهند) ۳. اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقهٔ کارگر ٤. اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقهٔ کارگر ۵. اتحادهٔ انقلابی زنان مبارز ٦. اتحادیه کمونیست‌های ایران ۷. اتحادیهٔ نویسندگان و هنرمندان (هوادار حزب تودده) ۸. انجمن دفاع از جنبش خلق کردستان ۹. انجمن رهایی زن ۱۰. جبهه دموکراتیک ملی ایران (مارکسیت و غیر مارکسیست) ۱۱. جبهه رزمندگان عرب ۱۲. جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب ١٤. جمعیت زنان مبارز ۱۵. جمعیت دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی خلق کرد (بوکان) ١٦. جمعیت دموکراتیک ملی ایران ۱۷. جمعیت راه رهایی زحمتکشان (مهاباد) ۱۸.

جمعیت روشنفکران عرب ایران ۱۹. جمعیت طرفداران زحمتکشان و دفاع از حقوق ملی خلق کرد ۲۰. جمعیت مبارزین راه آزادی و مدافع حقوق ملی و دموکراتیک خلق کرد (بانه) ۲۱. جنبش رادیکال ایران ۲۲. جنبش مردمی خلق عرب ایران ۲۳. جنبش مردمی عربی در ایران ۲٤. جنبش مستقل کارگری ۲۵. چریک‌های فدایی خلق ایران (اشرف دهقانی) ۲٦. حزب دموکرات کردستان ایران (قاسلمو) ۲۷. حزب دموکرات کردستان ایران (غنی بلوریان _ منشعب از قاسملو و همسو با حزب توده) ۲۸. حزب توده ایران ۲۹. حزب رنجبران ۳۰. حزب کارگران سوسیالیست ۳۱. حزب کمونیست ایران ۳۲. حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران ۳۳. حزب مارکسیستی لنینیستی شفق سرخ ۳٤. راه کارگر ۳۵. رزمندگان خلق عرب ۳٦. رزمندگان راه طبقه کارگر ۳۷. سازمان اتحاد چپ ۳۸. سازمان انقلابی دموکراتیک گیلان ومازندران ۳۹. سازمان انقلابی توده‌ای جمهوری اسلامی (ساتجا) ٤۰. سازمان انقلابیون کمونیست ٤۱. سازمان توده انقلابی دانشجویان و دانش‌آموزان (ستاد) ٤۲. سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کومولە) ٤۳. سازمان جنبش نوین رهایی‌بخش خلق‌های ایران ٤٤. سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران ٤۵. سازمان چریک‌های فدایی خلق (حماد شیبانی) ٤٦. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت) ٤۷. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت) ٤۸. سازمان دانش‌آموزان پیشتاز (هوادار پیکار) ٤۹. سازمان دانش آموزان پیشگام (هوادار فداییان خلق) ۵۰. سازمان دانشجویان پیشتاز (هوادار پیکار) ۵۱. سازمان دانشجویان پیشگام (هوادار فداییان خلق) ۵۲. سازمان زنان دموکرات ۵۳. سازمان سرخ کارگران ایران ۵٤. سازمان سیاسی خلق عرب ۵۵. سازمان کارگران مبارز ۵٦. سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان ۵۷. سازمان نوید (تشکل مخفی حزب تودهٔ ایران در داخل کشور) ۵۸. سازمان وحدت کمونیستی ۵۹. ستاد خلق ترکمن ٦۰. ستاد شورای ترکمن صحرا ٦۱. ستاد مشترک نیروهای دمکراتیک (مهاباد) ٦۲. شورای انقلابی خلق ترکمن ٦۳. شورای خودمختاری کردستان ٦٤. شورای زنان سنندج ٦۵. شورای متحد

چپ ٦٦. شورای هماهنگی جمعیتهای کردستان ٦٧. شورای همبستگی خلقهای ایران ٦٨. کانون زنان ترکمن‌صحرا ٦٩. کانون فرهنگ خلق عرب ۷۰. کانون فرهنگی ـ سیاسی خلق ترکمن ۷۱. کانون فرهنگی عرب احواز [=اهواز] ۷۲. کانون فرهنگی عرب عبادان [=آبادان] ۷۳. کانون فرهنگی عرب محمره [=خرمشهر] ۷٤. کانون مرکز شورای ترکمن‌صحرا ۷۵. کانون هماهنگی سندیکاهای کارگران ایران ۷٦. کمیتهٔ تدارکات کنگرهٔ خلق ۷۷. کمیتهٔ دموکراتیک خلق ۷۸. کنفدراسیون جهانی معلمین و دانشجویان ۷۹. کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی خارج از کشور (مارکسیست و غیر مارکسیت) ۸۰ کنگرهٔ ملی خلق عرب (مارکسیست و غیرمارکسیست) ۸۱ گروه آزادی کار ۸۲ گروه پرولتاریا ۸۳ گروه پیوند ۸٤ گروه جنگل و کوهستان ۸۵ گروه راه فدایی (منشعب از فداییان خلق) ۸٦ گروه رزمندگان خلق ۸۷ گروه کار ۸۸ گروه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر ۸۹ گروه نبرد برای رهایی طبقهٔ کارگر ۹۰. گروه نقش کار ۹۱. گروه یاران حیدر عمواوغلی ۹۲. مبارزین راه ایجاد حزب طبقه ارگر ۹۳. مبارزان راه طبقهٔ کارگر ۹٤. مبارزین آزادی خلق ایران ۹۵. مبارزین آزادی طبقهٔ کارگر ۹٦. مبارزین راه آرمان کارگر ۹۷. محفل مارکسیستی آزادی کارگر ۹۸. نهضت رادیکال ایران ۹۹. وحدت انقلابی عرب ایران.

ب) جریان‌های غیرمارکسیست

۱. آرمان مستضعفین (سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران) ۲. اتحاد اسلامی بلوچستان ایران ۳. اتحاد لیبرال ٤. اتحادیهٔ انجمن‌های دانش‌آموزان مسلمان (هودار مجاهدین خلق) ۵. اتحادیهٔ انجمنهای دانشجویان مسلمان (هوادار مجاهدین خلق) ٦. اتحادیه سنندج ۷. اتحادیه ملی زنان ۸ اتحادیه ملی کردستان ۹. اخوان المسلمین (کردستان) ۱۰. انجمن توحیدی تربت جام (اهل سنت) ۱۱. انجمن حجتیهٔ مهدویه (انجمن ضدبهائیت سابق) ۱۲. پاسداران شاهنشاهی ۱۳. جامعهٔ زنان مسلمان سنندج ۱٤. جامعه عرب ۱۵. جبههٔ اتحاد ملی ۱٦. جبههٔ رزمندگان عرب ۱۷. جبههٔ سیاسی خلق

عرب مسلمان ایران ۱۸. جبههٔ ملی ایران ۱۹. جبههٔ میهن‌پرستان ایران ۲۰. جمعیت مسلم آزاد (اهل سنت) ۲۱. جنبش انقلابی مردم ایران (جاما) ۲۲. جنبش برای آزادی (جنبش علی اصغر حاج سیدجوادی) ۲۳. جنبش پایداری بلوچستان ایران ۲٤. جنبش مجاهدین بلوچستان ایران (جمبا) ۲۵. جنبش مسلمانان مبارز ۲٦. جنبش ملی مجاهدین (پوشش علنی مجاهدین خلق) ۲۷. چریک‌های ناسیونالیست ۲۸. حزب پان ایرانیست ۲۹. حزب جمهوری خلق مسلمان ایران ۳۰. حزب جمهوریخواه ایران ۳۱. حزب حرکت اسلامی (اهل سنت) ۳۲. حزب اتحاد المسلمین (مولوی عبدالعزیز) ۳۳. حزب اصلاح المسلمین (سلف اتحاد المسلمین) ۳٤. حزب زحمتکشان ملت ایران (مظفر بقایی) ۳۵. حزب مردم ایران ۳٦. حزب مساوات اسلامی ۳۷. حزب ملت ایران ۳۸. حزب میهن‌دوستان ایران ۳۹. حزب ناسیونال سوسیالیست آریا ٤۰. خبات (سازمان مبارزهٔ ملی ـ اسلامی کردستان) ٤۱. رزمندگان ناسیونالیست ایران (رنا) ٤۲. سازمان اسلامی شورا (ساش) ٤۳. سازمان اسلامی مبارزه با ارتجاع (سامبا) ٤٤. سازمان جوانان حزب زحمتکشان ٤۵. سازمان جوانان مجاهد ٤٦. سازمان دانشجویان مسلمان ایرانی خارج از کشور (وابسته به مجاهدین خلق) ٤۷. سازمان درفش کاویانی (منوچهر گنجی) ٤۸. سازمان مجاهدین خلق ایران ٤۹. سازمان مجاهدین خلق غرب ۵۰. سازمان مرکزی نهضت رهایی ایران (سامان) ۵۱. سازمان معلمان پیشتاز (هوادار و پیکار) ۵۲. سازمان معلمان پیشگام (هوادار فداییان خلق) ۵۳. سازمان مهاجرین خلق ایران ۵٤. سازمان نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) ۵۵. سپاه رزگاری (شیخ عثمان نقشبندی) ۵٦. سپاه فرزندان شیر و خورشید ۵۷. شورای مرکزی سنت (شمس ـ مفتی‌زاده) ۵۸. کانون ابلاغ و نشر اندیشه‌های دکترعلی شریعتی (ارشاد) ۵۹. کانون نویسندگان ایران (مارکسیست و غیرمارکسیست) ٦۰. گروه آزادی‌خواهان اسلامی ٦۱. گروه آزادی‌خواهان ملی ایران (گاما) ٦۲. گروه ائتلافی اسلامی (سنندج) ٦۳. گروه پیروان راه عمر ٦٤. گروه جماعت تبلیغی (اهل سنت) ٦۵. گروه سیاسی باختر ٦٦. گروه الفاروق (کردستان) ٦۷. فرقان (اکبر گودرزی) ٦۸. گروه قیاده موقت (کردستان) ٦۹. گروه نظامی نهضت اسلامی جوانان ترکمن ۷۰. نهضت مجاهدین خلق ایران (میثمی).

پیوست شماره‌ی ۱۴

متن حکم دادستانی دادسرای ویژه‌ی روحانیت

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجة‌الاسلام والمسلمین آقای محمدی ری‌شهری دامت تأییداته

پیرو استعفای جناب حجة‌الاسلام والمسلمین آقای فلاحیان از دادستانی دادگاه روحانیت با تشکر فراوان از خدمات و زحمات ارزنده‌ی ایشان در طول اشتغال این مسئولیت مهم، جنابعالی را که بحمدالله برخوردار از صلاحیتهای علمی و عملی و دارای منزلت شایسته‌ای در نظام جمهوری اسلامی می‌باشید به دادستانی این دادگاه منصوب می‌کنم. اهمیت شأن و نقش علمای دین و جامعه روحانی در هدایت مردم و قوام امور کشور اقتضا می‌کند که نسبت به تخلفات و جرائمی که ممکن است از برخی عناصر روحانی‌نما صادر شود حساسیت و اهتمام نشان داده شود و با متخلفین برخوردی قاطع و منطبق با احکام اسلامی انجام گیرد. امید است همچنانکه از جنابعالی معهود است با اتکال به خداوند و اعتماد به عدل قضائی اسلام این مسئولیت خطیر را عهده‌دار گردید.

سید علی خامنه‌ای

۶۸/۱۰/۱۳

پیوست شماره‌ی ۱۵

موارد جاسوسی جان پاتیس

سرویس سیاسی ـ حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی ری‌شهری پیش از ظهر امروز طی گفت‌وگویی با رساله‌های داخلی، به جدیدترین ترفندهای آمریکا جهت نفوذ در ایران اشاره کرد و نکات تازه‌ای از فعالیت‌های جاسوسی آمریکا در ایران را برشمرد.

به گزارش خبرنگار ما وزیر اطلاعات با تأکید بر این مطلب که تا به حال در جهان سابقه نداشته که از طریق کار اطلاعاتی و بدون کمک از هیچ سرویس اطلاعاتی دنیا این همه جاسوس آن هم آمریکایی دستگیر شده باشند. وی سپس به اهمیت و گستردگی و عمل فعالیت‌های جاسوسان دستگیر شده اشاره کرد و گفت: حضرت امام پس از تسخیر لانه‌ی جاسوسی این اقدام را انقلاب دوم نام نهاد در حقیقت ضربه‌ی اخیر بر حامل تلاش‌های سرویس اطلاعاتی سازمان سیا پس از تسخیر لانه‌ی جاسوسی، تا مقطع فعلی می‌باشد. در فعالیت‌های اخیر سازمان‌های اطلاعاتی ما تعداد قابل توجهی از عناصر اطلاعاتی، عملیاتی و لجستیکی سرویس سازمان «سیا» دستگیر شدند که عموماً در ارگان‌های نظامی و غیرنظامی فعالیت داشتند.

وزیر اطلاعات با ذکر این مطلب که دستگیرشدگان عمدتاً غیرنظامی هستند گفت: نکته‌ای که باید روشن شود اینکه افراد دستگیر شده به استناد تعدادی نظامی که اسامی آنها را خواهم گفت همه غیرنظامی‌اند که در وزارتخانه‌های مختلف و شرکت‌های خصوصی فعالیت داشتند.

وزیر اطلاعات تبلیغات رسانه‌های آمریکایی را در مورد بزرگ جلوه‌دادن دستگیرشدگان نظامی تضعیف ارتش خواند و ضمن تأکید بر هشیاری ملت گفت: همین‌ها هم که دستگیر شده‌اند توسط خود ارتش و حفاظت اطلاعات ارتش بوده البته افراد خائن در هر لباسی هستند، حتی در بین این جاسوس‌ها روحانی‌نما هم وجود دارد.

حجت‌الاسلام ری‌شهری با اشاره به جاسوسی گروهک‌های ضدانقلاب که جهت ادامه‌ی حیات خود چاره‌ای جز این کار ندارند گفت: در میان گروهک‌ها دو گروهک جایگاه خاصی دارند. یکی سلطنت‌طلبان و دیگر منافقین که برای آمریکا و عراق فعالیت جاسوسی گسترده دارند. شبکه‌های متعددی از نفوذی‌های منافقین و سلطنت‌طلبان کشف شده که در آینده توضیح می‌دهیم. وی در همین رابطه افزود: یکی از شبکه‌های گروهکی «مسعود دالوند» می‌باشد که با عده‌ای نظامی و غیرنظامی در ارگان‌های دولتی و غیردولتی ارتباط داشتند که در آینده‌ی نزدیک توضیح می‌دهیم.

وزیر اطلاعات سپس برای نشان دادن عمق برنامه‌ریزی‌های سازمان سیا در ایران گفت: دکتر حشمت‌الله مقصودی در میان دستگیرشدگان اخیر است با شخصی به نام «پارکر» در آمریکا ارتباط داشته پارکر به مقصودی در آمریکا می‌گوید: «آمریکا دیگر این تجربه‌ی تلخ را تکرار نخواهد کرد که یک نفر را بتراشد و وارد مملکت کند، اگر ما ریشه در کشورها نداشته باشیم کار بی‌فایده است.»

وزیر اطلاعات در همین رابطه افزود: آمریکا از کودتا در ایران مأیوس است و این حرف اعتراف به این است که از گروهک‌ها هم مأیوس است و برای سلطه‌ی مجدد بر ایران به این نتیجه رسیده که باید فرهنگ ایرانی را عوض کرد یعنی اسلام ناب تبدیل به اسلام آمریکایی شود. وی در مورد ترفند جدید آمریکا گفت: آمریکا دقیقاً به روش شیطان که با استفاده از نقاط ضعف انسان که خواسته‌های نفسانی است وارد می‌شود عمل می‌کند شیطان بزرگ و امنیت جاسوسی سیا دقیقاً روش شیطان را دنبال می‌کند یعنی از طریق نفوذی‌های خودشان که همان مهره‌های جاسوسی هستند در اقشار مختلف سعی می‌کنند در دراز مدت جایگزین شوند و با بزرگ کردن نقاط ضعف و دست گذاشتن روی مشکلات ناشی از هشت سال جنگ و اختلاف افکنی و بی‌بند و باری و بالاخره با تبلیغ جدایی دین از سیاست و ترویج

روحانی نمایان که این «تز» را طرفداری می‌کنند سعی در تحصیل خواسته‌های خود دارند.
حجت‌الاسلام ری‌شهری در مورد عملکرد تیم‌های عملیاتی گفت:

آمریکا در کنار اهداف بلند مدت خود یک سری اهداف کوتاه مدت را در نظر داشت که آن فعالیت‌های تروریستی در سطح بالا بود که نقطه‌ای را به آشوب بکشند و یا ضربه‌ای محکم بر نظام بزنند.

حجت‌الاسلام ری شهری تصریح کرد: آمریکا با اقدام خود صریحاً بیانیه‌ی الجزایر را نقض کرده و در مورد دخالت در امور داخلی ایران باید پاسخگو باشد.

وزیر اطلاعات در ادامه‌ی سخنان خود نام برخی افراد دستگیر شده را در بخش نیروهای نظامی وزارتخانه‌ها ارگان‌های دولتی؛ تیم‌های عملیاتی و دیگر منابع «سیا» را برشمرد و گفت: این افراد عبارتند از سرهنگ بهمن ایکانی فرزند نقی، سرتیپ دوم اردشیر، فرزند محمدحسن، سرهنگ گیلانی ، سرهنگ مسعود ربانی، ناخدا یکم تورج ریاحی، ناخدا یکم قهرمان ملک‌زاده، دریادار دوم کیانوش حکیمی، دکتر بهمن آقایی کارشناس حقوقی وزارت خارجه، مسعود بیدور کارشناس برنامه‌ریزی وزارت نفت، جمشید امیری شاغل در پتروشیمی شیراز، دکتر منوچهر آذر، وکیل پایه یک دادگستری، دکتر حشمت‌الله مقصودی وکیل پایه یک دادگستری و روحانی‌نما، مهدی عباس‌زاده، غلامحسین رضازاده، رسول خطیبی از تیم‌های عملیاتی و عطاءالله شیبانی مدیر گسترش زبان در مشهد و منوچهر صاحب کتابفروشی چهر در تبریز جزو افراد دستگیر شده می‌باشند.

حجت‌الاسلام ری شهری در ادامه از افشای نام مابقی افراد دستگیر شده به دلایل امنیتی خودداری کرد و پیرامون کشف فعالیت‌های وزارت اطلاعات گفت: با شناختی که از ماهیت استکبار آمریکا وجود داشت وزارت اطلاعات از اوایل سال ٦٣ زمان تأسیس این سازمان روی شبکه‌های جاسوسی آمریکا با اولویت سرمایه‌گذاری کرد. وی افزود: ما از سال ٦٣ ـ ٦٤ سرنخ‌های مثبتی را به دست آوردیم و از اوایل سال قبل جهت ضربه واردکردن و برنامه‌ریزی جهت دستگیری عناصر اقدام نمودیم.

حجت‌الاسلام ری‌شهری ویژگی‌های منابع اطلاعاتی «سیا» را فاش ساخت و در مورد عملکرد آنان گفت: آنها از کسانی که می‌خواستند جاسوسی کرده و اطلاعاتی به دست آورند افراد جا افتاده‌ای را نظیر مهندس دکتر روحانی‌نما و غیره انتخاب می‌کردند.

وی در این مورد با تشریح جزییات اشخاص مورد نظر خصوصیاتی را از قبیل ویژگی امکان خروج از کشور، نداشتن شغل دولتی، عدم دستگاه‌های دولتی که سنین آنان بین ۱۸ تا ۳۵ سال و از افراد بومی نزدیک منطقه‌ی عملیاتی و سابقه‌ی ذهنی چپ نداشته باشند و شناسایی و انتخاب می‌کردند.

حجت‌الاسلام ری‌شهری اظهار داشت که به‌زودی افراد دستگیر شده از طریق تلویزیون و رسانه‌های خبری اعترافات خود را اظهار خواهند کرد.

وی در مورد آموزش تیم‌های عملیاتی گفت تیم‌ها در رده‌های چهارنفری سازماندهی و به آنان آموزش‌های مختلف از جمله جمع‌آوری اطلاعات یک دوره آموزش کامل جاسوسی و استفاده از وسایل نامریی رادیو، جهت دریافت پیام‌های رمز و بهره‌برداری از دفاتر رمز و استفاده از دوربین‌های مخصوص جهت عکس‌برداری از نقاط حساس و اسناد داده می‌شد.

وزیر اطلاعات افزود افرادی که برای جاسوسی مشخص می‌شوند برای تیم‌های عملیاتی یا اطلاعاتی جهت آموزش به خارج از کشور انتقال داده می‌شوند.

وزیر اطلاعات گفت ما اطلاعاتی در دست داریم که به زودی تعداد دیگری دستگیر خواهند شد و اگر افراد خود را قبل از دستگیری به حفاظت‌ها معرفی کنند در مجازات آنان تخفیف قابل توجهی داده خواهد شد.

وزیر اطلاعات موارد استفاده از وسایل جاسوسی را نشان‌دهنده‌ی سرمایه‌گذاری امریکا در این امر دانست و به استفاده از قطب نما، نقشه‌خوانی رزم شبانه، درس میدان، ورود چترباز، اسلحه شناسی و تخریب را نمونه‌ای از آموزش جاسوسان در کشور های دیگر ذکر کرد.

وی دراعتراف یکی از جاسوسان که در پاییز سال ٦٤ به همراه اعضای تیم به ترکیه رفته و از آنجا به فرانکفورت و با اتومبیل‌های سرپوشیده به یک فرودگاه نظامی وارد شده و در

آنجا با کلاه‌های مخصوصی که امکان دید نداشته حرکت و به یک کمپ نظامی وارد میشوند که در آن کمپ تمام آموزش‌های ذکر شده را طی می‌کند.

حجت‌الاسلام ری‌شهری پس از اشاره به وسایل پیچیده‌ای که در اختیار جاسوسان گذاشته شده بود به ذکر نمونه‌هایی پرداخت از جمله دستگاههای دریافت پیام رمز اعداد که با دفترچه‌های مخصوص تطبیق می‌شد. این دفترچه‌ها با جاسازی مخصوص وارد مملکت می‌شد. مثلاً برای دکتر حشمت مقصودی کارخانه‌ی ناخن‌گیرسازی دفترچه را جاسازی کرده بود. همچنین فرستنده‌ی پیام فشرده با بهره‌برداری از تلفن و ماهواره، دوربین‌های عکاسی با فیلمهای مخصوص که در ایران قابل ظهور نبود همچنین آنتن‌های ردیاب تقویت و امکانات نامرئی‌نویسی که حتی به جاسوسان گفته بودند این قدر اینها پیشرفته است که حتی سازمان کا. گ. ب هم نمی‌تواند آنها را مرئی کند. ولی نیروهای اطلاعاتی ما با راه‌ها و روش‌های ابتکاری و شناسایی معرف‌های شیمیایی به این امر دست یافتند.

وزیر اطلاعات ضمن بر شمردن چگونگی دریافت مسائل اطلاعاتی ایران از طریق جاسوسان به عنوان مثال در مورد جاسوسان غیرنظامی گفت مثلاً مهندس جمشید امیری اطلاعاتی از پتروشیمی و تحقیقات این مرکز برای سیا می‌فرستاده است همچنین شخص دیگری به نام مهندس مسعود در قسمت برنامه‌ریزی وزارت نفت کلیه سیاست‌های نفتی و صادرات و واردات را به سازمان سیا میداده است.

شیوه‌های به دام‌اندازی برخی از افراد از جمله سه تن را در نیروهای دریایی و هوایی توضیح داد.

وزیر اطلاعات گفت: در نیمه‌ی دوم سال ٦٥ سرهنگ بهمن ایکانی به هلند مسافرت می‌کند و برادرش مهدی را جهت ادامه‌ی تحصیل به امریکا با خود می‌برد و در تماس با سفارت هلند و وابسته‌ی نظامی آمریکا و عوامل سیا اخذ ویزا را منوط به همکاری با این سازمان می‌کند.

همچنین در سال ٦٥ تورج ریاحی به اتفاق فرزند خود به آلمان می‌رود و جهت اخذ ویزا به سفارت آمریکا در این کشور مراجعه و آنان شرط ویزا را همکاری اعلام می‌کند.

در سال ٦٤ اردشیر اشرف جهت دیدا با فرزند خود به ترکیه و جهت اخذ ویزا برای عزیمت به آمریکا به سفارت این کشور در ترکیه مراجعه می‌کند و او را به همکاری دعوت می‌نمایند و در سال ٦٥ قهرمان ملک‌زاده جهت دیدار با همسر و فرزند خود در آمریکا به ایتالیا سفر می‌نماید و سفارت آمریکا در رم عزیمت به کشور آمریکا را منوط به دادن اطلاعات می‌کند.

وزیر اطلاعات با توضیحاتی پیرامون کشف اخیر پیامدهای آن را بی‌اعتباری سیاسی آمریکا، افشای ماهیت ادعای مسئولان آن کشور که خود را طرفدار رعایت موازین بین‌المللی و طرفداران حقوق بشر می‌خوانند دانست و گفت: با توجه به بی‌اعتباری سیستم کاری سازمان سیا، ضرورت ایجاب می‌کند که این سازمان در شیوه‌ی کارهای خود تجدیدنظر کند چرا که آنها تصور نمی‌کردند که کشوری غیرمتعهد چنین ضربه‌ی اساسی را به آنان وارد سازد.

وزیر اطلاعات در پایان این مصاحبه که بیش از یک ساعت به طول انجامید با تقدیر از حفاظت ارتش قوه قضائیه‌ی سپاه و کمیته از آلمان غربی به عنوان کشوری که با سازمان سیا همکاری می‌کرده نام برد و گفت همچنین کشوری همسایه نیز با سیا همکاری می‌نموده که از نام آن خودداری می‌شود. این کشور عوامل جاسوس را با گذرنامه‌ی جعلی به آلمان غربی می‌فرستاد که محل آنان شناسایی شده است.

پیوست شماره‌ی ۱۶
دستگیرشدگان عضو شبکه‌ی جاسوسی سیا
۱۳۶۸/۲/۶

کیهان، سرویس سیاسی کیهان- وزیر اطلاعات اعلام کرد «جان پاتیس» جاسوس آمریکایی که چندی قبل دستگیر شده اعتراف کرده است که اطلاعات خواسته شده توسط سازمان سیا را به‌وسیله‌ی شخصی به نام «گیوی استین» در اختیار سازمان جاسوسی آمریکا قرار داده است.

وی همچنین گفت طی سال گذشته ۵۷ جاسوس دستگیر شده‌اند که اکثراً عراقی، امریکایی، انگلیسی و از برخی کشورهای دیگر هستند.

وزیر اطلاعات همچنین اسامی سه عامل بمب‌گذاری در شهرستان قم را بدین شرح اعلام کرد: «سلیمان فرهادی»، «محمّد ویسی» (معروف به همه) و «اسماعیل نوری». وی گفت: دو نفر از این سه نفر به ده فقره بمب‌گذاری دیگر نیز اعتراف کرده‌اند.

حجت‌الاسلام ری‌شهری وزیر اطلاعات که دیروز به مناسبت هفته‌ی دولت در جمع خبرنگاران سخن می‌گفت افزود: «جان پاتیس» اعتراف کرده است که در رابطه با پروژه‌ی شرکت کاسموس در اسدآباد همدان فعالیت داشته و با گذرنامه‌ی ایتالیایی وارد ایران شده است.

وزیر اطلاعات قسمتی از اطلاعاتی را که جان پاتیس در اختیار سازمان سیا قرار داده است را بدین شرح اعلام کرد: کیفیت ارتباطات مخابراتی در مناطق نفتی، شرکت‌های

مجری پروژه‌های شرکت مخابرات، میزان اهمیت پروژه‌ی اسدآباد برای شرکت مخابرات، مشکلات تولید نفت برای جمهوری اسلامی، نوع زندگی خارجیان در ایران و مشکلات احتمالی جهت مسافرت به ایران با گذرنامه‌ی ایتالیایی و چگونگی اخذ ویزای ایران.

حجت‌الاسلام ری‌شهری اضافه کرد لازم به تذکر است که یکی دو ساعت پس از آنکه جان پاتیس مرکز اسدآباد را ترک کرده این مرکز توسط عراق بمباران می‌شود و طبق اعترافاتی که کرده است اطلاعات دقیق آنجا را در اختیار آن مأمور سیا گذاشته و طبیعتاً این اطلاعات از طریق سیا برای عراق گزارش شده است.

وزیر اطلاعات خطوط هدایتی که سازمان سیا برای جمع‌آوری اطلاعات در اختیار جان پاتیس گذاشته بود را بدین شرح اعلام کرد: ساختمان ماهواره‌ای ارتباط عمومی، مشکلات موجود در ماهواره که بر اثر کمبود ظرفیت را عدم موقعیت در بعضی از مکان‌ها بوجود آمده برنامه‌های جدید برای سیستم‌های ارتباطی نظامی، بهره‌برداری از امکانات و وسایل رادیویی تاکتیکی، منابع تهیه‌ی قطعات یدکی برای وسایل رادیوهای تاکتیکی و رادارهای ثابت و متغیر، بهره‌برداری از سیستم‌های راداری جدید، منابع تهیه‌ی قطعات یدکی هواپیما و هلی‌کوپتر، مهمات تهیه شده از خارج یا داخل بانک‌هایی که اعتبارات بانک مرکزی را می‌پذیرند و...

• ۳۰ مورد کشف بمب طی سال گذشته

وزیر اطلاعات در بخش دیگری از مصاحبه‌ی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی دیروز خود در تشریح فعالیت‌های وزارت اطلاعات گفت: از شهریور ماه سال گذشته تا به حال ۳۰ مورد بمب‌گذاری قبل از انفجار شناسایی و عاملین آن دستگیر شده‌اند، مهمترین آنها سه نفری هستند که در رابطه با بمب‌گذاری شهر قم دستگیر شده‌اند، دو نفر از این سه نفر مواد منفجره را داخل اتومبیل ژیان جاسازی کرده و به قم آورده بودند و نفر سوم عامل ورود مواد منفجره از عراق به داخل کشور بوده است. سلیمان فرهادی و محمّد ویسی به ده فقره بمب‌گذاری نیز اعتراف کرده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از: انفجار بمب در هتل بهار قم (سال ٦۲)، انفجار بمب در نبش شرقی ابتدای خیابان ناصرخسرو (سال ٦۲)، انفجار بمب

در میدان راه‌آهن تهران (سال ٦٣) که طی آن ۱۹ نفر شهید و ۲۰۰ نفر مجروح شدند. و تعدادی انفجارات دیگر که انشاءالله فیلم اعترافات آنان از تلویزیون پخش خواهد شد.

حجت‌الاسلام ری‌شهری افزود: از مجموع این ۳۰ مورد بمب‌گذاری که موفق به شناسایی قبل از انفجار شدیم در ۲۵ مورد عوامل بمب‌گذاری همراه با بمب و ابزار انفجاری دستگیر شده‌اند. از این ۳۰ مورد بیش از ۹٦۰ پوند مواد منفجره به‌دست آمده است که احتمالاً بیش از ۳۰ مورد کاربرد داشته است.

• نمونه‌های کشف شده

وی فعالیت‌های وزارت اطلاعات را مقابله با بمب‌گذاری ترور و فعالیت‌های جاسوسی کشورهای بیگانه و یا گروه‌های نفوذی ذکر کرد و در تشریح شیوه‌های بمب‌گذاری عوامل بیگانه گفت: عوامل استکبار تصمیم داشتند موکتی نظیر همان موکت که در نماز جمعه‌ی تهران منفجر شد، در دعای کمیل تهران کار بگذارند و عده‌ای از هموطنان را به خاک و خون بکشانند، این موکت کشف و عوامل آن شناسایی و دستگیر شدند.

مورد دیگر پوتین‌های سربازی بود که قطعاً برای بمب‌گذاری در نماز جمعه‌ی تهران تهیه شده بود و عراقی‌ها به عوامل مزدور خود- گروهک‌های داخلی- گفته بودند این بمب‌ها را به تلافی بازپس‌گیری مهران در نماز جمعه کار بگذارند.

حجت‌الاسلام ری‌شهری گفت: مواد منفجره‌ای که کشف شد در برخی موارد بسیار پیچیده است و ما فکر می‌کنیم که این مواد از کشورهای دیگری ساخته شده و سپس به عراق و بعد به ایران منتقل شده است. برخی از جاسوسان عراقی می‌گویند: این مواد منفجره از جمله همکاری‌های سیا با عراق است.

مواد دیگر کشف شده عبارتند از چهار حلقه شیلنگ با قدرت تخریبی ٤۰ کیلو مواد منفجره که برای کار گذاشتن در اطراف وزارت کشاورزی، وزارت امور خارجه، وزارت کار و یا وزارت جهاد تهیه شده بوده است.

چمدان بزرگی نیز کشف شد که به طرز بسیار ماهرانه‌ای مواد منفجره در آن جاسازی شده بود و قرار بود این چمدان در میدان راه‌آهن کار گذاشته شود.

کپسول‌های گاز نمونه‌های دیگر این مواد منفجره هستند. کپسول‌ها قرار بوده است در فروشگاه قدس کار گذاشته شوند.

دو کارتن حاوی مواد منفجره با پوشش صابون برای بمب‌گذاری در ترمینال غرب تهیه شده بود که کشف گردید.

حجت‌الاسلام ری‌شهری افزود: ترمینال‌های مسافربری یکی از مهمترین اهداف عوامل استکباری برای بمب‌گذاری هستند. عوامل امنیتی نظیر شهربانی و کمیته باید دقت بیشتری نسبت به این‌گونه اماکن داشته باشند. همچنین مردم نیز باید مراقب باشند و موارد مشکوک را اطلاع دهند. وی همچنین به مأموران امنیتی توصیه کرد نسبت به مدرسه‌ی فیضیه و شهر قم دقت بیشتری داشته باشند چون عوامل استکبار سعی در بمب‌گذاری در این دو نقطه را دارند.

وی ادامه داد: باطری بزرگ اتومبیل حاوی مواد منفجره از موارد دیگر است که قرار بود در خیابان لاله‌زار تهران کار گذاشته شود که قبل از انفجار شناسایی و کشف شد.

دو خط حلقه‌ی کابل برق حاوی مواد منفجره نیز که قرار بود در مدرسه‌ی فضیه‌ی قم کار گذاشته شود کشف گردیده است تا به حال عوامل استکبار دو بار سعی کرده‌اند در مدرسه‌ی فیضیه بمب‌گذاری کنند که در هر دو مورد بمب‌ها قبل از انفجار خنثی شده است.

• مقابله با ترور

حجت‌الاسلام ری‌شهری در تشریح بخش دوم فعالیت‌های وزارت اطلاعات در مقابله با ترورها گفت: مجموعاً ۵۰ تیم ترور طی این مدت (از شهریور ماه سال گذشته تا به حال) دستگیر یا معدوم شده‌اند. که طی این عملیات ۸۶ نفر از عوامل ترور دستگیر و یا معدوم گردیده‌اند. این ۵۰ تیم در سال گذشته ۲۲ ترور در سطح کشور انجام دادند که تمامی افراد ترور شده از مردم عادی بودند. این مسئله مشخص کننده‌ی ضعف ضد انقلاب و عوامل بیگانه است که با به کار گرفتن ۵۰ تیم تنها ۲۲ ترور آن هم از مردم عادی به انجام رسانده‌اند.

وی در ادامه‌ی مصاحبه از سپاه، کمیته‌ی دادستانی و قوه‌ی قضائیه تشکر کرد و گفت: بدون همکاری این برادران وزارت اطلاعات نمی‌تواند کار قابل‌توجهی ارائه دهد.

حجت‌الاسلام ری‌شهری در همین رابطه گفت: برادران کمیته اخیراً همکاری فوق‌العاده‌ای با وزارت اطلاعات داشتند. در رابطه با تیم ۵ نفره‌ای که در آستانه‌ی اشرفیه بود و ۵- ٦ نفر از برادران کمیته همکاری فعال داشته و همچنین در تعدادی از شهرستان‌ها مخصوصاً در غرب کشور و آذربایجان غربی و کردستان برادران کمیته همکاری فعالی با وزارت اطلاعات دارند.

• خنثی‌سازی فعالیت‌های جاسوسی حزب داشناک

وزیر اطلاعات در توضیح فعالیت‌های دیگر این وزارتخانه در خنثی سازی فعالیت‌های جاسوسی گفت: مورد دیگر به این رابطه ضربه‌ای است که به حزب «داشناک» وارد شده است.

این حزب از احزابی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کرد و سعی در خدشه‌دار کردن حیثیت مسؤولین و نظام جمهوری اسلامی داشت. این حزب در رفراندوم جمهوری اسلامی شرکت نکرد و با حزب دموکرات و منافقین هماهنگی داشت. در جریان درگیری مدارس ارامنه و رودررویی اولیای دانش‌آموزان ارمنی با مسؤولان آموزش و پرورش نقش داشت. بعد از آنکه گروهک‌ها از جمهوری اسلامی فرار کردند و حزب‌الله در جمهوری اسلامی حاکم شد، حزب داشناک تغییر موضع داد و در ظاهر خود را موافق با جمهوری اسلامی نشان داد. این حزب سعی می‌کرد فعالیت‌هایش مخفی باشد و این‌طور عنوان می‌کرد که در ایران فقط هوادار دارد و فاقد تشکیلات است.

وی افزود: اخیراً حزب داشناک در اصفهان ضربه خورد و ۱۱ نفر از سران این تشکیلات دستگیر شدند این حزب از احزاب وابسته به غرب و آمریکاست و در زمان حکومت رضاخان و شاه مقبور با رژیم همکاری داشته و با ساواک همکاری داشته است. این حزب

با حزب فالانژ لبنان هماهنگی و همکاری دقیق داشته است و اخیراً نیز با عراق ارتباط داشته است.

حجت‌الاسلام ری‌شهری ادامه داد: ٦ نفر از دستگیرشدگان از اعضای شاخه‌ی نظامی و ۵ نفر بقیه از مسؤولین کمیته‌ی محلی جنوب ایران هستند.

از بخش نظامی بیش از ۷۰ قبضه سلاح از انواع ژ۳، کلاشینکف و انواع سلاح‌های کمری به همراه ده هزار فشنگ به‌دست آمده است.

همچنین تعداد زیادی سلاح‌های شکاری، ۵ دستگاه بی‌سیم، ۵ عدد چاشنی، مقداری مواد منفجره، ۷ عدد نارنجک، چندین دستگاه تایپ ارمنی و فارسی و مقادیر زیادی اسناد درون گروهی نیز از این عده به‌دست آمده است.

فهرست اعلام

اماکن

کتب و نشریات

نمایندگی‌های فروش در تهران:

■ پخش روایت، خ انقلاب اسلامی، خ ۱۲ فروردین، تلفن: ۶۶۴۶۰۱۴۶

■ پخش کوهسار: خ انقلاب اسلامی، خ اردیبهشت، تلفن: ۶۶۴۹۴۵۴۱

■ کتابفروشی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، خ انقلاب اسلامی، تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

■ شبکه اندیشه: م انقلاب اسلامی، ابتدای خ آزادی، تلفن: ۶۶۹۲۵۱۲۷

■ فروشگاه بزرگ شهر کتاب نیاوران، روبروی کامرانیه شمالی، تلفن: ۲۲۲۸۵۹۶۹

■ طرح نو: م فاطمی، خ بیستون، کوچه ۱۶، پلاک ۲۲ تلفن: ۸۸۸۰۲۲۳۲

■ روایت فتح: م فردوسی، خ سپهبد قرنی، تلفن: ۸۸۸۹۷۸۱۴

■ پخش مقداد: افسریه، ۱۵ متری اول، تلفن: ۰۹۱۲۳۰۵۷۷۱۵

■ فرهنگسرای اندیشه، خ شریعتی، قبل از پل سید خندان، تلفن: ۸۸۵۰۰۵۱۳-۱۵

■ کتاب ما، خ شریعتی، نرسیده به میدان قدس، تلفن: ۲۲۲۱۶۰۰۷-۸

■ نشر فرهنگ و معارف اسلامی، خ پاسداران، خ زمرد، تلفن: ۲۲۸۵۶۱۲۴-۵

■ شهر کتاب نپتون، م امام حسین(ع)، خ دماوند، نبش خ کهن، تلفن: ۷۷۵۹۰۰۹۳-۹۴

■ انتشارات بدرقه جاویدان، خ ولیعصر، نبش فاطمی، تلفن: ۸۸۹۷۵۵۸۱-۴

■ کتاب مرجع، بلوار کشاورز، خ فلسطین، شماره ۱۲۸، تلفن: ۸۸۹۶۱۳۰۳

فهرست منشورات مرکز اسناد انقلاب اسلامی به تفکیک حوزه‌های پژوهشی

ردیف	عنوان	قیمت
	نهضت اسلامی ایران	
۱	نقش رهبری در نهضت مشروطه، ملی نفت و انقلاب اسلامی	۱۲۰۰ تومان
۲	بررسی مشی چریکی در ایران	۱۰۰۰ 〃
۳	تحلیلی بر نقش عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی	۱۱۰۰ 〃
۴	رژیم شاه و آزمون‌گیری از طلاب	۵۰۰ 〃
۵	مشهد در بامداد نهضت امام خمینی	۱۱۰۰ 〃
۶	حماسه ۱۹ دی قم	۱۴۰۰ 〃
۷	حماسه ۱۷ خرداد۱۳۵۴	۹۰۰ 〃
۸	جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی	۵۰۰ 〃
۹	ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه	۱۰۰۰ 〃
۱۰	زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی (ره)	۲۵۰۰ 〃
۱۱ـ۲۰	نهضت روحانیون ایران (دوره ۱۰ جلدی)	۱۰۰۰۰ 〃
۲۱ـ۲۲	نهضت امام خمینی (جلد ۲ و ۳)	۴۵۰۰ 〃
۲۳	حماسه ۲۹ بهمن تبریز	۱۲۰۰ 〃
۲۴	روزنامهٔ صدای سمنان	۱۲۰۰ 〃
۲۵	روزنامهٔ نبرد ملت ارگان رسمی فداییان اسلام	۴۵۰۰ 〃
۲۶	نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه (۱۳۴۱ ـ ۱۳۵۷)	۱۱۰۰ 〃
۲۷	جمعیت فدائیان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی ـ اجتماعی ایران	۲۲۰۰ 〃
۲۸	بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۲۰ـ ۱۳۴۰)	۳۴۰۰ 〃
۲۹	روشنفکری دینی و انقلاب اسلامی	۲۴۰۰ 〃
۳۰	اصلاحات آمریکایی ۱۳۳۹ـ ۱۳۴۲ و قیام ۱۵ خرداد	۱۸۰۰ 〃
۳۱	انقلاب اسلامی در شهرستان میانه	۲۳۰۰ 〃
۳۲	همه‌پرسی‌های رژیم شاه	۱۴۰۰ 〃
۳۳	امام خمینی و انتفاضه فلسطین	۱۲۰۰ 〃
۳۴	گروه ابوذر	۱۷۰۰ 〃
۳۵	مواضع امام خمینی (ره) در برابر نظام سیاسی پهلوی و نهادهای آن	۱۳۰۰ 〃
۳۶	انقلاب اسلامی به روایت خاطره	۱۳۰۰ 〃
۳۷	سه سال ستیز مرجعیت شیعه (۱۳۴۳ـ ۱۳۴۱)	۴۲۰۰ 〃
۳۸	انقلاب فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (دگرگونی در آموزش عالی)	۱۸۰۰ 〃
۳۹	انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های معاصر	۱۹۰۰ 〃
۴۰	دولت بختیار و تحولات انقلاب اسلامی	۱۸۰۰ 〃
۴۱	سفر به کشورهای مختلف جهان در ارتباط با انقلاب اسلامی	۵۳۰۰ 〃
۴۲	مساجد بازار تهران در نهضت امام خمینی	۲۰۰۰ 〃
۴۳	چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران	۷۲۰۰ 〃
۴۴	بررسی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴ هـ ش	۲۷۰۰
۴۵	یک‌شنبه خونین مشهد (۱۳۵۷)	۲۴۰۰ 〃
۴۶	انقلاب دوم (تسخیر لانه‌ی جاسوی آمریکا، آثار و پیامدها)	۲۵۰۰ 〃
۴۷	یکسال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه (بهمن ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷)	۶۵۰۰ 〃
۴۸	نقش روحانیت در قیام ۱۵ خرداد	۲۵۰۰ 〃
۴۹	انتخابات نهم ریاست‌جمهوری	۴۶۰۰ 〃
۵۰	سال‌های تبعید امام خمینی(ره)	۲۵۰۰ 〃
	تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران	
۵۱	تاریخ شفاهی انقلاب	۹۰۰ 〃
۵۲	تاریخ شفاهی انقلاب تاریخ حوزه علمیه قم	۱۸۰۰ 〃
۵۳	تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (جلد دوم)	۳۰۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
۵۴	تاریخ شفاهی گروه ابوذر	۱۶۰۰ تومان
۵۵	تاریخ شفاهی مسجد جلیلی	۱۱۰۰ 〃
۵۶	تاریخ شفاهی گروه‌های مبارز هفت‌گانه‌ی مسلمان	۳۷۰۰ 〃
۵۷	تاریخ شفاهی کانون نشر حقایق اسلامی	۲۸۰۰ 〃
۵۸	تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران (از مهاجرت امام خمینی به پاریس تا پیروزی)	۲۵۰۰ 〃
۵۹	تاریخ شفاهی مدرسه‌ی حقانی	۱۷۰۰ 〃
۶۰	تاریخ شفاهی سازمان مهدویون	۲۷۰۰ 〃
۶۱	تاریخ شفاهی مسجد ارک تهران	۱۲۰۰ 〃
۶۲	تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی «ج۲»، امام خمینی در تبعید	۱۸۰۰ 〃
۶۳	تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش	۱۹۰۰ 〃
۶۴	تاریخ شفاهی هیئت‌های مؤتلفه اسلامی	۲۸۰۰ 〃
	تاریخ معاصر ایران	
۶۵	نقش علماء در انجمن‌ها و احزاب دوران مشروطیت	۱۳۰۰ 〃
۶۶	قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری	۱۶۰۰ 〃
۶۷	دولت موقت	۱۶۰۰ 〃
۶۸	برگ‌هایی از تاریخ حوزهٔ علمیه قم	۱۱۵۰ 〃
۶۹	پلیس جنوب ایران	۱۹۰۰ 〃
۷۰	مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه	۱۸۰۰ 〃
۷۱	قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب	۲۱۰۰ 〃
۷۲	تاریخ دخانیه	۱۸۰۰ 〃
۷۳	آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری و جنبش مشروطه‌خواهی	۱۹۰۰ 〃
۷۴	مدرس و سیاست‌گذاری عمومی	۱۷۰۰ 〃
۷۵	داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب	۱۹۰۰ 〃
۷۶	چالش مشروعیت در رژیم شاه و قتل نخست‌وزیران	۲۰۰۰ 〃
۷۷	جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران	۷۰۰۰ 〃
۷۸	شیخ محمد خالصی‌زاده (روحانیت در مصاف با انگلیس)	۱۴۰۰ 〃
۷۹	ناپایداری کابینه‌ها در ایران	۱۴۰۰ 〃
۸۰	شهید رابع (آیت‌الله اصطهباناتی عالم مشروعه خواه)	۳۱۰۰ 〃
۸۱	دو نامه مهندس کاظم حسیبی به آیت‌الله کاشانی و پاسخ آن	۶۰۰ 〃
۸۲	کودتای ۲۸ مرداد در آئینه تصویر	۲۹۰۰ 〃
۸۳	نقش فدائیان اسلام در تاریخ معاصر ایران	۹۰۰ 〃
۸۴	مجموعه مقالات همایش بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت نواب صفوی و فداییان اسلام اندیشه‌های سیاسی ـ اجتماعی	۲۰۰۰ 〃
۸۵	مدارس اسلامی در دوره‌ی پهلوی دوم	۱۵۰۰ 〃
۸۶	دهه سرنوشت‌ساز (بررسی تحولات سیاسی ایران در بهمن ۱۳۵۷)	۱۹۰۰ 〃
۸۷	استادان امام (مروری بر زندگی، آثار و اندیشه‌ها)	۱۷۰۰ 〃
۸۸	تجربه‌ی مشروطیت	۹۰۰ 〃
۸۹	نقش زنان در نهضت امام خمینی (ره)	۱۴۰۰ 〃
۹۰	اتحاد جماهیر شوروی و رضاشاه(بررسی روابط ایران‌وشوروی میان دو جنگ...)	۲۱۰۰ 〃
۹۱	مجموعه مقالات همایش بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت نواب صفوی و...(جلد ۳)	۲۳۰۰ 〃
۹۲	اندیشه و عملکرد فدائیان اسلام	۲۸۰۰ 〃
۹۳	مجموعه مقالات همایش بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت نواب صفوی و...(جلد ۲)	۳۶۰۰ 〃
۹۴	سیدمجتبی نواب صفوی، اندیشه‌ها، مبارزات و شهادت او	۲۲۰۰ 〃
۹۵	بازخوانی نهضت ملی ایران	۲۳۰۰ 〃
۹۶	شکنجه در رژیم شاه	۱۸۰۰ 〃
	تاریخ منطقه‌ای انقلاب اسلامی ایران	
۹۷	تاریخ انقلاب اسلامی در کاشان(جلد اول)	۳۵۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
۹۸	تاریخ انقلاب اسلامی در کاشان(جلد دوم)	۳۵۰۰تومان
۹۹	انقلاب اسلامی در ورامین	″ ۳۶۰۰
۱۰۰	انقلاب اسلامی در بجنورد	″ ۵۲۰۰
۱۰۱	انقلاب اسلامی در لرستان (جلد اول)	″ ۲۹۰۰
۱۰۲	انقلاب اسلامی در لرستان (جلد دوم)	″ ۲۶۰۰
۱۰۳	انقلاب اسلامی در سیرجان (۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی)	″ ۲۷۰۰
۱۰۴	انقلاب اسلامی در زنجان	″ ۵۰۰۰
۱۰۵	انقلاب اسلامی در اهواز (جلد ۱)	″ ۵۸۰۰
	جمهوری اسلامی ایران	
۱۰۶	ماجراهای هاشم آغاجری	″ ۵۰۰
۱۰۷	بازشناسی حکومت ولایی	″ ۱۶۰۰۰
۱۰۸	مجلس هفتم(جلد اول و جلد دوم)	″ ۷۲۰۰
۱۰۹	تحولات حوزه‌ی علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی	″ ۲۵۰۰
	سیاست و روابط خارجی	
۱۱۰	تحولات سیاست خارجی آمریکا	″ ۵۵۰
۱۱۱	سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی	″ ۷۰۰
۱۱۲	رفتارشناسی آمریکا در قبال نهضت ملی ایران	″ ۱۲۰۰
۱۱۳	نه شرقی، نه غربی	″ ۱۱۰۰
۱۱۴	روابط سیاسی ـ اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی	″ ۱۶۰۰
۱۱۵	بررسی روابط شاه با سازمانهای بین‌الملل حقوق بشر	″ ۱۰۰۰
۱۱۶	اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب اسلامی ایران	″ ۱۵۰۰
۱۱۷	روس و انگلیس در ایران	″ ۱۲۵۰
۱۱۸	ایران و سازمان‌های بین‌المللی	″ ۱۹۰۰
۱۱۹	گاه‌شمار سیاست خارجی ایران از دی ماه ۱۳۵۶ تا مرداد ماه ۱۳۶۷	″ ۳۰۰۰
۱۲۰	گاه‌شمار سیاست خارجی ایران از مرداد ماه ۱۳۶۷ تا خرداد ماه ۱۳۸۰	″ ۳۶۰۰
۱۲۱	چالشهای ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	″ ۱۲۰۰
۱۲۲	مناسبات ایران و اسرائیل در دوره‌ی پهلوی دوم	″ ۱۸۰۰
۱۲۳	سیاست حقوق بشر کارتر و انقلاب اسلامی ایران	″ ۱۲۰۰
۱۲۴	الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران	″ ۲۵۰۰
۱۲۵	سیاست در ایالات متحده آمریکا	″ ۲۷۰۰
۱۲۶	نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق ۱۳۷۸ـ ۱۳۷۵	″ ۲۳۰۰
۱۲۷	همه چیز فرو می‌ریزد	″ ۳۲۰۰
۱۲۸	سیاست صدور انقلاب اسلامی	″ ۱۲۰۰
۱۲۹	محور شرارت (روایت سلطه در جهان پس از ۱۱ سپتامبر)	″ ۲۱۰۰
۱۳۰	قدرت‌های بزرگ و جمهوری اسلامی ایران	″ ۱۷۰۰
۱۳۱	ژاندارم و ژنرال	″ ۱۶۰۰
۱۳۲	تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل	″ ۱۸۰۰
۱۳۳	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۶۸	″ ۱۹۰۰
۱۳۴	سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر	″ ۱۸۰۰
	سیاست و حکومت	
۱۳۵	سیاست و حکومت رژیم صهیونیستی	″ ۱۷۰۰
۱۳۶	سیاست و انتخابات در ایالات متحده آمریکا	″ ۱۲۰۰
	اقتصاد سیاسی	
۱۳۷	دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران	″ ۵۰۰
۱۳۸	نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی	″ ۸۰۰

قیمت	عنوان	ردیف
۲۵۰۰ تومان	اقتصاد و انقلاب اسلامی	۱۳۹
۱۰۰۰ 〃	اصلاحات اقتصادی رضاخان و تأثیر عوامل خارجی	۱۴۰
۱۳۰۰ 〃	از توسعه لرزان تا سقوط شتابان	۱۴۱
۱۰۰۰ 〃	بر لبه‌ی پرتگاه مصرف‌گرایی	۱۴۲
۱۶۰۰ 〃	از اعتصاب کارکنان صنعت نفت تا پیروزی انقلاب اسلامی	۱۴۳
۱۶۰۰ 〃	دولت پهلوی و توسعه اقتصادی	۱۴۴
۱۸۰۰ 〃	بررسی مقایسه‌ای توسعه‌ی اقتصادی در ایران و کره‌ی جنوبی (۱۳۴۱ـ ۱۳۵۷)	۱۴۵
	حقوق سیاسی	
۲۲۰۰ 〃	سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران	۱۴۶
۱۲۰۰ 〃	بررسی تطبیقی اصول محاکمات مدنی در قوانین مشروطه و انقلاب‌اسلامی	۱۴۷
۲۸۰۰ 〃	تحول نظام قضایی ایران جلد اول	۱۴۸
۱۹۰۰ 〃	تحول نظام قضایی ایران جلد دوم	۱۴۹
۱۴۰۰ 〃	حقوق و آزادیهای فردی از دیدگاه امام خمینی (ره)	۱۵۰
۱۴۰۰ 〃	تجدیدنظرهای چندگانه در قانون اساسی مشروطه	۱۵۱
۲۳۰۰ 〃	تفکیک قوا در حقوق ایران، آمریکا، فرانسه	۱۵۲
۱۶۰۰ 〃	تطبیق قوانین با شرع در نظام قانونگذاری ایران	۱۵۳
۲۰۰۰ 〃	دادسرا و دادگاه ویژه‌ی روحانیت	۱۵۴
۱۴۰۰ 〃	مجمع تشخیص مصلحت نظام (بررسی سیاسی ـ حقوقی جایگاه، ساختار و...)	۱۵۵
۲۱۰۰ 〃	سنای ایران جایگاه حقوقی و عملکرد سیاسی	۱۵۶
۱۸۰۰ 〃	شورای انقلاب اسلامی ایران	۱۵۷
۱۵۰۰ 〃	سه نظام در یک نگاه	۱۵۸
۱۵۰۰ 〃	مصونیت پارلمانی در ایران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	۱۵۹
۲۶۰۰ 〃	سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا	۱۶۰
۲۱۰۰ 〃	پاسداری از قوانین اساسی در نظام‌های سیاسی غرب و جمهوری‌اسلامی ایران	۱۶۱
۲۲۰۰ 〃	دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران	۱۶۲
۱۷۰۰ 〃	بررسی تطبیقی نظام انتخابات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه	۱۶۳
۱۶۰۰ 〃	سیر تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی	۱۶۴
	اندیشه سیاسی	
۱۲۰۰ 〃	ساختارهای قدرت	۱۶۵
۳۲۰۰ 〃	مبانی فراماسونری (چاپ دوم)	۱۶۶
۱۸۰۰ 〃	حکومت مقایسه‌ای	۱۶۷
۷۰۰ 〃	بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت از دیدگاه مطهری، شریعتی، سیدقطب	۱۶۸
۱۸۰۰ 〃	پارلمانتاریسم در ایران	۱۶۹
۱۵۰۰ 〃	درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)	۱۷۰
۷۰۰ 〃	تأملاتی بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)	۱۷۱
۱۰۰۰ 〃	تحول ناسیونالیسم در ایران	۱۷۲
۲۰۰۰ 〃	مذهب و مدرنیزاسیون در ایران	۱۷۳
۲۱۰۰ 〃	سازمان پرورش افکار	۱۷۴
۱۲۰۰ 〃	انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه محققان شوروی	۱۷۵
۳۲۰۰ 〃	رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	۱۷۶

ردیف	عنوان	قیمت
۱۷۷	اندیشه‌های سیاسی سیدقطب	۲۰۰۰ تومان
۱۷۸	نقد و بررسی ناسیونالیسم تجددخواه در عصر رضاشاه	۱۸۰۰ 〃
۱۷۹	امت و ملت در اندیشه‌ی امام خمینی(ره)	۲۳۰۰ 〃
۱۸۰	مبانی ایدئولوژیک حکومت در دوران پهلوی	۲۴۰۰ 〃
۱۸۱	رسائل سیاسی اسلامی در دوره‌ی پهلوی (۲ جلد)	۷۶۰۰ 〃
۱۸۲	جایگاه هولوکاست در پروژه‌ی صهیونیسم	۱۸۰۰ 〃
۱۸۳	امام خمینی (ره) و هویت ملی	۱۵۰۰ 〃
۱۸۴	نقد و ارزیابی نظریه‌ی کاریزمایی در تبیین رهبری امام خمینی(ره)	۲۰۰۰ 〃
۱۸۵	بررسی تطبیقی کارویژه‌های شورای نگهبان در ایران، فرانسه و آمریکا	۲۰۰۰ 〃
۱۸۶	تنبیه الامه تنزیه المله	۱۵۰۰ 〃
۱۸۷	رسائل سیاسی آیت‌الله شیخ محمد خالصی‌زاده	۱۸۰۰ 〃
	جهان اسلام	
۱۸۸	سازمان کنفرانس اسلامی	۹۵۰ 〃
۱۸۹	دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز	۹۰۰ 〃
۱۹۰	عراق، ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی	۱۴۰۰ 〃
۱۹۱	مناسبات امام خمینی (ره) با حرکت‌ها و مبارزان اسلامی(۱۳۴۳ـ ۱۳۵۷)	۱۵۰۰ 〃
۱۹۲	اخراج ایرانیان از عراق	۲۴۰۰ 〃
	هنر و ادبیات سیاسی	
۱۹۳	توصیف خاکیان از آفتاب	۱۸۰۰ 〃
۱۹۴	شعر سیاسی در دوره‌ی پهلوی دوم	۱۹۰۰ 〃
۱۹۵	درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی	۱۶۰۰ 〃
۱۹۶	چراغ عجم	۱۸۰۰ 〃
۱۹۷	سینمای دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ـ ۱۳۸۰)	۱۹۰۰ 〃
۱۹۸	فرآیند تعامل سینمای ایران و حکومت پهلوی	۲۸۰۰ 〃
	جامعه‌شناسی سیاسی	
۱۹۹	فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی	۱۰۰۰ 〃
۲۰۰	دولت رضاشاه و نظام ایلی	۱۲۰۰ 〃
۲۰۱	طبقات اجتماعی و رژیم شاه	۱۴۰۰ 〃
۲۰۲	مسجد و انقلاب اسلامی	۱۲۰۰ 〃
۲۰۳	علل تشکیل و انحلال جبهه ملی ایران	۶۰۰ 〃
۲۰۴	نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی ایران	۱۸۰۰ 〃
۲۰۵	ارتش و انقلاب اسلامی	۲۲۰۰ 〃
۲۰۶	بهائیت در ایران	۲۱۰۰ 〃
۲۰۷	جنبش دانشجویی در ایران از تأسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی	۲۰۰۰ 〃
۲۰۸	دولت و نیروهای اجتماعی در عصر پهلوی اول	۱۳۰۰ 〃
۲۰۹	تئوری‌های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم	۱۵۰۰ 〃
۲۱۰	انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی	۱۵۰۰ 〃
۲۱۱	قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی	۲۳۰۰ 〃
۲۱۲	جایگاه حقوقی ـ سیاسی شوراها در جمهوری اسلامی ایران	۱۷۰۰ 〃
۲۱۳	نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی ایران	۲۰۰۰ 〃
۲۱۴	حقوق سیاسی ـ اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران	۱۸۰۰ 〃
۲۱۵	روشن‌فکری و سیاست (بررسی تحولات روشن‌فکری در ایران معاصر)	۲۵۰۰ 〃
۲۱۶	مهاجرت روستاییان به شهرها وتأثیرات اقتصادی‌وسیاسی آن دردورهٔ پهلوی دوم	۱۷۰۰ 〃
۲۱۷	مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	۱۸۰۰ 〃
۲۱۸	رفتار سیاسی شهید مطهری و انقلاب اسلامی ایران	۲۲۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
۲۱۹	قدرت سرکوب رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی	۲۰۰۰ تومان
۲۲۰	گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران	۱۷۰۰ 〃
۲۲۱	اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و پدرخوانده‌ها	۱۸۰۰ 〃
	احزاب و گروهها	
۲۲۲	استالینیسم و حزب توده ایران	۵۰۰ 〃
۲۲۳	حزب پان ایرانیست	۹۰۰ 〃
۲۲۴	احزاب دولتی و نقش آن در تاریخ معاصر	۱۰۰۰ 〃
۲۲۵	حزب مردم	۱۹۰۰ 〃
۲۲۶	سازمان مجاهدین خلق ایران	۲۰۰۰ 〃
۲۲۷	مجاهدین خلق در آئینه‌ی تاریخ	۳۵۰۰ 〃
۲۲۸	شرح تاریخچه‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران و مواضع آن	۱۰۰۰ 〃
۲۲۹	جمعیت فدائیان اسلام به روایت تصویر	۲۳۰۰ 〃
۲۳۰	جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم جلد هفتم (مجموعه‌ی بیانیه‌های ۱۳۶۹_۱۳۷۶)	۲۱۰۰ 〃
۲۳۱	جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم جلد هشتم (مجموعه‌ی بیانیه‌های ۱۳۸۴_۱۳۷۷)	۲۵۰۰ 〃
۲۳۲	جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم جلد سوم (زندگی‌نامه‌ی اعضای جامعه‌ی مدرسین)	۳۶۰۰ 〃
۲۳۳	جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم جلد چهارم (مجموعه‌ی بیانیه‌های ۱۳۴۱_۱۳۵۷)	۲۰۰۰ 〃
۲۳۴	جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم جلد پنجم (مجموعه‌ی بیانیه‌های ۱۳۵۸_۱۳۶۱)	۲۶۰۰ 〃
۲۳۵	جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم جلد ششم (مجموعه‌ی بیانیه‌های ۱۳۶۲_۱۳۶۸)	۲۷۰۰ 〃
۲۳۶	جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم جلد اول (مجموعه‌ی بیانیه‌های ۱۳۵۷_ ۱۳۴۱)	۴۰۰۰ 〃
۲۳۷	جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم جلد دوم (از آغاز تاکنون فعالیتها ۱۲۸۴_۱۳۵۷)	۸۸۰۰ 〃
۲۳۸	سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از تأسیس تا انحلال (۱۳۵۸_ ۱۳۶۵)	۲۲۰۰ 〃
۲۳۹	جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران از شکل‌گیری تا انشعاب	۲۰۰۰ 〃
	شخصیت‌ها	
۲۴۰	مفاخر اسلام جلد ۱	۱۵۰۰ 〃
۲۴۱	مفاخر اسلام جلد ۲	۲۵۰۰ 〃
۲۴۲	مفاخر اسلام جلد ۳	۲۲۰۰ 〃
۲۴۳	مفاخر اسلام جلد ۴	۲۵۰۰ 〃
۲۴۴	مفاخر اسلام جلد ۷ (دانشمندان لاهیجان)	۱۲۰۰ 〃
۲۴۵	مفاخر اسلام جلد ۸ (علامه مجلسی)	۱۲۰۰ 〃
۲۴۶	مفاخر اسلام جلد ۹ (وحید بهبهانی)	۳۵۰۰ 〃
۲۴۷	مفاخر اسلام جلد ۱۱ بخش اول (حاج‌شیخ عباس قمی، زندگینامه)	۲۵۰۰ 〃
۲۴۸	مفاخر اسلام جلد ۱۱ بخش دوم (حاج‌شیخ عباس قمی، گزیده آثار)	۲۵۰۰ 〃
۲۴۹	مفاخر اسلام جلد ۱۲ (آیت‌الله العظمی بروجردی)	۲۸۰۰ 〃
۲۵۰	زندگی و مبارزات آیت‌الله قاضی‌طباطبائی	۲۲۰۰ 〃
۲۵۱	مرآت‌الاحوال جهان‌نما	۱۵۰۰ 〃
۲۵۲	تاریخ و سفرنامه حزین (شیخ محمدعلی حزین لاهیجی)	۱۱۰۰ 〃
۲۵۳	حاج شیخ عبدالکریم حائری	۷۵۰ 〃
۲۵۴	زندگی‌نامه‌ی سیاسی شهید هاشمی‌نژاد	۲۳۰۰ 〃
۲۵۵	سیداسدالله خرقانی (روحانی نوگرای روزگار مشروطه و رضاشاه)	۱۶۰۰ 〃
۲۵۶	مصدق و خاندان مستوفیان آشتیانی	۱۸۰۰ 〃
۲۵۷	زندگی‌نامه‌ی سیاسی شهید رجایی	۲۱۰۰ 〃
۲۵۸	زندگی و مبارزات حجةالاسلام والمسلمین شهید مهدی شاه‌آبادی	۱۵۰۰ 〃
۲۵۹	شهید دکتر محمدجواد باهنر (مبارزات، مواضع و دیدگاه‌ها)	۲۵۰۰ 〃
۲۶۰	زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید دکتر محمد مفتح	۳۲۰۰ 〃
۲۶۱	زندگینامه‌ی شهید آیت‌الله علی قدوسی	۱۹۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
۲۶۲	یادواره‌ی شهید نواب صفوی	۲۳۰۰ تومان
۲۶۳	رهبری به نام نواب	۱۵۰۰ ″
۲۶۴	دست‌بوس (زندگی امیر عباس هویدا)	۸۰۰ ″
۲۶۵	زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله بهشتی	۷۰۰ ″
۲۶۶	مبارزات آیت‌الله سیدیونس اردبیلی به روایت اسناد و خاطرات	۸۰۰ ″
۲۶۷	زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید سیداسدالله مدنی	۱۹۰۰ ″
۲۶۸	عروج از زندان «زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله سعیدی»	۱۵۰۰ ″
۲۶۹	کافی واعظ شهیر	۲۰۰۰ ″
۲۷۰	آیت‌الله کاشانی به روایت اسناد و خاطرات(جلد دوم)	۳۸۰۰ ″
۲۷۱	حجت‌الاسلام سیدعبدالعلی آیت‌اللهی	۱۶۰۰ ″
	دفاع مقدس	
۲۷۲	مدرسه عشق (زندگی‌نامه شهید تیمسار سرلشکر سیدموسی نامجو)	۱۲۰۰ ″
۲۷۳	امیرخستگی‌ناپذیر (زندگی‌نامه شهید سرلشکر ولی‌الله فلاحی)	۱۲۰۰ ″
۲۷۴	خاطرات سپهبد شهید صیاد شیرازی	۵۰۰ ″
۲۷۵	بر فراز کنگرک	۸۰۰ ″
۲۷۶	منظومه عشق	۶۰۰ ″
۲۷۷	یاد آن روزها	۱۰۰۰ ″
۲۷۸	زندگی‌نامه و خاطراتی از شهید اقارب‌پرست	۱۳۰۰ ″
۲۷۹	یاد یاران	۱۰۰۰ ″
۲۸۰	مرد ره	۱۳۰۰ ″
۲۸۱	میان خون	۱۴۰۰ ″
۲۸۲	باید رفت	۱۰۰۰ ″
۲۸۳	نبرد میمک	۹۰۰ ″
۲۸۴	سرود آزادی	۷۰۰ ″
۲۸۵	تپه‌ی سبز	۹۰۰ ″
۲۸۶	شیر صحرا	۱۱۰۰ ″
۲۸۷	دلاوران حاج عمران	۱۰۰۰ ″
۲۸۸	لشکر نه نفره	۱۳۰۰ ″
۲۸۹	کوچه‌ی مرگ	۷۵۰ ″
۲۹۰	در محاصره	۹۵۰ ″
۲۹۱	چزابه	۱۵۰۰ ″
۲۹۲	اهالی آسمان (زندگی‌نامه شهدای هوانیروز)	۲۹۰۰ ″
۲۹۳	سکوت رادیویی	۱۳۰۰ ″
۲۹۴	اردوگاه عنبر (خاطرات آزادگان هوانیروز)	۹۰۰ ″
۲۹۵	شکارچی	۶۰۰ ″
۲۹۶	پرواز در پرواز	۱۴۰۰ ″
۲۹۷	پل شناور	۱۰۰۰ ″
۲۹۸	تقویم تاریخ دفاع مقدس (آخرین روزهای صلح)	۳۵۰۰ ″
۲۹۹	تقویم تاریخ دفاع مقدس (غرش توپها)	۴۷۰۰ ″
۳۰۰	تقویم تاریخ دفاع مقدس (پل‌های تسخیرناپذیر)	۴۰۰۰ ″
۳۰۱	تقویم تاریخ دفاع مقدس (تثبیت متجاوز)	۴۵۰۰ ″
۳۰۲	تقویم تاریخ دفاع مقدس (گام‌های نخستین)	۶۰۰۰ ″
	خاطرات	
۳۰۳	خاطرات و مبارزات شهید محلاتی	۹۰۰ ″
۳۰۴	خاطرات و مبارزات حجةالاسلام فلسفی (چاپ چهارم)	۷۰۰۰ ″
۳۰۵	خاطرات امام کائوپانگ	۴۰۰ ″

ردیف	عنوان	قیمت
۳۰۶	خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی	۱۴۰۰ تومان
۳۰۷	خاطرات حجةالاسلام سیدعلی اصغر دستغیب	« ۶۰۰
۳۰۸	ماجرای قتل سردار اسعد بختیاری	« ۱۴۰۰
۳۰۹	خاطرات عبدخدایی	« ۱۵۰۰
۳۱۰	هفتاد سال خاطره (آیت‌الله سیدحسین بدلا)	« ۹۰۰
۳۱۱	خاطرات حجةالاسلام عمید زنجانی	« ۱۶۰۰
۳۱۲	خاطرات آیت‌الله یزدی	« ۳۰۰۰
۳۱۳	خاطرات آیت‌الله میانجی	« ۱۳۰۰
۳۱۴	خاطرات شهید سیدمحمد واحدی	« ۱۱۰۰
۳۱۵	خاطرات آیت‌الله سیدعباس خاتم یزدی (ره)	« ۱۳۰۰
۳۱۶	خاطرات مرحوم حجةالاسلام موحدی ساوجی	« ۲۰۰۰
۳۱۷	خاطرات آیت‌الله مسعودی خمینی	« ۲۳۰۰
۳۱۸	خاطرات حجةالاسلام جعفر شجونی	« ۱۵۰۰
۳۱۹	خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی	« ۲۷۰۰
۳۲۰	خاطرات علی جنتی	« ۱۶۰۰
۳۲۱	خاطرات حجةالاسلام و المسلمین سیدسجاد حججی	« ۱۶۰۰
۳۲۲	خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی	« ۱۵۰۰
۳۲۳	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان	« ۲۶۰۰
۳۲۴	خاطرات حجةالاسلام علی‌اکبر ناطق نوری	« ۲۱۰۰
۳۲۵	خاطرات حجةالاسلام حسینی همدانی	« ۱۷۰۰
۳۲۶	خاطرات حجةالاسلام محسن دعاگو	« ۲۵۰۰
۳۲۷	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین پورهادی	« ۱۶۰۰
۳۲۸	جام شکسته (خاطرات حجةالاسلام عبدالمجید معادیخواه) (جلد اول)	« ۳۷۰۰
۳۲۹	خاطرات سرهنگ محمدمهدی کتیبه	« ۱۸۰۰
۳۳۰	از غبار تا باران (خاطرات دکتر عبدالله جاسبی)(چاپ دوم)	« ۱۹۰۰
۳۳۱	حدیث رویش	« ۲۵۰۰
۳۳۲	خاطرات حاج احمد قدیریان	« ۲۱۰۰
۳۳۳	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین رسول منتجب‌نیا	« ۱۹۰۰
۳۳۴	عبور از شط شب (خاطرات علی‌محمد بشارتی جهرمی)	« ۲۳۰۰
۳۳۵	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین مرحوم سیدمنیرالدین شیرازی	« ۲۰۰۰
۳۳۶	خاطره‌ها(جلد اول)	« ۴۰۰۰
۳۳۷	از جنوب لبنان تا جنوب ایران(خاطرات سردار سرلشکر سیدیحیی(رحیم) صفوی	« ۲۰۰۰
۳۳۸	خاطرات نیرةالسادات احتشام رضوی (همسر شهید نواب صفوی)	« ۱۶۰۰
۳۳۹	خاطرات محسن رفیق‌دوست	« ۱۸۰۰
۳۴۰	خاطرات آیت‌الله سیدهاشم رسولی محلاتی	« ۱۳۰۰
۳۴۱	خورشیدواره خاطرات طاهره سجادی(غیوران)	« ۱۹۰۰
۳۴۲	خاطرات محمدحسن خاکساران	« ۲۲۰۰
۳۴۳	خاطرات آیت‌الله احمد صابری همدانی	« ۲۰۰۰
۳۴۴	خاطرات ابوالفضل توکلی‌بینا	« ۱۹۰۰
۳۴۵	خاطرات محمدرضا اعتمادیان	« ۱۱۰۰
۳۴۶	جام شکسته (خاطره‌های عبدالمجید معادیخواه) (جلد دوم)	« ۳۳۰۰
۳۴۷	خاطرات حجةالاسلام دری نجف	« ۲۱۰۰

ردیف	عنوان	قیمت
۳۴۸	خاطرات دکتر محمود شروین	۲۵۰۰ تومان
۳۴۹	خاطرت حجةالاسلام حسنی امام جمعه ارومیه	〃 ۳۱۰۰
۳۵۰	خاطرات آیت‌الله اسماعیل صالحی مازندرانی	〃 ۲۵۰۰
۳۵۱	خاطرات علی دانش‌منفرد	〃 ۱۴۰۰
۳۵۲	خاطرات عزت شاهی (مطهری)	〃 ۱۸۰۰
۳۵۳	خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی (جلد دوم)	〃 ۲۸۰۰
۳۵۴	خاطرات آیت‌الله سیدحسین موسوی کرمانی	〃 ۱۴۰۰
۳۵۵	خاطرات دکتر احمد توکلی	〃 ۱۶۰۰
۳۵۶	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین علی‌اکبر ناطق‌نوری (جلد دوم)	〃 ۳۴۰۰
۳۵۷	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین محمد سمامی	〃 ۱۶۰۰
۳۵۸	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین غلامحسین جمی	〃 ۱۹۰۰
۳۵۹	خاطرات آیت‌الله علی آل‌اسحق	〃 ۲۲۰۰
۳۶۰	خاطره‌ها «جلد دوم» (نفوذی‌های حزب توده در نیروهای مسلح)	〃 ۲۹۰۰
۳۶۱	خاطرات سیدابوفاضل رضوی اردکانی	〃 ۱۱۰۰
۳۶۲	خاطرات محمد پیشگاهی‌فرد	〃 ۱۹۰۰
۳۶۳	خاطرات آیت‌الله مسلم ملکوتی	〃 ۱۸۰۰
۳۶۴	خاطرات آیت‌الله محمدتقی شاهرخی خرم‌آبادی	〃 ۲۱۰۰
۳۶۵	همگام با مردم در انقلاب اسلامی (جلد اول) تا سقوط خدایگان	〃 ۲۳۰۰
۳۶۶	خاطره‌ها، جلد سوم (تأسیس وزارت اطلاعات‌تا مقابله با شبکه‌های جاسوسی و تروریستی)	〃 ۳۶۰۰
۳۶۷	خاطرات حاج علی‌اکرام علی‌اف	〃 ۱۸۰۰
۳۶۸	خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی	〃 ۳۹۰۰
۳۶۹	خاطرات حجةالاسلام شیخ احمد سالک	〃 ۱۹۰۰
۳۷۰	خاطرات آیت‌الله نورمفیدی جلد اول از تولد تا پیروزی انقلاب	〃 ۲۵۰۰
۳۷۱	خاطرات احمد ملکی مدیر روزنامه ستاره (تاریخچه جبهه‌ی ملی...)	〃 ۱۵۰۰
۳۷۲	خاطرات آیت‌الله شیخ مرتضی بنی‌فضل	〃 ۱۹۰۰
۳۷۳	آئینه‌دار مهر (خاطرات آیت‌الله غیوری)	〃 ۱۸۰۰
۳۷۴	خاطرات زندگی صبحی و تاریخ: بابیگری و بهائیگری	〃 ۳۵۰۰
۳۷۵	حال اهل دل(مروری بر خاطرات و اشعار حمید سبزواری)	〃 ۱۸۰۰
۳۷۶	همگام با مردم در انقلاب اسلامی (جلد دوم)	〃 ۳۵۰۰
۳۷۷	ده دوران خاطرات و مخاطرات	〃 ۳۷۰۰
۳۷۸	خاطرات حجت‌الاسلام جعفری اصفهانی	〃 ۱۸۰۰
	اسناد	
۳۷۹	ما گرفتار یک جنگ واقعی روانی شده‌ایم	〃 ۲۲۰
۳۸۰	تصمیم شوم، جمعه خونین	〃 ۳۰۰
۳۸۱	آیا او تصمیم دارد بیاید به ایران	〃 ۲۸۰
۳۸۳_۳۸۲	تاریخ قیام ۱۵ خرداد (دوره ۲ جلدی)	〃 ۵۰۰۰
۳۸۶_۳۸۴	شریعتی به روایت اسناد (دوره ۳ جلدی)	〃 ۵۴۰۰
۳۸۷	استاد شهید به روایت اسناد (چاپ دوم)	〃 ۲۵۰۰
۳۸۸	زندگی و مبارزات شهید اندرزگو	〃 ۱۰۰۰
۳۸۹	شهید صدوقی (عملکرد، مبارزات و دیدگاهها)	〃 ۱۲۰۰
۳۹۰	جامعه تعلیمات اسلامی(شیخ عباسعلی اسلامی و نقش ایشان در انقلاب اسلامی)	〃 ۱۵۰۰
۳۹۱	نقش بازار در قیام ۱۵ خرداد	〃 ۲۵۰۰
۳۹۲	همکاری ساواک و موساد	〃 ۲۱۰۰
۳۹۳	مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد	〃 ۳۹۰۰
۳۹۵_۳۹۴	جمعیت فدائیان اسلام به روایت اسناد (دوره ۲ جلدی)	〃 ۴۸۰۰
۳۹۶	زندگی‌نامه‌ی آیت‌الله العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی(ره)	〃 ۳۸۰۰
۳۹۷	جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی (نیروی سوم)	〃 ۲۳۰۰
۳۹۸	نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی	〃 ۲۱۰۰
۳۹۹	فعالیت‌های سیاسی ـ اجتماعی محمد نخشب به روایت اسناد	〃 ۲۵۰۰
۴۰۰	سیداحمد خوانساری به روایت اسناد	〃 ۱۶۰۰
۴۰۱	زندگی و عملکرد حسنعلی منصور به روایت اسناد	〃 ۱۹۰۰

ردیف	عنوان	قیمت
۴۰۲	اللهیار صالح به روایت اسناد	۲۹۰۰ تومان
۴۰۳	حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران(سومکا)	۵۷۰۰ «
۴۰۴	حزب ملیون به روایت اسناد	۳۱۰۰ «
۴۰۵	حزب ایران به روایت اسناد ساواک	۳۲۰۰ «
۴۰۶	مفاسد خاندان پهلوی	۳۵۰۰ «
۴۰۷	حجةالاسلام غلامحسین جعفری همدانی به روایت اسناد	۲۲۰۰ «
۴۰۸	حزب پان ایرانیست به روایت اسناد	۱۹۰۰ «
۴۰۹	حزب رستاخیز ملت ایران (جلد اول)	۲۷۰۰ «
۴۱۰	حزب رستاخیز ملت ایران (جلد دوم)	۲۷۰۰ «
۴۱۱	آخرین ارتشبد عباس قرهباغی به روایت اسناد	۲۵۰۰ «
۴۱۲	قیام مسجد گوهرشاد به روایت اسناد	۲۶۰۰ «
۴۱۳	مبارزات امام خمینی(ره) به روایت اسناد	۳۲۰۰ «
۴۱۴	حزب برادران شیراز به روایت اسناد	۱۰۰۰ «
	دانستنیهای انقلاب اسلامی برای جوانان	
۴۱۵	ستاره صبح انقلاب	۲۲۰ «
۴۱۶	صورتک	۲۵۰ «
۴۱۷	ساواک	۳۰۰ «
۴۱۸	سند بردگی	۳۰۰ «
۴۱۹	مثنوی بی‌تابی	۳۰۰ «
۴۲۰	قلب روشن دانا	۳۰۰ «
۴۲۱	کشف حجاب	۳۰۰ «
۴۲۲	در گوادلوپ چه گذشت	۶۰۰ «
۴۲۳	تبریز در خون	۳۰۰ «
۴۲۴	دولت صالحان	۳۰۰ «
۴۲۵	آن سوی آفتاب	۸۰۰ «
۴۲۶	یاس در قفس	۳۰۰ «
۴۲۷	رهبر الهی	۵۰۰ «
۴۲۸	سوخته عشق	۳۰۰ «
۴۲۹	مبارز نستوه	۳۰۰ «
۴۳۰	پلنگ سیاه	۳۰۰ «
۴۳۱	گلبانگ سربلندی	۳۰۰ «
۴۳۲	چکمه‌ی سیا	۴۵۰ «
۴۳۳	آذرخشی بر تاریکی	۴۰۰ «
۴۳۴	شیفته خدمت	۷۰۰ «
۴۳۵	حدیث عاشقی	۴۵۰ «
۴۳۶	پیام‌آور امید	۴۰۰ «
۴۳۷	سیری در اندیشه‌های استاد مطهری	۴۰۰ «
۴۳۸	تا آسمان	۴۵۰ «
۴۳۹	روزهای سیاه، روزهای سپید	۷۰۰ «
۴۴۰	یک فتوا یک اراده	۴۰۰ «
۴۴۱	یک روز تأخیر	۵۰۰ «
۴۴۲	دو هفته تا مهر	۳۰۰ «
۴۴۳	از کویر تا بهشت	۶۰۰ «

ردیف	عنوان	قیمت
۴۴۴	بن‌بست غرور	۶۰۰ تومان
۴۴۵	مثل باران	۶۰۰ 〃
۴۴۶	رؤیاهای بر باد رفته	۶۰۰ 〃
۴۴۷	خمینی آذربایجان	۴۵۰ 〃
۴۴۸	از محراب تا معراج	۵۰۰ 〃
۴۴۹	برق غیرت	۴۵۰ 〃
۴۵۰	مسافر ملکوت	۳۰۰ 〃
۴۵۱	پا به پای ستاره	۸۰۰ 〃
۴۵۲	دربار به روایت دربار (فساد اخلاقی)	۶۰۰ 〃
۴۵۳	دربار به روایت دربار (فساد سیاسی)	۷۰۰ 〃
۴۵۴	سیری در اندیشه‌های شریعتی	۶۰۰ 〃
۴۵۵	ستاره‌ای بر دار	۴۰۰ 〃
۴۵۶	کودتای شب	۶۰۰ 〃
۴۵۷	سال‌های خاکستری	۷۰۰ 〃
۴۵۸	همپای ذوالفقار	۵۰۰ 〃
۴۵۹	دربار به روایت دربار (فساد مالی اقتصادی)	۹۰۰ 〃
۴۶۰	شاهد عتیق	۷۰۰ 〃
۴۶۱	عروس آخر	۷۰۰ 〃
۴۶۲	یار قدوسیان	۵۰۰ 〃
۴۶۳	خرم، ولی خونین	۸۰۰ 〃
۴۶۴	بازیچه‌ی شهبانو، جشن هنر شیراز	۴۰۰ 〃
۴۶۵	نواب: اسطوره‌ی مهر	۴۰۰ 〃
۴۶۶	شقایق در محراب (حیات و سیره‌ی دومین شهید محراب آیت‌الله مدنی)	۱۱۰۰ 〃
۴۶۷	عاشق‌ترین صیاد	۷۰۰ 〃
۴۶۸	توت‌فرنگی‌های روی دیوار	۸۰۰ 〃
۴۶۹	ششهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)	۶۰۰ 〃
۴۷۰	رساله‌ی ناتمام (زندگی‌نامه‌ی شهید دکتر سیدرضا پاک‌نژاد)	۷۰۰ 〃
۴۷۱	عقاب در آتش	۶۰۰ 〃
۴۷۲	داستان یک مرداب	۹۰۰ 〃
۴۷۳	۵۳ سال عصر پهلوی به روایت دربار	۸۰۰ 〃
۴۷۴	دکتر علی شریعتی	۶۰۰ 〃
	داستان‌های انقلاب اسلامی	
۴۷۵	برگی از باغ	۵۰۰ 〃
۴۷۶	شریف جان سلام	۷۵۰ 〃
۴۷۷	سربالایی جنگ	۷۰۰ 〃
	تاریخ اسلام	
۴۷۸	تاریخ سیاسی تشیع	۲۰۰۰ 〃
۴۷۹	چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه	۳۳۰۰ 〃
	مرجع	
۴۸۰	یادنامه شهدای قم	۹۰۰ 〃
۴۸۱	تقویم تاریخ خراسان	۱۵۰۰ 〃
۴۸۲	کتابشناسی ۱۵ خرداد	۴۰۰ 〃
۴۸۵_۴۸۳	انقلاب اسلامی در پایان‌نامه‌های دانشگاهی جهان (دوره ۳ جلدی)	۴۴۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
۴۸۶	فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی	۲۲۰۰ تومان
۴۸۷	اسناد انقلاب اسلامی جلد اول (بیانیه‌ها، نامه‌ها... آیات عظام و مراجع تقلید)	۱۱۵۰ «
۴۸۸	اسناد انقلاب اسلامی جلد دوم (بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها... علمای شهرها)	۱۱۵۰ «
۴۸۹	اسناد انقلاب اسلامی جلد سوم (بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها... کثیرالامضاء)	۱۱۵۰ «
۴۹۰	اسناد انقلاب اسلامی جلد چهارم (بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها... مجامع مذهبی)	۱۱۵۰ «
۴۹۱	اسناد انقلاب اسلامی جلد پنجم (بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها... مراجع تقلید)	۷۰۰ «
۴۹۲	فراماسونرها، روتارینها و لاینزهای ایران	۲۲۰۰ «
۴۹۳	علمای مجاهد	۶۰۰۰ «
۴۹۴	شیوه‌نامه‌ی نگارش، پانوشت، کتابشناسی و صفحه‌پردازی مرکز...	۵۰۰ «

دفتر فروش تلفن / فکس ۲۲۲۱۱۱۷۴ (پیام‌گیر شبانه‌روزی)

شماره حساب: جاری ۳۰۵۹۰۲۲۶ نزد بانک رفاه کارگران شعبه تجریش

به نام انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

و

جام به شماره‌ی ۳۸۴۸۹۰۶۷ نزد بانک ملت شعبه پل رومی

ABSTRACT:

Intelligence, security establishment is one of the most important pillars of any system and it can be counted as the ears and eyes of the ruling system.

After the victory of the Islamic Revolution of Iran, the quislings of the internal elements, by taking directions from the East and West superpowers, set for dissuading the Iranian nation from supporting the Islamic Revolution of Iran by engaging in acts of terrorism and creating spy networks.

They also tried to jeopardize the existence of the Islamic Iran by transferring the critical intelligence to the enemies.

In such period in which a formidable intelligence establishment did not exist and every one of the government organs was also active in this area according to its own duty, Mr. Rayshahri, under the supervision of Imam Khomeini (may Allah bless him), and with the approval of the parliament (Majles) tried to establish intelligence establishments.

This book covers the establishment, barriers and functions of the Ministry of Intelligence.

Memorise

Vol.3

(The foundation of Information Ministry, Confronting to Spy and Terroristic Networks and foundation of Clergies Especial Court)

By:

Mohammad Mohammadi Reishahri

The Center for
Islamic Revolution Documents

October 2007